

پیر ۱۴۰۲
شماره ۳۴۵۹ - سال شصت و نهم
شبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۲

۳۰۰۰ تومان

۸۴ صفحه

کیمسان ورزشی

ISSN: 10249842



www.Kayhanvarzeshi.ir



خسروی وفا: برای این مردم کاری نکرده ایم، حلال مان کنند قلعه نویی: من هم اشتباهات زیادی داشتم

● دو قدم مانده به عید در خلوتکده سلطان

● پروین: چهار کلمه در ددل، می ارزد به هزار تا استوری!

● گفت و گو با علی اکبری، مبارزی که رمز پیروزی هایش

«یا حیدر کرار» است

● خالق «جدی می فرمایید؟»: «دیوید تیلور» از حرف های من

ترسیده است!

● گپی با «حشمت مهاجرانی» در حومه تیم ملی

● حرف های آخر سالی سریع ترین بانوی ایرانی

● به همراه گزارش هایی از اکران فوتبال سال «پرویز خان»، رویای ورزشگاه ۱۲۰ هزار نفره، کارگری

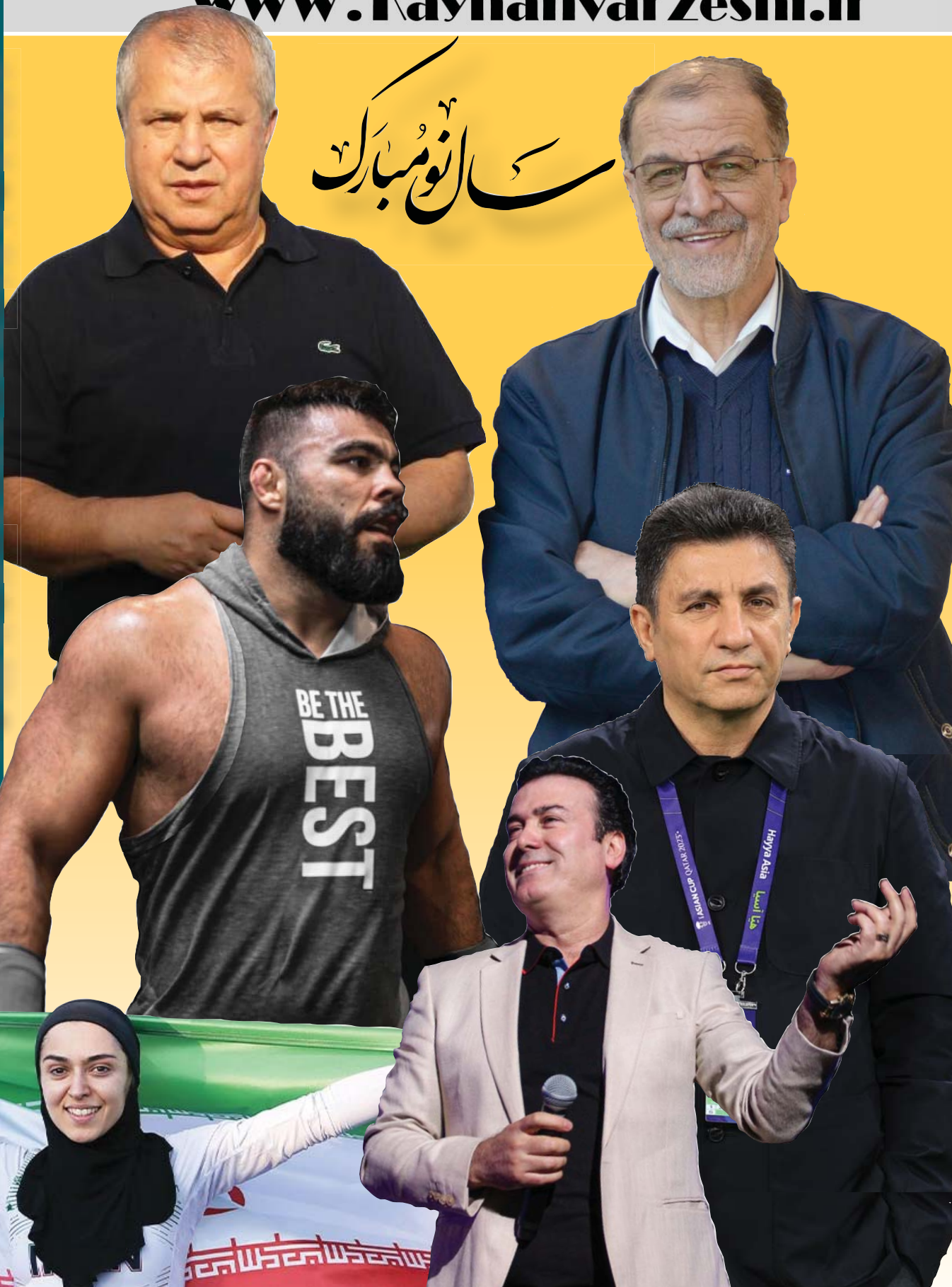
که «هادی چوپان» شد و ...

● ناگفته های محسن کاوه از تیم ملی کشتی آزاد

● همه چیز از دربی دم عید نسخه «رحیم شهریاری»

خواننده محبوب تبریزی ها برای اوج گیری تراکتور را بخوانید

سال نو مبارک



دعای تحویل سال، نقشه راه ورزش



مجمع آموزشی ریاضی محور آتیه سازان (میرداماد تهران) تمام هوشمند

دوره اول دبیرستان

دبستان

پیش دبستان

حضور آنلاین

با قبولی هر ساله بالای ۵۰ درصد داوطلبین در مدرسه تیزهوشان

۶۰٪ ایرانیان بسیار باهوش هستند

فرزند شما هم یکی از همین باهوش ها می باشد
با ثبت نام در مدرسه آتیه سازان آینده ای موفق و هدفمند
برای فرزندان شما رقم بزنید
(آموزش آنلاین برای کسانی که امکان حضور ندارند)

برای کسب اطلاعات بیشتر و پیشی ثبت نام اینترنتی
به آدرس زیر مراجعه فرمائید



www.atsa-school.ir

تلفن ۵۱-۲۱۲۲۹۲۵۴۴۸

تهران - بلوار میرداماد خیابان امیر سهیل تبریزیان خیابان مسعود کوچه نیکنام مدرسه آتیه سازان

■ اگر می توانید هر روز را نوروز کنید؛ یعنی در راه خدا به یکدیگر هدیه بدهید و با یکدیگر پیوند داشته باشید

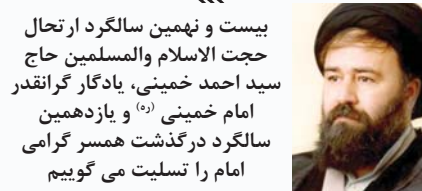
دعائم الاسلام، ج. ۲، ص. ۳۲۶



لحظه تحویل سال ۱۴۰۳ هجری شمسی به ساعت رسمی جمهوری اسلامی ایران ساعت ۰۶ و ۳۶ دقیقه و ۲۶ ثانیه روز چهارشنبه اول فروردین ماه ۱۴۰۳ هجری شمسی است.



■ طراحی جلد از علیرضا راعی



بیست و نهمین سالگرد ارتحال
حجت الاسلام والمسلمین حاج
سید احمد خمینی، یادگار گرانقدر
امام خمینی (ره) و یازدهمین
سالگرد درگذشت همسر گرامی
امام را تسلیت می گوئیم

- شماره بعدی مجله**
شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
منتشر خواهد شد
- صاحب امتیاز: موسسه کیهان
 - مدیرمسئول: سیدمحمدسعیدعلیملنی
 - آدرس پستی
 - تهران - خیابان فردوسی - کوچه شهید شاهچراغی
 - موسسه کیهان - کیهان ورزشی
 - صندوق پستی ۱۳۶۵۳۳۳۱
 - فاکس مدیرمسئول ۳۳۱۱۷۶۰۰
 - پست تصویری
 - ۳۳۱۱۴۲۲۸ - ۳۳۱۱۱۱۲۰
 - تلفن دفتر مدیر مسئول ۳۳۱۱۲۲۰۰
 - تلفن ۳۳۱۱۰۲۴۶ - ۳۳۹۴۲۰۰۴
 - سازمان آگهی ها
 - ۳۳۱۱۸۰۵۰ - ۳۳۱۱۰۲۱۰

وقت آن شد که به گل حکم شکفتن بدهی
ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی ها

یک بار برای همیشه



■ سیدمحمدسعید مدنی

سلامت، روان شدن حرکت چرخ ها و تحکیم ساختار و تقویت بنیه ورزش کمک می کند. متأسفانه تاکنون این کارهای مهم و ساختار ساز و اصلاحی صورت نگرفته است. جالب اینجاست که تقریباً همه مسئولان ورزش به این امور آگاهند و به ضرورت انجام آنها هم واقف و معترف هستند اما در این باره در کمال تعجب و تأسف اقدامی انجام نمی دهند! چرا؟ این چرایی است که هنوز پاسخ روشن و دقیقی برای آن وجود ندارد ولی می شود گفت ظاهراً اراده و تفکراتی هست که به هر دلیل (سیاسی، اقتصادی و...) و در هر حال غیر ورزشی!) نمی خواهند هیچ مشکل معطل مانده ای حل شود و مانع از سروسامان گرفتن ورزش و مثلاً پایان بلاتکلیفی مالکیتی و مدیریتی دو تیم نامبرده می شوند و با نفوذی که در اینجا و آنجا دارند و اعمال نظرهایی که می کنند، سعی در تداوم اصل "همینی که هست" دارند و این در حالی است که بارها نوشته ایم روزی که قرار بر این گرفت که مشکل استقلال و پرسپولیس حل شود و اقدامات در این باره به شکل همه جانبه و با همکاری دستگاه های ذیربط شروع شد، حتم بدانید که آن اراده های مخمل و مزاحم کنار رفته و اراده ای برای ساختن ورزش و روبراه کردن میداندار می شود و عنقریب مسائل ورزش یکی یکی حل خواهد شد اما تا این مسائل اساسی حل نشود و کماکان بلاتکلیف بماند در وضعیت و کیفیت و جایگاه ورزش مستعد ما هم تغییر اساسی صورت نمی گیرد و مثلاً آنچه در میادین گذشته برای ورزش ایران اتفاق افتاده، در آینده هم کم و بیش تکرار خواهد شد و نباید منتظر هیچ اتفاق مهم و معنی داری باشیم. در سال آینده (۱۴۰۳) برای ورزش ایران حضور در المپیک و برای فوتبال، پیکار برای کسب مجوز صعود به جام جهانی شاید مهمترین میادین باشد. اگر همه چیز به صورت طبیعی پیش برود، همان نتایجی که قبلاً ورزش و فوتبال ما در چنین عرصه هایی داشته اند، با اندکی بالا و پایین باز هم کسب خواهند کرد اما همه حرف و نتیجه تمام عرایض ما این است که اگر می خواهیم به این تکرار و مکررات و به این یکنواختی و چرخیدن به دور خود پایان بخشیم و از مرحله قناعت و دلخوش بودن به "کف توانایی" ورزش ایران عبور کنیم و قابلیت های نهفته آن را آشکار سازیم، باید دیدگاه و روش های مدیریتی خود را اصلاح کنیم. لازم است که مدیریت ورزش علاوه بر پرداختن به امور جاری و روزمره، اراده و همت خود را صرف انجام کارهای اساسی و روی زمین مانده کند. خوشبختانه در این روزهای آخر سال، هم مسئولان ورزش حرف هایی درباره حل مساله مالکیتی پرسپولیس و استقلال زدند و هم اقداماتی انجام دادند. امیدواریم این اقدامات به نتیجه مطلوب برسد و شروعی باشد برای اینکه یکی پس از دیگری مسائل اساسی و بلاتکلیف ورزش بعد از سال ها حل شود. ضمن اینکه امیدواریم ورزش و ورزشکاران ما در میادین مهم پیش رو سربلند و موفق باشند اما بیش از آن امیدواریم مسئولان ورزش نیز در سال جدید برای حل مسائل کهنه و مشکلات بلاتکلیف رها شده، عزم خود را جزم کرده و با تدبیر و طمأنینه و برنامه، گره هایی را که خواسته و ناخواسته به دست و پای ورزش بسته اند، باز کنند که این، مهمترین خدمت و حرکت اصلاحی برای ایجاد تحول در ورزش ایران است ...

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است.

در پایان به نوبه خود سال نو را به همه دوستداران ورزش، به ویژه خوانندگان گرامی و فهیم کیهان ورزشی تبریک می گوئیم و از خدای قادر متعال سالی سرشار از سلامتی و موفقیت را برای آنان مسئلت داریم.



یکی از وظایف مسئولان محترم ورزش کشور این است که برای رفع مشکلات قدیمی ورزش برنامه ریزی کنند. "مشکلات قدیمی" یعنی چه؟ "یعنی" سؤالهای بی پاسخ: نقش دولت در ورزش چقدر است؟ دولت چه اندازه در ورزش یا در تیم های ورزشی دخالت کند؟ مسئله ی خصوصی سازی، مسئله ی قراردادهای ورزشی، مسئله ی مربی خارجی و امثال اینها؛ اینها سؤالهایی است که مطرح است و هر چند وقت یک بار، یک پاسخی داده میشود، باز بعد از مدتی این پاسخ تغییر پیدا میکند. اینها باید برنامه ریزی بشود؛ یک برنامه ریزی مبتنی بر اساس اصول حرفه ای ورزش. این جزو نیازهای واقعی ورزش کشور است؛ این یک مسئولیت مهم مسئولان ورزشی است.

من میگویم ایران قوی باید ورزش قوی داشته باشد. ما شعار "ایران قوی" داده ایم دیگر؛ ورزش ایران قوی باید یک ورزش قوی باشد. قوت ورزش به چیست؟ اتخاذ تدابیر درست در انتخاب مربی، در ترکیب تیم های ملی در همه ی رشته ها، در مراقبت جدی از بروز آفت در ورزش؛ مراقب باشند که در ورزش کشور آفت به وجود نیاید.

"آفت" یعنی چه؟ یعنی فساد اقتصادی، یعنی تشکیل مافیاهای ورزشی در داخل، یعنی آفتهای اخلاقی برای ورزشکاران پاکیزه و پاک دامن ما؛ اینها باید مراقبت بشود.

کتابخانه ورزش

همکاران ویژه نامه نوروزی

- دبیر ویژه نامه : حمید ترابیپور
- معاون فنی و اجرایی : کیوان طباطبایی
- طراح روی جلد : علیرضا راعی
- طراحی و صفحه آرایی : مسلم عباسی، علیرضا راعی و کامران خطیبی
- سرویس عکس و آرشیو : محمدعلی شیخ زاده ، مهدی گرویی و اشکان هوشمند
- ویراستاری : اعظم فکوری
- امور اداری:مرضیه بهاری
- خدمات و پشتیبانی :ایمان جوانبخت ، محمد محمدپور و احسان رستمی



وقایع اتفاقیه سنه ۱۴۰۲ ه.ش

■ دکتر محمد (شهریار) شفائی

فروردین

قهرمانی پابره‌ها

سومین قهرمانی فوتبال ساحلی در آسیا با غلبه بر ژاپن به دست آمد. وقتی اصطلاح «پابره‌ها» های فوتبال را اولین بار برای آنها بکار بردیم، کمی تردید داشتیم تا سوء برداشت نشود. خوشبختانه این واژه زود جا افتاد و اکنون این پابره‌ها در قلب مردم جای گرفته اند. پابره‌هایی که به کمتر از قهرمانی جهان راضی نمی شوند و در عین حال، هنوز پول بی کمال، آنها را از خود بیخود نکرده...

کابوس بزرگ آبی‌ها

نه می توانیم گناه کسی را بشویم، نه می توانیم شواهد را نادیده بگیریم. حذف استقلال از آسیا برای بار سوم، بقدری دردآور و خجالت آور است، که خود می تواند یک بحث بسیار جدی مدیریتی باشد. چرا پر افتخارترین تیم ایرانی در آسیا، باید اینچنین کوچک شود، دل هوادارانش بشکند، و از یک منبع مالی نیز محروم گردد؟ مسئله اصلی که باعث بروز شائبه فراوان در میان دوستداران فوتبال شده، این است که چرا دو تیم که هر دو زیر نظر وزارت ورزش اداره می شوند، یکی مشکلی نداشته و آن یکی از آسیا حذف می شود؟ هر چند توضیحات جسته و گریخته اعضای کمیته تعیین وضعیت حرفه ای، بیانگر یک سری حقایق تلخ و تبعیضات غیر قابل قبول است. اما حتی اگر همانطور که یک طرف قضیه با افتخار اعلام می کند، این مشکل ناشی از حسن مدیریت یکی از تیم ها و سوءمدیریت آن یکی باشد، آیا باز هم طرفداران فوتبال نباید بپرسند؛ در حالیکه مدیریت هر دو تیم را وزارت تعیین می کند، چرا همیشه سوءمدیریت ها نصیب یک طرف می شود؟!

پرواز یک عقاب



شاید خیلی ها فعالیت های «اکروباتیک» و «سیرک» را «ورزش» ندانند. اما اگرچه اینها «رشته» ورزشی نیستند، اما به معنای واقعی، ورزش هستند! ورزش هایی که لااقل همه می دانیم «نمایش» هستند، نه مانند خیلی از رشته های ورزشی مثل «کشتی کج» و «فوتبال کج» که نمای «رقابت» دارند، اما یک نمایش دردآورند...

«خلیل طریقت پیم» که چند دهه قبل یک باستانی کار بود و در فرنگ یک سیرک باز حرفه ای شد، این «هنر-ورزش» را به ایران آورد و به «پدر سیرک ایران» معروف شد. او دستی هم در هنر سینما داشت و نامش بواسطه بلند کردن یک فیل، در کتاب گینس نیز ثبت شده. او در آستانه «یک قرن» زندگی، در سن ۹۹ سالگی در ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ درگذشت. روحش شاد...

اردیبهشت

وقتی نیمکت تیم ملی به ژنرال رسید



امیر قلعه نویی، بی شک موفق ترین مربی ایرانی حال حاضر ماست. او که مثل خیلی های دیگر، با یک تصمیم بدموقع مدیریتی «سوخت»، آنقدر برای بازگشت و نشان دادن شایستگی هایش انگیزه داشت و آنقدر از نوع برکناریش گله کرد و کرد، که دوباره این افتخار نصیبش شد. امیدواریم اینبار به او وقت کافی بدهند...

قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر



چه خوب است وقتی تیمی به این زیبایی در طی هفت هشت سال چهارده پانزده قهرمانی می آورد، همه ما به جای کری خوانیهای رنگی و غرق شدن در برخی رویاها، به این قهرمانی ها احترام بگذاریم و به دنبال پیدا کردن علل این موفقیت بی نظیر و بی سابقه باشیم تا برای باشگاههای دیگر الگو شود. وقتی پیش از این، حضور بازیکنان بهتر، مربی مشهورتر، و... نیز نتوانسته بود چنین موفقیت چشمگیری برای سرخ ها به ارمغان بیاورد، قطعاً علت های مهمتری وجود دارد که باید الگوسازی شود. مبارک سرخ دوستان...

خرداد

قهرمانی وزنه برداری ایران در آسیا

مسابقات وزنه برداری قهرمانی آسیا ۲۰۲۳ که در «کره جنوبی» برگزار گردید، با قهرمانی تیم جوان ایران به پایان رسید. در آخرین روز مسابقات و در رقابت های دسته سنگین وزن، دو مدال نقره سنگین وزن های جوان ما، «علیرضا یوسفی» و «آیت شریفی»، باعث شد کشورمان در جدالی میلی متری با ازبکستان با ۶۳۵ امتیاز قهرمان شود و ازبکستان نیز با ۶۳۱ امتیاز به نایب قهرمانی برسد. بیشتر از قهرمانی، رونمایی از همین نسل جوان خوشحالمان کرد...

قهرمانی از گرگان

نام بعضی از شهرها و استان های کشورمان، با برخی رشته های ورزشی گره خورده. ارومیه در والیبال، مازندران در کشتی، و... و گرگان در بسکتبال! گرگان از جمله شهرهای عاشق بسکتبال است که از قدیم در مازندران با شهرهای بابل و ساری رقابت زیبایی داشت، و پس از جدا شدن گلستان از مازندران، خود را به عنوان یک قدرت تراز اول در کشور مطرح کرد و سرانجام به افتخار قهرمانی کشور نائل آمد. مبارکشان باشد...

پرسپولیس بر قله ایستاد؛ این بار در جام حذفی

رزومه ای که پرسپولیس در طی هفت هشت سال اخیر برای خود دست و پا کرد، شاید در تمام طول حیاتش نکرد. از آن جمله است، همین دوگانه قهرمانی سال ۱۴۰۲. هر چند بازی فینال با رقیب سنتی حاوی نکات زیادی بود که اجباراً از آنها می گذریم، اما همانطور که گفتیم، مهمترین موضوع، آنالیز علل این رزومه پر و پیمان، و الگو قرار دادن آن برای فوتبال کشور است.

خداحافظی وریا غفوری

برخی انسانها کارزماتیک هستند و انسان های دیگر را جذب می کنند. برخی بازیکنان فوتبال، پیوند دهنده یک قوم و میلیون ها انسان به ملیت و کشورشان هستند. «وریا غفوری» شیرمرد «کرد» ایرانی، یکی از این افراد بود. خداحافظی او از فوتبال، داستان پر پیچ و خمی داشت که به آن نمی پردازیم. امیدواریم در جای مناسبی از او استفاده شود.





هیچکس در این شک ندارد که «دبیر» از جنس ورزش و کشتی است. آرشیو مجله کیهان ورزشی گواه است که از دوران نوجوانی حامی او بوده ایم و مصاحبه و عکس او را به وفور منتشر نموده ایم. اما به نظر می رسد او باید اندکی در نحوه گفتار و رفتارش تجدید نظر کند. او در هر حال «پرزیدنت» کشتی یکی از مهمترین کشورهای جهان در این رشته ورزشی است.

«نکو» روی شیروانی داغ

علیرغم اینکه نکونام به عنوان «بازیکن» حضور کوتاهی در باشگاه استقلال داشت، اما کارنامه درخشان او در سطح ملی و نیز به عنوان یک لژیونر، و تأکید او بر علاقه قلبی دبیرنش به باشگاه استقلال، او را به عنوان آلترناتیو محبوب نیمکت استقلال مطرح نمود. «کریمی»، مدیر عامل قبلی باشگاه، جذب او را یک موفقیت بزرگ برای خود قلمداد می کرد، اما خیلی زود جایش را به «خطیر» داد. خطیر که به دلایل نهمان و آشکار، به گزینه های دیگر علاقه داشت، با توجه به اینکه در امر حفظ و جذب ستاره ها قوی عمل نکرد، مورد شماتت هواداران بود. اما وقتی نکونام توانست از همان تیم نامتوازن یک مدعی بسازد، هر دو ترجیح دادند همدیگر را تحمل کنند. در نیم فصل هم این تیم بعد از خروج سه نفر، خیلی عملکرد خوبی در نقل و انتقالات نداشت تا این موش و گربه بازی، همچنان ادامه یابد...

قهرمانی علی پاکدامن در شمشیربازی آسیا

وقتی به یاد می آوریم که روزی در رشته شمشیربازی قهرمان آسیا بوده ایم، شاید یک تک مدال خیلی ما را راضی نکند. اما به واقع، ما در بسیاری از امور، دلخوش به همین گل های خودرو و تک استعدادهای هستیم...

قهرمانی والیبال نشسته در آسیا

انگاری ناف بچه های والیبال نشسته ما را به نام قهرمانی بریده اند. آنها آنقدر مدال آورده اند و قهرمان شده اند، که به نظر می رسد کم کم خیلی ها ارزش قهرمانیشان را درک نمی کنند! آفرین بچه ها...

شاهکار والیبال جوانان در جهان

جوانان ایران موفق شدند با برتری ۲-۳ بر «ایتالیا» در فینال بازی ها به قهرمانی بازی ها برسند و با این قهرمانی، با ۲ طلا و ۱ برنز، جای همین ایتالیا را در رتبه چهارم پرافتخارترین تیم های تاریخ والیبال قهرمانی جوانان جهان بگیرند.

مرداک

استعفای وزیر

یک حادثه تلخ و سقوط هلیکوپتر حامل وزیر ورزش، بهانه ای شد تا او چند ماه بعد از این رخداد، به بهانه مشکلات جسمی و روحی استعفا دهد. وزارت او به دلیل «ورزشی بودن» امیدهای زیادی را در میان ورزشی ها برانگیخته بود. اما او بخصوص در مورد خصوصی سازی سرخابی ها و یکی از آنها به دلیل مالکیت مشترک، بسیار ضعیف عمل کرد.

خداحافظی بوفون

و سرانجام او بازنشسته شد. دروازه بان کاریزماتیکی که خود یک تیم بود. شاید اگر دست خودش بود، باز هم بازی می کرد! افسوس که سن فقط یک عدد «نیست»!

قهرمانی کشتی آزاد و فرنگی جوانان و نوجوانان ایران در جهان

چشمه جوشان استعدادهای کشتی ایران، باز هم خجالت زده مان کرد و شیرجه های ایرانی، بار دیگر در جهان افتخار آفریدند. جوانان ما در امان پایتخت اردن، و نوجوانان ما در استانبول ترکیه، بر تارک جهان ایستادند.

نایب قهرمانی والیبال نوجوانان جهان

هجدهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی نوجوانان پسر جهان از ۱۱ تا ۲۰ مرداد به میزبانی آرژانتین در شهر «سان خوان» برگزار شد. تیم ایران با ۷ برد پیاپی به فینال رسید. اما در مسابقه نهایی مغلوب «فرانسه» شد و به نیابت قهرمانی بسنده کرد...



والیبال قهرمانی آسیا ۲۰۲۳ ارومیه

«ارومیه» یکی از شهرهای عاشق والیبال است. اعطای میزبانی مسابقات قهرمانی آسیا به این شهر، کمترین سیاستگزاری از عشق شهروندان ارومی بود. اما متأسفانه، پایان والیبال قهرمانی آسیا ۲۰۲۳ (۲۸ مرداد الی ۴ شهریور ۱۴۰۲) با دهمین قهرمانی «ژاپن» همراه بود! قبلاً هم گفتیم و معتقدیم؛ جهش والیبال ایران در آسیا دو علت عمده داشت:

اول اینکه تشکیلات والیبال ما از زمان مرحوم «یزدانی خرم» به یک استعدادیابی گسترده و کم هزینه پرداخت و بر آن اصرار ورزید و یک پشتوانه سازی مستمر را سرلوحه خود قرار داد، و دوم اینکه کشوری چون «ژاپن» زمانی که تمام تمرکز و عمده برنامه ریزی و سرمایه گذاری خود را به سمت فوتبال برد تا در آن رشته جهانی شود، خودبخود در والیبال افول کرد و کار ما راحت تر شد.

معتقدیم، ژاپنی ها بعد از تحکیم زیرساخت های فوتبال و اطمینان از جا افتادن این ورزش در کشورشان، مجدداً به والیبالشان پرداختند، حتی انیمیشن «هایکیو» را در والیبال، مشابه «فوتبالیست ها» در فوتبال ساختند، تا دوباره علاقه به والیبال را در کشورشان نهادینه کنند و ایران را از صدر به زیر بکشند. بی هیچ تردیدی، هم اکنون آنها قوی ترین تیم آسیا هستند و احتمالاً مایی که چند ماه است برای انتخاب مربی تیم ملیمان بازی اسم فامیلی راه انداخته ایم، باید بدویم تا دوباره آنها را جا بگذاریم...

حرکت منشوری رئیس فدراسیون اسپانیا

نهمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال زنان به میزبانی مشترک استرالیا و نیوزیلند و از تاریخ ۲۹ تیر بمدت یک ماه برگزار شد. در این دوره از مسابقات، شاهد افزایش تعداد تیم های حاضر از ۲۴ تیم به ۳۲ تیم بودیم که در نهایت با قهرمانی تیم بانوان «اسپانیا» پایان یافت. هرچند جای بانوان ما در این بازی ها خالی بود، اما شک نداریم که روز حضورشان نزدیک است. نکته بسیار جالب قضیه، از خود بی خود شدن رئیس فدراسیون اسپانیا در زمان اهدای جوایز بانوان کشورش بود که منجر به در آغوش گرفتن و بوسیدن بازیکنان شد! حرکتی که در نگاه اول و با توجه به نگرش ما به فرهنگ غرب، نمی توانست مستوجب عواقب زیادی باشد. اما این مسئله به قدری توسط رسانه ها و خود بازیکنان پیگیری شد، که به استعفای رئیس فدراسیون انجامید. امیدوارم ما که در شعار، سردمدار اخلاقیات جهانی، یاد بگیریم و سر و ته بدترین و موهن ترین رفتارهای برخی ها را با یک جریمه «آبکی» هم نیاوریم!

جام جهانی بسکتبال ۲۰۲۳ و خداحافظی حامد حدادی

نوزدهمین دوره جام جهانی بسکتبال (۲۰۲۳) از جمعه ۳ شهریور ۱۴۰۲ آغاز شد و برای نخستین بار، سه کشور مختلف «فیلیپین، ژاپن و اندونزی» میزبان این بازی ها بودند. ایران نیز افتخار حضور در این دوره از مسابقات را داشت ولی متأسفانه با ۵ شکست متوالی، در رتبه یکی مانده به آخر، یعنی رده سی و یکم قرار گرفت که بدترین نتیجه در ۴ دوره حضورمان در جام های جهانی بود. در پایان مسابقات، «حامد حدادی»، ستاره بی چون و چرای بسکتبال ما در یک دهه اخیر، از بسکتبال ملی خداحافظی کرد. امیدواریم از تجربیات او در جاهای مناسب استفاده شود...

ضمناً... در فینال بازی ها، تیم ملی بسکتبال آلمان با پیروزی مقابل صربستان قهرمان شد.

رونمایی از وزیر جدید



پس از استعفای سجادی، سرانجام همای سعادت بر سر «کیومرث هاشمی» با سوابق متعدد در مدیریت ورزشی نشست و او که در یکی دو رقابت انتخاباتی شکست خورده بود، وزیر ورزش شد. مبارک است...

حذف تیم امید در مسیر المپیک

قصه تیم امید ما، با ناامیدی عجین شده. در حالی که همه دیدیم ازبکستان میزبان، با تیمی ساخته و پرداخته و با استفاده از مزایای میزبانی، از گروه صعود کرد، ما حتی از رسیدن به مرحله بعد باز ماندیم، تا بفهمیم: بهشت را به بها دهند نه به بهانه...

کشتی آزاد قهرمانی جهان ۲۰۲۳

در پایان این مسابقات که به میزبانی شهر بلغراد در صربستان برگزار شد، تیم ملی کشتی آزاد ایران عنوان نایب قهرمانی را به دست آورد. در این رقابت ها تیم ملی کشتی آمریکا با ۱۲۵ امتیاز قهرمان و تیم ایران با کسب ۹۴ امتیاز نایب قهرمان شد. درمندان چند سالیست که ما در کشتی، زیر سایه آمریکا قرار گرفته ایم، امیدواریم با برنامه ریزی اصولی و سرمایه گذاری روی جوانان و نوجوانان، این فاصله را جبران کنیم.

مهر ماه

رونالدو تهران را به هم ریخت!



اینکه بخواهیم صرف حضور یک ستاره در کشورمان را به عنوان یک رویداد مهم ذکر کنیم، خیلی مورد قبولمان نیست. اما پیامدهای آن حضور و شلخته بازی ها و خود باختگی مدیران ما در مقابل یک ستاره فوتبال و بسیاری رخداد های تلخ دیگر، باعث می شود بدون ذکر تک تک آنها، این واقعه را جزو وقایع مهم بیاوریم و همیشه در گوشه ذهنمان نگه داریم تا آن شاء الله دوباره تکرار نگردد...

دیدار رئیس جمهور و رئیس فیفا

شعار جدایی ورزش از سیاست، آنقدر نخ نما و مسخره شده که دیگر حتی خجالت می کشیم آن را بر زبان بیاوریم! به همین دلیل، ملاقات های اینچنینی با حفظ شأن مقامات کشورمان را قطعاً مفید می دانیم. به شرط اینکه در مورد مسائل کلان باشد و به موضوعات سخیفی مثل بخشش فلان بازیکن و بهمان باشگاه خلاصه نگردد.

بازی های آسیایی هانگژو و خداحافظی احسان حدادی

نقطه عطف این بازی ها برای ایران، درخشش در رشته هایی مثل سنگ نوردی و شطرنج ... بود. در والیبال هم ژاپن با تیم دوم خود شرکت کرد و تیم ما قهرمان شد. تعداد مدال های بانوان ما در این دوره همچون دوره قبل بود، ولی مردان ما ۷ مدال کمتر گرفتند و در مجموع، تیم ایران با یک رتبه نزول نسبت به دوره قبل در مکان هفتم قرار گرفت.

بازی های پارالمپیک آسیایی و نایب قهرمانی ایران

ایران در بازی های پاراسیایی هانگژو برای اولین بار در جایگاه دوم قرار گرفت. کاروان ایران با ۴۴ طلا، ۴۶ نقره و ۴۱ برنز موفق شد در این مقام قرار گیرد. چین با ۵۲۱ مدال (۲۱۴ طلا، ۱۶۷ نقره و ۱۴۰ برنز) اول شد و ژاپن با (۴۲ طلا، ۴۹ نقره و ۵۹ برنز) در جایگاه سوم چهارمین دوره بازی ها قرار گرفتند.

آلبان

جام جهانی زیر ۱۷ سال ۲۰۲۳ اندونزی

جام جهانی فوتبال زیر ۱۷ سال، با همان «توجوانان»، نیز مانند جوانان هر ۲ سال یکبار برگزار می شود. این بازی ها از این نظر اهمیت دارد که ما می توانیم؛ اولاً نسل طلایی برخی کشورها را ببینیم و آینده فوتبال آن کشور را پیش بینی کنیم، ثانیاً کشورهای آینده نگر و پایبند به اصولگرایی فوتبال را بشناسیم. در سال ۲۰۲۳، نوزدهمین دوره این مسابقات از ۱۹ آبان تا ۱۱ آذر ۱۴۰۲ در اندونزی برگزار شد و با قهرمانی تیم ملی توجوانان آلمان به پایان رسید.

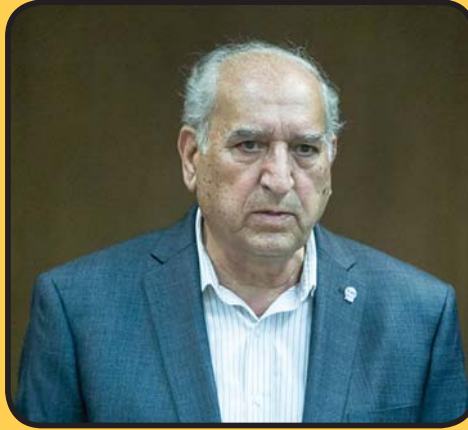
پی نوشت: ایران غایب!

نایب قهرمانی هادی چوپان در «مستر المپیا»

هادی چوپان انسان صادقیست. هرگز در مورد حواشی پرورش اندام دروغ نگفته و مسائل خاص مربوط به این رشته را کتمان نکرده. این است که وقتی پس از نیابت قهرمانی، آن رفتار را نموده و به برخی مسائل مشکوک و زد و بند پشت پرده اشاره می نماید، ما حس می کنیم راست می گوید...

آذر

وداع با مرد بزرگ بسکتبال



«محمود مشحون» پیشکسوت ورزش بسکتبال، زاده ۵ تیر ۱۳۲۰ در نور مازندران، کارشناس تربیت بدنی و علوم ورزشی، که از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ رئیس فدراسیون بسکتبال ایران بود و ایران را به قهرمانی آسیا رساند، در ۱۹ آذر ۱۴۰۲ و در ۸۲ سالگی درگذشت. او شخصیتی فرهیخته و به نوعی دایره المعارف این رشته ورزشی بود. روحش شاد...

دی

در گذشت بکن باوئر و زاگالو



برخی نام ها، فراتر از یک واژه ساده، حاوی یک تاریخ هستند. «فرانتس بکن باوئر» آلمانی، و «ماريو زاگالو» برزیلی، از آن جمله اند، که نامشان در فوتبال تاریخ ساز ماندگار است. با مرگ این دو اسطوره به فاصله نزدیک از هم، امروز انگار دنیای فوتبال چیزی کم دارد. اما به هر حال، جبر زمان و قانون زندگی، با هیچکس تعارف ندارد...

مدال برنز برای الناز رکابی

همیشه گفته ایم ارزش کار بانوان ایرانی، به دلیل برخی محدودیت ها ناشی از آن، بسیار بیشتر از آقایان است. دستمیزاد ایرانداخت پرافتخار...

در گذشت ملیکا محمدی

همیشه جان آدمها را در دست پزشکان فرض می کنند و بر همین اساس، انتظار حفظ سلامت و جان انسانها همواره به آنها نسبت داده می شود. اما در کشور ما، مرگ و میر ناشی از تصادفات رانندگی از بسیاری بیماری ها و بلاها بیشتر است! باید فکری کنیم و ضمن بهسازی معابر، این عرابه های مرگ را از رده خارج نماییم. «ملیکا» یکی از دهها هزار قربانی حوادث رانندگی کشورمان است. جان همه به یک اندازه عزیز است. اما چه راحت یک ورزشکار خوب را از دست دادیم...

پسمن

قهرمانی قطر و اندازه های فوتبال ما

برخلاف آنچه برخی ذکر می کنند و فوتبال ۵۰ سال پیش ایران را قدرت بلامنازع آسیا می دانند، آن زمان هم کره جنوبی و شمالی از شرق و کشور کویت از غرب و استرالیا از اقیانوسیه، رقیب ما بودند و برای قهرمانی، جان به لبمان می کردند! کویت درست یک سال پس از انقلاب، یعنی زمانی که نمی توانستیم ادعا کنیم از دوره «طلایی» فوتبال و «آقای آسیا» خیلی فاصله گرفته ایم، در نیمه نهایی جام ملت ها به کویت میزبان باختیم تا او قهرمان شود...

اینها مال زمانی بود که فوتبال ما از نظر «زیرساخت» در آسیا سرآمد بود. حالا با اینهمه عقب ماندگی سخت افزاری، چرا باید انتظار قهرمانی داشته باشیم؟! تکیه بر «فقط» داشته های معنوی و «استعداد» ذاتی، ممکن است مثلاً هر ده سال یک بار حماسه ساز شود، اما اینهمه ادعا و حماسه سازی در رسانه ها و تکرار واژه هایی چون «فوتبال ناب ایرانی»، جز ایجاد توهم و بالا بردن انتظار مخاطب و ایجاد تأخیر دوباره در بازسازی اساسی زیرساخت های فوتبال، هیچ تأثیری ندارد... شاید امروز و با توجه به جمیع جهات، نهایت انتظار «واقعی» ما از این فوتبال، قرار گرفتن در بین ۴ تیم اول آسیا باشد، تازه، اگر کشور متمولی مثل قطر میزبان مسابقات نباشد!

استعفای گل محمدی و سر مربیگری اوسمار

در مورد مربی ای که چندین قهرمانی پیاپی به ارمان آورده، انتقاد کردن بسیار سخت است. پیشتر هم بوده اند مربیانی که در نه در یک تیم، که در تیم های متفاوت این نتایج درخشان را کسب کرده بودند، اما متهم به ریاست مافیا شدند! او یک بار نه از

سوی تماشاگران تیم رقیب، که از جانب مدیرعامل و یکی دو بازیکن تیم خودش، متهم به برخی ناراستی ها شده بود. ایکاش همان زمان یا می رفت، یا می آمد و مردانه از خود دفاع می کرد. اما خب، همیشه هر صعودی، نزولی در پی دارد... بعد از او، به واسطه تنگ بودن وقت، کمک او یعنی «اوسمار» سر مربی شد. کاری تقریباً منطقی و معقول، که البته دخالت و پافشاری برخی بازیکنان در این امر، خیلی عجیب بود!

اسفند

فوتبال ساحلی به مقام سوم رسید

همان پابرهنه های دوست داشتنی، با توقعاتی کم و تلاشی وافر، به مقام سوم جهان رسیدند. مقامی که اگر کمی شانس داشتند می توانست حتی با اولی عوض شود. شاد باشید که ما را شاد کردید...

در گذشت دکتر توکل

دکتر محمد توکل که سالیان سال یکی از نماینده ای ثابت ما در فیلا بود، اگرچه مورد انتقاد برخی کارشناسان است که «برای ما کاری نکرد»، اما به واقع، نباید انتظار داشته باشیم نمایندگان ورزش ما در مجامع بین المللی، پرچم طرفداری به دست بگیرند و بوق بزنند! حضور او در این مجامع، به هر حال برای کشورش افتخار بود.

قهرمانی هادی چوپان در آر نولد کلاسیک

و آن صحنه زیبا که «هادی» ما از «آرنولد» آنها جایزه اش را گرفت، غم نایب قهرمانی «مستر» را زدود. آفرین هادی عزیز... و سرانجام: روز نوی شما همنشین روزگار نوین باد...



برای این مردم کاری نکرده‌ایم؛ حلال مردم

ورزش ایران سال پر اتفاقی را پشت سر گذاشت که مهمترین رویداد آن، بازی های آسیایی هانگژو بود. حضور در این مسابقات را از دو منظر می‌توان مورد بررسی قرار داد. از یک سو شاهد افت فاحش رشته‌هایی بودیم که در گذشته برایمان مدال‌آوری می‌کردند و اکنون حال و روز خوبی ندارند و از سوی دیگر شگفتی‌هایی خلق شد که به مسئولان ورزش ایران توجه بیشتر به برخی از رشته‌های مهجور مانده را گوشزد کرد. علی‌رغم نداری‌های ورزش و افت و خیزهای آن، وقتی در راس کمیته ملی المپیک فردی به نام "محمود خسروی وفا" قرار گرفته که چند دهه تجربه و کلی‌انرژی برای خدمت را در وجود خود دارد، می‌توانیم به بهبود وضعیت موجود امیدوار باشیم، گرچه برای نجات این ورزش تنها یک مدیر توانمند نمی‌تواند کارساز باشد و این امر بازوان پرتوانی را می‌طلبد. برای پرسیدن حال ورزش ایران و پرسش‌های بی‌پاسخ یک سال اخیر، سراغ "حاج محمود" رفتیم؛ مردی که مصاحبت با او هم سخت است و هم شیرین. از یک ماه قبل هماهنگی‌های این گفت‌و‌گو را انجام دادیم. از آنجایی که خیلی به دیده شدن علاقه نشان نمی‌دهد، به سختی برای انجام مصاحبه پاسخ مثبت داد. به گفته خودش، این دومین مصاحبه اختصاصی او در سال ۱۴۰۲ محسوب می‌شود. ده دقیقه‌ای قبل از ساعت مقرر وارد دفتر او در ساختمان کمیته ملی المپیک شدیم. سریع خودش را رساند و با روی باز از ما استقبال کرد و گل‌گاوزبان شیرین شده با نبات که برایمان تدارک دیده بودند را تعارف کرد و وقتی بی‌میلی مان برای نوشیدن آن را دید گفت: "این خوب است. سرد می‌شود. اول میل کنید و بعد من در خدمتم". قبل از طرح اولین سوال گفت: "خواهش می‌کنم بدون رودربایستی هر سوال و نقدی که به بنده دارید را مطرح کنید؛ فکر زمانش هم نباشید. تا هر وقت که سوال باشد، من اینجا نشسته‌ام." با همین جمله او بود که وارد بحث شدیم؛ بحثی که از نتایج بازی‌های آسیایی آغاز و به وضعیت جامعه و مردم کشیده شد.

■ حمید ترابی‌پور

● سال برای شما به عنوان نفر اول کمیته ملی المپیک با مشغله فراوان ناشی از در پیش بودن بازی‌های آسیایی آغاز شد؛ هم انتظارات بالا بود و هم با فضای متفاوتی در مقایسه با پارالمپیک روبرو بودید. چگونه از آن مرحله عبور کردید؟

– نگاه من اصلاً این نبود که اینجا را با پارالمپیک مقایسه کنم. بنده ۲۸ سال در همین کمیته المپیک به عنوان عضو هیات اجرایی حضور داشتم. سه دوره هم نایب رئیس بودم و با آشنایی کامل وارد این کار شدم. در پارالمپیک یک الگو داشتیم و اینجا ساختار دیگری دارد. از تجربیات قبلی‌ام استفاده کردم. کمیته ملی المپیک سازمان و نهادی است که ظرفیت‌های کارشناسی خوبی دارد و نیروهای توانمند و متعهدی در آن هستند اما هیچ موقع به آنها توجهی نشده و یا سر جای خودشان نبوده‌اند. وقتی به اینجا آمدم پیش‌بینی مان این بود که کاروان اعزامی به بازی‌های آسیایی نمی‌تواند بهتر از دوره قبل باشد. خوب، ما شهرپور ماه ۱۴۰۱ وارد کمیته شدیم و در آن مقطع به دلیل درگیری کشور با یکسری چالش‌های اجتماعی عملاً ۶ ماه سال را از دست دادیم. اشکالی هم ندارد و تقصیر کسی نبود. غافلگیر هم نشدیم چون به کمیسیون فرهنگی مجلس هم گفته بودیم که پیش‌بینی ما برای بازی‌های آسیایی هانگژو ۱۴ مدال است. تنها ما نبودیم و کشورهای دیگری هم بودند که کمتر از دوره قبل شان مدال گرفتند. مثلاً تایلند حدود ۹۰۰ ورزشکار آورده بود؛ سه برابر ایران، اما شرایط خوبی نداشتند. اینها را بهانه قرار نمی‌دهیم. ما در ابتدا با موضوع کرونا روبرو بودیم و سپس مباحث اجتماعی را داشتیم. موضوع مهم سوم که هنوز هم با آن درگیر هستیم اداره برخی از فدراسیون‌ها توسط سرپرست بود. این موضوع به فدراسیون‌ها آسیب می‌زد اما با این حال شاهد یکسری موفقیت‌ها هم بودیم. ما فکر نمی‌کردیم ژیمناستیک، شطرنج و دوچرخه سواری آن در خشش را داشته باشند. برخی از رشته‌ها هم مثل بسکتبال بدنه‌شان در آنجا جوان شده بود. مادر این دوره جرات به خرج دادیم و فدراسیون‌های موفق و ناموفق را رسماً معرفی کردیم. اینها را بر اساس گزارش و اطلاعاتی که از خود فدراسیون‌ها گرفته بودیم اعلام کردیم. برخی از فدراسیون‌ها واقعاً خوب کار نکردند. قول‌هایی که داده بودند انجام نشد. قبلاً هم می‌شد پیش‌بینی کرد که آنها موفق نخواهند شد. من در مجمع هم اعلام کردم که ظرفیت ورزش جمهوری اسلامی ایران بیشتر از اینهاست. از حالا هم گام‌هایمان را محکم‌تر برمی‌داریم. حرف‌های شعاری نمی‌زنیم. من می‌گویم پنجم شدن در بازی‌های آسیایی، شدنی است. یک بخش ماجرا دست‌ماست، یک بخش دست فدراسیون‌ها و بخش دیگری وظیفه وزارت ورزش. خوشبختانه در این دوره تعامل خوبی بین ما و وزارت ورزش وجود دارد. حسن وزارت ورزش کنونی این است که وزیر آن خودش زمانی رئیس کمیته ملی المپیک بوده است. اینجا همپوشانی داریم. برای اولین بار در ۱۴۰۳ تفاهم‌نامه سه جانبه خواهیم

داشت؛ یعنی بین کمیته، وزارت و فدراسیون‌ها.

● یکی از اقدامات مهم شما این بود که پس از ارزیابی وضعیت رشته‌های مختلف، تعارف را با روسای فدراسیون‌ها کنار گذاشتید و اعلام کردید که باید در مسیر متفاوتی گام بردارند.

– ما به هم پیوسته‌ایم. اگر جایی لنگ بزنند، هم ما، هم وزارت و هم فدراسیون مقصریم. تعارف که نداریم؛ ما همه کار می‌کنیم که ورزشکار موفق شود. ورزشکار زمانی نتیجه می‌گیرد که این سه بخش از همدیگر حمایت کنند. مادر ابتدا و قبل از بازی‌های آسیایی باتک‌تک فدراسیون‌ها جلساتی داشتیم و پرسیدیم چند مدال می‌گیرید که عدد دادند و ما پرسیدیم شاخص‌شان چیست. مثلاً یک فدراسیون گفت ما ۸ مدال می‌آوریم و ما پاسخ دادیم با توجه به ارزیابی‌های ما مشابه‌ها زور یک برنز خواهید گرفت که همان هم شد. اولین قدمی که ما اینجا برداشتیم ایجاد مرکز تیم‌های ملی بود که مرکز محوری برای ارزیابی است تا بحث‌ها کارشناسی باشد، نه از روی حدس و گمان. کار دوم بحث آکادمی المپیک بود. انصافاً این دو بخش در گذشته بهتر از این می‌توانستند باشند. یکی از مشکلات ورزش در تمام این سال‌ها این بوده که بحث‌های کارشناسی کم‌رنگ بوده است.

● البته یکسری فدراسیون‌ها هم هستند که در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند.

– ما بسته‌های تشویقی خود را برای آنها در نظر نمی‌گیریم. در همین مدت هم در مورد برخی از فدراسیون‌ها این اتفاق افتاده است. مبنای پرداختی ما به آنها همین مسئله خواهد بود. ما با کسی تعارف نداریم. یک اشکال اساسی در ورزش ما این است که درباره رشته‌ها ولایت‌بندی نمی‌کنیم. ما نباید حتماً یک رشته که کیفیت ندارد را به مسابقات مهم اعزام کنیم. شما دیدید که ما صحبت از کیفی بودن کاروان اعزامی به هانگژو می‌کردیم.

● اما عملاً این اتفاق رخ نداد.

– بله، درست است. ما از هدف مان دور شدیم. دلیل هم داشت. ما می‌دانستیم برخی از رشته‌ها در افت هستند و برخی دیگر رشد کرده‌اند. با این حال دربار برخی از رشته‌ها اشتباه کردیم. صحبت‌های مقام معظم رهبری رهنمودی نیست، بلکه فرمانی است. ایشان در نشست با بچه‌های هانگژو کاملاً کارشناسی صحبت کردند. آقا می‌فرمایند روی فدراسیون‌هایی سرمایه‌گذاری کنید که موفق هستند و به آنها امید دارید.

ما اگر در این مسیر نباشیم فقط باید به دنبال شانس برویم. همه دنیا به دنبال کیفی‌گرایی می‌روند. ۱۰ فدراسیون برتر بازی‌های المپیک و ۵ فدراسیون برتر بازی‌های آسیایی را نگاه کنید. آنها چه کار می‌کنند؟ همین کار که ما می‌گوییم را انجام می‌دهند. تمرکز گرای و کیفیت‌گرایی؛ و السلام. ما باید این مسیر را برویم. حرف‌های انحرافی‌تر نزنیم که کشورهای دیگر امکانات دارند و ما نداریم. آیا ظرفیت امروز ما را با ۴۰ سال قبل و ۲۰ سال قبل یکی می‌بینید؟ خوشحال نشویم به یک حضور کم‌رنگ و شکلی و

کارت پستالی. ما با ورزش باید "ایران قوی خودمان" را نشان دهیم. ما به طور خاص روی موضوع موشک دست می‌گذاریم چون دشمن روی این بحث حساس است اما جدا از موشک در بخش‌های دیگر هم پیشرفت داشته‌ایم؛ نمونه‌اش همین ورزش. در زمینه تجهیزات پزشکی و رشد علمی همین شرایط را داریم. یک نکته جالب برایتان بگویم. در هانگژو رشته‌هایی که مربی ایرانی داشتند برترین‌ها بودند. ۱۰ رشته اول ما مربی خارجی نداشتند و ضعیف‌ترین‌ها مربی‌شان خارجی بود. این نشان می‌دهد که مادر داخل ظرفیت بالایی داریم. خودمان این را باور نداریم. باور کنیم جوان ایرانی می‌تواند. شما می‌دانید ما چه تعداد مربی شاغل در خارج از کشور داریم؟ چرا ورزشکاران ما مهاجرت می‌کنند؟ این موضوع را منفی نگاه نکنیم. باز یکی می‌داند که اگر بماند نفر اول اجازه رشد به او نمی‌دهد. این مثبت است. ورزشکار ما که می‌رود در کشور دیگر، امید پیدا می‌کند که در مسابقات شرکت کند و مدال بگیرد.

● اگر زمان به عقب – به قبل از بازی‌های آسیایی – برگردد، به چند فدراسیون مجوز اعزام تیم‌هایشان را نمی‌دهید؟

– حداقل ۱۰ فدراسیون!

● بحث‌های زیادی در هیات اجرایی کمیته ملی المپیک به وجود آمد و حتی در پاره‌ای از اوقات نظر شما با دیگران کاملاً در تضاد بود؛ آن فضا را چگونه مدیریت کردید؟

– آنچه مسلم است هماهنگی روزهای اول ایده‌آل نبود اما امروز زبان همدیگر را متوجه می‌شویم. رئیس جمهور وقتی اشاره می‌کند که برخی از فدراسیون‌ها با سرپرست اداره می‌شوند جای تأسف دارد. ما نباید وقت رئیس جمهور را در این بحث بگیریم. خودمان باید کاری انجام دهیم. فدراسیون‌ها باید روی پایه کار کنند. وقتی بحث نتیجه‌وسط است باید روی کیفیت کار کنند.

● برخی از اتفاقات و حوادث سیاسی هم در آن روزها بر ورزش کشور سایه انداخته بود که کار را برای شما دشوارتر می‌کرد.

– این تجربه را باید پشت سر می‌گذاشتیم. ورزشکار حرفه‌ای از هوش بالایی برخوردار است. برخی از افراد جامعه اینگونه نیستند. متقابلاً بحث احساسی هم مطرح است. در آن روزها ما تجربه پیدا کردیم. امروز ورزشکارانی که پای صندوق‌های رای می‌روند همان ورزشکاران چندماه قبل هستند. آنها می‌دانند که دشمن روی این حوزه سرمایه‌گذاری کرده است. امروز ورزشکار ما هوشمندانه همه چیز را رد می‌کند. آن روزها با کمک وزارت ورزش و فدراسیون‌ها فضا را مدیریت کردیم. شما الان شرایط را با قبل مقایسه کنید. آن مسائلی که

مثلاً در جام جهانی فوتبال اتفاق افتاده بود را در بازی‌های آسیایی شاهد نبودیم.

ورزشکاری که سرود نمی‌خواند و خدایی ناکرده به پرچم احترام نمی‌گذارد باید حذف شود. ما اصلاً از آن ورزشکار مدال نمی‌خواهیم. در همان روزها شاید برخی اوقات از روی احساسات اتفاقاتی افتاد اما در ادامه همان ورزشکاران متوجه اصل ماجرا شدند.

● شما قبل از بازی‌های

آسیایی به فدراسیون‌ها اعلام کرده بودید که اگر ورزشکاری سرود کشور را نخواند به ایران برگردانده می‌شود؟

– بله. کدام ورزشکار ملی در دنیا می‌تواند به سرود و پرچم خود احترام نگذارد؟ ورزشکار با آن سرود پرچم، "ملی" به حساب می‌آید. در هر کشوری اگر ورزشکار به ارزش‌های ملی خود احترام نگذارد، دیگر ملی به حساب نمی‌آید.

بان کنند

مگر این ورزشکاران، "گلادیاتور" هستند که بگوییم مزد مبارزه خود را گرفته اند؟ اینها برای کشور و مردم و پرچم شان مبارزه می کنند. من در جلسه ای که با روسای فدراسیون داشتیم اعلام کردم که اگر کسی عامدانه و مغرضانه کوتاهی کندنسبت به ارزش های ما، باید از گردونه خارج شود؛ حتی اگر مدالش قطعی باشد، که الحمدلله این موارد را نداشتیم.

● یکی از کلید واژه های شما در آن روزها اعزام کاروان کیفی بود اما بعدها این موضوع شاخ و برگ هایی پیدا کرد. در هانگژو دیدیم که عملکرد برخی از رشته ها با آن شعار کیفی همخوانی ندارد.

- بله، درست است. متأسفانه کوتاهی شد. برخی از این فدراسیون ها نه نتیجه گرفتند و نه از مردم عذرخواهی کردند. سکوت کردند. به خدا قسم عذرخواهی کردن از یک جامعه بزرگ ایرانی عزت است. برای برخی از مدیران عذرخواهی کسر شان است. مدیران مابعد از عذرخواهی باید قول جبران بدهند. اگر در قالب شعار پنهان شویم یعنی شکست را نپذیرفته و مسیر درست را پیدا نکرده ایم.

● دیگر اقدام مهم شما توجه خاص به ورزش بانوان بود؛ پرچمداری ناهید کیانی که با تمام مخالفت ها صورت گرفت، در همین راستا بود.

- به نظر شما این خانمی که در رشته خودش مدال آور و افتخار آفرین بوده است لیاقت این کار را ندارد؟ ما باید این ورزشکار را به عنوان الگو معرفی می کردیم. آیا اقدامات این خانم در گذشته و در جریان همان موضوعات اجتماعی طولانی مدت و مغرضانه بوده است؟ خیر، اینها همه ریشه در احساسات ورزشکاران دارد. وقتی همین خانم کیانی امروز با فضای مجازی خدا حافظی می کند ریشه در افکار حرفه ای او دارد. باید به افکار حرفه ای او احترام گذاشت. دیدید که چقدر مقتدرانه پرچم ایران را در دست گرفت و بعد هم مورد توهین ضد انقلاب قرار گرفت که تو چقدر پول گرفته ای و...؟ مزدور شده ای و... ایشان قهرمان و الگو است. چرا برای یک اقدام باید ورزشکار مان را مورد حمله قرار دهیم؟ کار این خانم را خیلی بزرگش کردند. شما اگر می خواهید بر خود کنیند بروید با مسئولانی که در زمینه کارهای فرهنگی کوتاهی کرده اند بر خود کنیند، نه ورزشکاری که از روی احساسات یک کوتاهی جزئی کرده است. اینها پای کشور شان هستند و باور کنیند از خیلی ها مثل من که ادعا داریم، پای کار تر هستند. حضرت آقا می فرمایند من به جوانان امیدوارم، آن وقت ما امیدوار نباشیم؟ مافقط به خودمان امیدواریم!

● به نظر می رسد از دید برخی از مسئولان کشور ورزش، نه فرصت که تهدید است و گاهی انتقار در این زمینه زیاده روی می شود که ماهیت خود ورزش زیر سوال می رود و حتی فضایی امنیتی بر آن حاکم می شود.

- درست می گوئید. من چه بخوام و چه نخواهم تجربه مدیریتی ۴۰ ساله دارم. با صراحت به شما می گویم که ورزش اصلاً تهدید نیست. در کجای جامعه اینگونه شور و وحدت ایجاد می شود؟ فقط ورزش. به جز سفرهای رئیس جمهور برای کدام بخش در بیرون از کشور سرود نواخته می شود؟ فقط برای ورزش و ورزشکار. ورزش از صفر تا صدش فرصت است. آنجایی که تهدید می شود، به دلیل عدم شناخت مدیران و مسئولان از جوانان است.

● برای ورزش بانوان آنگونه که باید در این سالها کاری صورت نگرفته است؛ در بازی های آسیایی هانگژو دیدیم که بانوان درخشش داشتند.



- بله، در همین بازی های آسیایی اولین مدال های ما را بانوان کسب کردند. تراز مملکت ما قانون است. قانون منعی برای فعالیت ورزشی بانوان ندارد و کسی حق ندارد بالاتر از قانون حرفی بزند. سالها قبل مقام معظم رهبری بر ورزش بانوان تاکید کردند. هیچ مقامی در این مملکت نباید جلوتر از رهبری حرفی بزند. در بحث قهرمانی، تیم متشکل از بانوان که به او رست رفت، از سوی آقا مورد تقدیر قرار گرفت و ایشان فرمود که این صعود باید مقدمه کارهای بزرگتر باشد. اولین، دومین و سومین سهمیه المپیک ما را خانم ها کسب کردند. نمی خواهیم بانوان را باور کنیم؟ ما نباید جلو بیفتیم که به تبرج برسند و عقب بمانیم که این نادیده گرفتن ظرفیت های بانوان است. کسانی که می گویند بانوان نباید ورزش کنند نگاه شان هم از قانون و هم از نگاه رهبری دور است.

● تعیین پاداش قابل توجه و دلاری برای مدال آوران بازی های آسیایی اقدامی جالب بود؛ اما در کنار تعیین همان پاداش برای روسای فدراسیون ها عجیب به نظر می رسید؛ چه فکری در پس آن تصمیم وجود داشت؟

- اشتباه بود و خیلی زود هم جلوی آن را گرفتیم. فکری غلط بود. ما باید بدانیم مسائل ملی را نمی توان در کنار جوایز و پول قرار داد. هیچ کشوری این کار را نمی کند. ورزشکار غیرتمند را که نباید در کنار پول و پاداش قرار داد. در مقابل این، باید هم پاداش بگیرد چون فداکاری کرده است. خدا قوت باید گفت. اینکه به ورزشکار بگوییم که اگر این بازی را بر دی این مبلغ را می دهیم او را تبدیل کرده ایم به "گلادیاتور" و دیگر ورزشکار ملی به حساب نمی آید. ما باید بر بخش های فرهنگی و اعتقادی تاکید کنیم و وقتی هم قهرمان شد از او تقدیر کنیم منتها این بخش ها را در یک کفه ترازو نگذاریم.

● البته باید ساز و کاری باشد تا این بحث پاداش چیزی شبیه داستان تیم ملی فوتبال و جام جهانی و حواله های خودرو نشود.

- اگر قرار است پول تعیین کننده جذب ورزشکار ملی باشد باید آن ورزشکار را کنار بگذاریم. آقای عبدالله موحد را به عنوان یک اسطوره قبول داریم. ایشان می گوید وقتی مربیگری کشتی گیران آمریکایی را به من پیشنهاد دادند قبول نکردم چون راضی نمی شدم به آنها کشتی بیاموزم تا بیایند کشتی گیران کشور ما را شکست دهند. از این الگوها برای مربیان و ورزشکاران بسازیم.

● پذیرش این صحبت ها از سوی ورزشکاران در فضایی

که بین رشته ها تبعیض وجود دارد، دشوار است.

- اینکه بگوییم اشکالاتی نیست که حرفی نادرست است؛ بله اشکال وجود دارد. شخصیت ورزشکاران را در کنار معیشت قرار ندهیم و آنها را زیر سوال نبریم. ورزشکار ملی خیلی بالاتر از این حرفهاست.

● در بازی های آسیایی برخی از رشته ها با آنکه اعزام شان هزینه های قابل توجه روی دست کمیته گذاشته بود بسیار ضعیف ظاهر شدند؛ نمونه اش تیراندازی، وزنه برداری، فوتبال و... یک مثال دیگر می زنیم؛ در رشته بدنیتون که اعزام شان به هانگژو با حرف و حدیث هایی همراه بود، ضعیف ظاهر شدید، حتی در آنجا اتفاق عجیبی را دیدیم که همان فقدان مربی کار کشته برای دو ورزشکار اعزامی بود؛ به شکلی که در جریان بازی های بانوی اعزامی ورزشکار پسر ما او را کوچ می کرد. در شنا و شیرجه اقتضای بودیم؛ حتما درباره شیرجه عجیب یکی از شیرجه روهای ملی پوش در آنجا شنیده اید.

- می خواهیم در این زمینه فرهنگ جدیدی ایجاد کنیم. هر فدراسیونی که راستگوتر باشد بسته های تشویقی بیشتری می گیرد و کسی که روی ریل نیاید از این موضوع محروم خواهد شد. این کار را انجام داده ایم. بحث المپیک البته جد است. ما برای بازی های آسیایی بعدی با این رویکرد جلو می رویم. باید ضمانت بدهند. اینها یک بار از پاسخگویی فرار کردند. الان دیگر نه جامعه حرف های آنها را می پذیرد و نه ما. ما جزوه را در اختیار فدراسیون ها گذاشتیم. من فکر می کنم رسانه ها بعد از مسابقات باید روی این موارد کار می کردند. رئیس فدراسیونی که گفته بود چند مدال می گیرم اما نگرفت باید پاسخگو باشد؛ باید عذرخواهی می کرد.

● عملکرد برخی از رشته های مدال آور مثل وزنه برداری، تکواندو... نگرانی هایی را به دنبال داشت؛ برای اینها چه برنامه ای دارید؟

- نگرانی شما بجاست؛ ما هم نگران شدید. علت این است که برخی باور شان شده که می توانند با لابی گری و فشار خودشان را در کاروان های اعزامی قرار دهند. در هانگژو هم این اتفاق افتاد. برخی از رشته ها قرار نبود بروند.

● نام نمی برید؟

- مصلحت نیست چون ما قماران بر سر کوب رشته ها نیست.

● قرار بود بعد از مسابقات نظارت بر رشته ها بیشتر شود.





در ورزش بر می گردد ، جایی که ریشه پسر فت هایمان است؛ نظر شما چیست؟

– در اینکه ما در زمینه مدیریت نقص داریم شکی نیست اما مدیریت ها را نباید به انقلابی و غیر انقلابی تقسیم کنیم. ما در مدیریت کلان ورزش اشکال داشته ایم. اقتدار را باید از آنجا ایجاد کرد. ورزش ما از زمانی که انتخاباتی شد آسیب دید. دیگر رای تعیین کننده است و نه کیفیت. زمانی در فدراسیون ها آدم های قدرتمندی بودند. من دموکراسی را زیر سوال نمی برم اما روسای فدراسیون ها در کشور عموما افرادی هستند که با حاکمیت ارتباط دارند. ما باید در اساسنامه، دموکراسی را خوب تعریف کنیم اما در اجرا مصالح و منافع ورزش را در نظر بگیریم.

شدنی هست؟

– در خارج از کشور الگوهای خوبی داریم. شاید یک عده از این حرف من خوش شان نیاید اما برخی از کشور های عربی و آسیای شرقی الگوهای خوبی هستند. هر کسی نباید خودش را در معرض رای قرار دهد و بالایی گری رئیس فدراسیون شود و بعد دستش را دراز کند و بگوید من پول ندارم حقوق کارمند خودم را بدهم. وظیفه وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیست که حقوق کارمندان را بدهد. اگر نمی توانید، وارد میدان نشوید. دو دهه قبل اینگونه نبود.

به نظر می رسد برای برخی از مدیران ورزش و روسای

فدراسیون ها اهمیت سفر کردن بیشتر از پیشرفت حوزه مدیریتی شان است.

– اول اقتدار از بالاست؛ تعارف نداریم. چرا مجامع فدراسیون ها و هیات رئیس ه کوتاه می آیند؟ اینها مقصرند که یک رئیس دائم به مسافرت می رود. رئیس فدراسیونی که می گوید پول ندارم پس چرا اینهمه سفر می رود؟ الان دوران سفر رفتن گذشته و اغلب جلسات شده است مجازی. رئیس فدراسیونی می گوید من بروم اردوی خارجی باز دید کنم؛ تو اصلا نباید بروی اردو، نباید وقتش را داشته باشی. حالا سفر هم می روی یک روز و دو روز باشد، نه ده روز. البته واقعیت این است که این برای همه ما اپیدمی شده است. دوست عزیز، اگر ما از منافع ملی فاصله بگیریم کارمان تمام است. من یک حرفی را به آقای مناف هاشمی زد م. گفتم جایی که یک نفر می تواند سفر برود اگر دو نفر بروند اشتباه است. با پول چه کسی قرار است همراه ببریم؟

من بدم می آید اینقدر از علیرضا دبیر تعریف کنم اما اینکه سفر نمی رود و با ورزشکارش تعارف ندارد خوب نیست؟ اینکه صبح تا شب در فدراسیون است خوب نیست؟

تا جایی که می دانیم شخص شما به عنوان نفر اول کمیته ملی المپیک با اگر اه مسافرت می روید؛ نمونه اش بازی های آسیایی بود که آمدید اما در انتظار ظاهر نشدید؛ حتی برای اهدای مدال ورزشکاران ایرانی.

– من را اشتباهی انتخاب کرده اند. البته دیروز یک سفر رفتم. از هواپیمایاده شدم و تاکسی گرفتم و بر مزار سیامندر حمان حاضر شدم و فاتحه خواندم و با همان تاکسی به فرودگاه برگشتم. لازم بود بروم چون باید به آن پدر و مادر عرض ادب می کردم. من در المپیک پاریس هم در سالن حاضر نمی شوم. من نباید بین رشته ها فرق بگذارم. ورزشکاری که مدال نمی گیرد هم ملی است و نباید فقط

– آن فدراسیون هایی که ناموفق بودند همه در مسیر افت نبودند. مثلا تکواندو. بنده می بینم که آنجا یک تیم ورزشی وارد کار شده اند. ما اگر هادی ساعی و اصغر رحیمی را خوب ندانیم پس چه کسی را باید بیاوریم؟ ما در آینده از تلاش اینها بیش از یک دهه سود خواهیم برد. من به مدیریت المپین هایی چون آقای دبیر و آقای ساعی خیلی امیدوارم. هر رئیس فدراسیونی که مسیر خوبی را طی می کند باید در کنارش باشیم چون به هدف خود ما نزدیک می شود. اگر فردی مثل علیرضا دبیر بداند کمکش می کنیم مقابل مانمی ایستد و جبهه نمی گیرد؛ البته یک جاهایی هم باید مانع بلندپروازی کاذب روسا شویم. مادر کنار روسای فدراسیون ها هستیم. اگر دبیر امروز درست حرکت می کند دلش تمرکز او روی المپیک است و کمتر هم صحبت می کند.

در وزنه برداری باید تجدید نظر کنند در سیاست هایشان؛ به هر حال در ۴۰ سال اخیر این همه مدیر دارای کارنامه در یک جا جمع نشده بودند منتها اگر نتیجه نداشته باشند مشخص می شود که مسیر را اشتباه رفته اند. یاد ر جودو اگر آقای آر ش میراسماعیلی که ورزشی است نتواند نتیجه بگیرد به ایشان هم نقد وارد خواهد شد. البته آن چهار سالی که جودو تعلیق شد صدمه زد و باید به آنها فرصت داد.

برخی از فدراسیون ها هم هستند که خود را پاسخگو

نمی دانند؛ تکلیف آنها چه می شود؟

– شما نام ببرید تا من پاسخ دهم.

مثلا فدراسیون بسکتبال که در بعد نتیجه گیری و

موضوعات دیگر ناکام بوده است.

– آنها به نظرم موفق بوده اند. کارشناس من می گوید ناموفق بوده اند اما من نگاه می کنم که نیروی جوانی را آورده اند و باید به آنها فرصت داد. دوره بعد اگر نتیجه نگیرند من حرف شما را قبول می کنم.

تیراندازی چطور؟

– تأیید می کنم؛ ناموفق بودند. حتما نقد به آنها وارد است.

بدمینتون؟

– آنها هم ناموفق بوده اند.

روسای این فدراسیون ها جوان هم نیستند که بگوییم

نیروی جوانی در آنجا جاری شده است.

– وقتی نقد وارد است بنده می پذیرم. وقتی فدراسیونی سه دوره بازی های آسیایی را تجربه کرده است دیگر فرصت داشتن و تجربه کسب کردن معنایی ندارد. ما صدای ضبط شده برخی از روسای فدراسیون ها را داریم که گفته بودند مدال می آوریم و بعد ناکام شدند. حرف های آنها دیگر برای ما ملاک نیست؛ باید اثبات کنند.

به کدام فدراسیون ها هشدار می دهید؟

– لیست شان را به شما می دهم. اینها باید تجدید نظر کنند در راه و روش خود. منزلت ورزش ما هفتمی نبود.

اگر بخواهید صادقانه به کاروان اعزامی ایران به چین

نمره بدهید آن نمره چند خواهد بود؟

– ۱۰۰

یکی از دغدغه های اصلی کارشناسان ورزش و

منجمله نشریه قدیمی کیهان ورزشی به مشکلات مدیریتی

جایی برویم که ورزشکار مدال می گیرد.

ما باید از یکسری کارهای ظاهری فاصله بگیریم. من به فدراسیون ها می روم اما عکاس نمی برم. من باید به رئیس فدراسیون و کادر فنی آرامش بدهم و همچنین به ورزشکار. حضور من در سالن های مسابقات لزومی ندارد. تجربه ۴۰ ساله من می گوید که مسئول باید در ستاد فرماندهی باشد. این برای من مهم است، نه رفتن به سالن برای مدال دادن.

یکی از اقدامات مهم و قابل تحسین کمیته ملی المپیک در زمان مدیریت شما سر و سامان دادن به آکادمی ملی المپیک بود ، جایی که در سالهای قبل به انحصار برخی از جریانات در آمده بود؛ درباره این اتفاق صحبت کنید .

– آکادمی یک روزی افتخار ورزش کشور بوده از نظر ابعاد علمی و اندازه گیری قابلیت های جسمی ورزشکاران و فیلتری بوده برای گزینش ورزشکاران با کیفیت جهت اعزام اما از این امر فاصله گرفت و فدراسیون ها خودشان آکادمی زدند. کمیته ملی المپیک باید حرفه ای وارد می شد و کنترل کیفی انجام می داد. تجهیزات آنها کهنه شده بود و از کارشناسان آن به خوبی استفاده نمی شد. متأسفانه اتفاقات خوبی آنجا نمی افتاد. امروز فدراسیون ها به تجهیزات و کارشناسان ما اعتماد کرده اند. روسای فدراسیون ها باید خوشحال باشند که ما گزارش های محرمانه خود را درباره میزان آمادگی ورزشکاران به آنها بدهیم.

درباره تیم فوتبال امید صحبت کنید؛ این تیم هم در بازی های آسیایی ضعیف ظاهر شد؛ شاید اگر در بحث انتخاب سرمربی آن کمیته ملی المپیک محکم تر ورود می کرد ، شرایط فرق می کرد.

– ما در بحث انتخاب هیچ مربی ای دخالت نمی کنیم. این سنت غلط گذشته بوده است. کادر فنی تیم امید را فدراسیون باید انتخاب می کرد و سرمربی تیم ملی. چه شد فدراسیون فوتبال تیمی که داشت می رفت بالا قبل از یک بازی مهمش چند بازیکن کلیدی را از تیم جدا کردید؟ چه توجیهی دارد، رئیس فدراسیون فوتبال؟

من محکوم نمی کنم و از خودشان پرسید ولی می توانستند بهتر عمل کنند.

کشتی را مثال می زنیم؛ به علیرضا دبیر ، رئیس این فدراسیون نیز در بخش هایی نقد وارد است اما دعوای او با مدیران ارشد ورزش در این سالها بیش از آنکه برای خودش باشد برای پیشبرد اهداف فدراسیونش بوده است؛ چند رئیس فدراسیون دیگر با این شاخصه ها را سراغ دارید؟

یکی از موارد مهم پیرامون عملکرد کمیته ملی المپیک در سال ۱۴۰۲ در آموذایی آن بود؛ به گونه ای که بارها اعلام کرده اید به هیچ بخش و یا نهادی نیازمند نیستید؛ برای رسیدن به این ساحل آرامش چه اقداماتی انجام دادید؟

– هنوز هم می گویم نیازمند کسی نیستیم. ما به فدراسیون ها دو برابر هم پول داده ایم. سال را با بدهی تمام نمی کنیم. ما به خودمان وصل هستیم. هزینه های غیرمتعارف را انجام نمی دهیم. در کمیته ملی المپیک پول مدیریت می شود. ما امروز پشتوانه ارزی مان هم خوب است.

آیا آن تعاملی که باید میان وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک وجود داشته باشد برقرار است؟

– بله، خوشبختانه این دوره با تمام ادوار فرق دارد و هیچ زمانی این همه تعامل نداشته است.

یکی دیگر از اقدامات تحسین برانگیز کمیته ملی المپیک برگزاری جشن سده بود؛ البته این نقد هم به آن مراسم وارد بود که بسیاری از مدال آوران دعوت نشدند .

– دعوت کننده، ما نبودیم و فدراسیون ها باید این کار را انجام می دادند. یقینا فدراسیون ها بهتر شناخت داشتند.

برای مثال غیبت محمد بنا عجیب بود؛ خودش مدعی بود که دعوت نشده است.

– من به طور خاص از آقای بنا عذرخواهی می کنم. از خیلی های دیگر هم عذرخواهی می کنم. برخی ها نیز تماس گرفتند و گفتند جایی گیر کرده ایم. برخی هم مایل نبودند بیایند که به نظر



من در موضوعات ملی، میل شخصی افراد نباید در اولویت قرار بگیرد.

● **رونمایی از صدای غلامرضا تختی هم اتفاق جالبی بود؛ این صدا در این سالها کجا بوده است و چگونه به دست شما رسید؟**

- این صدا دست آقای بهمنش بوده و ایشان وصیت می کنند به آقای محمدی بقا و می گوید که این را به رئیس کمیته ملی المپیک می دهی که از این صدا سوءاستفاده نکند و ضمناً در معرض عموم قرار بگیرد. در دوره های قبل دو تاسه رئیس کمیته درخواست این نوار را می کنند اما نمی دهد؛ نگران بوده به وصیت مرحوم بهمنش عمل نشود. خودش به ما مراجعه کرد. گفتیم دست خودت باشد. خواستیم ثابت کنیم که به دنبال سوءاستفاده نیستیم. ● **برخی از بزرگان ورزش ایران از نظر معیشت شرایط مناسبی ندارند؛ نمونه اش محمد نصیری که اخیراً در یک مصاحبه آرزوی مرگ کرده بود؛ کمیته برای یاری رساندن به این بزرگان چه برنامه ای دارد؟**

- اولاً کمیته ملی المپیک مسئولیت مستقیمی ندارد اما اینکه مسئولیت نداریم یعنی بی خیال باشیم؟ آقای نصیری از یک صفا و صمیمیت و ویژه ای برخوردار است که ۹۰ درصد ورزشکاران، آن را ندارند. برخی از حرف ها را از روی صداقت می گوید. آن رسانه دولتی نباید آن حرف ها را منتشر می کرد. نصیری که در همه مسائل پیشقدم است، چالش هایی هم دارد. آن را باید ما حل کنیم.

ما وقتی متوجه شدیم وارد عمل شدیم. ربطی هم به آن مصاحبه نداشت. قبل از آن به ایشان گفته بودیم تا زمانی که زنده هستی کمیته حامی شماست و این را خبری نکردیم؛ بعدها خبری شد. ● **در سال ۱۴۰۲ اتفاق تلخی برایتان رخ داد که درباره آن صحبتی نداشته اید؛ همان تصادف سخت؛ اگر ممکن است کمی درباره اش توضیح بدهید.**

- تلخ نبود؛ تصادف است دیگر؛ دو تماشین به هم می خورند. اربعین در کربلا تصادف کردم و بعدش ناراحتی قلبی پیدا کردم. اینها همه برکت و حسن است. یکی از بازاریان قدیم وقتی می شنود مغازه اش آتش گرفته است می پرسد مغازه های کناری هم آتش گرفته اند؟ می گویند نه. می گوید خدا را شکر. من هم می گویم خدا را شکر که ماشین پشتی ما تصادف نکرد و من انتخاب شدم. ● **در آخرین روزهای سال ۱۴۰۲ قرار داریم؛ چه کار نکرده ای در ذهن تان وجود دارد که ممکن است گاهی در خلوت با خودتان بگوئید این یک کار را انجام دهم دینم را به ورزش این مملکت ادا کرده ام؟**

- یک کلام بگویم که ما هیچ کاری برای این مملکت نکرده ایم؛ با اعتقاد می گویم و بابت این موضوع باید چوب بخوریم. ما برای این مردمی که این همه سال پای انقلاب ایستادند چه کرده ایم؟ هزار کار نکرده داریم. ما برای شهدای امنیت چه کرده ایم؟ خیلی مظلوم بودند. یک سمی در کشور ما راه افتاده است که مدیران ما همه بی خیال هستند. این نقشه دشمن است. خیلی از

مدیران شبانه روزی کار می کنند. شمامی دانید که هم چپ تندرو را قبول دارد و هم راست تندرو. من در این قسمت باید بگویم که خیلی از مدیران زحمت می کشند اما باید بیشتر کار کنیم. این مملکت برای مردم است. شما را به خدا این را بنویسید؛ آن افرادی که نرفتند رای بدهند ضد انقلاب نبودند. هم آنها که رای دادند پای انقلاب بودند و هم آنها بی که رای ندادند. خیلی از نزدیکان ما هم رای ندادند. نکلند رای نداده ها را دشمن بدانیم. خیلی از کارها روی زمین مانده است. ما کاری که در شان مردم و ایران قوی باشد نکرده ایم. باید از مردم و جامعه جوان بخواهیم ما را ببخشند. باید آنقدر کار کنیم که پوست مان کنده شود و پشت میز کارمان سخته کنیم و بمیریم. دشمن دوست ندارد این کشور پیشرفت کند. شک نکنید ورزش ما در آینده سکوهایی بلند را فتح خواهد کرد.

● **همواره ارتباط خوبی با کیهان ورزشی داشته اید؛ در پایان خوشحال می شویم نظر تان را درباره این نشریه قدیمی بدانیم.**

- یک زمان در کیهان بچه ها عکس مرا در دوران ورزش چاپ کردند که به هیچ عکسی به اندازه آن افتخار نکرده ام. کیهان ورزشی هم شمشیری بود که اگر کسی پایش را کج می گذاشت سراغش می رفت. بعدها رسانه های دیگر آمدند. اگر آنها و ما در راستای ملی حرکت کنیم، همه کیهان ورزشی خواهیم بود.

● **ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.**

- کارگر شما هستم.



دعای تحویل سال نقشه راه مسئولین ورزش

■ سید سعید مدنی

تو خود بخوان حدیث مفصل

دوستاناران ورزش در سراسر دنیا در این شش ماهه آخر سال شمسی و سه ماهه پایانی سال میلادی بیش از هر وقت دیگری متوجه شدند که شعار جدایی ورزش از سیاست و ایدئولوژی و... که از سوی سردمداران و سازمان های جهانی ورزش مطرح می شود - چه حرف مهمل و یاوه ای است. البته خیلی از کسانی که واقعیات جهان استکباری و ماهیت قدرت های ضد بشری را می شناسند هیچوقت فریب این حرف ها را نخورده و به ساده اندیشان بی غرض و با از مرحله پرت های خیلی پرمدا هم توصیه کرده اند که خام این شعارها نشوند، چرا که این حرف ها را برای من و شما می زنند و خودشان اصلا به آن پایبند و متعهد نیستند. جنایات بی رحمانه و نسل کشی تقریباً بی سابقه رژیم صهیونیستی - که مولود قدرت های استعماری است - علیه مردم بی دفاع و زنان و کودکان مظلوم سرزمین ستمدیده و اشغال شده فلسطین و واکنش جهانی ورزشکاران و تیم های ورزشی و دوستاناران ورزش در سراسر دنیا خیلی چیزها را - حتی به ساده اندیشان و از مرحله پرت ها در چهار گوشه جهان - ثابت کرد. حرفه ای ترین ورزشکاران و باشگاه های جهان علیه این ظلم عیان و این قلدری قانون شکنانه یاعیان صهیونیست به خشم و خروش درآمدند و خواستار محرومیت نمایندگان ورزشی این رژیم جنایتکار از حضور در میادین ورزشی شدند اما کمیته بین المللی المپیک، بدون توجه به همه این واقعیات تلخ، این آدمکشی و قانون شکنی آشکار و این همه اعتراض جهانی، مجوز حضور کاروان ورزشی اسرائیل در المپیک پاریس را صادر کرد و...! تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل!

تغییر معنی دار وزیر

در کنار رویدادها و رقابت های داخلی و بین المللی ورزش در سال ۱۴۰۲، به گمان مایکی از مهمترین وقایع قابل تامل ترین اتفاقاتی که در ایران افتاد، تغییر وزیر ورزش کمتر از دو سال پس از شروع کار دولت جدید و شکل گیری کابینه بود. اهمیت این تغییر، به دلیل عزل و نصب در سطح وزیر نبود، بلکه از این جهت بود که خیلی از کارشناسان ورزشی و غیر ورزشی آن را بیش از هر چیز نشانه جدی گرفتن امر ورزش از سوی دولت مستقر و شخص رئیس دولت - یعنی رئیس جمهور - تفسیر و تعریف کردند، نگاهی که متأسفانه در میان خیلی از مدیران ورزش وجود ندارد و...!

وزیری که تحولگرا نبود

باری، هرچند که برای این تغییرات از سوی مقامات رسمی و غیر رسمی دلایلی مطرح و توجیهاتی تراشیده شد اما به گمان خیلی از کارشناسان - و از جمله این نشریه قدیمی - این تغییر و عزل و نصب های یک دلیل بیشتر نداشت و آن اینکه بدون تعارف وزیر قبلی " تحول گرا " نبود و از این نظر به هر دلیل از یکی از مهمترین سیاست های دولت که بارها رئیس جمهور بر آن تاکید کرده (یعنی تحولگرایی) و هشدار داده که مدیری که تحولگرا نباشد و خسته و ترسو و بی انگیزه باشد در دولت او جایی ندارد، به هر دلیل تبعیت نکرده بود و... به همین دلیل هم هنوز عمر کابینه به دو سال نرسیده، حکم عزل (و مثلاً استعفا!) وی صادر شد. در این باره خیلی گفته و نوشته ایم که یکی از گرفتاری های ورزش ایران این است که از سوی متولیان اصلی آن (که طبق قانون اساسی، دولت است) جدی گرفته نمی شود. دولت ها از جناح ها و شعارها و گرایش های مختلف می آیند و می روند اما " جدی

نگرفتن ورزش " یکی از نقاط اشتراک همه آنها بوده است! تغییر وزیر ورزش - آن هم کمتر از دو سال پس از شروع فعالیت - نشان داد که این دولت حداقل در شعارهای خود درباره ورزش جدی است. وقتی در عملکرد و کاروبار وزیر قبلی نشانه ای جدی در مسیر تحول دیده نشد و در ورزش کماکان بر همان پاشنه در حال چرخش بود و حرکت و اقدامی ملموس در جهت اصلاح و تقویت نقاط مثبت و قوت ورزش و در افتادن با پلشتی ها و آفات به چشم نیامد و همه تغییرات فقط لقلقه زبان مدیریت مستقر بود و در عمل هیچ برنامه تاثیر گذاری رخ نداد، حکم برکناری وزیر هم صادر شد و نوبت به فرد بعدی رسید تا بیاید و سکان هدایت ورزش را در دست بگیرد و در چارچوب سیاست های دولت، با روحیه تحولگرایی، دست به تغییرات لازم بزند و حداقل در مسیر تحول گام های ابتدایی را بردارد.

بازی با الفاظ و عیادت از بیماران

امیدواریم سکنداران جدید ورزش و شخص آقای کیومرث هاشمی پیام این عزل و نصب ها را به درستی درک کند و درباره حوزه مسئولیتی خود چنان عمل کند که به این زودی ها دولت و رئیس جمهور برای یافتن گزینه بعدی وزارت به زحمت و دردسر نیفتند! این را هم اگر اضافه نکنیم، مطلب ابتر می ماند. متأسفانه با وجود نزدیک به شش ماه از شروع کار وزیر جدید ورزش هنوز هیچ اتفاق خاصی نیفتاده و جز بازی با الفاظ و کلمات و چند دید و بازدید و عیادت از بیماران و پیشکسوتان در بستر افتاده (که کار بسیار پسندیده و بجایی هم هست) و یک تغییر عمده در سطح معاونت قهرمانی، نکته دیگری که قابل توجه و موجب امیدواری درباره اصلاحاتی باشد که قرار است در ورزش صورت بگیرد، از طرف وزیر جدید ورزش دیده نشده است. با این همه امیدواریم آقای هاشمی که ذاتاً فردی آرام و بی حاشیه است، در آرامش تمام و با طمأنینه و تدبیر لازم به چیزی جز دست زدن به اصلاحات و تغییرات اساسی فکر نکند.

پیامی که تکرار

و باز تکرار می شود

این که زمان بگذرد و تغییری مثبت و حرکتی رو به جلورخ ندهد و به جای آن همه چیز با اندکی کم و زیاد، تکرار شود، وصف حال و روز ورزش ماست. در سالی که روزهای آخر آن را سپری می کنیم کاروان

ورزش ایران در دوره بازی های آسیایی - که به میزبانی کشور چین در شهر هانگژو برگزار شد - همانی بود که چهار سال پیش و نیز دوره های قبل از آن بود و به همان نتایج و مقام هایی دست یافت که کم و بیش در دوره های ماضی تکرار کرده بود. در این دوره نیز ورزش ما و تنی چند از ورزشکاران در رشته های مختلف با درخشش و شگفتی سازی خود از داشته های نهفته و استعداد های پنهان این ورزش برایمان گفتند. پیام دادند که این ورزش، بالقوه قوی و دارای ظرفیت غنی است و اگر قدر این سرمایه ها و داشته ها دانسته شده و به درستی مدیریت و در مسیر بایسته هدایت شود، این توان و پتانسیل را دارد که بیش از اینها پرواز کند و جایگاه فعلی و قاره ای خود را در آسیا ارتقا بخشد. این پیام چنانکه اشاره شد مختص به این دوره و بازی ها نیست و تقریباً در همه ادوار از سوی ورزشکاران مستعد ما ارسال شده است، پیامی که همه - به جز کسانی که خود را به نشنیدن و ندیدن زده اند - و حتی مسئولان ورزش دریافت کرده اند اما علی رغم جلساتی که برگزار شد و وعده هایی که دادند در کمال تعجب در برابر آن واکنش و رفتار متناسبی صورت نگرفته و سازوکار لازم برای به فعلیت درآوردن این توانایی های ذاتی و ظرفیت های پنهان فراهم نیامده است. این است که بالاتر نوشتیم ورزش دچار وضعیت تکراری و دور باطلی شده که برای خروج از آن و حاکم کردن حال و هوای تازه و... نیازمند کارها و ابتکارات جدید است و تحقق و عینیت یافتن این یعنی " تحول "!

دور باطل

ادامه دارد؟

در این دوره هم بعد از بازی های آسیایی دو، سه جلسه ای از سوی



مسئولان ورزش برای بررسی عملکرد و ارزیابی کارنامه کاروان ورزش ایران در "هانگژو" تشکیل شد. حتی رسانه ای و اعلام شد که طی این جلسات رشته های ورزشی شرکت کننده در این مسابقات از نظر نتایج و عملکرد به چند دسته تقسیم شده ، که در آن رشته های موفق با کارنامه قابل قبول در گروه اول قرار گرفته اند و رشته های ناموفق و روزه در گروه آخر اما تا الان که به روزهای پایانی سال رسیده ایم ، هیچ رفتار و اتفاقی که نشان دهد نزد مسئولان ورزش ما عملاً فرقی بین دوغ و دوشاب وجود دارد، دیده نشده و همه مدیران - از مسئولان لایق و موفق گرفته تا مدیرانهای نالایق - دور سفره ورزش نشسته و گل می گویند و گل می شنوند... در یک کلام، در ورزش کماکان بر پاشنه قبلی می چرخد و ظاهراً هیچ "تحویلی" که باز تاکید می کنیم "نیاز حیاتی ورزش" ایران است ، قرار نیست اتفاق بیفتد و این یعنی اینکه فعلاً "دور باطل" قرار است برای ورزش تکرار شود و اراده ای که بخواهد این "دور" را به هم بزند و طرحی نو دراندازد، وجود ندارد...

بهترین فرصت برای قهرمانی

فوتبال ایران بعد از قهرمانی در جام ملت های آسیای سال ۱۹۷۶ تاکنون نتوانسته این موفقیت را تکرار کرده و چهارمین جام آسیا را در ویتترین افتخارات خود قرار دهد. تیم ملی ایران طی این ۴۸ سال در همه ادوار جام حضور ثابت داشته و در بعضی از دوره ها (که دیدار رده بندی هم برگزار می شد) به مقام سوم دست یافته و در بسیاری از دوره ها جزو چهار تیم اول قرار داشته و خلاصه همیشه مدعی قهرمانی بوده است اما به گمان ما و بسیاری از کارشناسان ، شانس این تیم برای قهرمانی در آخرین دوره این مسابقات بالاتر و بیشتر از هر وقت دیگر بود. بخت قهرمانی تیم ملی کشورمان وقتی برهمگان مسجل شد که بر تیم قدرتمند ژاپن غلبه کرد اما جدای از نتیجه، آنچه که باعث شد بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی برای ایران شانس بیشتری قائل شوند، بازی یکدست و عالی و متفاوت تیم ملی بود که حریف مدعی و قدرتمند خود را وادار به تسلیم کرد و حساب کار را به دست حریفان دیگر داد و به آنها فهماند که تاب مقابله با چنین تیمی را نخواهند داشت اما امسال و در این دوره و در فوتبال هم، آن "دور باطل" (که بالاتر از آن سخن رفت) برای ورزش ما تکرار شد و باز هم علی رغم همه آن حرف ها و شانس ها و... دست فوتبال ایران از رسیدن به جام کوتاه ماند. ایران باز جزو چهار تیم اول آسیا قرار گرفت و باز هم نشان داد که جزو قدرت های اول فوتبال قاره کهن است اما باز هم نتوانست قهرمان شود و در برآوردن انتظارات و توقع دوستداران فوتبال کامیاب شود.

نقدهای قابل اعتنای گروه سوم

در تحلیل چرایی این اتفاق ناخوشایند تکراری، طبق

معمول و مثل هر جا طوفانی از نقدها و تفسیرها و اظهارات به راه افتاد که بعضی از آنها احساسی بود، برخی مغرضانه و کینه توزانه بود و از آن سخت بوی "نفرت و انتقام" به مشام می رسید و بالاخره بسیاری از آنها منصفانه و فنی و کارشناسانه بود. طبیعی است که نظرات گروه سوم که "فنی" و "بانیات" ملی" به نقد و تحلیل مسائل می پردازند، قابل اعتناست و باید مورد توجه مسئولان فوتبال و مربیان تیم ملی واقع شود. این گروه آخری، دلایل شکست تیم ملی را در سه علت خلاصه کرده بودند. اول ، دلایل فنی و اشکالات تاکتیکی و ارنج و تعویض و... (که بیشتر متوجه کادر فنی و سرمربی است)، دوم ، دلایل ریشه ای فوتبال ایران و در واقع ضعف های درون (که ساختار معیوب فوتبال ایران را عامل اصلی می دانست) و سوم ، عوامل "روانی و ذهنی" را در شکست تیم ملی و اصولاً خیلی از ناکامی هایی که در ورزش برای تیم ها و ورزشکاران ما رخ می دهد، موثرترین عامل می داند. صاحبان این نظر معتقدند که ورزش ایران از حیث فنی و قابلیت های تکنیکی از ظرفیت و توانایی قابل قبول و بالایی برخوردار است اما متأسفانه اکثر تیم ها و ورزشکاران ایرانی از حیث روانی و ذهنی خیلی جاها کم ظرفیت نشان می دهند، به این معنی که زود قانع نمی شوند، زود مغرور می شوند، زود واقعیات را فراموش می کنند و تمرکز خود را از دست می دهند و... (البته این فقط به ورزش و ورزشکاران ما مربوط نمی شود، بلکه تقریباً همه اجزاء و عناصر ورزش و کسانی که با آن در ارتباط هستند را شامل می شود که ذکر نمونه ها در این باره بسیار است) و این مساله بسیار مهمی است که خود ما هم در این نشریه بارها به سهم خود به آن پرداخته ایم و لزوم ریشه یابی و بررسی علمی آن (در کنار پرداختن دو عامل قبلی، فنی و ساختاری) را به مسئولان امر یادآور شده ایم. تاکید می کنیم که این عامل سوم که پنهان بوده و قابل لمس و رویت هم نیست، مساله ای بسیار مهم و البته قدیمی است که به آن کمتر توجه و پرداخته شده است. این عامل (روانی و ذهنی) خیلی جاها کار دست ورزش و ورزشکاران ما داده و ریشه بسیاری از شکست ها و ناکامی ها (از جمله نتیجه ناخوشایند فوتبال در قطر) بیش از هر چیز به این عامل برمی گردد.

سرمربی تیم ملی و نقدپذیری

روشن است که سخن ما به معنای آن نیست که از سایر عوامل که بخشی از آن (ساختاری) به دولت و مسئولان ورزش و متولیان فوتبال و قسمتی از آن به کادر فنی و سرمربی تیم ملی مربوط می شود (فنی و تاکتیکی و...) غافل شویم و متولیان امور به وظیفه خود عمل نکنند. ساختار ورزش و فوتبال ما معیوب است و خیلی وقت ها ابتدایی ترین و بدیهی ترین استانداردها در آن رعایت نمی شود و این را باید ترمیم و تقویت و اصلاح کرد. از سوی

دیگر تیم ملی در کنار نتایج خوب و بازی های مقبولی که ارائه می دهد، دچار ضعف های آشکار و مشکلات تاکتیکی است که بیش از هر کس مربیان تیم ملی - به ویژه شخص سرمربی - وظیفه دارند یکسره و بی امان در پی رفع اشکالات باشند و این بیش از هر چیز نیازمند روحیه "نقدپذیری" است که متأسفانه تاکنون کمتر در کار و بار و رفتار و گفتار آنها دیده شده است.

پیام امید فوتبال

یک نکته دیگر را هم خوب است بگوییم چون هم به نظر ما حرف درستی است و هم سخت موجب امیدواری. با اینکه می دانیم با فوتبال خوب معامله نمی شود و هر کس و ناکسی به خود اجازه می دهد که در کار و بار آن به نفع خود و باند و گروهش دخالت کند، با اینکه می دانیم این فوتبال هزار مشکل معطل مانده و مساله لاینحل دارد و... اما با همه اینها همه دیدیم و می بینیم که این فوتبال هنوز جزو قدرت های اول آسیا و مدعیان قهرمانی قاره بزرگ است. همه می دانیم و می بینیم که این فوتبال به هر دلیل - خواسته یا ناخواسته و تحمیلی - درست مدیریت نمی شود و اصلاً با مدیریتی که ژاپنی ها با همین قطری ها اعمال می کنند، قابل مقایسه نیست اما همه توقع قهرمانی داریم و چون نمی شود، فریاد و فغان ها به آسمان می رود. جا دارد مدیران فوتبال و مسئولان ورزش اینجا هم تغییر رویه و رفتار دهند، دست از بعضی کارها بردارند و قدر این همه استعداد و ثروت خدادادی را بدانند و در انجام وظایف خود دیدگاه "ملی" و مهمتر از آن "آخرتی" داشته باشند که این مسئولیت ها و فرصت زندگی زودگذر است. فرصت نمی دهد که ز دیده بشویم خواب از بس که تند می گذرد جویبار عمر و به قول مولای (ع) فرصت ها مثل ابر خیلی زود عبور می کند. (الفرصه تمر مر السحاب).

اصول و اصلاح

سال جدید از راه می رسد. جا دارد به مصداق دعای پرمغز و معنی "یا محول الحول و الاحوال" ، حول حالنا الی احسن الحال" هر کسی، هم درباره خود و احوال خودش از اصل "تحول" غافل نباشد و هم در مورد مسئولیت های اجتماعی و سروکارهای مردمی. با توجه به واقعیات و چند نمونه و نکته ای که بالاتر ذکر شد، ورزش ما بیش از هر چیز نیازمند تحول و اصلاح همه جانبه جهادی و انقلابی است، اصلاحی که بر پایه اصول سازنده و توصیه شده ای مانند نظارت، شایسته سالاری، آینده نگری، برنامه ریزی و... بنا شده باشد.



■ حمید ترابپور

گفت و گو با امیر قلعه نویی در حد فاصل بهار

من هم اشتباهات زیادی

سال ۱۴۰۲ به همان اندازه ای که برای امیر قلعه نویی تلخ تمام شد می توانست شیرین باشد. لایب هر لحظه افسوس از دست رفتن جامی را می خورد که اگر به ایران می آمد، هم خودش الان روی ابرها قدم می زد و هم فوتبال ایران به چند دهه حسرت خود پایان می داد.

بهانه سراغ گرفتن از او همین اتفاقات بود. از روز رسیدنش به آن شیروانی داغ شروع کردیم، به شب جهنمی دوحه رسیدیم و در انتها از جام جهانی پیش روی حرف زدیم که به او چشمک می زند.

سال برای امیر قلعه نویی پر بود از اتفاقات ریز و درشت، هیجان انگیز، تلخ و گاهی هم پر تلاطم. بخش هیجان انگیز آن، وقتی بود که قرعه به نامش افتاد و از میان آن همه مدعی، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران شد، قسمت تلخش در آن شب عجیب دوحه رقم خورد، جایی که "فینال" از دستش لیز خورد و نصیب قطری ها شد و حالا هم در روزهای پر تلاطم بعد از جام ملت ها بسر می برد؛ او مانده و دو گروه منتقد. دسته اول همان همیشگی هایی هستند که کاری ندارند امیر خوب باشد یا بد؛ فقط می زنند و می کوبند و گروه دوم، منتقدان دلسوزی هستند که می دانند اگر این چهره موفق شود فوتبال ملی ایران موفق خواهد بود.

● انتظار این بود که تیم ملی وارد مرحله پست اندازی شود اما عملاً این اتفاق نیفتاد.

– ما یک برنامه کوتاه مدت داشتیم که همین جام ملتها بود. شمایدانان هست که برخی ها از همان اول این موج را راه انداختند که این تیم از گروهش بالانمی رود و... تبلیغات منفی را زود شروع کردند. من هم می دانستم با این موج روبرو می شوم اما کارم را انجام دادم. بحث بعدی این بود که در تیم ملی تغییر نسل بدهیم یا به قول شما پوست اندازی شود. البته این را هم بگویم که ما استارت این کار را از همان جام ملتها زدیم منتها بدشانسی آوردیم. بازیکنانی مثل امید نورافکن، یاسین سلمانی و... مد نظر ما بودند که مصدوم شدند. در جریان بازی ما هم دیدید که صادق محرمی را از دست دادیم. خیلی از این نفرت را خود من از پایه ها به سطح اول فوتبال ایران معرفی کردم. شما می دانید که به جز مقطعی در استقلال، در دیگر تیم ها سیستم مورد علاقه من ۳-۳-۴ بود. همان بدشانسی ها روی سیستم ما هم اثر گذاشت. برای ادامه راه هم یک برنامه به فدراسیون و هیات رئیسه محترم داده ایم که از آن استقبال کردند منتها همانطور که آقای مجید جلالی گفته است وظیفه سرمربی تیم ملی این نیست که بازیکن تولید کند. این کار باید در باشگاهها و رده پایه ملی انجام شود. برخی از ژاپن مثال می آورند و می گویند آنها چند بازیکن ۲۰ ساله آوردند. حرف درستی است و کار آنها هم درست است اما یادمان نرود که همان بازیکنان ۲۰ ساله تجربه حضور در ۷۰، ۸۰ مسابقه بین المللی را دارند.

خب، آیا ما این شرایط را داشتیم و یا داریم؟ اینجا وظیفه من سرمربی تیم ملی چیست؟ حالا در یک جاهایی مثلاً در باشگاه سپاهان این کار صورت می گیرد. یک روزی با آقای برانکو که از دوستان خوب من است تیم ملی به جام جهانی رفت. در آن تیم ۷، ۸ بازیکن محصول آکادمی فولاد خوزستان بودند. خب، الان فولاد چه شرایطی دارد؟ آیا همچنان تولید بازیکن دارند؟ باشگاهها باید بازیکن درست کنند. آن بازیکنان در تیم های پایه ملی دیکته بنویسند و غلط هایشان را اصلاح کنند و در نهایت، راهی تیم ملی بزرگسالان شوند. درد بزرگ فوتبال ما اینجا است. دقیقاً باید اینجا را اصلاح کرد. بازیکن ۲۰ ساله اگر می خواهد در تیم ملی بازی کند باید تجربه اش را داشته باشد و گر نه تیم ملی که جای تجربه اندوزی نیست. یک مثال واضح می زنم. شما بازی برگشت سپاهان و الهلال را دیدید؟ بازیکنی مثل آریا یوسفی که در آن صحنه آن اشتباه را انجام داد و به ضرر تیمش شد، اگر تجربه بیشتری داشت قطعاً آنگونه عمل نمی کرد. پس وقتی ما می خواهیم روح تازه ای را به تیم ملی بدمیم، باشگاهها و تیم های پایه ملی باید بار اصلی را به دوش بکشند.

● کمی عقب برگردیم. اولین اقدام شما انتخاب اعضای کادر فنی بود؛ همین انتخاب اولین انتقادات را متوجه تان کرد و امتداد آن تا امروز یعنی بعد از پایان جام ملت های آسیا ادامه دارد.

– من اعتقاد دارم که کادر ما بسیار قوی، فنی و متشکل از انسان هایی با شرف است. روزی که آقایان یواخیم لوفلیک رفتند به رده ملی، در آلمان چه جایگاهی داشتند و بعدها چه جایگاهی پیدا کردند؟ برخی از فوتبال دور هستند و برخی هم از روی حسادت

● تیم ملی بعد از رفتن کارلوس کی روش نیاز به یک پوست اندازی داشت؛ برخی مخالف مربی ایرانی بودند و برخی اعتقاد داشتند در آن شرایط باید کسی سکاندار شود که فوتبال ایران را می شناسد؛... و بالاخره قرعه به نام شما افتاد.

– آقای کی روش بیش از ده سال زمان داشت و دو جام ملتها را تجربه کرد. در جام ملتهای قبل از این دوره اخیر، وقتی تیم ما به جمع ۴ تیم رسید، فکر می کنم در حدود ۲۰۰ هزار دلار پاداش گرفت. در آن بازی هم ۳ گل از ژاپن خوردیم، آن هم با تیمی که ۴ سال جوانتر بود و امکاناتی بسیار بهتر از این دوره داشت. این دوره اصلاً با آن دوره قابل قیاس نیست. دلیل هم دارد و آن مشکلات اقتصادی است. این مشکلات فقط برای فوتبال نیست و بر زندگی مردم هم سایه انداخته است. بعد از بازی ژاپن وقتی آقایان رئیسی و قالیباف با ما تماس گرفتند، هم بنده و هم مهدی طارمی به نمایندگی از کل تیم فقط به مشکلات مردم اشاره کردیم و از آنها خواستیم که برای حل مشکلات اقتصادی جامعه تلاش کنند. یعنی نگفتم برای ما پاداش در نظر بگیرد و یا برای فوتبال کاری کنید. خب، بنده با علم به تمام مشکلات این مسئولیت را قبول کرده بودم و می دانستم کار سختی در پیش رو دارم.

در زمان آقای کی روش توجهات و امکانات خیلی بیشتر بود. با این حال ما تغییر سبک دادیم و تیم ملی، فوتبالی تهاجمی و مردم پسند را به نمایش گذاشت. تغییر دادن یک نگرش ۱۰ ساله در مدت زمانی کم، کار آسانی نبود. ما تا جایی که توانستیم وقت گذاشتیم و تلاش کردیم. اعضای کادر فنی ما از صبح تا عصر برای این کار وقت می گذاشتند. اگر بدشانسی نمی آوردیم لایق قهرمانی بودیم. ناراحتی من فقط از این بابت است که چرا نتوانستیم بعد از بازی با ژاپن همان شادی را با غلبه بر قطر و سپس قهرمانی به مردم هدیه کنیم.

● چند بار فیلم بازی با قطر را تماشا کرده اید؟

– حداقل ۴ بار دیده ام و هر بار بیشتر حسرت آن موقعیت هایی که گل نشد را می خورم. شما هر چیزی را باید با در نظر گرفتن شرایط موجود بسنجید. شما یک ماشین ۲۰۰ سی سی دارید و نمی توانید با خودرویی ۵۰۰ سی سی رقابت کنید.

● یعنی فاصله فوتبال ما با قطر تا این اندازه است؟

– من توضیح دادم. وقتی به صورت کلی به ماجرا نگاه می کنید و مشکلات و تنگناها را در نظر می گیرید فاصله هانمایان می شود. تمام ارکان فدراسیون فوتبال همه تلاش خود را کردند تا فوتبال به جلو حرکت کند. نمی گویم این ایده آل است اما خب، این رقابت برابر نیست وقتی شما می دانید چه مشکلاتی به سبب شرایط اقتصادی و تحریم ها بر فوتبال ایران حاکم شده است. من همیشه به دنبال شرایط ایده آل هستم. مگر بدم می آید که امکانات آنچنانی داشته باشم، با تیم های بزرگ دنیا بازی کنم و...؟ اما خب، الان شرایط اینگونه است. این را هم بگویم که وقتی امیر قلعه نویی مسئولیتی را قبول می کند باید با تمام شرایط کنار بیاید. ضمناً ما به قطری باختیم که قهرمان دوره قبل و مدافع عنوان قهرمانی بود، جام جهانی برگزار کرد و تیمی چند ملیتی بود. آیا این همان قطری است که ۲۰ سال قبل ما را شکست داد؟

● سال ۱۴۰۲ برای شما چه رنگ و بویی داشت؟ راضی بودید از اتفاقاتی که در این ۱۲ ماه به چشم دیدید؟

– قبل از هر چیز عید باستانی نوروز را خدمت همه ایرانیان داخل و خارج از کشور تبریک می گویم. ان شاء... زندگی مردم ایران همیشه سبز و توأم با آرامش باشد و مشکلات اقتصادی مرتفع شود. این مردم نجیب ترین مردم دنیا هستند. ایران هم از ثروتمندترین کشورهای دنیاست پس لیاقت این مردم زندگی بهتری است. درباره سوال شما باید بگویم که هر انسانی در زندگی اش فراز و نشیب هایی دارد. در شغلی که ما داریم این فراز و نشیب ها بیشتر هم خواهد بود. جایگاه سرمربیگری تیم ملی فشار زیادی را وارد می کند. امروز کار کردن در این جایگاه از گذشته سخت تر هم شده است. چرا؟ برای اینکه اولاً ما مثل گذشته ارتباطات بین المللی نداریم. ثانیاً شرایط اقتصادی فوتبال نیز مثل قبل نیست و فدراسیون در تنگناهای مالی قرار دارد. تحریم ها روی فوتبال اثر گذاشته است. این موضوعات در روند کاری ما اثر می گذارد. با این حال از روزی که این مسئولیت را پذیرفتم توکل مان به خدا و اهل بیت بود. تمام هدف ما شادی مردم بود. در این فضا دیگر مسائل مالی در اولویت قرار نمی گیرد. بنده در باشگاه گل گهر آرامش داشتم. خدا را شکر آن تیم "برند" شده بود و همگان برای آن احترام قائل بودند. وقتی سرمربیگری تیم ملی را پیشنهاد دادند فقط به یک دلیل قبول کردم و آن هم فرصتی بود که برای شاد کردن مردم در اختیارم قرار می گرفت. الان که من باشما صحبت می کنم در یافتی کادرفنی ما با توجه به اینکه قرار دادشان هم تمام شده، زیر ۵۰ درصد است. پس ما اگر این مسئولیت را قبول کردیم برای کار کردن و شاد کردن دل مردم بود؛ مثل اتفاقی که بعد از پیروزی بر ژاپن دیدیم. همیشه با خودم می گویم مگر شاد شدن این مردم را می توان قیمت گذاری کرد؟

در این سال فراز و نشیب های زیادی را پشت سر گذاشتم، مخصوصاً بعد از بازی با قطر. باور نمی کنید، من هنوز شرایط عادی خود را پیدا نکرده ام. وقتی فیلم آن بازی را می بینم، از نظر روحی به هم می ریزم چون واقعاً در آن بازی حق ما شکست نبود. اخیراً هم یک صحنه از آن بازی دیدم که اگر اشتباه نکنم در دقیقه ۴۵ بود؛ آنجایی که مدافع آنها مرتکب پناستی شد و باید اخراج هم می شد اما داور آن صحنه را ندید. لیاقت ما در آن بازی، بردن بود منتها زندگی همین است و شکست هم بخشی از آن است.

● در این سال پرونده مربیگری تان در سطح باشگاهی بسته شد و با فراز و نشیب هایی به نیمکت تیم ملی رسیدید؛ به نظر می رسید سالها منتظر فرا رسیدن این فصل از عمر مربیگری تان بودید.

– بحث منتظر بودن نیست. بنده در تمام این سالها به دلیل علاقه ام به کار در فوتبال در تیم های مختلف کار کردم. اینگونه نبوده که در تمام این سالها منتظر باشم که کسی در تیم ملی زمین بخورد و مرا انتخاب کنند اما همانطور که در بالا اشاره کردم وقتی به شما کار کردن در بستری را پیشنهاد می کنند که می دانید فرصتی برای خدمت به مردم است، خب، باید هم بپذیرید. این جمله را از ته دل می زنم؛ لذت کار کردن برای مردم را نمی توان با چیز دیگری عوض کرد.

دی داشته ام



باید بگویم که در کنار این نفرات ما از خیلی ها مشاوره می گرفتیم. مثلاً آقای جلال چراغپور بود. خود آقای حسین عبدی بود، آقای فریبا و آقای جلالی بودند. همان شب بازی با قطر بنده با دو تن از عزیزان یعنی آقای جلالی و آقای فریبا بر سر موضوع مهدی طارمی جلسه گذاشتیم. یک نکته دیگر هم که من تا امروز فراموش کرده ام مطرح کنم این است که بنده حتی با یکسری از پیشکسوتان دآوری و داوران عزیز هم مشورت می کردم. آقایان خسروی، مظفری زاده، برادران حیدری و... این افراد داوران روبروی ما را آنالیز می کردند و برای مان می فرستادند. این خیلی نکته مهمی بود که جا دارد از آنها تشکر کنم.

● یکی از همان انتخاب های شما خداداد عزیزی بود که در میانه راه از جمع تان جدا شد؛ خودش و شما دلیل این جدایی را اعلام نکردید اما ظاهراً خواسته هایی داشته و محقق نشده است و ضمناً آنگونه که ما شنیده ایم آی دی کارت یکی از مسابقات دوستانه برای او صادر نشده و به دلخوری اش می انجامد و در نهایت خداداد به منتقد شما تبدیل شد.

- من خداداد را دوست دارم. به خودش هم گفته ام که اگر در انتخابات خود بیشتر دقت می کرد می توانست مربی بزرگی شود. گاهی عجولانه تصمیم می گرفت. او هوش بالایی دارد. ما ایشان را به عنوان مشاور آوردیم. در هر تورنمنتی بر اساس قوانین، شما می توانید برای تعدادی از همکاران خود کارت بگیرید. ما که نمی توانیم برخلاف قوانین عمل کنیم. با همین شرایط هومن افاضلی ادامه داد. حالا خداداد یک سری دغدغه داشت که تلفنی هم با من مطرح کرد و امانت می ماند. اشکالی هم نداشت که

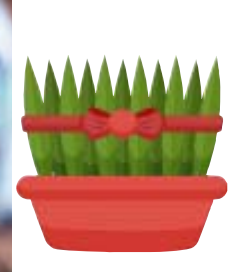
انتقاد می کنند. آقای حمید مطهری یک شبه به نیمکت تیم نرسید که بخواهند آن را در کتاب گینس بنویسند. پله پله بالا آمد. با مربیان و تیم های بزرگ کار کرد. آقای آنتونیو سالها در اروپا کار کرده بود. آقای "آلین"، مربی گلرهای ما از بهترین مربیان و مدرسان بوده است. آقای رحمان رضایی، هم تجربه حضور در اروپا را داشته و هم مربیگری کرده است. خب، اینها کنار تیم ملی نباشند چه کسی باشد؟ یا آندرانیک تیموریان با آن هم تجربه از فوتبال اروپا و ایران. همچنین آقای سعید الهویی که می توانید درباره دانش فنی او از لژیونرهای تیم ملی پرسید. آقای هومن افاضلی مگر سالها در همین حوزه ملی تجربه کار نداشته است؟

● اگر بخواهیم خیلی راحت و صادقانه صحبت کنیم باید بخشی از این انتقادات را درست بدانیم، مثلاً اینکه شاید بهتر بود در میان این نفرات که شما به آنها اعتقاد دارید و حق طبیعی تان هم هست، یک یا دو مربی با تجربه تر قرار می گرفتند.

- فوتبال روز دنیا چیز دیگری می گوید. شما دقت نکردید؛ من توضیح دادم. ماجرای فلیک و یوآخیم لور را برایتان تعریف کردم. من ۴ دهه در فوتبال هستم و تجربه دارم و می دانم که وقتی دوسه مربی انرژی و جوان در کنارمان باشند در نهایت به فوتبال خدمت کرده ام. این موضوع ایراد نبود و اتفاقاً حسن بود. این یکی از بهترین کادرهای تاریخ فوتبال ملی بود.

● آیا گزینه دیگری برای دستگیری تان وجود داشت که خودش قبول نکرده باشد و یا مجوز استفاده از وی را به شما نداده باشند؟

- نه، از اول هم همین نفرات را مدنظر داشتیم اما این را هم



هم داریم در کارمان ولی فقط حرفم این است که آدم وقت صحبت کردن و نقد کردن خدا را در نظر بگیرد و انصاف را رعایت کند.

● آیا در ادامه در کادر فنی تغییراتی خواهید داد؟

- خیر. شاید در بحث تقویت برنامه ای داشته باشیم اما قرار نیست از این نفرات کسی از ما جدا شود. این افراد یک سال تجربه کسب کردند. ما باید درباره همکاران خود با احترام صحبت کنیم.

● اینکه امیر قلعه نویی پای اصول خود بایستد و در برابر بی نظمی ها کوتاه نیاید همان انتظاری است که از او می رود اما درباره احمد نوراللهی شاید باید در نظر گرفتن سوابق اخلاقی وی می شد تا کمی اغماض کرد؛ نمی شد؟

- هر کار یک اصولی دارد. احمد که از نظر فنی مورد تأیید ما بود در همه ار دوها بود اما اگر قرار باشد بایک بازی آن رفتار را کند خب، من نمی توانم روی اصولم پا بگذارم. شما می خواهید با ۱۰۰ بازیکن کار کنید و نباید اجازه بدهید این رفتارها بدعت شود.

● کی روش در مقطعی روی برخی از نام ها خط قرمز کشید و تا روزی هم که بود آنها را دعوت نکرد؛ آیا موضوع نوراللهی هم اینگونه خواهد بود؟ شانس برای بازگشت دارد؟

- ما فعلا به نفرات دیگری فکر می کنیم. ما که نمی خواهیم بازیکن را نابود کنیم ولی ایشان به دلیل رفتارش عذرخواهی نکرد و این ممکن است باب شود. برای من بحث اشخاص مطرح نیست و منافع مردم و تیم را در نظر می گیرم.

● درباره جام ملت ها و اتفاقات آن زیاد صحبت شده

خط قرمز کشید. ببینید، مگر می شود من در یک برنامه که قرار است برای مردم درباره تیم ملی توضیح بدهم از همکارانم مشورت نگیرم؟ عده ای نوشته بودند ببینید در یک برنامه ساده چگونه از اطرافیان خود مشاوره می گیرد؟ یعنی برنامه ای که قرار است برای میلیون ها نفر توضیح دهم ساده است؟ من آدم مشاوره ای هستم. خیلی مواقع در جلسات نظر من با همکارانم فرق داشته و در نهایت حرف آنها را پذیرفته ام.

● آن شب و در آن برنامه وقتی از افشین قطبی برای حضور در کادر فنی تیم ملی دعوت کردید مشخص بود که خودتان هم به این موضوع که وزن کادر فنی باید بالاتر برود اذعان دارید.

- ما گفتیم که هر کسی می تواند به تیم ملی خدمت کند بیا. مگر آقایان جلالی و فریبا و محمص چگونه به ما کمک می کنند؟ مگر آنها روی نیمکت هستند؟ آقای افشین قطبی تجارب بالایی دارد و باید به فوتبال این کشور کمک کند. حیف است ایشان در فوتبال ایران نباشد. فعلا باید مسائل دیگر را حل کنیم. الان قرار داد مربیان تمام شده و دریافتی شان زیر ۵۰ درصد است. اول باید درباره اینها صحبت شود. من آدمی نیستم که ناله کنم. بنده سه بار عذرخواهی کردم، آن هم برای اینکه همه بدانند از زیر بار مسئولیت شانه خالی نمی کنم. مگر بعد از تورنمنت اردن همین هانمی گفتند که اگر ما هم جمع شویم این تیم ها را می بریم؟ خب، دو تیم از همان تورنمنت رسیدند به فینال جام ملت ها. من امیر قلعه نویی آدمی نیستم که بگویم کسی حق انتقاد ندارد. اشکال

منتقد ما شد منتها همه ما در زمان انتقاد باید انصاف داشته باشیم و خدا را در نظر بگیریم. در دنیا وقتی برای فوتبال برنامه می سازند دقت می کنند که چه کسی مجری باشد و چه کسی کارشناس. مثلا "گری لینکر" را برای اجرا می برند چون خودش در آن سطح بازی کرده است. وقتی این کار را می کنند دیگر برنامه به سمتی نمی رود که خوراک غلط به جامعه بدهند. جدا از مجری که باید خودش فوتبالی باشد، کارشناس برنامه هایشان هم افرادی هستند که در سطح بالا بازی کرده اند اما در اینجا داستان گاهی متفاوت است. حرف من این است که ما خیلی ایراد داریم؛ انسان هستیم و انسان اشتباه می کند؛ معصوم که نیستیم ولی باید انصاف را هم رعایت کرد. برخی ها رفتارهایی می کنند که به فوتبال کمکی نمی کند؛ البته همه اینگونه نیستند. مگر خود آقای جلال چراغپور از ما انتقاد نکرد؟ خیلی هم خوشحال می شدیم. بعد از یک بازی آقای مجید جلالی یک متن برای من فرستاد و انتقاد کرد که بنده توضیح دادم و ایشان هم قانع شد که الان زمان آن کار نیست.

● یک بحث دیگر که خداداد عزیزی مطرح کرد این بود

که اطرافیان شما به او پیغام داده اند با امیر قلعه نویی در جمع مخالفت نکن چون ناراحت می شود.

- اصلا اینگونه نیست. من نفهمیدم مشاوره می گیرم یا نمی گیرم. یک عکس در حاشیه برنامه "فوتبال برتر" بیرون آمد که بنده با مشاوران خود صحبت می کردم. عده ای شروع کردند به اینکه ببینید قلعه نویی دارد کمک می گیرد. خدا را شکر که آن عکس بیرون آمد چون روی تمام حرف هایی که درباره بنده زده می شد



است و از جزئیات می گذریم اما یک نکته وجود دارد که در باره آن صحبت می شود؛ **امیر قلعه نویی** بعد از پایان جام چندین بار از مردم عذرخواهی کرد و گفت که اگر کسی مقصر شکست برابر قطر بوده، آن فرد خود من هستم. خیلی ها دوست دارند بدانند آن اشتباه یا اشتباهاتی که شما به خاطر آن عذرخواهی کردید چه بوده است.

– انسان اشتباه می کند. وقتی شکست می خورید، مسئولیت بانفر اول فنی است و از این بابت عذرخواهی کردم. فوتبال همین است. من ناراحتم از اینکه چرا مردم را خوشحال نکردیم و مزد توانمندی های خود را نگرفتیم.

● **جمله "فوتباله دیگه" که از سوی شما بیان شد هم خیلی بازتاب داشت.**

– اشکالی ندارد. برای ما اصول مهم است. من به حرف هایی که عده ای در فضای مجازی می زنند کاری ندارم ولی از شما یک سوال دارم: آقایان در گذشته وقتی شکست خوردند عذرخواهی کردند؟ توضیح دادند به مردم؟

● **امیر قلعه نویی همواره با دو گروه منتقد روبرو بوده است؛ بخشی همان هایی هستند که کلا از شما خوشش شان نمی آید و منتظر شکست تان هستند اما در همین ماجراهای تیم ملی بعد از جام ملت ها برخی بودند که می دانیم و می دانید دلسوز هستند و از سر دلسوزی انتقاد می کنند.** گاهی به نظر می رسد شما هر دو گروه را با یک چوب می رانید!

– اصلا اینگونه نبوده است. من فقط گفتم کسی که روی بخل و حسادت حرف می زند با کسی که دلسوز است فرق دارد. خودتان گفتید که عده ای با شخص قلعه نویی مشکل دارند. من که توضیح دادم. من باز هم می گویم و آقای چراغپور را مثال می زنم که همین ده روز قبل بعد از انتقاداتی که داشت تلفنی باهم حرف زدیم.

● **منظورتان این است که منتقد باید انتقاد خودش را شخصا به خودتان بگوید؟**

– نه، در رسانه ها انتقاد کند ولی از روی صداقت. من بعد از این همه سال فرق دلسوزی و تخریب را می دانم. قبل از جام ملت ها که هنوز کار اصلی ما شروع نشده بود در یک برنامه تلویزیونی به ما حمله شد. آیا آن کار از سر دلسوزی بود؟

● **یک مثال می زنیم. آقای حشمت مهاجرانی اخیرا از تیم ملی انتقاداتی داشته است؛ حتما شنیده اید.**

– من یک نکته درباره ایشان بگویم. او ایران را خیلی دوست دارد. به فوتبال این مملکت خیلی خدمت کرده است. او را " پدر فوتبال ایران " می دانم.

در همین نشست اخیری که داشتیم ایشان هم تجارب خود را در اختیار من گذاشت، هم نصیحت کرد و هم انتقاد. راهکار هم داد. شما فرق آدم ها را اینجا متوجه می شوید.

● **دو بازیکن در آن جام دور از انتظار ظاهر شدند؛ یکی علیرضا بیرانوند و دیگری مهدی طارمی اما شما پای آنها**

ایستادید. اگر زمان به عقب برگردد باز هم به آنها اعتماد می کنید؟

– یک بازیکن نمی تواند ۲۰ سال یک مدل بازی کند. فوتبال افت و خیز دارد. فینال جام جهانی را مثال می زنم. در آن بازی مسی دو توپ را لو داد و بازی دو – دو شد. آیا سرمربی باید مسی را بیرون می کشید؟ مهدی طارمی و بیرانوند هم در این تورنمنت تمام فکر و ذکرشان این بود که از خودشان یک یادگاری بگذارند. من بعد از ۲۵ سال مربیگری حس بازیکنم را می دانم. من قبول دارم که مهدی در بازی برابر قطر مثل همیشه نبود. او یکسری دغدغه ها داشت که من نمی خواهم آن را باز کنم ولی نباید تلاش او را زیر سوال برد. یکی از علت هایی که تیم ملی ما حاشیه نداشت حضور این بازیکنان بزرگ بود.

● **بعد از بازی در خشان مقابل ژاپن سیل تبریک بود که به سمت شماروانه می شد اما در این میان برخی از اظهارات نشان می داد که فضا به سمت دیگری رفته است. نمونه اش توثیت مدیر کل روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری بود و یا تماس چهره های سیاسی با اردوی تیم ملی و ... همان روز این احساس وجود داشت که شاید چنین مسائلی از انگیزه بازیکنان تیم ملی کم کند و تصور کنند که دیگر کار تمام است.**

– خدا به من کمک کرده در دوره ای که سرمربی تیم ملی بودم به سه اجلاس مهم و بین المللی رفتم. یکی برلین بود، یکی هلسینکی بود و آخری هم در قطر. آنجا آقای اینفانتینو حرف خوبی زد. می گفت ما فوتبالی ها وظیفه داریم فقط در باره فوتبال صحبت کنیم. ما باید از طریق فوتبال مردم را خوشحال کنیم. اینکه دیگران چه می گویند به ما ارتباطی ندارد. این کار سختی است که شما ۴۳ روز یک تیم را حفظ کنید. ای کاش می شد ۵۰ روز که مادر فینال هم حاضر می شدیم. تیمی را حفظ کردیم که هیچ مشکل حاشیه ای نداشت. تمام هدف بازیکنان شادی دل مردم بود. مانه آدم های سیاسی هستیم و نه به دنبال مسائل دیگری می رویم. ما از قشر ضعیف و پایین جامعه بالا آمدیم و درد مردم را می دانیم. پس یک وظیفه داریم و آن هم خوشحال کردن مردم است. اگر هم حرفی می زنیم وظیفه مان است. گاهی باید در این جایگاه زبان مردم باشیم. باز هم می گویم: وقتی آقایان رئیسی و قالیباف تماس گرفتند محور حرف های ما مردم بودند.

● **پاسخ آنها چه بود؟**

– آقای رئیس جمهور و آقای قالیباف گوش کردند و گفتند ما داریم تلاش می کنیم.

● **موضوعی که این روزها زیاد می شنویم بحث جوانگرایی در تیم ملی است؛ ظاهرا این خواسته فدراسیون از شما برای ادامه همکاری بوده است؛ اما این موضوع را نمی توان کلی نگاه کرد؛ اساسا وظیفه نخست در این مسیر بر عهده باشگاههاست. قطعاً مربی تیم ملی باید از ویتروینی استفاده کند که لیگ برابر او قرار می دهد.**

– این حرف درست است. مایک برنامه جدید به هیات رئیسه دادیم. طبق آمار مابیشترین بازیکنانی که در لیگ بازی می کنند، بین ۲۵ و ۲۶ سال سن دارند. این نشان می دهد تولید نداشته ایم.

● **مثال می زنیم؛ امروز فوتبال ما که باید کارخانه بازیکن سازی باشد عملا در این مسیر قرار ندارد. در کل لیگ به اندازه انگلستان دو دست هم مدافعان وسط قابل اعتماد نداریم، در بخش هافبک طراح و بازیساز مشکل وجود دارد و ... اینها را چگونه می خواهید با آن طرح جوانگرایی که صحبتش می شود همسو کنید؟**

– هم مدیر و هم بازیکن به سمت نتیجه گرایی می روند که البته آنها هم مقصر نیستند. یک مثال می زنم. ما باشگاهی داریم به نام چادرملو که آقای سعید اخباری را به عنوان سرمربی انتخاب کرده اند. در دو سال گذشته نتایج خوبی نگرفتند اما پای مربی خود ایستادند. به خدا من اسم مدیران آنها را هم نمی دانم اما همین حمایت باعث شد که تیم شان الان مدعی اصلی صعود به لیگ برتر باشد. این نوع حمایت و دوری از نتیجه گرایی نشان می دهد که سیستم مدیریتی درستی بر کارشان حاکم است. همان پروسه ای که آقای سعدمحمدی دنبال و از آقای محمدریبیعی حمایت کرد. خود من در زمان حضور آقای قریب در استقلال این حمایت را دیدم و بعد از دو سال قهرمان ایران شدیم.

اگر فوتبال ما به این سمت برود می توان به جوان ها میدان داد. چرا لیگ ما پیر است؟ چون هم مدیرش امنیت ندارد و هم مربی اش.

● **برای پیشبرد این هدف باید بین کادر فنی تیم ملی و مربیان باشگاهی تعامل برقرار شود. آیا آن ارتباطی که باید باشد را با سرمربیان لیگ برتری دارید؟**

– توکل به خدا. ما لیگ را رصد می کنیم و با خیلی از مربیان در ارتباط هستیم و بسیاری از آنها در جریان جام ملت ها برای من پیام گذاشتند و حتی راهنمایی کردند.

● **در این مدت جمله ای و توصیه ای بوده که بشنوید و حال شمارا دگرگون کند؟**

– جمله که الان یادم نیست اما یک فیلم دیدیم که ما را خیلی تحت تاثیر قرار داد. آن فیلم به جوانی معلول مربوط می شد که جلوی تلویزیون بازی تیم ملی را می دید و هنگام پناالتی جهانبخش آن شور و حال را داشت. ما آن فیلم را قبل از بازی با قطر و در جلسه آنالیز برای بچه ها گذاشتیم و گفتیم ببینید برای شادی چه کسانی باید تلاش کنید. من هنوز ناراحتم که چرا نتوانستیم این انسان های بزرگ را بیشتر خوشحال کنیم.

● **این هم سوال است که امیر قلعه نویی درباره مهمترین تصمیمات زندگی اش – چه فوتبالی و چه غیر فوتبالی – با چه کسی مشورت می کند؟ منظورمان آن کسی است که اگر بگویید "امیر، نه" شما فی الفور حرفش را قبول می کنید.**

– اینکه سریع قبول کنم که منطقی نیست چون آدم باید درباره حرف ها و توصیه های دیگران فکر کند. بله، افرادی هستند که کمک می کنند. در وهله نخست هم خانواده ام قرار دارد.

● **یک پرسش هست که شاید در این سالها در ذهن خودتان هم به دنبال پاسخ آن بوده اید؛ اینکه امیر قلعه نویی تا کجا ادامه می دهد؟**

– حالا با توکل به خدا، یک بازیکن تا ۴۰ سالگی بازی می کند و شرایط خوبی دارد و یک بازیکن هم در ۲۸ سالگی نابود می شود. این به نوع زندگی آدم ها بستگی دارد. الان چگونه رونالدو در این سن و سال می درخشد؟ این نشان می دهد که برای خودش اهدافی دارد. در کتاب آقای فرگوسن آمده است که یک روز داشته در جنگل قدم می زده و صدای خش خش شنیده و بعد دیده رونالدو دارد می دود. اینها همه به دلیل طراحی اهداف است. من هم برای خودم در این حرفه اهدافی دارم. زندگی روتین من این است که ساعت ۶ صبح بیدار می شوم. اخبار را گوش می کنم. بعد می روم ورزش می کنم و بعد از آن به کارهایم می رسم. من برای رسیدن به اینجا سختی کشیده ام. شاید خیلی ها ندانند که من ۱۲ عمل جراحی روی زانوهایم انجام داده ام. الان هم باید هر دو زانوهایم تعویض مفصل شود. اتفاقا چندروز قبل به آقای خراطی گفتم که اگر کلاس های بین المللی مدیریتی برگزار شد مرا خبر کنید تا در آن شرکت کنم.

● **یعنی می خواهید وارد فاز مدیریتی شوید؟**

– اگر خدا بخواهد بله.

● **شاید اگر تیم ملی قهرمان جام ملت ها می شد دیگر به سقف آرزوهای خود در این شغل رسیده بودید. آیا این امکان وجود داشت که بعد از قهرمانی تیم ملی از مربیگری خداحافظی کنید؟**

– نه، من از این بچه بازی ها بلد نیستم. این کارها برای من نیست که یک برد بیاورم و بعد بگویم خداحافظ. من این همه جام آوردم ولی با هیچکدام شان عکس ندارم؛ فقط این آخری یعنی جام کافا بود و آن هم به اصرار دوستان اتفاق افتاد. ما باید در زندگی برنامه و هدف داشته باشیم. نه بایک باخت کنار برویم و نه بایک برد حرف از خداحافظی بزنیم. اگر قرار بود این اتفاق برای من بیفتد بعد از همان جام ملت های ۲۰۰۷ پرونده مربیگری ام بسته می شد. من ۱۷ سال در شهرهای مختلف ریاضت کشیدم و خوشحالم. به هر تیم که رفتم اثر گذار بودم؛ نتیجه یک طرف و اثر گذاری طرف دیگر. اگر بخواهم راحت جواب سوال شما را بدهم باید بگویم که عاشق کارم هستم. شما نمی دانید با توجه به بیماری ام در چه شرایطی به ازبکستان رفتم. به قول شاعر: گر مرید راه عشقی، فکر بدنامی مکن؛ اینجا عشق یعنی خداوند.

● **برای انتهای این گفت و گو بفرمائید اگر همین الان قدرت داشتید که بخشی از زندگی ورزشی خودتان را کلا حذف کنید و یا به عقب برگردید و آن را تغییر دهید، آن بخش کدام خواهد بود؟**

– تجربه، بهایش دادن عمر است. من اگر به گذشته برگردم شاید خیلی از کارها را انجام ندهم.

مصادقی صحبت نمی کنم. من هم خیلی جاهای رفتارهای اشتباهی داشته ام اما مهم، نیت است. وقتی به خدا و اهل بیت توکل کنید و نیت خیر داشته باشید حتما راه را درست رفته اید؛ حتی اگر به پیروزی ختم نشود. در زندگی فوتبالی ام هر کاری کردم اول خدا را در نظر گرفتم و بعد منافع مجموعه ای را که در آن کار کرده ام. الان هم در انتهای سال از همه حالایت می طلبم. دعا می کنم مشکلات مردم حل شود.



■ مازیار مهرانی

مروری بر یک سال پر افتخار برای زنان ورزشکار ایران

بانوان شگفتی آفرین

ورزش ایران در سال ۱۴۰۲ برای بانوان ورزشکار ایرانی با خاطرات خوشی همراه بود. در این سال زنان ایرانی در رقابت های مهمی حضور یافتند و موفقیت هایی را کسب کردند که اوج آن شگفتی سازی تعدادی از آنان در بازی های آسیایی هانگژو بود. به همین بهانه مروری داشته ایم بر عملکرد بانوان ایرانی در سال ۱۴۰۲.

تیم دختران در این رده سنی: غزل حسینی یک مدال نقره در وزن ۵۹ کیلوگرم، غزاله حسینی سه مدال طلا در ۶۴ کیلوگرم و هانیه شریفی در همین وزن یک نقره و یک برنز کسب کردند. در وزن ۷۱ کیلوگرم لعلیا کریمی دو نقره و یک برنز و در وزن ۷۶ کیلوگرم عسل کدخدایی دو مدال برنز به دست آوردند. در مسابقات رده سنی دختران تیم اعزامی با دو مدال طلا چرخار نقره و سه برنز به مقام چهارم نائل شد.

تیم بسکتبال زنان ایران به فینال دیویژن B بسکتبال کاپ آسیا رسیدند و با قبول شکست مقابل تیم اندونزی نایب قهرمان این مسابقات شدند.

*** مهرماه:

دختران ایرانی در بازی های آسیایی هانگژو موفق شدند هجده مدال کسب کنند. هفت مدال نقره و یازده مدال برنز که یکی از این مدال هایمیکس تیمی بود سهم دختران ایرانی از سکوی مدالی کاروان اعزامی به نوزدهمین دوره بازی های آسیایی هانگ ژو می باشد. بانوان شایسته کشورمان در مجموع ۳۱ در صد از سکوی مدالی کاروان ورزش اعزامی ما را به خود اختصاص دادند. برای کاروان ورزش ایران (۱) ترانه احمدی (اسکیت فوری استایل) مدال نقره - (۲) دنیا آقایی (کوراش) مدال نقره - (۳) زهرا کیانی (ووشو-تالو) مدال نقره (۴) زهرا باقری (کوراش) - مدال نقره (۵) تیم قایقرانی روئینگ چهار نفره (مهاجور-زینب نوری-نازنین ملایی-فاطمه مجمل) - مدال نقره (۶) تیم قایقرانی روئینگ دوبل (مهاجور-زینب نوری) - مدال نقره (۷) الهه منصوریان (ووشو) - مدال نقره (۸) فرانک پرتوآذر (دوچرخه سواری) ۹ تیم ملی کبده بانوان - مدال برنز (۱۰) شهریانو منصوریان (ووشو-ساندا) - مدال برنز (۱۱) ملیکا میر حسینی (تکواندو) - مدال برنز (۱۲) ملیکا امیدوند (کوراش) - مدال برنز (۱۳) فاطمه سعداتی (کاراته) - مدال برنز (۱۴) هدیه کاظمی (قایقرانی کایاک تک نفره) - مدال برنز (۱۵) تیم تیراندازی تپانچه میکس (تیمی/هانیه رستمیان) - مدال برنز (۱۶) مرجان سلحشوری (پومسه - تکواندو) - مدال برنز (۱۷) مبینا نعمت زاده (تکواندو) - مدال برنز (۱۸) سارا بهمنیار (کاراته) - مدال برنز کسب کردند.

فرانک پرتو آذر برای اولین بار توانست کاروان ایران را در رشته دوچرخه سواری زنان صاحب مدال کند. ترانه احمدی، دختر اسکیت ایرانی نیز توانست نخستین مدال تاریخ اسکیت ایران در بازی های آسیایی را به دست بیاورد.

آغاز و پایان کار کاروان ایران با مدال بانوان بود. در روز های ابتدایی مسابقات، تیم روئینگ دونفره سنگین وزن زنان موفق به کسب مدال نقره برای کاروان ایران شد. سارا بهمنیار نیز آخرین مدال کاروان ایران را در روز پایانی به دست آورد.

هانیه رستمیان و امیر جوهری خود را ماده تپانچه میکس برابر پاکستان پیروز شدند و مدال برنز مسابقات آسیایی هانگ ژو را کسب کردند.

دنیا آقایی در وزن ۷۰ - کیلوگرم تیم ملی کوراش کشورمان موفق به کسب مدال نقره مسابقات آسیایی هانگ ژو شد.

زهرا باقری در وزن ۸۷ - کیلوگرم تیم ملی کوراش



همچنین روز ابراهیمی و رومینا چمپسور کی مدال برنز کسب کردند.

هدیه خیرآبادی در مسابقات آب های آرام زیر ۲۳ سال جهان به مدال برنز رسید. او در کائو یکنفره ۵۰۰۰ متر مسابقات جهانی ایتالیا خوش درخشید. فرزانه فصیحی دهنده سرعتی ایران رقابت های دو و میدانی قهرمانی آسیا در تایلند با ثبت زمان ۱۱/۴۶ ثانیه به مدال نقره دست یافت.

تیم ملی هندبال بانوان کشورمان در هفدهمین دوره مسابقات جوانان قهرمانی آسیا به میزبانی هنگ کنگ با کسب مقام پنجم موفق به کسب سهمیه حضور در مسابقات قهرمانی جوانان جهان شد. در مسابقات کاراته قهرمانی آسیا در مالزی آتوسا گلشاندنژاد در وزن ۶۱ کیلوگرم به مقام قهرمانی دست یافت. فاطمه صادقی در کائو زنان هم صاحب مدال برنز شد. در کومیته تیمی بانوان نیز عنوان نایب قهرمانی را به دست آوردیم.

*** مردادماه:

در مسابقات قهرمانی نوجوانان و نونهرداری آسیا که به میزبانی هندوستان برگزار گردید. تیم وزنه برداری دختران کشورمان با کسب سه مدال طلا، چهار نقره و چهار برنز با ۴۸۸ امتیاز سوم شدند. برای

طلا و ۲ مدال نقره به عنوان قهرمانی آسیا در بخش آزاد دست یافت. مسابقات کشتی آلیش بانوان قهرمانی آسیا که در بخش آزاد در کشور ازبکستان برگزار شد با موفقیت بانوان اعزامی ما خاتمه یافت. ناهید کیانی با کسب مدال طلای تکواندوی قهرمانی جهان ۲۰۲۳ در باکو تنها مدال آور کاروان ۱۵ نفره ایران در این مسابقات نام گرفت. وی در دیدار نهایی با پیروزی مقابل نماینده چین برای نخستین بار در تاریخ به مدال طلای جهان برای تکواندوی زنان ایران رسید.

*** تیرماه:

فرزانه فصیحی در مسابقات دوومیدانی جام کازانوف با کسب عنوان قهرمانی رکورد ملی ماده ۱۰۰ متر اشکست.

تیم والیبال نشسته بانوان ایران در فینال مسابقات قهرمانی ۲۰۲۳ آسیا در قزاقستان به مصاف چین نایب قهرمان پارالمپیک توکیو رفت و با شکست برابر این تیم سهمیه پارالمپیک پاریس را از دست داد و نایب قهرمان شد.

در تیم ملی پارا تکواندو کشورمان که عنوان نایب قهرمانی رقابت های آزاد فرانسه را به خود اختصاص داد. مریم عبدالله پور مدال طلا را برگردن آویخت.

*** اردیبهشت ماه:

اعضای تیم بانوان دوومیدانی نوجوانان کشورمان در مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا موفق به کسب یک مدال نقره توسط زهرامعماری و یک مدال برنز در ماده پرتاب چکش شدند.

تیم بانوان هاکی روی یخ کشورمان برای نخستین بار در مسابقات هاکی روی یخ قهرمانی آسیا شرکت کرد و موفق به کسب عنوان نایب قهرمانی این مسابقات که در تایلند برگزار شده بود گردید.

پنج وزنه بردار زن در ترکیب تیم ملی وزنه برداری کشورمان در مسابقات قهرمانی آسیا به کشور کره جنوبی اعزام شدند و طی آن فاطمه کشاورز در وزن ۶۴ کیلوگرم با کسب دو مدال برنز در دو ضرب و مجموع به کار خود پایان داد.

هانیه رستمیان در ترکیب تیم ملی تیراندازی کشورمان در مسابقات جام جهانی با کوموفق به کسب مدال نقره در تپانچه ۲۵ متر شد.

تیم هندبال سنگ آهن با فاق یزد قهرمان هجدهمین دوره مسابقات لیگ برتر هندبال بانوان شد.

*** خردادماه:

تیم ملی کشتی آلیش بانوان با کسب ۲ مدال



موفق به کسب مدال نقره مسابقات آسیایی هانگ ژو شد.

ملیکا امیدوند در وزن ۸۷ - کیلوگرم تیم ملی کوراش موفق به کسب مدال برنز مسابقات آسیایی هانگ ژو شد.

ریحانه کریمی وزنه بردار دسته ۶۴ کیلوگرم تیم ملی به عنوان نخستین بانوی تاریخ وزنه برداری ایران در بازی های آسیایی هانگ ژو وزنه زد.

هدیه کاظمی در کایاک ۵۰۰ متر بازی های آسیایی هانگ ژو به مدال برنز دست یافت.

تیم ملی کبکی کشورمان در بازی های آسیایی هانگ ژو به همراه تیم نپال موفق به کسب مدال برنز مشترک شد.

فرانک پروآدر پس از پنج سال تلاش سرانجام به عنوان اولین زن در تاریخ دوچرخه سواری ایران موفق شد در مسابقات دوچرخه سواری کوهستان بازی های آسیایی هانگ ژو یک مدال برنز را کسب کند.

نایب قهرمانی زهرا کیانی ملی پوش ووشو در بازی های آسیایی هانگ ژو.

در مسابقات روئینگ دو نفره سنگین وزن زنان در بازی های آسیایی هانگ ژو باترکیب مهسا جلور و زینب نوروزی موفق به کسب مدال باارزش نقره شدیم.

سارا ابهمنیار ملی پوش کاراته کشورمان در وزن ۵۴ کیلوگرم موفق به کسب مدال برنز شد.

در بازی های پارا آسیایی هانگ ژو تعداد ورزشکاران زن کشورمان نسبت به دوره قبلی این رقابت ها افزایش داشت (۱۲ نفر) و برای نخستین بار در رشته های پارا اتکواندو شش نفر، پارا وزنه برداری ۴ نفر و پارا کانو ۳ نماینده در این مسابقات داشتیم.

تیم دوومیدانی دختران چادرملو قهرمان بیست و هفتمین دوره رقابت های دوومیدانی باشگاه های ایران شد.

*** آبان ماه:

تیم تنیس بانوان ایران که برای شرکت در رقابت های



بیلی جین کینگ کاپ عازم بحرین شده بود. با برتری مقابل تیم های عراق، عربستان و لائوس به گروه دوم آسیا و اقیانوسیه صعود کرد.

سپهر ورزشکاران زن ایرانی در بازی های پارا آسیایی هانگ ژو ۴۰ مدال بود. ضمن آن که دو مدال هم در بخش میکس به دست آمد. ملیحه صفایی در رشته شطرنج با کسب ۴ مدال (دو طلای انفرادی و دو طلای تیمی) بیشترین مدال طلا را به دست آورد. پس از اوزهران نعمتی در تیر و کمان موفق به کسب دو مدال طلا (یک طلای انفرادی و یک مدال طلای میکس) شد. لیلزارع در شطرنج دو طلای تیمی و یک مدال برنز کسب کرد. سمیرا آقایی در شطرنج دو مدال طلای تیمی، پرستو حبیبی در دوومیدانی یک مدال طلا و یک مدال نقره و الهام صالحی در دوومیدانی یک مدال طلا و یک مدال برنز به دست آوردند.

ساره جوانمردی به همراه فرزند سه ماهه اش مدال نقره رقابت های پارا تیراندازی را به گردن آویخت.

فاطمه عباسی در رده جوانان مسابقات دوچرخه سواری قهرمانی آسیا در ماده کوهستان که به میزبانی کشور هندوستان برگزار گردید، به یک مدال برنز دست یافت. وی دومین دختری است که به مدال آسیا در این رشته دست یافته است.

*** آذر ماه:

در پایان مسابقات قهرمانی دوومیدانی ناشنوایان آسیا و اقیانوسیه به میزبانی کشورمان تیم ملی دوومیدانی بانوان ایران با کسب هفت مدال طلا، یازده مدال نقره و هشت مدال برنز قهرمان شدند. الناز رگلی در رقابت های سنگ نور دی کاپ آسیا که به میزبانی عربستان که به میزبانی عربستان برگزار شده به مدال برنز دست پیدا کرد.

تیم ملی هندبال بانوان کشورمان که در بیست و ششمین دوره مسابقات هندبال قهرمانی بانوان جهان به میزبانی سه کشور نروژ، دانمارک و سوئد شرکت کرده بود، با شش شکست و یک پیروزی در رده سی و یکم جهان ایستاد و نتوانست جایگاه دوره قبل خود را در این رقابت ها بهبود بخشد.

*** دی ماه:

در جریان برگزاری مرحله نهایی ماده ۶۰ متر مسابقات بین المللی دوومیدانی صربستان، فرزانه فصیحی رکورد دوی ۶۰ متر کشور موفق شد در

دومین رقابت خود در جریان اردوی آماده سازی زودتر از سایر رقبا از خط پایان عبور کند و عنوان قهرمانی این مسابقات را کسب نماید.

*** بهمن ماه:

اعضای تیم ملی وزنه برداری بانوان کشورمان با پنج وزنه بردار در مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۲۴ و گزینشی المپیک که به میزبانی ازبکستان برگزار گردید شرکت کردند و خوش درخشیدند. در این رقابت ها کیژان مقصودی در وزن ۸۷ کیلوگرم صاحب سه مدال برنز شد. وی بار کورد ۹۶ یکضرب، ۱۱۷ دوضرب و مجموع ۲۱۳ کیلوگرم سه مدال برنز یکضرب، دوضرب و مجموع را گرفت. الهه رزاقی در دسته ۷۶ کیلوگرم نیز صاحب دو مدال نقره شد. الهه رزاقی دختر وزنه بردار ایران ۹۶ کیلوگرم یکضرب، ۱۲۴ کیلوگرم دوضرب و مجموع ۲۲۰ کیلوگرم را ثبت کرد و نایب قهرمان آسیا شد. او در یکضرب چهارم و در دوضرب نقره گرفت.

رزاقی در حرکت یکضرب وزنه های ۸۹، ۹۴ و ۹۶ کیلوگرم را بالای سر برد، اما موفق به گرفتن مدال نشد و چهارم شد. وی در حرکت دوضرب هم موفق شد خوب ظاهر شود و وزنه های ۱۱۷، ۱۲۱ و ۱۲۴ کیلوگرم را بالای سر برد و توانست عنوان نایب قهرمانی را به دست آورد و در دوضرب نقره گرفت و در مجموع هم به مدال نقره رسید.

برای نخستین بار تعداد مدال آوران مردان و زنان ایران در مسابقات برابر بود و هر دو تیم، دو نفر صاحب مدال شدند. البته دختران دو مدال مجموع گرفتند و مردان صاحب یک مدال مجموع شدند.

*** اسفند ماه:

تیم اسلحه سابر بانوان در نخستین دیدار خود در رقابت های قهرمانی جوانان آسیا با نتیجه ۳۵ بر ۳۴ مقابل ژاپن شکست خورد و حذف شد. تیم سابر دختران کشورمان در بین ۱۴ تیم حاضر در رده دوازدهم ایستاد.

تیم والیبال دختران سایپا تهران به مقام قهرمانی مسابقات لیگ برتر زنان دست یافت.

فرزانه فصیحی دهنه سرعتی کشورمان که ورودی مسابقات دوومیدانی داخل سالن قهرمانی جهان را به دست آورده بود به دلیل سهل انگاری فدراسیون دوومیدانی از حضور در مسابقات جهانی بازماند!

چهار کلمه درد دل، می ارزه به هزار تا استوری!

غول‌ها شیر یا خطنمی کنند. غول‌ها همیشه شیر می‌آورند و می‌غرنند در میانه مرتع سبز. حتی اگر هزار سال نوری گذشته باشد، آن بعد از ظهر زمستانی که اسفند عصا زنان به استقبال بهار می‌رفت، محال است از آرشبو ذهنمان پاک شود. عصری که کوبیده زعفرانی و دوغ آبلی را کنار لوطی تناول کردیم و بارها به دوربین یاشینکای لکنته خیره شدیم. آن روزها که لعبت محله عارف روی نیمکت جم نمی خورد و تقدیر را پس از نود دقیقه های صعب، به زنجیر می کشید. پسر با مرآم مامان نصرت که هنوز به لواسون هجرت نکرده بود و هنوز در خانه ییلاقی اش روی کجاوه ای کرم جلوس نکرده بود. هفت ابدی در آن روز سوزناک، بر ایمان از صدر تا ذیل از تنش قرمز حرف زد که در صندوق عقب یک پیکان گوجه ای اداره می شد و به ضرب سنگ گ خشخاشی، زهر دار ترین کماندوهارا به اردوگاه عشق های اساطیری می کشاند. همان سال ها که ستاره های بی فالوور و بی استوری، پس از تمرینی کشنده در نپه های داودیه، پشت رل تاکسی قراضه خود می نشستند و از دست مردمی که نفس به نفس با سلبریتی های بی ثمر عن و بی تبختر، خیابان هارامی پیمودند، سکه ای سیاه دشت می کردند تا شب بدون پنییر لیقوان و بستنی زمستانی به خانه برنگردند.

ستاره هایی به غایت فروزان و نه از جنس سیارک های خاموش مفرغی در روزهای بی سیرت این فوتبال هزار رنگ! آن روز که پرده هارا کنار زدیم و بین تیک تیک ساعت و لحظات سکرآور هروله کردیم، چشم های خون گرفته پروین پر از رنق و حسی بود و جامه اش به طرز عجیبی به نشانه صلح بوی ربون زارهای رودبار را می داد. بلکه همان ایام که پیراهن خیس قیمت داشت و تفنگداران پایتی، در روشنایی های یک ورز نشانه پیر، هلاک شده، بال های خویش را روی شانه های هویلیگان ها جا گذاشته و سرانجام ایستاده در غبار، مصلوب می شدند. کاش می شد برگشت به همان بلا روزگار و دوباره با تماشای سلطان و همه خیر ندیده ها، قالب تنگ روح را کنار زد. کاش فوتبال تاب دین اندازه بی عصمت نمی شد و نرد دلداد گی را به تاس های نریخته نمی باخت.

گپ کیمهان ورز نشی، با علی پروین، یادگار بر جای مانده از روزگار ماضی معصوم را بخوانید و بعد بلافاصله د کمه های جلیقه ماه را ببینید لطفا.

● دنیا عوض شده، فوتبال عوض شده، آدم ها عوض شدند، علی پروین چی؟ در گذر این سال های دوزخی سلطان هم عوض شده خدا و کیلی؟

-یادت باشد هزار سال هم که بگذرد من عوض نمی شوم. من یاد گرفتم طرفدار حرف راست و درست باشم و برابر دروغ و دغل بایستم. من از مادرم یاد گرفتم آدمیزاد نباید به خاطر مال دنیا خودش را بفروشد و رنگ عوض کند. نه، علی پروین، علی پروینه. هزار سال دیگر هم اگر مادری پیدا شود و یکی مثل من به دنیا بیاورد، باز پروین همین شکلی خواهد بود.

● ولی چرا کف دست خیلی هارا عوض که نه، دوزیست کرد. هزار زیست حتی!

-خودت می گویی چرا کف دست. ببین از من هفتاد و هفت ساله بشنو، نه روزگار به آدم وفا می کند و نه پول. این وسط فقط جوانمردی و انسانیت است که ماندگار می شود. خیلی ها تریلیار درند و حسابشان پر است، اما آب از دستشان نمی چکد، خیلی ها هم حقوق کارگری می گیرند و همان چندرغاز را با بدبخت، بیچاره ها قسمت می کنند.

● می گویند شما سال هاست سفره دار مجانین، مفلس ها و شیرین عقل ها هستید!

-مادرم دیوانه هارا دوست داشت و می گفت اینها خیری از دنیا ندیدند. همیشه به قدر توانم به مستمندان و نیازمندان و شیرین عقل ها کمک کردم و دنبال شهرتش هم نبودم. برای من سیر کردن یک آدم فقیر می ارزد به چرب کردن سیل یک آدم ثروتمند پرافاده. من اگر بگویم در این سال ها به فریاد چه کسانی رسیدم، سر دیسم را در هفت تیر نصب می کنند، ولی خب علی پروین که

آدم این حرف ها نیست. ما اگر کاری کردیم و دستی را گرفتیم برای رضای خدا بود، نه برای خوشامد این مسوول و آن وکیل.

● یادمان هست روزگاری هر چهارشنبه شال و کلاه می کردید و از لواسان می رفتید بهشت زهرا. این رسم هنوز پابرجاست؟

- چهارشنبه روزی بود که مامان نصرت سرش را زمین گذاشت و رفت. بعد از این همه سال سوگ او برایم تازه است و هر هفته باید با هم خلوت کنیم و درد دل هایمان را به یکدیگر بگویم. من عاشق مادرم بودم. بلکه توی این ترافیک وحشتناک رفتن به بهشت زهرا سخت است، اما خب من فقط آنجا کنار قبر مادرم سبک می شوم. کاش زنده بود. کاش مثل همان سال ها با کلتی که عطر مرزه می داد، حال مرا خوب می کرد. هر کس بخواند نظر مرا جلب کند باید بیاید سر قبر مامان نصرت. من به حرمت مادرم جانم را هم می دهم.

● چراغ های رابطه مرد چشم تپله ای و مردمان کف خیابان، هنوز روشن است. رک باشید آقای پروین!

-ببین من با مردم زندگی کردم و متعلق به جایی هستم که در آن بزرگ شدم، به پیری رسیدم و از بودن با خلق الله هیچ وقت ضرر نکردم. همین حالا توی کوچه و خیابان محال است جواب محبت مردم را ندهم و بی تفاوت باشم. خدا ما را کرده عزیز مردم. پس باید قدر دان این محبت ها باشم و برای این ملت کم نگذارم. علی پروین با تکبر غریبه است. این را بنویس.

● از پیشرفت و حشنتاک تکنولوژی خوشحالید؟ -چطور؟

● مثلاً همینکه مرسدس و بی ام و حکم طیاره را پیدا کرده و یا گوشی آیفون به تنهایی هزار و یک کار نکرده را برایتان انجام می دهد و...

-تکنولوژی یک جاهایی به درد خورده، اما خیلی جاها آینه دق شده است. من پنجاه سال پیش یک پیکان جوانان داشتم که می ارزید به هزار تابنز و پورشه. همین تکنولوژی که می گوید، باعث شد خیلی ها جا بمانند و همراه اتفاقات پیش نروند. اتفاقاتی که لذت بخش نیست. یک زمان دور کرسی می نشستیم و به قصه حسین کرد شبستری گوش می دادیم و گل می گفتیم و گل می نشیدیم. اما الان چی؟ سرها چنان توی گوشی هاست که بچه فرصت نمی کند به پدر سلام بدهد. خدا لعنت کند این موبایل را که مثل آب خوردن آدم ها را از یکدیگر دور کرد. چهار کلمه حرف حساب و درد دل می ارزد به هزار تا استوری. من که اینطور فکر می کنم.

● اگر زمان به عقب برمی گشت و پسر محله عارف، بنر رو با هایش را می افشاند، دوباره این سنگلاخ را طی می کرد یا نه؟

-هزار درصد. من با فوتبال علی پروین شدم و قدر مسیری که آمدم را می دانم. البته اگر امکان بازگشت بود، آنقدر می درخشیدم که در بوندس لیگا و لالیگا خاطر خواه پیدا کنم. من همیشه توی زمین آچار فرانسه بودم و سرم را جلوی توپ می گذاشتم. الان باز یکن هنوز راه نیفتاده پایش پیچ می خورد و تاندون پاره می کند. فوتبال بازی نازک نارنجی هانیست و نسل امروز باید این را بداند.

● یک جایی گفته بودید فلانی بهترین توپچی تاریخ فوتبال ایران زمین بوده. هنوز هم سر حرف خود هستید؟

-خیلی ها معتقدند من بهترین بازیکن تاریخ فوتبال ایران هستم، اما خودم رای به همایون بهزادی و قلیچ خانی می دهم. همایون هم قیامت بود. مثل آب خوردن می پرید و سر می زد و آدرس سر راست همه دروازه ها توی جیبش بود. قلیچ خانی هم حرف نداشت. ما نسل روغن حیوانی بودیم و اگر در زمین نتیجه نمی گرفتیم پشت دستمان را داغ می گذاشتیم. شما نسل ما را با این پفکی ها مقایسه نکنید.

● دو قدم مانده به عید، دل علی زاغی برای چه کسی لک زده؟

-برای خیلی ها که یادشان هست، اما خودشان نیستند. ● مثلاً؟

-ناصر. او هم اتافی من در اردوها و مسابقات بود و کنار هم خوش بودیم. روی دست حجازی گلر نخواهد آمد. او توپ را بومی کشید و الکی خودش را به آب و آتش نمی زد و فیلم بازی نمی کرد.

ناصر خیلی خوب بود. راستش همین الان دلم برای کاظم سیدعلی خانی هم تنگ شد. او از شاگردان لایق من در پرسپولیس بود و زود رفت. همینطور فریبرز مرادی که بی منت و با همه وجود بازی می کرد و برای پیراهن قرمز جانم را می داد. در این سال ها آنقدر با رفقایمان خدا حافظی کردیم که دیگر فرصتی برای سلام و احوالپرسی نمانده.

● شما در آن روزگار ماضی چکار می کردید که نفس ستاره ها در رختکن پرسپولیس بند می آمد؟!

-من اتفاقاً با بچه ها رفیق بودم. آن زمان لباس حرمت داشت، سکو حرمت داشت، مربی حرمت داشت. ما چون دلمان نمی خواست صد هزار تماشاگر با بغض و ورز شگاه را ترک کند گاهی ترش می کردیم و در رختکن به بچه ها نهیب می زدیم و به یادشان می آوردیم چه وظایفی دارند. یک زمان توی همین آزادی به خاطر یک باخت ساعت ها بچه ها خودشان را شماتت می کردند، اما حالا...

● حالا چی؟

-هیچی. تیم می یازد و بازیکن دوشش را می گیرد، ادکلنش را می زند و سوار ماشین آخرین سیستمش می شود و می رود و ککش هم نمی گزد. یک زمان توی این فوتبال طرف برای تار سیبل بازی می کرد و به خاطر یک استکان کمر باریک چای قندپهلوی می مرد. معرفت در گرانی بود در روزگار با مرآم ها.

● فوتبال در این سال کهنه، کام شما را شیرین کرد؟ -نه. دوست داشتم پرسپولیس قدرتمندتر از آنچه بود بازی کند

و همان زلزله دهه شصت باشد. در مورد تیم ملی هم امیدوار بودم طلسم را بشکنیم و جام را در دوحه بگیریم که نشد. بچه ها کمی حواسشان را جمع می کردند و کمی هم شانس می آوردیم، قطر و اردن را می زدیم و جام را بالای سر می بردیم.

● شما سالهاست که عیدی نگرقتید، چون به مرد ۷۷ ساله عیدی نمی دهند. تلخ نیست؟

-خدا شاهد است بچه ام که بوم عیدی می دادم و به جز اسکناس دو تومانی مامان نصرت، دیگر یادم نمی آید از دست کسی عیدی گرفته باشم.

● با آن اسکناس دو تومانی چی می خریدید؟ -توپ پلاستیکی، آبنبات چیچی، آدامس خروس نشان، شیرمال و خیلی چیزهای دیگر. حالا هم وقتی بچه ها و نوه ها با اسکناس تانخورده شاد می شوند، انگار خودم عیدی گرفته ام.

● چقدر عیدی می دهید؟ -راستش اینقدر پول بی ارزش شده که آدم نمی داند چقدر دست عزیزانش بدهد.

این هم از عجایب است که روی چاه نفت خوابیدیم و کشور ثروتمندی داریم، اما ارزش پول ملی مان به این وضع افتاده و زندگی مردم دچار چالش شده است.

● شما با عمو نوروز بیشتر کیف می کنید یا حاجی فیروز؟ -این روزها حال حاجی فیروزها خوب نیست و وقتی پشت چهارراه ها به چشمانشان نگاه می کنم دلم می گیرد. عمو نوروز یا حاجی فیروز چه فرقی می کند. هر کس که غصه را از دل این مردم پاک کند ثواب کرده.

● کدام سین هفت سین را بیشتر دوست دارید؟ -یک زمانی عاشق سمنو بودم، چون سمنوهای مامان نصرت حرف نداشت. الان اما فکر می کنم مهم ترین سین دنیا، سلامتی است. سیب و سنجد و سرکه به کار آدم مریض و تب دار نمی آید. یادتان نرود پای سفره هفت سین مریض هارا حتما دعا کنید.

● کدام سکناس، کدام تصویر نوروز همچنان برای علی زاغی خوشایند است؟

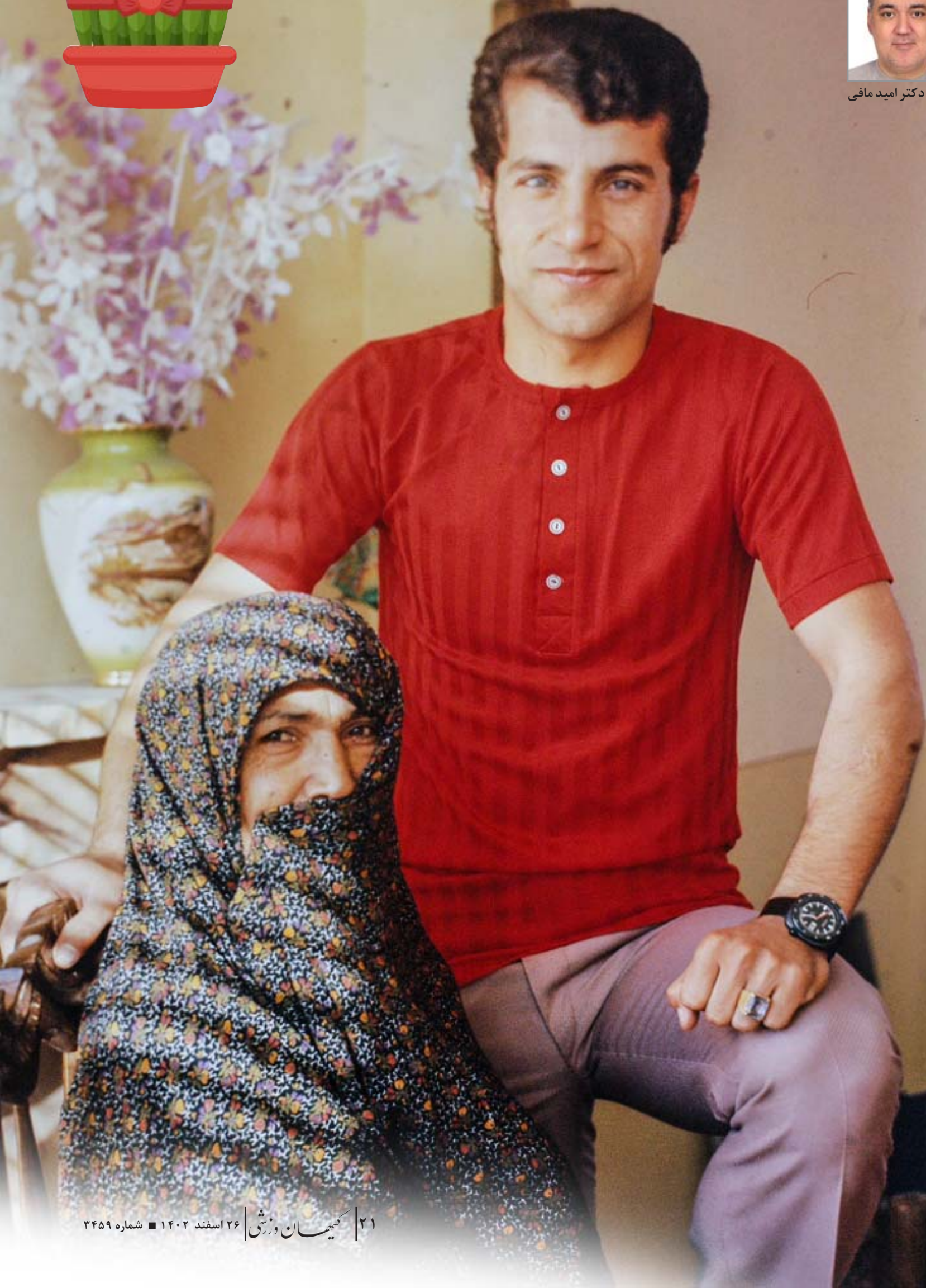
-دور هم جمع شدن ها و گپ زدن ها. بستن تور و الیبال، پاس و آبشار و سرویس تکنیکی. بستنی و نان قندی و نان گردویی و باقلاوا.

● و آرزوی زلال علی پروین در درگاه بهار؟ -سلامتی برای مردم، خانواده ام و خودم. خدا کند در سال جدید گره ها باز شود، گرانی فروکش کند و مردم راحت تر زندگی کنند. با این تورم کمرشکن عید از مزه و دهان می افتد.

● مواظب خودتان باشید آقای پروین.



■ دکتر امید مافی





مروری بر عملکرد فوتبال‌یست‌های شاغل در لیگ‌های اروپایی و آسیایی در سال ۱۴۰۲

تلخ و شیرین‌های لژیونرها

■ اشکان رضایی

قصد داریم در شماره پایانی مجله در سال جاری بر عملکرد کلی لژیونر ها در سالی که گذشت و اتفاقاتی که برای آن‌ها افتاد، مروری داشته باشیم. در ادامه به حواشی و اخبار متفاوتی از بازیکنان شاغل ایرانی در لیگ‌های اروپایی و آسیایی می‌پردازیم.

● مهدی طارمی

(پورتوی پرتغال)

سال متفاوتی برای مهاجم جنوبی کشورمان بود. از افت‌زبانی که در پورتو داشت و نتوانست آن خطرات خوب فصول قبل را زنده کند تا ماجرای پیوستنش به اینتر که به خودی خود می‌تواند دستمایه نوشتن یک رمان پر افت و خیز بشود. طارمی امسال در پایان فصل اخیر توانست آقای گل لیگ پرتغال شود. وی فصل را مجموعاً با ۲۲ گل و ۷ پاس گل به پایان رساند. درخشش در فصل اخیر لیگ قهرمانان اروپا از اتفاقات خوبی بود که برای او در امسال رقم خورد. پس از اتمام این فصل او یکی از پر سرو صدا ترین گزینه های نقل و انتقالاتی بود. وی از تیم های عربی مثل الهلال پیشنهاد داشت. تیم های مهم اروپایی که به طارمی پیشنهاد دادند منچستر یونایتد، میلان و بایرن مونیخ بودند. در ادامه از فنر باغچه ترکیه و تاتنهام هم پیشنهاد داشت. در ادامه اخباری به گوش رسید که آرسنال هم به جمع خواهان بازیکن بوشهری اضافه شده است. او چندبار برای عقد قرار داد با میلان نزدیک شد اما این اتفاق نیفتاد. در نهایت اینتر جدی ترین تیمی شد که خواهان جذب او است. اینتر مقدمات حضور طارمی را در این تیم فراهم کرده و وی در آستانه ثبت یکی از بزرگ ترین نقل و انتقالات تاریخ فوتبال ایران است.

● سردار آزمون

(رم ایتالیا)

آزمون امسال از بایر لور کوزن به رم پیوست و یکی از مهم ترین انتقال های سال ۱۴۰۲ را رقم زد. وی به مدت یک فصل و بابت خرید ۱۲ میلیون یورویی به تیم ایتالیایی پیوست. او از میزان بازی اش در تیم آلمانی راضی نبود. مارسی و فنر باغچه به او پیشنهاد دادند. آزمون یک بار زمانی که می خواست از لور کوزن جدا شود به ایران آمد و سر تمرین استقلال با دیگر آبی پوشان تمرین کرد که گمانه زنی ها برای حضور او در جمع آبی ها ز یاد شد. در تمرینات پیش فصل مصدوم شد و مدت کمی از میادین دور شد. اولین بازی او در پیراهن رم با تیم امپولی رقم خورد. در رم زمانی که مورینیوسکان دار این تیم بود خیلی کم به میدان رفت اما در همان زمان هایی که پیش به زمین باز شد موثر واقع شد. در دیدار با لچه زمینه ساز کلمبک تیمش در ششمین حضورش در پیراهن جالوروسی شد. او در این مدت محبوبیت زیادی بین هواداران رم پیدا کرد و چند تیم هم به جذب او علاقه نشان دادند. وی در نوامبر نامزد بهترین بازیکن ماه شد. او پس از مدتی مورد تمجید رسانه های مختلف ایتالیایی قرار گرفت. در بازی های ملی هم در جام ملت ها موثر بود. در دیدار با فاینورد پس از اینکه جهانبخش پنالتی را خراب کرد به سمت او رفت و جهانبخش را در آغوش گرفت که این حرکت او تحسین برانگیز بود.

● علیرضا جهانبخش

(فاینورد هلند)

جهانبخش یک سال دیگر از قرار دادش با فاینورد ملته وی در دیدار های تیمش در لیگ هلند درخشیده

است البته که فصل را با سه بازی که بصورت تعویضی به زمین آمد شروع کرد که از وضعیتش راضی نبود. وی در اردوهای تدارکاتی کفادچار مصدومیت شد و فینال این رقابت ها را که بازی برابر ازبکستان بود از دست داد. او امسال اعلام کرد که به تیمداری هم فکر می کند. وی یک بار اواسط فصل از ناحیه همسترینگ مصدوم شد و از اردوی تیم ملی خارج شد. برخی از رسانه های هلندی در ماه های اخیر خبر دادند که وی با فاینورد به ایستگاه پایانی رسیده و می خواهد به تیم دیگری در پایان فصل برود. در جام ملت های آسیا درخشیده و ویژه در زدن پنالتی های مهم. در دیدار با ژاپن گلزنی کرد. او شانزدهمین گلش را در هشتاد و یکمین بازی ملی اش به ثمر رساند.

● احمد نوراللهی

(الوحده امارات)

نوراللهی پس از درخشش در شباب الاهلی پس از دو سال از این تیم خارج و به الوحده پیوست. او از پرسپولیس هم پیشنهاد داشت اما شرایط برای بازگشت وی مهیا نشد. وی در الوحده هم درخشید و با گل های تماشایی و تاثیر گذار جزو مهره های مهم تیمش شد. نوراللهی در جام ابوظبی امارات درخشید و تاثیر زیادی در فینالیست شدن این تیم داشت. وی با تصمیم قلعه نویی از اردوی تیم ملی برای جام ملت ها کنار گذاشته شد.

● سامان قدوس

(برنتفورد انگلیس)

در سالی که گذشت روز های زیادی را نیمکت نشین بود. وی در دیدار با برنلی یک گل تماشایی زد و توجهات را به خود جلب کرد که نامزد بهترین گل ماه هم شد. قدوس در تیم ملی هم در جام ملت ها موثر واقع شد و نمایش درخشانی داشت که با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا با دبل پاس گل، به عنوان بهترین پاسور آسیا در کنار یزن النعیمان و المعز علی قرار گرفت.

● کریم انصاری فرد

(آریس سالونیک یونان)

کریم انصاری فرد امسال در خیلی از دیدار های مهم اومانی قبرس درخشید و به عنوان یک مهره تمام عیار ظاهر شد. وی تک گل پیروزی بخش تیمش را در فینال جام حذفی قبرس زد. در تورنمنت اردن برای تیم ملی فقط پنج دقیقه بازی کرد. وی در دیدار با هنگ کنگ در نیمه دوم به میدان رفت و صمدین بازی خود برای تیم ملی را انجام داد. او با حضور ۱۵ ساله در اردو های تیم ملی به این رکورد رسید. در اردوی تیم ملی در قطر پیراهنی با شماره ۱۰۰ به او اهدا شد. وی پس از جام ملت ها به تیم آریس سالونیک یونان پیوست.

● مهدی قایدی

(الاتحاد کلبا امارات)

بازیکن جوان بوشهری امسال از استقلال به الاتحاد کلبا پیوست و شاگرد فرهاد مجیدی شد. وی پس از اینکه به الاتحاد پیوست تا امروز یک فصل رویایی

را در کنار این تیم گذرانده است. وی در مصاف با عجمان با دو گل تماشایی درخشید و خودش را ثابت کرد. او در دیدار های بعدی هم گلزنی کرد. قایدی دو بار بهترین بازیکن ماه و یک بار هم نامزد کسب این عنوان شد. او در جام ملت ها هم بهترین گلزن ایران در پایان بازی های دوم مرحله گروهی شد.

● علی علیپور

(ژیل ویسنته پرتغال)

امسال فصل خوبی را نداشت. وی رباط صلیبی پاره کرد و مدت ها از میادین دور شد. او در یک مصاحبه اعلام کرد که قصد بازگشت به فوتبال ایران را دارد. پس از ۹ ماه به میادین بازگشت و با انتشار یک ویدئو این موضوع را به مخاطبان اعلام کرد.

● صادق محرمی

(دیناموزاگرب کرواسی)

محرمی با دیناموزاگرب قهرمان شد. او نهمین قهرمانی خود در فوتبال کرواسی را به دست آورد. وی طی فصل های اخیر توانسته ۵ قهرمانی لیگ یک کرواسی، یک قهرمانی جام حذفی و سه سوپر کاپ را به دست بیاورد و رکورد ویژه ای بین تمام لژیونر های ایرانی ثبت کند. او در جریان جام ملت ها مصدوم شد و نتوانست تیم ملی را در ادامه همراهی کند.

● محمد محبی

(روستوف روسیه)

محبی امسال در لیگ روسیه عملکرد خوبی داشت. او به تیم ملی هم برای جام ملت ها دعوت شد و در نیمه نهایی به میدان رفت. وی در هفته یازدهم لیگ روسیه برابر کراسنودار که دیدار مهمی هم بود اولین گل خود را در سیزدهمین حضورش در لیگ روسیه به ثمر رساند. ستاره بوشهری روز های درخشانی را با پاس گل و گل هایش در روسیه سپری می کند.

● علی قلی زاده

(الخپوزنان لهستان)

قلی زاده ۲۷ ساله با شکستن رکورد گران ترین انتقال تاریخ لیگ لهستان به ارزش ۱/۸ میلیون یورو به لخپوزنان رقم زد. وی به دلیل مصدومیت چند ماه نتوانست برای لخپوزنان به میدان برود و بازی های زیادی را از دست داد و با گذشت ۲۳ هفته در لیگ لهستان در ۹ بازی به صورت بازیکن تعویضی به میدان رفته است. در جمع دعوت شدگان تیم ملی در جام ملت های آسیا هم بود.

● سعید عزت اللهی

(شباب الاهلی امارات)

عزت اللهی پیشنهاد از پرسپولیس داشت و تلاش های زیادی هم توسط یحیی گل محمدی سرمرپی وقت پرسپولیس صورت گرفت اما این انتقال انجام نشد. وی در دیدار وایله برابر کپنهاگن پاسی از نزدیکی خط محوطه جرمه و وایله به یک سوم دفاعی کپنهاگن فرستاد که این پاس او یکی از طولانی ترین پاس های تودر، در فوتبال لقب گرفت. وی روز های نسبتاً خوبی

را در وایله دانمارک گذراند. او در دیدار های جام ملت ها تعداد بازی های خود را به ۶۶ بازی برای تیم ملی رساند که این اتفاق در سن ۲۶ سالگی برای او رخ داد. وی پس از تورنمنت جام ملت ها به شباب الاهلی امارات پیوست.

● مجید حسینی و علی کریمی

(کایسری اسپور ترکیه)

حسینی فصل خوبی را با تیمش تمام کرد و آمار ۳ گل و یک پاس گل و ۲۸ بازی را برای خود ثبت کرد. سپس از هواداران تیمش خداحافظی کرد اما این خداحافظی عمر زیادی نداشت و مدیران تیم ترکیه ای با او دوسال دیگر تمدید کردند. او سه فصل هم در ترابوزان اسپور بازی کرده و حالا یکی از لژیونر های با سابقه است. وی به خاطر مصدومیت در جام ملت ها



رفت و یک گل هم زد.

● احسان حاج صفی

(آ.ا.ک یونان)

با آ.ا.ک قهرمان جام حذفی و لیگ برتر شد. جزو مهره های مهم و تاثیر گذار تیمش است. وی امسال یک بار هم مصدومیت سختی را پشت سر گذاشت. او در دور سوم از مرحله گروهی رقابت های لیگ اروپا در بازی با مارسی مصدوم شد. حاج صفی سومین فصل را در این تیم می گذراند. در جام ملت ها هم به عنوان یک کاپیتان با تجربه و تمام عیار ظاهر شد.

● الهیار صیادمنش

(وسترلوی بلژیک)

صیادمنش در جریان بازی های امیدایران باهنگ کنگ

روزهای بدی را در این تورنمنت تجربه کرد. علی کریمی نیز در دیدار های مهم تیمش توانست تاثیر گذار باشد. او در دیدار مرحله سوم جام حذفی بازی با ایگیر نمایش تماشایی داشت. کریمی در یازدهمین بازی فصل برابر کاسیم پاشا در ورزشگاه رجب طیب اردوغان اولین گلش را در این فصل زد. وی قرار داشت را در نیم فصل به مدت ۳ سال تمدید کرد.

● میلاد محمدی

(آدنا دمیر اسپور ترکیه)

وی روزهای خوبی را در آ.ا.ک یونان سپری کرد. در جام ملت ها موثر واقع شد. از پرسپولیس هایش نهاد داشت اما نتوانست رضایت باشگاه را جلب کند و به ایران بیاید و در نهایت به آدنا دمیر اسپور ترکیه به صورت دو و نیم ساله پیوست. او در آ.ا.ک ۵۶ بازی به میدان

به میدان رفت و نمایش خوبی داشت. او امسال روزهای خوبی را با هال سیتی پشت سر گذاشت و در گیر آسیب دیدگی رباط صلیبی بود و پس از بهبودی هم جایی در ترکیب نداشت. وی به خاطر مخالفت با تصمیمات مدیران هال سیتی عملاً نیمکت نشین شد. در حالیکه صحبت پیوستن او به استقلال مطرح شده بود اما پس از اینکه از هال سیتی جدا شد به وسترلوی بلژیک پیوست.

● محمد امین جزاوی

(السد قطر)

او از بازیکنان آینده داری است که امسال در قطر توانست نمایش های قابل قبولی از خود ارائه دهد. در جریان بازی تیم امید با هنگ کنگ برای انتخابی المپیک گلزنی کرد. وی جزو سه نامزد

بهترین مدافع جوان فوتبال آسیا در سال ۲۰۲۳ قرار گرفت. کی روش سرمربی وقت قطر در یک درخواست عجیب از او خواست تا تابعیت قطری بگیرد.

● امید ابراهیمی

(الشمال قطر)

ابراهیمی در جام ملت ها به عنوان یک بازیکن باتجربه درخشید و اوج این درخشش در بازی با ژاپن مشخص شد. او با ۳۶ سال سن اولین گل ملی خود را برابر بورکینافاسو زد. پیش از ابراهیمی، نادر محمدخانی بود که در ۳۵ سالگی در یک دیدار دوستانه به کویت اولین گل ملی اش را زد. امید در تیم منتخب هفته نهم لیگ قطر به خاطر عملکرد عالی اش قرار گرفت.



روزهای پر خبر بیرون و درون مستطیل سبز



■ بهمن اسدی

سایه روشن های فوتبال ایران

سایه روشن های فوتبال در سال ۱۴۰۲ پیش روی شما عزیزان است . پیشاپیش با تبریک نوروز باستانی و آغاز سال نو برای مخاطبان عزیز کیهان ورزشی آرزوی سلامتی و شاد کامی داریم .
هر روزتان نوروز ، نوروزتان پیروز .

نوجوانان فوتبال و اشکها و لبخندها

سالی که پشت سر گذاشتیم حکایت اشکها و لبخندها برای تیم فوتبال نوجوانان ایران داشت . تیمی که باغلبه بر تیم یمن در مسابقات جام ملت های آسیا در رده زیر ۱۷ سال مجوز حضور در جام جهانی را پیدا کرد . حسین عبدی پس از مدت ها بر نامه ریزی در این باره با تیمی پر امید راهی این مسابقات شد . مسابقاتی که پس از پیروزی ارزشمند مقابل برزیل نگاه هارا به سوی نوجوانان ایران بسیار بیشتر از گذشته جلب کرد . نوجوانان ایران پیش از این هم در چهار دوره این مسابقات حضور داشتند که به جز یک دوره ، در سایر دوره ها در راه صعود به مرحله حذفی موفق بودند . ایران اولین بار طعم راهیابی به جام جهانی زیر ۱۷ سال را در سال ۲۰۰۱ چشید که موفقیتی برای کشورمان به همراه نداشت .

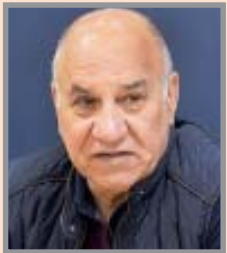
نوجوانان در سه دوره بعدی رقابت ها غایب بودند و سال ۲۰۰۹ به جام جهانی بازگشتند . ایران در آن سال با دو تیم قدرتمند کلمبیا و هلند همگروه شد و با کسب هفت امتیاز ، به عنوان صدرنشین به جمع ۱۶ تیم پایانی رسید . در این مرحله پس از تساوی صفر-صفر مقابل اروگوئه طی ۹۰ دقیقه ، در وقت اضافه با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد . در سال ۲۰۱۳ در امارات به هم به جام جهانی رسیدیم . برای دومین بار به یک هشتم نهایی راه یافتیم که در مرحله حذفی با نتیجه ۴ بر یک مغلوب نچریه شدیم .

در سال ۲۰۱۷ شاگردان عباس چمنیان بازگشت شکوهمندی به جام جهانی داشتند . ایران در این دوره هر ۹ امتیاز تقابل با آلمان ، گینه و کاستاریکا در مرحله گروهی را گرفت و با صدرنشینی مقتدرانه ، پا به مرحله حذفی گذاشت . این بار خبری از ناکامی تیم زیر ۱۷ سال کشورمان در یک هشتم نهایی نبود و این تیم بر مکزیک هم غلبه کرد تا برای اولین بار در تاریخ ، به جمع هشت تیم برتر مسابقات راه یابد .

نوجوانان ایران در یک چهارم نهایی مقابل اسپانیا به میدان رفتند و با نتیجه ۳ بر یک مغلوب شدند ، اما افتخاری جدید در تاریخ تیم های ملی فوتبال در مسابقات جام جهانی ثبت کردند . در آخرین دوره این مسابقات غلبه بر برزیل امیدهای فراوانی برقم زد ، یک پیروز مقابل کالونیو یک شکست برابر انگلیس ما را به مرحله حذفی رساند . ناباورانه مقابل مراکش در ضربات پنالتی باختیم تا پس از لبخند صعود با اشک مسابقات را ترک کنیم .

قطر راه ایران را می رود

■ ابراهیم قاسمپور



تیم فوتبال نوجوانان ایران تیم شایسته ای بود اما گاهی اوقات اتفاقاتی رخ می دهد که جزوبی رحمی های فوتبال است . نوجوانان ایران در گروه مرگ این مسابقات قرار داشتند اما با شایستگی به مرحله بعدی این رقابت ها صعود کردند . باید قبول کنیم که بضاعت فوتبال ایران همین است و این بچه هایی که در تیم نوجوانان حضور داشتند با تمام شریطی که برایشان رقم خورد و امکاناتی که برایشان در نظر گرفته شده بود ، کار بزرگی کردند .

اگر قصد موفقیت در فوتبالمان را داریم باید کار را از پایه شروع کنیم و در برنامه های طراحی شده استمرار داشته باشیم . این که یک تیم با تلاش افراد به موفقیتی برسد و ما آن تیم را به امان خدارها کنیم اتفاق خوبی نیست . مادر گذشته مسیری را رفتیم که امروز قطری هами روند . باید کار در بخش پایه با حمایت لازم و انسجام در همه باشگاه ها پیگیری شود تا نتیجه لازم را بگیریم .

برای ایران ، هر روز دست نیافتنی تر

جام افتخار لیگ قهرمانان آسیا

باشکست آخرین نماینده باشگاهی فوتبال ایران مقابل رقیب عربستانی مشخص شد که نه شانس برای فتح این جام داریم و نه خبری از هیچ تیم ایرانی در فرمت جدید جام جهانی باشگاه ها خواهد بود . سپاهان آخرین شانس تیم های ایرانی برای رسیدن به جام باشگاه های جهان در سال ۲۰۲۵ بود که این آخرین روز نه امیدهم باشکست زردپوشان بسته شد . آنچه در شهر ریاض عربستان رخ داد دقیقا همانی بود که برای زردپوشان سپاهان باشکست ۱-۳ برابر الهلال در اصفهان شاهد بودیم تا در مجموع آنها با قبول شکست ۲-۶ مقابل این تیم عربستانی از دور رقابت های لیگ قهرمانان آسیا حذف شوند . در حقیقت سپاهان پس از حذف پرسپولیس و نساجی از لیگ قهرمانان آسیا ، آخرین امیدوروز نه فوتبال ایران برای قهرمانی در لیگ قهرمانان آسیا و البته حضور در جام جهانی باشگاه هادر سال ۲۰۲۵ بود که باشکست تلخ زردپوشان دیار زاینده رود ، دیگر نمی توانیم شاهد حضور هیچ تیمی از فوتبال ایران در این تورنمنت مهم باشگاهی دنیای فوتبال باشیم .

جام باشگاه های جهان با فرمت جدید ۳۲ تیمی قرار است یک سال پیش از جام جهانی ۲۰۲۶ برگزار شود . بیست و یکمین دوره جام باشگاه های جهان قرار است باشکلی جدید و طی ۲۹ روز از تاریخ ۱۵ ژوئن تا ۱۳ جولای ۲۰۲۵ برگزار شود . جام باشگاه های جهان هر چهار سال یکبار و یک سال قبل از جام جهانی برگزار خواهد شد و ایالات متحده آمریکا میزبان فرمت جدید آن در سال ۲۰۲۵ خواهد بود . سهمیه آسیا در این رقابت ها چهار سهمیه است و ۳ از این ۴ سهمیه شامل سه قهرمان اخیر لیگ قهرمانان آسیا مشخص خواهند شد و سهمیه چهارم هم به بهترین تیم واجد شرایط در رده بندی چهار ساله زبش تعلق می گیرد . تاکنون حضور الهلال

فوتبال ایران در سالی که گذشت شاهد اتفاقات ریز و درشت زیادی بود . همه هفته تلاش شد به ابعاد مختلف آن پرداخته شود . حتی به شکل کلی پرداختن به همه این اتفاقات در فضای محدود ویژه نامه نوروزی مقدور نیست . تنها چند نمونه از این رویدادها و نظر برخی کارشناسان امر تحت عنوان

بدون برنامه و هدف

استقبال از رونالدو

یکی از اتفاقات جالب فوتبالی طی سال ۱۴۰۲ حضور کریستیانو رونالدو به همراه تیم النصر در تهران بود . در لیگ قهرمانان آسیا علاوه بر او بسیاری از چهره های مطرح فوتبال جهان از جمله نیمار به کشورمان آمدند که نوع استقبال از آنها چالش هایی به همراه داشت . اگر چه نوع استقبال از چهره های سرشناس در جهان همیشه با به هم ریختگی هایی مواجه است اما گروهی معتقدند عدم برنامه ریزی لازم در شان کشوری مثل ایران نیست . هر چند شور و شوق فراوان در استقبال از رونالدو فوق ستار ؟ فوتبال جهان برای بازی مقابل پرسپولیس مورد توجه رسانه های دنیا قرار گرفت اما برخی افراد در داخل و در فضای مجازی یا شبکه های اجتماعی آن را به ذوق زدگی تعبیر کرده و ما ؟ شرم ساری دانسته و بعضی حتی لفظ "ندیدبدید" را هم برای مشتاقان به کار بردند . اما یادمأن بلشداین جماعت دنبال اتوبوس "رونالدو"یی دویندند که صفحه او ۶۰۰ میلیون دنبال کننده دارد ! شوخی نیست : ۶۰۰ میلیون !

وقتی او در فضای مجازی آن قدر دنبال کننده دارد در عرصه واقعی هم اگر یک ده هزارم آن واقعا اورا دنبال کنند و بدون چه تعجبی دارد ؟ آن دنبال ، مجازی است این هم دنبال واقعی !

بدنیست بدانییم که در چین و ژاپن و بسیاری از کشورهای جهان هم اتفاقات مشابه رخ می دهد ؟ ضمن این که وقتی امکان حضور در ورزشگاه برای تماشای بازی نیست و نه باشگاه و نه وزارت ورزش و نه این همه نهاد مسئول مدعی دیگر ، هیچ برنامه ای برای دیدار علاقه مندان تدارک ندیده و پیش بینی نکرده اند مگر گزینه ای جز مراجعه مستقیم و دودین به دنبال اتوبوس و بالا رفتن از تپه های کنار هتل باقی مانده بود ؟

جدای از اینها فراموش نکنیم که به لحاظ شخصیتی نیز رونالدو خون گرم است و شاید همین ویژگی در محبوبیت فوق العاده او بی تأثیر نبوده باشد . پس زیاد سخت نگیریم !

رکود هیات فوتبال تهران پایان می گیرد ؟

یکی از اتفاقات جالب در سال ۱۴۰۲ ایجاد تغییرات در هیات فوتبال استان تهران بود . هیات فوتبالی که سالها چشم و چراغ این رشته به حساب می آمد و برخی از بازی هایش رکوردهای دست نیافتنی از لحاظ تماشاگر داشت به شریطی بد دچار شده بود . اگر چه برخی از اتفاقات رخ داده اجتناب ناپذیر بود اما چراغ خاموش در فوتبال پایتخت بدجوری مورد اعتراض و گلایه بود . حمایت عجیب از ادامه این روند و مدیریتتی که بدون توجه به سایر بخش ها فقط بالادستی هارا راضی می کرد آن قدر ادامه یافت تا ایجاد تغییرات ساده در آن تابویی بزرگ تلقی شود .

سرانجام بعد از ۱۵ سال مدیریت حبیب الله شیرازی بر هیات فوتبال استان تهران ، پس از برگزاری انتخابات جانشین او مشخص شد و صندلی ریاست هیات فوتبال به میرشاد ماجدی رسید . هیات فوتبال استان تهران یکی از خبرسازترین هیات های فوتبال در سراسر ایران محسوب می شد . در طول مدتی که یک رییس بر مسند کار بود از تخلفات پر شمار تا انتصاب اعضای خانواده در سمت های مختلف در هیات فوتبال استان تهران صحبت می شد تا در پی فشار های وارده ، مسئولان فدراسیون فوتبال تصمیم گرفتند تا پیش از پایان دوره چهارم مدیریتش ، اورا از سمت خود بر کنار کنند . رییس قبلی البته پیش از آنکه حکم بر کناری اش صادر شود ، خود تصمیم به استعفا گرفت و مدتی احمد رضا براتی در نقش سرپرست هیات فوتبال استان تهران انجام وظیفه کرد . انتخابات هیات فوتبال تهران با حضور ۳ کاندیدای رسمی (میرشاد ماجدی ، مهر داد سراجی و مجید کیومرثی) برگزار شد . که از ۴۶ رأی ماکوذه ، میرشاد ماجدی توانست ۲۷ رأی را از آن خود کند و رئیس هیات فوتبال استان تهران شد . میرشاد ماجدی برای سامان دادن به شریط کنونی ، ماموریت دشواری را دارد . او با توجه به باقی مانده دوره ۵/۱ ساله از مدیریت شیرازی ، فرصت کوتاهی تا پایان دوره مدیریتش دارد و بعد از پایان فرصت ۱/۵ ساله ، مجددا انتخابات هیات فوتبال استان تهران باید برگزار شود .

دوران بدی در فوتبال تهران پشت سر گذاشته شد

■ مهدی اربابی (رئیس اسبق هیات فوتبال تهران)



هیات فوتبال استان تهران سالها به عنوان یک هیات الگومند نظر قرار داشت . بسیاری از افراد علاقه مند عاشقانه کار می کردند تا شاهد رونق فوتبال در پایتخت باشیم . کسانی در این خصوص فعالیت می کردند که از جنس فوتبال بودند و همه مراحل لازم در این باره را طی کرده بودند . مادر عین این که استقلال عمل داشتیم و با خاطیان بر خورد می کردیم اعضای تیم هارا عین خانواده خود می دانستیم .

همه فکر و ذکر ما از صبح تا شب حل مشکلات فوتبال بود و اجازه نمی دادیم تا کسی برای ماتعین تکلیف کند . متاسفانه فوتبال تهران به مسیر بدی رفت . هر چه اهل فن فریاد زدند گوش شنوایی وجود نداشت . به هر تقدیر آن دوره گذشت . اکنون از جمع اعضای هیات من فقط ماجدی را می شناسم که زمانی شاگرد خود من بوده است . باید امیدوار باشیم با شرافتی که او به فوتبال تهران دارد به این رشته در پایتخت سرو سامان بدهد . دوست دارم فوتبال شهرمان را باز هم در اوج ببینم و این که شاهد درخشش بازیکنان این استان در سطح ملی باشیم .

عربستان،اوراوردادیمونذر ژاپن در جام باشگاه‌های جهان ۲۰۲۵ از قاره آسیا قطع‌ی شده است .

آنچه امارد این باره و به شکل کلی گفتنی است این که موفقیت در لیگ قهرمانان فوتبال آسیا برای ما هر روز سخت‌از روز قبل می‌شودو باوجود سرمایه گذاری هنگفت رقباو استخدام بازیکنان نخبه جهانی رسیدن به این هدف به‌روایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است.در شرایطی که در کشور های همجوار شاهداین حجم‌از سرمایه گذاری هستیم‌سوگمندانه کفگیر باشگاه های ایرانی رفته به‌ته دیگ می‌خور د تا مانه تنها مسیر پیشرفت را طی نکنیم‌بلکه‌روز به‌روز شرایط‌بدتری را تجربه کنیم.به‌این ترتیب قطعاً کشور هایی که تا دیروز زنگ تفریح فوتبال باشگاهی مابودن به رقبایی سخت‌هم تبدیل شده اند.

برای موفقیت باید یک مجموعه تلاش کند

■ادموند بزیک



باید قبول کنیم که فوتبال ایران نتوانسته مثل کشور های دیگر توسعه و پیشرفت داشته باشدو با این شرایط موفقیتی رقم نخواهد خورد. فوتبال ما باید تغییر کند. ما همچنان در حال در جاز دن هستیم در حالی که تیم‌های عربی با سرمایه گذاری و برنامه ریزی دقیقی که کرده اند روز به روز نسبت به گذشته پیشرفت محسوسی دارند. النصر، الهلال عربستان والاتحاد تیم‌هایی هستند که با آردن بزرگان فوتبال دنیا شرایط فوتبال را تغییر داده اند.

به‌طور حتم در آینده آنها باز یکنان بیشتر و بهتری را به فوتبال خود می‌آورند در حالی که ما هنوز نتوانسته‌ایم‌از بازیکنان بزرگ استفاده کنیم.در لیگ قهرمانان ماتوانایی مقابله باتیم‌های عربی را با جذب این بازیکنان خارج‌ی نداریم.بازیکنان ایرانی برای لیگ ایران با کیفیت و خوب هستند اما توانایی مقابله باتیم‌هایی که از بازیکنان بزرگ و صاحب‌نام استفاده می‌کنند ار ندارند.

تیمی که می‌خواهد قهرمان شود باید یک مجموعه در آن تلاش کنند.از کادر مدیریتی تافنی و بازیکنان و حتی در بالاترین ار کان فوتبالی و غیر فوتبالی. ما هنوز در فوتبالمان در گیر قصه اختلاف بین مدیر عامل و سرمربی هستیم که سالهاست در فوتبال ما وجود داشته و گویا خواهد داشت. مدیریت باشگاه وقتی این سمت را قبول می‌کند موظف است شرایط را برای کادر فنی فراهم کند، اعتراض کادر فنی تیم‌ها در مورد عدم جذب بازیکن برای چنین مسابقات مهمی به حق است و باید به آن توجه شود.

قهرمانان آخر صف

شوق آفرینی ساحلی بازان فوتبال

در روزهای پایانی سال و در هوای سرد زمستانی یک تیم خوب و دوست داشتنی گرما را به میان علاقه‌مندان این رشته برد. مردان پابرهنه‌ای که و ماسه‌ها پرواز می‌کردند و صحنه‌هایی جذاب رقم می‌زدند. بدون ادعا و با کمترین میزان از حمایت و توجه آنها شور و اشتیاق آفریدند. چند روزی مهمان اهالی فوتبال از طریق دوربین های تلویزیونی بودند و خیلی زود فراموششان می‌کنیم تا در دوره‌ای دیگر باز هم ما را به شوق بیاورند ! متأسفانه با وجود تمام افتخاراتی که اعضای تیم فوتبال ساحلی به‌صورت تیمی و انفرادی به‌دست آورده‌اند، توجهات به این رشته آن‌طور که باید، نیست. قهرمانی تیم ملی فوتبال ساحلی در رقابت‌های جام بین قاره‌ای آن هم باشکست دادن تیم‌های بزرگی مثل برزیل، آمریکا و ... باز تاب وسیعی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشته‌است. ساحلی‌بازان ایران که همواره افتخارات زیادی کسب کرده‌اند، یک‌بار دیگر قدرت خود را در سطح دنیا به‌رخ کشیدند و همین موضوع باعث شد تا برخی مقامات ارشد سیاسی کشور نیز پیام‌های تبریک صادر کنند. ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری، آیت‌الله غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه و برخی دیگر از مقامات از جمله افرادی بودند که این قهرمانی را تبریک گفتند تا بزرگی کاری که ساحلی‌بازان ایران انجام دادند، بیشتر به چشم بیاید.

فوتبال ساحلی در کل دنیا قدمت چندانی ندارد. ۲۲ سال قبل بود که فدراسیون جهانی فوتبال تصمیم به راه‌اندازی رشته‌ای تحت‌عنوان "فوتبال روی ماسه" گرفت. فوتبال ساحلی ایران طی ۱۶ سال گذشته افتخارات زیادی کسب کرده و بارها مایه سربلندی مردم ایران شده‌است. ملی‌پوشان فوتبال ماسه‌ای ایران تاکنون ۹ بار در رقابت‌های آسیایی این رشته شرکت کرده‌اند که حاصل کار آنها ۲ قهرمانی و ۵ عنوان سومی بوده‌است. ۷ حضور در رقابت‌های جام جهانی فوتبال ساحلی دیگر عنوانی است که برای این رشته در ایران ثبت‌شده‌است. از این تعداد حضور، یک‌بار هم ساحلی‌بازان ایران در جام ۲۰۱۹ باشکست ایتالیا به‌مقام سومی جهان رسیدند. جام بین قاره‌ای دیگر تورنمنت مهم فوتبال ساحلی است که هر چند وقت یک‌بار در دوبی امارات برگزار می‌شود. این تورنمنت برای تیم ساحلی ایران همیشه خوش‌یمن بوده و شاهد کسب افتخارات زیادی بوده‌ایم. ۴ عنوان قهرمانی، ۲ عنوان نایب‌قهرمانی، ۲ عنوان سومی و یک عنوان چهارمی افتخارات فوتبال ساحلی ایران در تورنمنت بین قاره‌ای بوده‌است. ساحلی‌بازان ایران که خیلی هایشان لژیونر شده‌اند و در اکثر تورنمنت‌ها بهترین عنوان‌ها را از آن خود می‌کنند، اما دیگر عادت کرده‌اند وقتی حرف از پاداش می‌شود در آخر صف بایستند و از نظر مبلغ و این گونه مسائل هم در یافتی مناسبی نداشته‌باشند.

"وی‌ای آر" واقعا به ایران آمد؟

"وی‌ای آر" یک فناوری رسمی داوری فوتبال است؛ با دسترسی مستقل به تصاویر ضبط‌شده مسابقه، که تنها در صورت "اشتباه واضح و مشخص" یا "یک حادثه جدی از دست‌رفته" به داور اصلی کمک می‌کند. در زمان بازی‌بینی توسط کارشناس های کمک داور ویدیویی بازی باید متوقف شود و کسی از بازیکنان و مربیان و نیمکت‌نشینان نمی‌توانند به داور اظهار نظر کنند. از مدت‌ها پیش که در فوتبال روز جهان در این باره اقدام



جدی آغاز شد این رشته با چالش‌های فراوانی مواجه بود. ابتدا عده‌ای آن را مضر به حال فوتبال دانستند. رفته رفته این فن آوری چنان مورد توجه و اقبال عمومی قرار گرفت که امروزه بدون حضور آن انگار بخشی از فوتبال را نداریم.

تثبیت جایگاه این فن آوری اگر چه به‌آهستگی به شرایط امروزی رسید اما باور نبودن آن در فوتبال کمی تا قسمتی سخت‌است. با این حال همین تکنولوژی جا افتاده در فوتبال جهان در این به یکی از عجیب‌ترین موضوعات تبدیل شده و آن قدر فراز و نشیب داشته که گویا معمایی حل نشدنی را شاهدیم. حتی با وجود استفاده از وی‌ای آر در لیگ قهرمانان آسیا و دوبار تجربه داخلی در شهر آورد پایتخت باور آمدن این فن آوری در ایران بر ایمان سخت‌شده‌است. معمای بزرگ سالهای اخیر فوتبالمان با عدم ورود وی‌ای آر حرف و حدیث بسیار داشته‌است. گاهی به‌حالت قهر و امری ناممکن مدت‌ها از آن سخن هم نگفتیم. زمانی‌که بایک خبر نه چندان موق‌بحث‌ورود این تکنولوژی داغ‌شد. یک‌روز بر اثر یک اشتباه داوری بازیکنان حاضر شدند هزینه‌آوردن این فن آوری را پرداخت کنند و آخرین خبر هادر خصوص وارد کردن شش دستگاه "وی‌ای آر" که امیدوار مان کرده‌تأ وجود آن در فوتبال ایران باور کنیم. آنچه در این باره مهم‌است اینکه گویا با فرهنگ پرهیاهو در فوتبال ما این تکنولوژی بیشتر از کشور های صاحب فوتبال به در دام می‌خورد ! در فوتبالی که با هر تصمیم‌داور هر کس به خود اجازه اعتراض و بلوا را می‌دهد شاید وی‌ای آر بسیاری از حقایق را روشن و حق را به حق‌دار بدهد. جدای از بحث اجرای عدالت در وی‌ای آر موجود بر خورد قاطع با خاطیان مطرح‌است که در فوتبال مانسببت به آنچه در لیگ‌های معتبر رقم می‌خورد فاصله‌ای بعید وجود دارد. ظاهراً وی‌ای آر در فوتبال مارخ‌نشان می‌دهد. این فصل که تقریباً گذشت باید دید در فصل بعد آیا امکان حضورش در همه بازی‌ها هست یا قرار است بایکی در میان بازی چالش‌ها و اعتراض هادر خصوص تبعیض رنگ‌ها حادثه‌ای تازه بر ایمان رقم‌بزند.

حسرت‌های فوتبالی‌ما

یک گام تا فتح جام ملت‌های آسیا فاصله داشتیم اما ...

سوت پایان بازی با قطر و قبول شکست سه‌بر دو مقابل این تیم آب سردی بر پیکر فوتبال ایران برای رسیدن به آر‌زوی فتح جام ملت‌های آسیا بود. جامی که سابقه سه‌بار فتح‌پی در پی آن را داریم هیچگاه مثل این دوره به مانزدیک نبود اما گویا قرار است ما همچنان در حسرت رسیدن به آن باشیم. شاید آخرین باری که در سال ۱۹۷۶ این جام را به‌دست آوردیم باور مان نمی‌شد که این همه مدت از لمس آن دور خواهیم‌ماند. این حتی آخرین فرصت برای نسلی بود که می‌خواست با فتح جام به سال‌ها عدم موفقیت در جام ملت‌ها مهم باطل‌بزند. تیمی که با غلبه بر ژاپن خود را در یک قدمی جام دیدا ...

باشکست ایران برابر قطر انتظار ایران برای رسیدن به فینال جام ملت‌ها به بیش از نیم قرن رسید. تیم ملی ایران باز هم در رسیدن به فینال جام ملت‌های آسیا ناکام‌ماند تا این طلسم طولانی مدت همچنان پابر جاباقی بماند. ایران علی‌رغم اینکه از جمله قدرت‌های مطرح آسیا و تیمی قابل احترام در سطح جهان محسوب می‌شود ولی با این حال در تورنمنت‌های مختلف ناکامی‌های سریالی دارد. پس از آخرین فتح جام ملت‌های آسیا تیم ملی نه تنها هیچ‌وقت قهرمان آسیا نشده بلکه به فینال هم راه نیافته‌است. تیم ملی در این مدت ۷ بار به نیمه‌نهایی رسیده ولی هرگز فینالیست نشده‌است. تیم ملی حداقل باید تا جام ملت‌های آسیا ۲۷-۲۰ صبر کند تا شاید بالاخره این طلسم شکسته‌شود. ایران ۳ دوره متوالی در المپیک شرکت کرد که آخرین آن ۱۹۷۶ بود. تیم ملی موفق به صعود المپیک ۱۹۸۰ مسکوهم شد ولی مسئولین وقت ورزش آن دوره از المپیک را تحریم کردند و تیم ملی به آن مسابقات اعزام نشد. این تحریم در دوره بعدی المپیک هم ادامه پیدا کرد. تیم ملی در ادوار بعدی المپیک حتی به صعود به این مسابقات نزدیک هم نشده و در انتخابی المپیک ۲۰۲۴ حتی به جمع ۱۶ تیم پایانی هم نرسید تا انتظار فوتبال ایران در المپیک هم از ۵۰ سال هم عبور کند. تیم ملی ۶ دوره در جام جهانی هم شرکت کرده ولی هیچ‌وقت به مرحله حذفی صعود نکرده‌است. پاس آخرین تیم ایرانی است که در رقابت‌های باشگاهی در آسیا به قهرمانی رسید. این قهرمانی در فصل ۱۹۹۲-۹۳ اتفاق افتاد و ۳۰ سال است که هیچ تیم ایرانی در قله فوتبال آسیا قرار نگرفته‌است. پس از پاس، پرسپولیس ۲ بار و استقلال و سپاهان و ذوب‌آهن یک‌بار به فینال آسیا راه یافته‌اند ولی موفق به فتح جام نشدند.

داوران برای استفاده از "وی‌ای آر" مشتاق‌ترند

■ مسعود مرادی



مطمئناً استفاده از "وی‌ای آر" نه تنها خواسته باشگاه‌ها و هواداران فوتبال بلکه خواسته جدی همه داوران هم هست. باید بپذیریم که پروسه آن باید سریع‌تر از اینها طی می‌شد. در این باره مرحله سخت‌افزاری آن یک بحث‌است. در مرحله دیگر بحث مربوط به آموزش داوران برای حضور در اتاق وی‌ای آر است. ما باید هر دورا هم زمان جلومی‌بردیم. فکر می‌کنم این پروسه در این روزها بهتر از گذشته در حال طی شدن است. در فدراسیون فوتبالی که دبیر کلی آن آقای ممبینی و عضو هیات رئیسه‌اش، آقای افشاریان هستند که داور فوتبالتند، باید به این مهم توجهی بیشتر می‌شد. من نمی‌توانم بگویم برای شروع سال آینده استفاده از کمک داور ویدیویی آغاز می‌شود یا نه اما شکی ندارم که برای رفع مشکلات فوتبال باید هر چه زودتر این فن آوری در ایران فعال شود و گر نه همگی ضرر خواهیم کرد.





کشتی گیر سابق حالا به مبارز شماره یک ایران در عرصه های بین المللی مبدل شده است.

امیر علی اکبری در حوالی ۳۷ سالگی با بهره بردن از مهارت ها و تجربیات خود، تن و بدن هر حریفی را می لرزاند.

این ورزشکار در سالی که روبه پایان است، در بالاترین سطح مبارزه کرد و در روزگاری که اوج گیری خود را به نمایش می گذارد، چشم به افتخارات بزرگ تری نیز دارد. زندگی ورزشی او گرچه با افت و خیزها و حوادث عجیبی همراه بود اما امروز که در برابر پرسش های مافزار گرفته، کسی نمی تواند چشم بر توانمندی هایش ببندد. درست ۴۸ ساعت پس از پیروزی بزرگ او در رویداد یکمصد و شصت و نهم سازمان "وان چمپیونشیپ"، که در استادبوم "لوسیل" شهر دوحه برگزار شد و امیر علی اکبری در چهارمین مبارزه خود در این سازمان مقابل آر جالان بولاز، فایتر هندی - کانادایی به پیروزی دست یافت، پای صحبت های او نشستیم.

■ حمید ترابیپور

گفت و گو با مبارزی که رمز پیروزی هایش «حیدر کرار» است

علی اکبری: یک مشت که به صورت شان بخور فضای مجازی از سرشان می پرد!

اینکه در کشتی می ماندم، بهتر بود.

● **نسبت به فوتبال چطور؟**

- خیر. البته سه سال گیر کردن من پشت خط و آن دو باخت کم "ریت" قرار دادی ام را پایین آورد، و گرنه شاید در مقایسه با فوتبال هستم. هاهم حرفی برای گفتن داشتم.

● **شغل دیگری هم دارید؟**

- خیر، این رشته آنقدر سخت است و از شما انرژی می گیرد که وقت کار دیگری نخواهید داشت.

● **فوتبالی هم هستید؟**

- نه، وقتش را نداشته ام که فوتبال را دنبال کنم.

● **اهل هنر چطور؟**

- معمولاً در خانه فیلم تماشا می کنم.

● **پیشنهاد بازی در فیلم به شما داده اند؟**

- یکی دو پیشنهاد جدی داشتم و تا جاهایی نیز پیش رفتیم اما احساس کردم ورود به این عرصه ضربه سنگینی به کارم خواهد زد.

● **در آینده چطور؟**

- بدم نمی آید ولی باید پیشنهاد خوبی باشد. به دنبال این نیستم که در هر فیلمی بازی کنم. معتقدم هر اتفاقی که برای انسان می افتد، خدا برایش نوشته است. باید ببینم خدا برایم چه خواهد نوشت.

● **از روندی که در این سالها طی کرده اید رضایت کامل دارید؟**

- اگر بخواهم صادقانه بگویم بله، اینگونه بود اما یادمان باشد که برای ورود به این عرصه باید جسارت ذاتی داشته باشید. یعنی باید بخشی از لازمه های ورود به اینجا را به صورت ژنتیکی داشته باشید. کسی که از مشت خوردن بترسد، نمی تواند ادامه دهد. خود من در ابتدا کمی نگران بودم، چون صورتم تا ۲۴، ۲۵ سالگی مشت نخورده بود و برایم سخت بود. رفته رفته این موضوع برایم حل شد.

● **در رشته ای فعالیت می کنید که به نوعی بازی با جان تان است. بیشترین آسیب را در کدام مسابقه دیده اید؟**

- خدا را شکر، من خیلی آسیب جدی ندیدم. فقط یک بار در مسابقات ریزین (Rizin FF) شرکت کردم که بسیار فشرده بود. این سخت ترین رقابت دنیا است، چون در دو روز باید ۳ فایت داشته باشید. از نظر علمی این کار شدنی نیست ولی من انجام دادم و به سختی هم آسیب دیدم.

● **تا به حال شده در کوچه و خیابان از هنرهای مبارزاتی خود استفاده کنید؟**

- مردم ما کمی عصبی هستند. پیش می آید فردی من را شناخته و حرفی زده اما لزومی نداشته که با او دعوا کنم. با خودم گفتم او فقط عصبانی است، و گرنه قدرت فایت کردن که ندارد و به همین دلیل لبخندی زده و رفته ام.

● **از نظر مالی در این سالها به خواسته خود رسیده اید؟**

- الحمدلله به لطف امیر المومنین (ع) راضی بوده ام. حداقل از

● **دوست داریم که بدانیم به عنوان یک قهرمان اسبق کشتی اگر زمان به قبل برگردد، باز هم از آن رشته شروع می کنید یا اینکه مسیر امروز یعنی مبارزه را پیش روی خود قرار می دهید؟**

در باره این موضوع خیلی فکر کرده ام. حقیقت این است که فنون کشتی امروز به من در مبارزاتم خیلی کمک می کند. شاید از بابت برخی حواشی آن روزها هنوز ناراحت باشم اما نمی توانم تأثیرات کشتی در موفقیت های امروز خود را نادیده بگیرم. با تمام این تفاسیر شاید اگر به قبل برگردم زودتر وارد این بخش یعنی مبارزه شوم تا بتوانم بیشتر پیش بروم.

● **الان در سن ۳۶ سالگی تصورات تان برای آینده چیست؟ یعنی تا کجا ادامه می دهید؟**

- خب، من می توانستم در سن کمتری این رشته را انتخاب کنم و بیشتر هم حضور داشته باشم اما در این بخش ورزشکاران بسته به شرایط بدنی خود ادامه می دهند و شاید تا ۴۱، ۴۲ سالگی هم بتوانند فعالیت کنند.

● **جرقه ورود به این رشته اولین بار کجا در ذهن تان زده شد؟**

- زمانی که در آذربایجان بودم و خیلی هم احساس تنهایی می کردم، یک روز در یوتیوب فیلم های مبارزه ها را دیدم. آنجا بود که تصمیم گرفتم شانسم را امتحان کنم.

● **در ابتدا برایتان ترسناک نبود؟**

MMA



ضمن اینکه شما نقش جاده صاف کن را برای خیلی ها ایفا کردید.

-چند نفر از بچه ها پیش من آمدند و کار کردند. چند نفرشان دوام نیاوردند و برخی هم ادامه دادند. خدا را شکر، MMA دارد مسیر خودش را پیدا می کند و کسی که این راه را می رود به من نگاه می کند. از این بابت خدا را شکر می کنم، چون من این مسیر را رفتم، اشتباه کردم، سرم به سنگ خورد، بلند شدم و ادامه دادم و حالا آنها می توانند از اشتباهات من درس بگیرند و خودشان آزمون و خطا نکنند. الان شرایط نسبت به ۴، ۵ سال قبل خیلی بهتر شده است. این رشته مثل کودکی نوپاست که باید به جوانی تنومند تبدیل شود.

● در این میان، برخی از افرادی که اساساً ارتباطی با این کار نداشتند، با تبلیغات در فضای مجازی برای خود فالوئر جمع کردند و در نهایت، اقدامات شان به آبروریزی هم ختم شد؛ درباره آنها چه نظری دارید؟

-من از کسی اسم نمی برم. در هر جایی که ویرتین باشد، برخی با هدف دیده شدن جلو می آیند و متأسفانه خیلی ها هم فکر می کنند که طرف واقعا مبارز است اما اینجا جایی است که شما فقط یک بار می توانید آن را تست کنید. یک مشت در صورت شان بنشیند، می فهمند داستان اینجا با فضای مجازی فرق دارد و هر چه در سرشان بوده می پرد.

● آیا مسئولان از شما حمایتی داشته اند؟

-ما بچه سرراهی این ورزش هستیم. انگار همه کمک ها شامل حال فوتبال می شود. من دوست ندارم درباره این موضوع خیلی حرف بزنم اما معمولاً در کشور ما مسئولان به سمت رشته هایی غش می کنند که خودشان بیشتر دیده شوند و برای خودشان و بچه هایشان هم خیری داشته باشد.

● درباره موفقیت های امسال هادی چوپان چه نظری دارید؟

-واقعا کار خیلی بزرگی می کند. اگر تاریخ ورزش ایران را زیر و رو کنید، کمتر کسی مثل او را پیدا می کنید که اینقدر خاص باشد و بتواند در خاک آمریکا و در رشته ای که مال آمریکایی هاست، پرچم کشورمان را بالا ببرد. دمش گرم؛ خدا کمکش کند.

● تعطیلات را کجاسپری می کنید؟

-چند سالی توفیق داشتم که در جوار حرم مطهر حضرت امیر(ع) باشم. اگر توفیق داشته باشم امسال هم راهی نجف می شوم.

● در پایان اگر صحبتی مانده بفرمائید.

-ابتدا جا دارد از دوست خوبم آقای محسن محمد تقی که با برند "پاور" به عنوان اسپانسر از من حمایت می کند، تشکر کنم. ایشان بنده خدا به دنبال دیده شدن نیست و فارغ از بحث تبلیغات و اینکه من بخواهم برند ایشان را تبلیغ کنم، روی عشق و علاقه این کار را می کند. واقعا "دلی" به من کمک می کند. او در واقع به این رشته کمک می کند، همیشه همراه من است و هر جا مسابقه باشد در کنارم قرار دارد. ضمناً سال نوراً پیشاپیش به مردم کشورم که هر چه دارم بعد از خدا و اهل بیت از آنهاست، تبریک می گویم و امیدوارم در سال جدید مشکلات اقتصادی مردم کمتر شود، چون آنها لایق بهترین زندگی هستند. امیدوارم حال دل مردم خوب باشد. کسی قرار نیست به ما مردم کمک کند. به عنوان یک کوچتر خواهش می کنم شب عیدی خودمان هوای همدیگر را بیشتر داشته باشیم.

آر جالان بولار صحبت کنید؛ به نظر می رسید که خیلی زود از شما ترسید و قافیه را باخت.

-شما وقتی بایک حریف روبرو می شوید در همان ۷، ۸، ۱۰ ثانیه اول که عقب و جلو می کنید، متوجه می شوید که سرعت تان بر او می چربد یا نه. خیلی زود متوجه شدم که از نظر سرعت و قدرت بدنی از من ضعیف تر است و فقط می خواهد ناک اوت نشود. بولار در تمام فایت های قبلی خود یک تاکتیک داشته و آن هم مدارا در راندهای اول و دوم است و چون نفس خوبی دارد در راند بعدی بر حریف خود سوار می شود.

● همان تاکتیک معروف "محمد علی کلی" در بوکس.

-بله، هندی هادر همه رشته ها "بد بدن" هستند. این حریف هم "بد بدن" بود. خدا را شکر، من خیلی آماده بودم و هر چه فرار کرد به دنبالش رفتم. وقتی دید کاری از دستش بر نمی آید، آنقدر فرار کرد که اخراج شد.

● در مقایسه با سه حریف قبلی که در همین سازمان با آنها مبارزه داشتید، "بولار" در چه سطحی قرار داشت؟

-خیلی بهتر از آنها بود. هم قهرمان این سازمان بوده و هم UFC فایتر بود و رکورد ۴ بریک در آن سازمان را داشت. بردن این فایتر مرا یکی دو پله جلو انداخت.

● برنامه بعدی تان چیست؟

-فعلاً که دوران ریکاوری و درمان آسیب دیدگی هایم را سپری می کنم و بعد باید با سازمان صحبت کنیم و ببینیم برنامه مان چیست، چون برنامه دست ما نیست.

● واکنش مردم وقتی شما را در کوچه و خیابان می بینند چیست؟

-به لطف امیرالمومنین (ع) مردم همیشه به من لطف دارند. من بعد از خدا و اهل بیت هر چه دارم از این مردم است، چون از جای دیگری ساپورت نشده ام؛ این رشته هم که قبلاً در ایران غیرقانونی بود. انرژی هایی که این مردم به من می دهند در مبارزات به کمکم می آید. دست همه آنها را می بوسم.

● توسل به ائمه اطهار و بستن سربند "یا حیدر کرار" از سوی شما همواره مورد توجه قرار گرفته است؛ این کار را اولین بار حسین رضازاده و بعد هم ورزشکاران دیگر انجام دادند. درباره این موضوع صحبت کنید.

-روز اولی که تصمیم گرفتم این ورزش را شروع کنم با حضرت امیرالمومنین (ع) معامله کردم. شاید آدم زیاد موجهی نباشم ولی مرید آن حضرت هستم. یک چیزهایی هست بین من و حضرت. هرگز به دنبال شعار دادن نبوده ام. همه اینها "دلی" است. به دنبال این نیستم که کسی از این کار من خوشش بیاید یا انتقاد کند. این عهدی است که با مولایم بسته ام. یک نکته دیگر هم هست: هر زمان مولا اذن بدهد، آن سربند را می بندم. همانطور هم که شما گفتید آقای رضازاده استارت این کار را زد. من خیلی بچه بودم. دمش گرم. ایشان به نوبه خود در معرفی حضرت ابوالفضل (ع) تلاش کرد و ممنون او هستیم. حالا بعدش چه اتفاقاتی افتاد، خودشان می دانند.

● واکنش خارجی ها به این موضوع چیست؟

-اتفاقاً خیلی سوال می پرسند که ماجرای این سربند چیست. خیلی کوتاه برایشان توضیح می دهم که ایشان امام و الگوی ما ایرانی ها و قهرمان زندگی من هستند.

● ورزشکاران دیگری هم در این سالها برای ورود به این عرصه خیز برداشتند اما هیچکدام هم ردیف شما نشدند؛

-کامل که نه، چون تعطیلی مسابقات در برخی از سالها به دلیل کرونا کمی در مسیر من خلل ایجاد کرد و آن سرعتی را که برای طی کردن مسیر انتظار داشتم، از من گرفت. دو، سه سال نتوانستم مبارزه کنم. قرار دادم با "یو اف سی" به دلیل یک سری مسائل کنسل شد و... اینها در کار من وقفه انداخت. قبل از آن خیلی خوب بود.

● از سال ۲۰۲۰ وارد ONE Championship شدید. فکر می کنم سکوی پرتاب تان آنجا بود.

-بله، اما اگر آن اتفاقاتی که گفتم نمی افتاد، این مسیر را بهتر و سریعتر طی می کردم.

● امروز چطور؟ از جایی که در آن ایستاده اید رضایت دارید؟

-بله. خدا را شکر خوب پیش رفته ام. از روزی هم که آقای علی استکی در کنار بنده قرار گرفته، شرایطم خیلی بهتر شده است. یک سری مسائل را ایشان درست کرد و یک سری را هم خودم. این شرایط کمک کرد تا مسیر را به خوبی طی کنیم.

● سقف را کجا می بینید؟

-در این رشته سقفی وجود ندارد. شما می توانید تا جایی که بدن تان اجازه می دهد پیش بروید. اولین هدف من این است که قهرمان این سازمان شوم و بعد درهای دیگری را پیش روی خودم باز کنم.

● درباره مبارزه آخرتان با حریف هندی - کانادایی یعنی

مهاجرانی: قلعه نویی باید معایب تیم ملی را برطرف کند



کامبیز هوشمند

قبل از پرداختن به اصل ماجرا لازم است یادآور شویم که انتخاب آقا مهاجرانی برای اظهار نظر در مورد عدم نتیجه گیری تیم ملی فوتبال کشورمان در جام ملت های آسیا به میزبانی قطر، بدان علت بود که افتخارات وی را تاکنون هیچ مربی، برای فوتبال ملی ما به دست نیاورده است، ضمن آنکه آقا حشمت در سال ۲۰۱۸ در نظرسنجی ای اف سی به عنوان بهترین مربی جام ملت های آسیا از نظر مردم انتخاب شد. نه تنها در جام ملت ها بلکه در سطوح ملی افتخارات او تاکنون تکرار نشده است، انتخاب وی برای اولین بار به شرکت در کلاس سه ماهه پیشرفته مربیگری در ژاپن توسط کسانی انجام شد که کاملاً برای پیشرفت فوتبال ما برنامه داشتند و در فضایی کاملاً سالم و بستری مناسب که به اوج گیری فوتبال کشورمان در دهه پنجاه بر می گردد، با ظهور جام تخت جمشید و جذب مربیان کار بلد خارجی، همه چیز برای شاگرد ممتاز آن ایام فوتبال ایران مهیا شد تا از کلاس این مربیان، تجربه اندوزی کند و دانش گرانبهائی خود را به بدنه فوتبال ایران تزریق نماید و او بود که با هدایت درست و کارساز خود نه تنها تیم جوانان ایران را چهار سال متوالی قهرمان آسیا کرد بلکه از دل این تیم ها راه ورود بهترین ها را به اردوی سه تیم ملی هموار ساخت و متعاقب آن با هدایت وی، حمایت روسای ورزش و به ویژه فوتبال، تیم ملی فوتبال کشورمان نه تنها به المپیک مونترال (۱۹۷۶) بلکه برای اولین بار، تک سهمیه آسیا را بدون باخت نشانه رفت تا ایران به جام جهانی نیز راه پیدا کند (۱۹۷۸ آرژانتین) و همزمان هم دوباره با هدایت او، به لطف ضربه کاشته علی پروین، تیم ملی با خلق پیروزی یک بر صفر بر کویت در ورزشگاه آزادی به سوی سومین قهرمانی در جام ملت های آسیا گام برداشت (۱۹۷۶) توجه عمیق آقا حشمت به نسل جوان و با استعداد سراسر کشور و از طرفی فراگیری به موقع علم و دانش فوتبال در کلاس خارجی ها و تزریق درست آن به بدنه فوتبال کشورمان و استعداد بالقوه خود او در مربیگری کمک کرد تا در سایه احترام، اعتماد و حمایت، اعتبار نیز برای فوتبال ما رقم بخورد و همه این افتخارات در سالهایی که ابزار و امکانات کافی هم نداشتیم با خلایق آقا حشمت، برای فوتبال ایران به تصویر کشیده شد. بارها که با او تلفنی و حضوری گپ و گفت داشتیم نه تنها هرگز از خود تعریف نکرد بلکه بدی کسی را نگفت و غیبت کسی را هم نکرد و فقط راهکار نشان داد مثل همین دفعه که برای قلعه نویی چند نسخه کارساز نوشت که اگر امیرخان به این توصیه ها توجه داشته باشد بدون شک می تواند خیلی از طلسم های فوتبال ما را بشکند و جابجا کند، چرا که به گمان ما، فوتبال ایران با داشتن نیروهای با استعداد و به ویژه لژیونرهای توانمند در شرایطی که یکی از بهترین دوران طلایی خود را پشت سر می گذارد با یک مدیریت درست و حسابی و قراردادن بهترین ها در کنار هم می تواند موفق باشد، مهاجرانی از مربیان وطنی جهت هدایت تیم ملی دفاع کرد، حق هم دارد، چرا که با درایت و تلاش مربیان ایرانی (بیاتی، رنجبر و مهاجرانی) بود که فوتبال ایران توانست سه بار قهرمانان جام ملت ها شود و توسط خود او به یک چهارم نهایی المپیک مونترال راه پیدا کند و باز با هدایت وی چهار بار عنوان قهرمانی جوانان آسیا را به جیب بزند. آخرین حضور وی بر روی نیمکت تیم ملی فوتبال به روز ۱۵ شهریور ۱۳۵۷ در بازی دوستانه ایران با شوروی سابق به میزبانی ورزشگاه آزادی بر می گردد که با خلق برتری یک بر صفر، کارنامه پرافتخار مربیگری آقا حشمت در تیم ملی، بایگانی شد. با هم صحبت های وی را در خصوص تیم ملی فوتبال ایران می خوانیم:

اسیر اتفاقات بد شدیم

به طور کلی تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت های آسیا در قطر با آن توانایی و نیروها و به ویژه لژیونرهای با تجربه ای که داشت، می توانست برای چهارمین بار در این رویداد مهم آسیایی بر مسند قهرمانی تکیه بزند، منتها یک اصول همیشه مرسوم است که از روزهای خوب و بد حکایت دارد که تیم ملی اسیر اتفاقات بد شد! ایران در قطر نشان داد سخت محتاج برنامه ریزی در سطح اول تا آکادمی و مدرسه فوتبال دارد، ما سالهاست در رده های سنی مختلف شاهد برپایی مسابقات هستیم ولی بر این بازی ها نظارت کافی نداریم و خیلی راحت از کنار آن رد می شویم، اگر این روند عدم نظارت و برنامه ریزی درست به قوت خود باقی بماند به طور حتم فاصله فوتبال ما با سایر رقبای سال به سال بیشتر خواهد شد و این ممکن است برای فوتبال ما با این همه پتانسیل و استعدادهای بالقوه یک فاجعه باشد، حتی ممکن است در غرب آسیا هم با مشکل مواجه شویم و این را بدان جهت می گویم که تیمهایی مثل عراق، اردن، امارات و حتی فلسطین در قطر بالاتر از تصور نشان دادند و این یعنی فاصله شان را با فوتبال ما به حداقل رسانده اند، در صورتی که سالیان سال خودمان را قدرت اول فوتبال آسیا می دانستیم، که جا داشت همزمان با این تفکر با یک برنامه ریزی درست و حسابی، خودمان را به جلو رهنمون سازیم، از طرفی فکر می کردیم با جذب مربیان خارجی می توانیم تمام افتخارات فوتبال قاره را درو کنیم غافل از اینکه مربیان خارجی به خودشان این اجازه را نمی دادند حتی بازیهای لیگ را از نزدیک نگاه کنند تا چه برسد به اینکه پیکارهای رده های مختلف سنی را نظاره گر باشند، ما همیشه می گفتیم باید کمیته فنی قوی داشته باشیم، امروز می بینم در راس این کمیته مجید خان جلالی حضور دارد کسی که با مربیگری مستمر در تیم های مختلف کشور، به یک تجربه و شناخت کافی از فوتبال ما رسیده است، شاید او از جمله کسانی است که می تواند در همه موارد فوتبالی کشورمان اظهار نظر کند و با کادر فنی تیم های مختلف همکاری تنگاتنگی داشته باشد و این خبر بسیار خوبی است که در صورت برنامه ریزی درست می توان به آینده فوتبال ایران خوشبین بود.

کادرفنی

یک سرمربی این توانایی و قدرت را دارد که به شخصه اعضای کادرفنی خود را اعلام کند، فکر نکنم کسی هم اجازه دخالت داشته باشد ولی به طور کل تیم ملی در تمام زمینه ها محتاج یک برنامه ریزی اساسی است و جا دارد روسا و دست اندرکاران فوتبال بیشتر در این زمینه مطالعه نمایند، یک مربی همیشه در جایگاه خوب و بد قرار دارد وقتی نتایج خوبی کسب می کند از او به نیکی یاد می شود، مربی باید خودش سازنده باشد و به





گمانم امیر قلعه نویی این خصوصیات را دارد و ما باید همیشه به قدرت تیم احترام بگذاریم، ضمن آنکه باید در مورد حریفان نیز اطلاعات کافی داشته باشیم، در فوتبال که قبل از این هم به روزهای بد و خوب آن اشاره داشتیم، به نیرو و قدرت هم نیاز است، بازیکن باید برای هر مقابله و مصاف آرامش داشته باشد، بعضی از بازیکنان در خواب، بازی با حریف را تجسم می کنند و عده ای هم نمی خوابند تا موفقیت را به دست آورند، برای کسب موفقیت لازم نیست از همه باهوش تر باشید، بلکه باید به تنهایی با نظم و انضباط به دنبال موفقیت بود، در دو رده باشگاهی و ملی، گاهی اوقات فوتبال به شایستگی ها پاسخ مثبت نمی دهد، بلکه آرزوها باید قوی و بالا باشد و بازیکن با این تصور که هیچ تیمی نمی تواند تیمشان را شکست دهد به میدان برود، مربی فعلی ایران آدم کم تجربه ای نیست کاملاً لیگ را می شناسد و بر اساس این شناخت، می داند که تیم ملی خوب از دل یک لیگ منظم خارج می شود، فوتبال ایران در مدرسه، آکادمی و حتی لیگ مشکل دارد و این را قلعه نویی می داند که امیدواریم با یک بررسی عمیق، با ارائه پیشنهادات تاثیرگذار عیب ها را برطرف نماید.

وفاق ملی

تنها با داشتن بازیکنان خوب نمی توان موفق بود بلکه فوتبال هر کشور بیشتر از همه محتاج پشتیبانی مردم، برنامه ریزی، همدلی و وفاق ملی است، تیم ملی به جامعه تعلق دارد نه مال قلعه نویی است و نه حشمت مهاجرانی، پس همه باید دست به دست هم بدهند، کمک کنند تا تیم به سرانجام خوب و جایگاه اصلی خودش برسد، در حال حاضر تیم ملی محتاج دو برنامه کوتاه مدت و طویل مدت است، کوتاه مدت با حفظ امکانات موجود و دراز مدت، برنامه ریزی برای صعود به جام جهانی است، چون می دانیم یک سری بازیکنان پایه سن گذاشته برای رفتن به جام جهانی شرایط مطلوبی نخواهند داشت، پس باید کم کم جوانان با انگیزه و خوب خودمان را به بدنه تیم ملی تزریق کنیم تا با گذشت زمان به شرایط دلخواه و تجربه لازم برای بازی برسند، نه در خصوص تیم ملی بزرگسالان بلکه در تمام رده ها، تیم های ما باید بازیهای تدارکاتی مناسب و درخور توجه داشته باشند.

ما قبل از بازی های قطر در یک تورنمنت شرکت کردیم ولی نیاز است تیم ملی با حریفان سرسخت تر از خودش دست و پنجه نرم کند تا نقاط ضعف تیم را بهتر شناسایی و برای از بین بردن آن تلاش لازم را داشته باشد، در قطر نشان دادیم دفاع ما آسیب پذیر است، این خط دفاع برای تیمی که قرار بود قهرمان شود چندان مناسب نیست، امیر قلعه نویی و بازیکنان تیم ملی نباید فکر نکنند که تنها هستند بلکه باید به این باور برسند که مردم مثل کوه پشت آنها ایستاده اند، باید همه با هم باشیم و در کنار پیش برویم، این برای سربلندی و عظمت تیم ملی، بازیکنان و کادر فنی لازم است، اگر اعضای تیم ملی خواهان شادی مردم هستند باید با تمام وجود در خدمت آنها باشند با یک تیم ملی شاد و با صلابت می توان دل مردم را شاد کرد.

چرا قطر قهرمان شد؟

با آنکه تیم های ملی کره، ژاپن، عربستان و حتی کشورمان کمربند قهرمانی را محکم بسته بودند اما یک قطر چند میلیونی همه را غافلگیر کرد و برای دومین دوره پیاپی قهرمان جام ملت ها شد، این قهرمانی شانس به دست نیامد بلکه حسابگرانه به پای این کشور کوچک اما با امکانات قوی نوشته شد، قطر یک سازماندهی خوبی برای فوتبال خود در نظر گرفت که با استفاده دقیق از آن کارنامه قبولی گرفت، قطری ها برای قهرمانی برنامه داشتند چرا که بی سرو صدا با تلاش کارشناسان زبده که قبلاً شناسایی کرده بودند، با جذب یک سری بازیکنان تانزانایی، پرتغالی، الجزایری و ثبت تابعیت آنها با یک انسجام تیمی و مدیریتی به ساحل قهرمانی رسیدند، وقتی جام جهانی و جام ملت ها را به بهترین شکل در کشورشان برگزار می کنند این حق را برای خود قائل شدند که یک تیم ملی قدرتمندی هم برای خود دست و پا کنند، آنها از هشت سال پیش برای قهرمانی و تکرار آن برنامه ریزی داشتند، قطر یک آکادمی و مدرسه فوتبال به نام اسپایر دارد که در دنیا نمونه اش نیست، در جام ملت های دوره قبل آسیا به میزبانی دبی امارات که خودم گزارشگر بودم، به ویژه بازی ایران با ژاپن را، که گفتیم ژاپنی ها به دنبال توپ رفتند اما ما دنبال داور! و همان توپ بود که سرنوشت ساز شد و با قرار گرفتن در درون دروازه ایران، زمینه حذف فوتبال کشورمان فراهم گردید، اینها هیچ کدام اتفاقی نبوده همه چیز با برنامه ریزی به دست آمد. با آرزوی موفقیت برای همه هموطنان، پیشاپیش عید نوروز را به تمامی ایرانیان در سراسر دنیا و اعضای تحریریه کیهان ورزشی و شخص سعید خان مدنی که انسان بسیار درستکار و دلسوزی هستند، تبریک می گویم.

به امید دیدار ...

علی دایی و مهدی مهدوی کیا، هر چند شاگرد آقا حشمت نشدند اما در قطر که هر سه نفر در ردیف دعوت شدگان بودند، وظیفه شناسی و احترام به استاد را به درستی ادا کردند





عکس‌ها از مهدی گروبی

دربی سرد و خسته کننده برنده نداشت

مشخص شد خطا نبوده است. من هم می‌گویم نبود. در انتها واقعا به هواداران هر دو تیم باید بگویم تو را به خدا شخصیت فوتبال ایران را زیر سوال نبرید. همه دنیا بازی را می‌بینند و این کارها جز ضربه زدن به شخصیت فوتبال ما حاصل دیگری ندارد.

نمره منفی برای شهر آورد ۱۰۳

*اسماعیل حلالی



بازی نه تنها چنگی به دل نمی‌زد بلکه هیچ بار فنی نداشت که راجع به آن اظهار نظر کنیم. تنها چیزی که این بازی داشت این بود که ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر هوادار به ورزشگاه آمده بودند بدون این که شهرآورد هیچانی برای آنها داشته باشد. در این بازی جز این که چند کار بی اخلاقی در استادیوم دیدیم و به خاطر آن امکان داشت فوتبال محروم شود، چیز دیگری نداشت.

در این بازی پیش بینی می‌شد که استقلال بازی بسته‌ای را ارائه دهد اما انتظار داشتیم که پرسپولیس بازی بسته را باز و بیشتر حمله کند اما به دلیل فشار بالا و استرس بازی، بازیکنان نتوانستند عملکرد واقعی خود را در این بازی نشان دهند. این بازی نه تنها جذابیت نداشت بلکه افسوس می‌خورم به حال این همه هوادار که بازی کسل کننده‌ای را تماشا کردند.

پرسپولیس بازی را بد شروع کرد اما بعد مالکیت بازی را به دست گرفت اما از آن به خوبی استفاده نکرد و نتوانست ایجاد موقعیت کند و حتی در حمله ضعف داشت. در کل از استقلال بهتر بودند اما چون آنها از نظر موقعیتی شرایط بهتری نسبت به ما در جدول دارند تلاششان حفظ جایگاه خود در جدول لیگ بود.

من انتظار داشتم این دیدار از سطح کیفیت پایینی برخوردار باشد اما تصور نمی‌کردم که شاهد بازی کسل کننده و با کیفیت بسیار پایین باشیم. بازیکنان دوست نداشتند بازی بی کیفیتی ارائه دهند بلکه در عمل انجام شده قرار گرفته بودند؛ فشار بازی، هوادار و رسانه، همه اینها در کاهش کیفیت بازی بی تاثیر نبودند و بعضی وقت‌ها بازی از دست بازیکن خارج می‌شود.

این دیدار جزو دربی‌هایی بود که هیچ جذابیتی برای هوادار نداشت. این مسابقه نه تنها نمره‌ای نداشت بلکه باید به آن نمره منفی داد. حتی عملکرد بهترین بازیکنان ما در اثر فشار این بازی افت کرده بود و خلایقی از خود نشان ندادند تا در ادامه بازی جذاب‌تر شود.

داشت که احتیاط و نفرات زیاد درون زمین خودی و کم تعداد بودن تعداد مهاجمان امید دو تیم را به حوادث خوش کرد. حادثه ای که این بار رخ نداد تا حتی گلی را شاهد نباشیم. در این میان شاید استقلال خوشحال‌تر از حریف باشد که با سه امتیاز برتری نسبت به پرسپولیس امیدهایش برای قهرمانی پررنگ‌تر است. اگر چه باقی ماندن یک سوم از بازی‌های لیگ برتر تضمینی برای هیچ تیمی در بر نخواهد داشت.

حادثه ویژه: دقیقه ۶۰ جدی‌ترین موقعیت گلزنی بازی را حسینی از ترابی گرفت. ضربه ترابی از زاویه بسته را حسینی با پا دفع کرد.

برترین بازیکن میدان: سیدحسین حسینی از استقلال

بازی بار فنی نداشت

*بهتاش فریبا



بازی بار فنی اصلا نداشت. در روزیکه استقلال بد بود، اما یک امتیاز گرفت. مهمترین مسئله بازی این بود که توانست فاصله اش را با پرسپولیس حفظ کند. در ذهن بازیکن اینگونه جا می‌افتد که جدول مهم است. استقلال‌ها با نگاه به جدول به زمین آمدند. این ذهنیت باعث شد تا حرف‌های سرمربی روی آن‌ها اثر نگذارد. ۲۵

دقیقه اول بازی خوب بود. در نیمه دوم بازی هیچ چیزی نداشت. استقلال با سیستم همیشگی بازی کرد. همه بازی‌ها با این روش بوده است. خط حمله پرسپولیس با آمدن دو بازیکن خارجی خطرناک شده بود. قرار نبود استقلال این‌ها را رها کند. تدبیر استقلال به کارش آمد. خط حمله استقلال کارایی لازم را نداشتند. خیلی بازی‌ها باید حواست به نقطه قوت حریف باشد.

درباره بردن روزبه چشمی به دفاع باید عنوان کرد که؛ این را سرمربی تشخیص داد. در مسایل تخریبی جدا از اینکه چشمی خوب است، اما حامدی فر هم خوب کار کرد. من در این پست سال‌ها بازی کردم و می‌دانم آن پست چقدر مهم است. بازیکنان آن پست کمتر دیده می‌شوند.

تجمع استقلال‌ها در دفاع بیشتر روی کرنرها بوده و با ضربات ایستگاهی. این برای همه تیم‌ها است. مگر پرسپولیس روی ضربات ایستگاهی ۱۱ نمره دفاع نمی‌کرد؟

هر دو تیم محتاط بودند، چون اولویت در دربی نباختن است. در فوتبال اصل کار نباختن است. استقلال صدر جدول است و باید به نونام نمره قبولی داد.

داوری بازی خیلی خوب بود. صحنه مشکوک فقط یکی بود که

استقلال تهران (۰) صفر

پرسپولیس تهران (۰) صفر

داوری خوب و حید کاظمی با کمک حسن انتظاری و سعید قاسمی

داور چهارم: پیام حدیری

داوران اتاق VAR: موعود بنیادی‌فر و سعدالله گل‌مرادی
اخطار: آرش رضواند و امید حامدی فر از استقلال و سروش رفیعی از پرسپولیس

هوا: سرد، زمین: هموار، تماشاگر: حدود ۵۰ هزار نفر
ورزشگاه آزادی تهران - چهارشنبه بیست سوم اسفند
ما ۱۴۰۲ - ساعت ۲۰

* استقلال: سیدحسین حسینی (۴) کاپیتان، رافائل سیلوا (۳) (۶۴- ایمان سلیمی) (۱)، آرمین سهرابی (۳)، روزبه چشمی (۳)، ابوالفضل جلالی (۳) (۷۲- زبیر نیک نفس) (۱)، صالح حردانی (۳)، امید حامدی فر (۳)، آرش رضواند (۳)، مهدی پور (۳)، گوستاوو بلانکو (۳) (۹۰+۱- آرمین رضائی) و جلال‌الدین ماشریپوف (۳) (۷۲- پیمان بابایی)

سرمربی: جواد نکونام

* پرسپولیس: علیرضا بیرانوند (۳)، فرشاد فرجی (۳)، علی نعمتی (۳)، عبدالکریم حسن (۳)، مهدی ترابی (۳) (۸۴- سعید صادقی) (۱)، دانیال اسماعیلی فر (۳)، مسعود ریگی (۳)، سروش رفیعی (۲) (۷۶- محمد خداینده‌لو) (۳)، عیسی آل‌کثیر (۳)، اوستون اورونوف (۳) و امید عالیشاه (۲) کاپیتان (۷۶- وحید امیری) (۲)

سرمربی: اوسمار ویه‌را

نگاه کلی: استقلال و پرسپولیس برای یکصد و سومین بار رود روی هم قرار گرفتند تا شاید انتظارات از نمایش یک بازی خوب را محقق کنند. البته بازم مثل اکثر اوقات فاصله انتظارات و آنچه درون زمین رخ داد فاصله‌ای فراوان داشت. با فروکش کردن هیاهویی مجدد، لیگ برتر فوتبال برای معرفی قهرمانش چشم به ادامه بازی‌های دو تیم مدعی با سایر حریفان خواهد داشت. رقابت نزدیک سرخابی‌ها در صدر جدول هم احتیاط فراوان و هم حساسیت‌ها را به شدت بالا برده بود و نقشی اساسی در کیفیت نه چندان مطلوب آن داشت.

در حالی که کیفیت بازی چنگی به دل‌ها نمی‌زد در دقایقی پرتاب سنگ و بطری به سمت بازیکنان و داور باعث افسوس و حسرت بیشتر شد تا باور کنیم راه درازی تا تحقق انتظارات داریم. شاید نکته مثبت بازی استفاده از وی‌ای آر بود تا شاید به این ترتیب ضرب اشتباهات داوری و حرف و حدیث‌های آینده کمتر شود.

در خصوص کیفیت فنی بازی فقط می‌توان به این نکته اشاره

۵- پیروزه از یک تاجر سرخابی- پیروزه میعادگاه زجر آور...!

*دکتر امید مافی

پرپر شود و با ضرس قاطع بپذیرند که از سلبریتی های متفرعن مجازستان آبی گرم نمی شود و بهتر است قباي ژنده خود را در واپسین روزهای سال بیات و بو گرفته به مزایده بگذارند در مرغزار مخموری و مهجوری.

راستی رنگ ردای قاضی القضاة نسبتی با اشک های مردی که ساندویچ های کالباسش روی دستش ماند، داشت یا نه؟ شما بگویید آقای میثاقی!

(۴) این جماعت سرخورده و سبو شکسته

وقتی کلنل های بدلی در میانه چمنزار به جای فوتبال، نان بیار کباب ببر بازی می کنند و شعور میلیون ها نفر را به سخره می گیرند، حاصل این می شود که تیفوسی ها برای خالی نبودن عریضه در عرصه به سوی توپچی های محبوب خود بطری پرتاب می کنند و رویاهای سترون خویش را شخم می زنند.

اینکه جماعتی سرخورده و سبو شکسته، عصبیت برجا مانده از یک دربی مَهوَع را برنمی تابند و با لیچار، بطری و خار و خاشاک به جان بازیگران نقش اول می افتند، نیاز مبرم به پژوهشی روانشناختی و جامعه شناختی دارد که در این سطرهای سُکرآور نمی گنجد، اما اینکه یک فیلم آنگوشتی چیپ با پایان بندی تلخ و تیتراژ گیج کننده چه رابطه ای با میزانشن تب آلود و تباه، در زیر نور ماه دارد، لابد باید به این برداشت رسید که وقتی آخرین تیر ترکش جماعتی دلمرده به خطا می رود و شهر آورد، مرگ آورد می شود، سکوهای غرفه در شوربختی غیظ می کنند، به سیم آخر می زنند و با سگرمه های درهم رفته در جلد هولیگان های جزیره فرو می روند.

آنک بطری های خالی، هیزم های مشتعل، شیپورهای از سر گشاد نواخته و گلوله های مشقی هرز رفته، اینک میعاد در لجن، سیاهی باتلاق ها و کبودی چهره ها.

(۵) و چقدر بهار شبیه شماست

دربی را رها کن! این بی برگی را رها کن. تو فقط بیا در این روزهای صعب تر از صخره های سترگ شادی هایت را بر صورت من بریز فرور دین من... و اضافه هایش را پُست کن برای کسی که بهاری ندارد. خدایا تمام حرف های جهان به یک طرف، این راز و رمز بهار یک طرف، خدایا آیات شما چه قدر شبیه لبخندهای بهار است. خدایا در این اسفند مغموم آزادم کن تا به شکل گلی درآیم و با قطرات ربیع بریزم. خدایا من تاب ریشخند زمستان را بر آدم بودن آدمی ندارم.

از نو می نویسم: آغوشت که باشد این شب های دلگیر دلچسب می شود. کاش پیش از گل دادن بنفشه ها بیایی و یک دم مرا در آغوشت پنهان کنی. از دربی کاری ساخته نیست، تو بیا بهار خاتون.

قله، کدام اوج برادر؟

آن شب وقتی مخبران خسته جان که حقوق کارگری را به بدن می زنند تا طعم دستپخت بی نظیر امثال «نکو» را بچشند و سفره های کوچک، لختی از یادشان برود، منتظر قدوم مبارکتان ماندند و برایتان اسپند دود کردند، اما به سیاق هفته های ماضی یک تُک پا تا اتاق کنفرانس تشریف نیاوردید، فهمیدیم داستان از چه قرار است. ما صدای شکستن استخوان های فلسفه و منطق را بار دیگر شنیدیم، وقتی طلبکارانه نیامدید و به جای آن با یک استوری جگری رنگ، سیاهمان کردید. یعنی واقعا سربازهایتان تا نفس آخر جنگیدند و واژه غریب غیرت را معنا کردند؟! یعنی آب آمد و از سر سکوهای مستأصل گذشت و ما نفمیدیم.

خیلی مرسی آقای نکنونام. با این استوری و این دلبری هیچ حرفی باقی نمی ماند جز اینکه ما بی چرا زندگان در نمک اشک هایمان غرفه می شویم و از اینکه شما و بچه هایتان در جنگی نابرابر تن به عیشی منقص دادید در پوست خود نگنجیده و دنبال پوست اضافی می گردیم. فقط خدا شَر همه خواب آوردها را یکباره و یکشبه و یکدفعه از سرمان کوتاه کند. الهی، الهی!

(۳) کاغذ رنگی و توپ چرمی و کیهان بچه ها!

طلایی تیره، زردچوبه ای، خال خال لیمویی، زرد یواش، جیغ بنفش یا هر رنگ و لون و فام دیگر. وقتی مجری سوژه دندان گیری برای مصافحه، مباحثه و مناقشه پیدا نمی کند، اینطوری گیر می دهد به تن پوش قاضی القضاة آوردگاه تا زبانمان لال فکر نکنیم استاد در فحطی استعاره و ایجاز به مطایبات پناه آورده است. کاش همین پیراهن جیغ چرک مُرد در تن نحیف پسری بود که برای تسکین پدر بیکار و بیمار ناعلاجش با بغض می گفت: چقدر پیراهن برادرم به من می آید!

آخ بمیرم برای بچه های بی کفش و بی لباس و بی جوراب و بی تیل و بی نان خامه ای که دنیاشان شده آخرت یزید و با یک مُشت خنزرنز به استقبال سال نو می روند. بچه هایی با جامه مندرس و پاره، پشت چراغ قرمز، که از تصدق سر لسان الغیب، چند اسکناس کهنه گیرشان می آید تا شب بدون دواي سرطان پدر به خانه برنگردند. آخ هزاربار بمیرم برای پسری که در گوشه پیاده رو خواب کاغذ رنگی و توپ چرمی و کیهان بچه ها می دید! آقای شومن، ببخشید آقای مجری، به جای شواف، به جای گیر سه پیچ به رنگ جامه وحید کاظمی، کمی به متن تهی از جذابیت این شهر آورد فضاحت بار پردازید و محض رضای بندگان خدا بپرسید: چه اتفاقی افتاده که گلادیاتورهای سرخابی روی اعصاب مردمان ساده دل سورتمه می روند تا سکونشینان خو گرفته به خُلجان جای دوست داشتیشان تیر بکشند و پس از یک نبرد شرم آور، نادم و نسیان زده آزادی را تا آلونک های حاشیه شهر پیاده گز کنند. تا آخرین دستاویزشان برای شادی

(۱) آجرهای خاطرات را دوباره بچین!

نوبر بود. این ورژن دربی نوبر بهار بود. چه ساده بودیم ما که در میانسالی تصور کردیم می توانیم در میانه کل کل های رنگی تهوع آور، به یک جو شادی چنگ بزنیم تا دو قدم مانده به سنبل، سبب و سمنو، اشکمان دم مشکمان نباشد و باروت کلمات مشتعلمان ته بگیرد. ما که عمری با

فجایی در قامت زجرآورد زیسته ایم و فریب سرخوچه های بی تفنگ را خوردیم، چطور باور کردیم مستی اسب ها را، شیهه تشنگی دشت ها را، بارور شدن دوباره این فوتبالِ یائسه را. وای بر ما. وای بر این معشوقه های فرضی!!

چهارشنبه روز بدی بود. آنقدر بد که پس از یک دربی بی خرد و بی خاصیت، ناله و نفیر فوتبالفارسی را با گوش هایمان شنیدیم، تا برای هزارمین بار باور کنیم از کوچه های بن بست این لعبت پررمز و راز تا بزرگراه رستگاری هیچ راه و بیراهه ای نیست و ناگزیر و ناگزیز باید پس از یک دربی خواب آور، آجرهای خاطراتمان را دوباره بچینیم و دلخوش کنیم به همان نبرد نامرئی سی و هفت سال پیش. همان دربی مرگ آلود که با دو گل شاهرخ و یک گل ناصر، شهرآورد مسلول بوی الرحمن و یاسین نگرفت. همان جدال جبرآلود که کیهان ورزشی عزیز من فردای آن تیتَر زد: فرار ۸ برای ۳ گل.. اینگونه شد که در اوان کودکی دل به آن نمایش سورئال باختم و شیدای پرفورمنس علی زاغی و محمد صلاحی شدم. خدا بگویم چکارشان کند که با یک اکشن غریبه با ابزورد، چهار دهه مرا دنبال این اتول لکنته سرخابی کشاندند. مغزم را مگر خر گزیده بود که تا همین چهارشنبه با شقیقه های سپیدتر از برف به تماشای هبوط این فوتبال اخته بنشینم. حیف از من. حیف از پدرم که وسط یک دربی زیرخاکی، درد تا مغز استخوانش نفوذ کرد و تمام. تو به من حق بده با این گونه های نمود و حاصلخیز فغان برآرم که الفاتحه. الفاتحه مع الصلوات رفقا!

(۲) غیرت این واژه غریب تر از غریب!

«پسران استقلال به شما افتخار می کنیم و تا لحظه آخر برای نام استقلال کنار هم خواهیم جنگید. شما در هر بازی تا آخرین نفس جنگیده و واژه غیرت را معنا کردید. می دانیم تنهایم، می دانیم در جنگ نابرابر هستیم اما تا وقتی هواداران کنارمان هستند، از هیچ دشمنی باکی نیست.»

آخه این استوری بود مرد نکنونام؟ این سیگنال و پالس بود مرد حسابی؟ شما دقیقا به کی و چی افتخار کردید؟ نکند دربی اصلی در سیاره دیگری برپا شده و ما به نظاره دربی عاریتی نشستیم. نکند شما به جای غمباد گرفتن کنار نیمکت لاجوردی، روی سکوهای نیوکمپ به تماشای ال کلاسیکو نشسته بودید. نکند اسکودوتو سور زده به لیگ بید زده ایران و ما خبر نداریم. کدام



حرف اول

سال ۱۴۰۲ با صدرنشینی استقلال تمام شد!

در هفته بیستم رقابت های لیگ برتر فوتبال ایران - جام خلیج فارس - ۱۹ مرتبه توپ از روی خط.دروازه‌ها رد شد. در این دور از بازیها، شاهد برگزاری شهرآورد تهران میان تیم های استقلال و پرسپولیس بودیم، مسابقه ای که از نظر فنی نتوانست به هیچ عنوان، نظر طرفداران دو تیم را جلب کند. در جریان این بازی، بیشتر شاهد رد و بدل شدن توپ و پاس های زیاد اما بی ثمر از سوی سرخپوشان و تجمع زیاد بازیکنان استقلال در میانه میدان و در محوطه جریمه خودشان بودیم. آبی پوشان ظاهرا به قصد نباختن به زمین آمده بودند تا صدرنشینی خودشان را حفظ کنند و قرمزها نیز که انگیزه بیشتری داشتند، برای رسیدن به هدف خود، برنامه ای نداشتند. به دنبال رقم خوردن تساوی بدون گل در شهرآورد شماره ۱۰۳، استقلال تهران با ۳ امتیاز بیشتر نسبت به پرسپولیس، در صدر جدول باقی ماند و سال ۱۴۰۲ را با صدرنشینی به پایان رساند. گرچه تا پایان امسال، هر تیم یک بازی دیگر دارد، اما حتی در صورت برد احتمالی پرسپولیس برابر پیکان و باخت استقلال برابر هوادار، باز هم این استقلال است که احتمالا به لطف تفاسیل گل بهتر در صدر جدول باقی می ماند. در هفته بیستم، باخت دور از ذهن ملوان به پیکان باعث شد تا این تیم، دو پله در جدول سقوط کند.

تراکتور اما با برتری در بازی پرگل برابر هوادار، خودش را در رده سوم جدول رده بندی نگه داشت. سپاهان هم بعد از ۵ هفته باختن، طلسم شکنی کرد و در اهواز برابر فولاد به برتری دست یافت تا بیش از این از صدر جدول دور نشود.و ... اما کار بزرگ را استقلال خوزستان ته جدولی انجام داد که در اصفهان برابر ذوب آهن انجام داد و توانست ضمن انجام یک بازی بابرنامه، این تیم اصفهانی را با ۲ گل شکست دهد. ذوب آهن که از تیم های خوب دور رفت بود، در دور برگشت تاکنون نتایج خوبی را کسب نکرده اما در عوض استقلال خوزستان، تیم بهتری شده است.

برنامه مسابقات هفته

بیست و یکم

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲

※آلومینیوم اراک - نساجی مازندران (ساعت ۱۸:۴۵ - ورزشگاه امام خمینی اراک)
 ※پرسپولیس تهران - پیکان تهران (ساعت ۱۸:۴۵ - ورزشگاه آزادی تهران)
 ※مس رفسنجان - ذوب آهن اصفهان (ساعت ۱۸:۴۵ - ورزشگاه شهدای رفسنجان)
 ※سپاهان اصفهان - گل گهر سیرجان (ساعت ۱۸:۴۵ - ورزشگاه نقش جهان اصفهان)
 ※ملوان بندر انزلی - صنعت نفت آبادان (ساعت ۱۹ - ورزشگاه تختی انزلی)
 ※استقلال خوزستان - فولاد خوزستان (ساعت ۱۹ - ورزشگاه غدیر اهواز)
 ※شمس آذر قزوین - تراکتور تبریز (ساعت ۱۹ - ورزشگاه آزادگان قزوین)
 ※هوادار تهران - استقلال تهران (ساعت ۲۱ - ورزشگاه دستگردی تهران)



تیم منتخب هفته بیستم

PERSIAN GULF CUP IRAN 2023/24	
۱ - سیدحسین حسینی	(استقلال تهران)
۲ - عثمان اندونگ	(استقلال خوزستان)
۳ - محمد بستاری	(پیکان تهران)
۴ - علی نعمتی	(پرسپولیس تهران)
۵ - محمد نژادمهدی	(مس رفسنجان)
۶ - احمد رضا زنده روح	(گل گهر سیرجان)
۶ - گوستاوو واگنین	(تراکتور تبریز)
۷ - مهرداد عبدی	(نساجی قائمشهر)
۸ - منتظر محمد	(مس رفسنجان)
۹ - رضا شکاری	(سپاهان اصفهان)
۱۰ - رحمان جعفری	(تراکتور تبریز)
۱۱ - جواد آقایی پور	(استقلال خوزستان)

نتایج هفته بیستم

※آلومینیوم اراک ۱ - مس رفسنجان ۳
 ※نساجی مازندران ۱ - شمس آذر قزوین صفر
 ※فولاد خوزستان ۱ - سپاهان اصفهان ۳
 ※استقلال تهران صفر - پرسپولیس تهران صفر

جدول گلزنها

۱۰ گل: شهریار مغانلو و رضا اسدی (سپاهان اصفهان) ۸ گل: رحمان جعفری (تراکتور تبریز)
 ۷ گل: رضا جعفری (ملوان انزلی) ۶ گل: شهاب زاهدی (پرسپولیس تهران)، احمد رضا زنده روح (گل گهر سیرجان) و پوریا سرآبادانی (شمس آذر قزوین)

جدول پاس گلها

۸ پاس گل: ریکاردو آلوز (تراکتور تبریز) ۶ پاس گل: دانیال اسماعیلی فر (پرسپولیس تهران)
 ۵ پاس گل: رامین رضائیان (سپاهان اصفهان)، روبرتو تورس و ابوالفضل رزاق پور (گل گهر سیرجان)
 ۴ پاس گل: ابوالفضل جلالی و مهدی مهدی پور (استقلال تهران)، ساسان انصاری (فولاد خوزستان) و مهران احمدی (ملوان بندر انزلی)

جدول رده بندی لیگ برتر

تیم	بازی	برد	تساوی	باخت	گلهای	تفاضل	امتیاز
۱. استقلال	۲۰	۱۲	۷	۱	۲۷-۱۰	۱۷	۴۳
۲. پرسپولیس	۲۰	۱۱	۷	۲	۲۶-۱۳	۱۳	۴۰
۳. تراکتور	۱۹	۱۱	۲	۶	۲۸-۱۵	۱۳	۳۵
۴. سپاهان	۱۸	۱۱	۱	۶	۳۸-۲۰	۱۸	۳۴
۵. گل گهر سیرجان	۲۰	۸	۹	۳	۲۴-۱۳	۱۱	۳۳
۶. ملوان	۲۰	۸	۸	۴	۲۴-۱۵	۹	۳۲
۷. ذوب آهن	۱۹	۶	۸	۵	۱۶-۱۷	-۱	۲۶
۸. شمس آذر قزوین	۲۰	۷	۷	۶	۲۳-۲۰	۳	۲۵
۹. آلومینیوم اراک	۱۹	۷	۴	۸	۱۷-۲۲	-۵	۲۵
۱۰. مس رفسنجان	۲۰	۶	۶	۸	۲۰-۲۴	-۴	۲۴
۱۱. پیکان	۲۰	۳	۱۱	۶	۱۷-۲۴	-۷	۲۰
۱۲. هوادار	۱۹	۴	۷	۸	۲۰-۲۷	-۷	۱۹
۱۳. فولاد	۲۰	۵	۴	۱۱	۱۲-۲۹	-۱۷	۱۹
۱۴. استقلال خوزستان	۲۰	۳	۶	۱۱	۱۵-۲۵	-۱۰	۱۵
۱۵. نساجی مازندران	۲۰	۳	۶	۱۱	۱۴-۳۰	-۱۶	۱۵
۱۶. صنعت نفت آبادان	۲۰	۲	۷	۱۱	۱۵-۳۲	-۱۷	۱۳

※محاسبه امتیازات تیم شمس آذر قزوین با احتساب ۳ امتیاز منفی صورت گرفته است.

بهترین های هفته تیم هفته

※استقلال خوزستان: آبی پوشان اهوازی در هفته بیستم، بهترین نمایش خود در سال ۱۴۰۲ را ارائه دادند و در اصفهان تیم خوب ذوب آهن را با نتیجه ۲ بر صفر از پیش رو برداشتند. این پیروزی دلچسپ که باعث شد تا نماینده خوزستان به بقا در دسته برتر امیدوارتر شود، ما را مجاب کرد تا این تیم را به عنوان تیم برتر هفته انتخاب کنیم.

مری هفته

※رضا عنایتی (پیکان تهران): ضمن تقدیر از عملکرد خوب محرم نویدکیا سرمربی تیم مس که در مصاف با آلومینیوم اراک موفق عمل کرد، لقب بهترین مربی هفته را به رضا عنایتی سرمربی پیکان اختصاص می دهیم. عنایتی در رویارویی با مهدی تارتار که یکی از بهترین مربیان این فصل است، موفق عمل کرد و باعث برتری تیمش شد. تدابیر موثر عنایتی به پیروزی پیکان و دور شدن این تیم از پایین جدول انجامید.

داور هفته

※وحید کاظمی (استقلال تهران) -
 پرسپولیس تهران: بازی بزرگ هفته که حساس ترین بازی فصل هم محسوب می شود، با هیجان اما بدون گل دنبال شد. در بازی صحنه ها و موقعیت های خاصی به وجود آمد اما وحید کاظمی و کمک هایش طی یک قضاوت کم نقص، کار را درآوردند و نمره قبولی گرفتند. این اولین مرتبه ای بود که کاظمی، شهرآورد تهران را قضاوت می کرد.

بازیکن هفته

※منتظر محمد (مس رفسنجان): در هفته بیستم، سه بازیکن به نام های حسینی از استقلال، منتظر محمد از مس و مهرداد عبدی از نساجی، عملکرد خوبی را از خود ارائه دادند و بالاتر از بقیه بازیکنان قرار گرفتند. در این بین، انتخاب اول کیهان ورزشی اما منتظر محمد وینگر تیم مس رفسنجان است. این بازیکن جوان و تکنیکی عراقی در بازی بیرون خانه تیمش در اراک، نمایشی پرشور و قدرتمند ارائه کرد و ضمن زدن یک گل، در راه کسب پیروزی تیمش بسیار موثر بود.

بازی هفته

※استقلال تهران - پرسپولیس تهران:
 شهرآورد تهران این بار هم با شور و هیجان زیادی برگزار شد. گرچه این بار از بازی زیبا خبری نبود و بار فنی دو تیم هم پایین بود اما به هر صورت نمی توان از حساس ترین بازی فصل به سادگی گذشت و باید لقب بازی هفته را به آن داد.



پیکان روی دور برد با عنایتی

پیکان تهران(۱۱)

ملوان بندر انزلی(۰) صفر

جهانبخش(۳)، محمدحسین فلاح(۴)، جواد آزاده(۳)، غلام ثابت ایمانی(۳)، سامان نریمان جهان(۳)، فرشید اسماعیلی(۴)، علی قربانی(۳)، حسین پاکدل(۳)

گل: محمد حسین فلاح (۱۵)
پاس گل: اسماعیلی
داوری: ضعیف رضا عادل باکمک حسن ظهیری و قهرمان نجفی
بدون تماشاگر
زمین: هموار
هوای سرد
نتیجه دیدار رفت: ۰-۲ به نفع ملوان
ورزشگاه شهید دستگردی (پاس) تهران - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۸:۴۵
***پیکان:** محمد ناصری(کاپیتان-۳)، ایمان اکبری(۳)، محمد ستاری(۴)، دانیال

سرمربی: رضا عنایتی
***ملوان:** حبیب فرعباسی(۳)، میلاد باقری(۳)، آرمان اکوان(۳)، محمد طیبی(۳)، پدram قاضی پور(۳)، مجید عیدی(۳)، پویا پورعلی(۳)، حسین صادقی(۳)، رضا جعفری(۳) (۸۹-سهیل فداکار، محمد عمری(۳)، محمدرضا سلیمانی(۳)

سرمربی: مهدی تارتار
***برترین بازیکن میدان:** محمد حسین فلاح از پیکان

گل گهر به جمع مدعیان پیوست

گل گهر سیرجان(۱۰)

صنعت نفت آبادان(۰) صفر

علیرضا ابراهیمی(۲) (۱۹-علیرضا کوشکی) (۲) (۶۰-مسعود ظائر کاظمین)، احمدرضا زنده روح(کاپیتان-۴) ، قائم اسلامی خواه(۳)، روبرتو تورس(۴) ، امیر جعفری(۳) ، اریک بایناما(۲) (۶۱-علی اصغر عاشوری)، سعید سحرخیزان(۳) (۸۵-مهدی تیکدری نژاد)

سرمربی: ماریوس اوزونیدیس
***صنعت نفت:** پیام پارسا(۳)، حسین سنگریگر(۳)، تراوالی بوباکر(۳)، محمدامین معین نژاد(۲) (۶۳-حسین شنائی)، فرشاد محمدی مهر(۳)، عرفان قهرمانی(۳)، علی یوسف(۳) (۷۵-طالب ریگانی)، رضا امانی نژاد(۳) (۷۶-محمد صادق بارانی)، مصطفی احمدی(۳) ، فیاض میردوقی(۳)، امیرمحمد پناهی(۳)

سرمربی: سهراب بختیاری زاده
***برترین بازیکن میدان:** احمد زنده روح از گل گهر

گل: احمد زنده روح(۸۰)
پاس گل: تورس
داوری: متوسط امیر عرب براقی باکمک علی اکبر نوری و مهدی شریفی
اخطار: احمدی و پناهی از صنعت نفت و اسلامی خواه، سحرخیزان و جعفری از گل گهر
تماشاگر: حدود ۳۰۰ نفر
زمین: هموار
هوای سرد
نتیجه دیدار رفت: ۰-۱ به نفع گل گهر
ورزشگاه شهید سلیمانی سیرجان - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۸:۴۵
***گل گهر:** محمدرضا اخباری(۳) ، مسیح زاهدی(۳) ، سامان فلاح(۳) ، بهنام برزای(۳)،

صعود یک پله ای آبی های خوزستان

ذوب آهن اصفهان(۰) صفر

استقلال خوزستان(۱) ۲

گل ها: جواد آقایی فر(۳۳) و پیمان رنجیری(۵۲)
پاس گل: شوشتری(۳۲)
داوری: متوسط اشکان خورشیدی باکمک داودزاده و یوسف مغروری
اخطار: بارانی، کاظمی و شوشتری از استقلال خوزستان زمین: هموار
هوای سرد
نتیجه دیدار رفت: ۲-۱ به نفع ذوب آهن
ورزشگاه فولاد شهر اصفهان - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۸:۴۵
***ذوب آهن:** محسن فروزان(۳)، امیرحسین جدی(۳) ، محمد قریشی(کاپیتان-۳) ، احمد شریعت زاده(۲) (۵۴-محمدرضا محمدی(۲) ،

سعید کریمی(۳) ، محسن آذرباد(۳) ، گریگول چابراذده(۲) (۷۰-شایان مصلح(۲) ، مجید علیاری(۳) ، محمد عرفان معصومی(۲) (۵۴-پویا مختاری(۲) ، مهرداد رضایی(۲) (۷۱-محمدرضا رضایی(۲) و محمدحسین اسلامی(۳)

سرمربی: محمد ربیعی
***استقلال خوزستان:** حسن پورحمیدی(۴)، عثمان اندونگ(۴) ، محمود مطلق زاده(۳) ، علی هلیچی(۳) ، دستانیک تورسلوف(۲) ، حسن شوشتری(۴)، پیمان رنجیری(۴) (۶۲-اسورستم(۲) «بهروز بارانی(۳)، امیرمحمد محکم کل(۲) (۶۲-حسین ساکی(۲)، ساویو روبرتو(۳) (۹۰-علیرضا خوشکفا) و جواد آقایی پور(۴) (۸۸-علیرضا کاظمی پور)
سرمربی: سیروس پورموسوی
***برترین بازیکن میدان:** جواد آقایی پور از استقلال خوزستان

برد نساجی با حمایت تماشاگران و گلی تماشایی

نساجی مازندران(۱۰)

شمس آذر قزوین(۰) صفر

عباس زاده(۲)، منصور باقری(۳)، محمود قائد رحمتی(۳)، صابر خردانی(۳)، محمدرضا عباسی(۳)، فرزاد زامهران(۳) و محمدرضا آزادی(۳) (۹۰+۵-محمدرضا حسینی)

سرمربی: ساکت الهامی
***شمس آذر:** علیرضا جعفرپور(۳)، مهدی محمدی(۲) (۴۶-هومن ربیع زاده) (۲)، امیر شبانی(۳)، محمدرضا رضایی(۳) (۹۰-سجاد بازگیر، حسین گودرزی(۲) (۵۹-محمد پاپی(۲)، علی آزادمنش(۳)، پوریا سرآبادانی(کاپیتان-۳)، صادق آلبوصیص(۳) (۸۱-سجاد جعفری(۲)، امیرمحمد نسایی(۳)، فراز امام علی(۳) و عیسی مرادی(۳)

سرمربی: سعید دقیقی
***برترین بازیکن میدان:** مهرداد عبدی از نساجی

گل: مهرداد عبدی(۶۷)
داوری: متوسط علی بای باکمک علیرضا ایلدرم و هادی طوسی
اخطار: آلبوصیص، شبانی و قربانی از شمس آذر و زامهران از نساجی
تماشاگر: حدود ۵ هزار نفر
زمین: هموار
هوای سرد
نتیجه دیدار رفت: ۱-۲ به نفع شمس آذر
ورزشگاه شهید وطنی قائم شهر - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۹
***نساجی:** علیرضا رضایی(کاپیتان-۳)، امیرمحمد هوشمند(۳)، امیرمهدی جانملکی(۳)، سعید بیگی(۴)، سعید آقایی(۲) (۶۶-محمد

برد مقتدرانه تراکتور در پایان سال

تراکتور تبریز(۱) ۴

هوادار تهران(۰) ۲

مهدی شیری(۴)، عارف آقاسی(۴)، شجاع خلیل زاده(کاپیتان-۳)، محمد نادری(۳)، ریکاردو آلوز(۴)، گوستاو واگنین(۴) (۵۹-مهدی هاشم نژاد(۲)، سیدمهدی حسینی(۳)، میلوش دلتیچ(۴)، امیرحسین حسین زاده(۳)، رحمان جعفری(۴)

سرمربی: پاکو خمز
***هوادار:** علیرضا حقیقی(۳)، صائب محبی(۳)، مرتضی منصوری(۳)، سبحان پسندیده(۳)، محمد چهارم حالی(۳) (۶۰-امین پور علی(۴)، محمد عباسی(۳)، داریوش شجاعیان(۳) (۶۰-یونس شاکری(۲)، مهدی گودرزی(۳) (۷۸-مهدی باقری(۴)، (فرهاد زاروشی(۳) (۷۲-محمد دیندار(۲)، کریم اسلامی(۳) و امیرحسین بهادر(۳) (۷۲-مهدی عبدی(۲)

سرمربی: مسعود شجاعی
***برترین بازیکن میدان:** رحمان جعفری از تراکتور

گل ها: گوستاو واگنین(۶)، رحمان جعفری(۷۳ و ۵۳) و میلوش دلتیچ (۵۸) برای تراکتور تبریز و امین پورعلی(۸۰) ومهدی باقری(۹۰) برای هوادار تهران
پاس گل ها: عارف آقاسی(۶)، مهدی شیری(۵۳) و ریکاردو آلوز(۵۸) برای تراکتور تبریز
داوری: متوسط بیژن حیدری با کمک سید یعقوب حجتی و رحیم حاجیلو
اخطار: ریکاردو آلوز و گوستاو واگنین از تراکتور تبریز و صائب محبی از هوادار تهران
تماشاگر: حدود ده هزار نفر زمین: هموار
هوای خوب
نتیجه دیدار رفت: ۰-۱ به نفع تراکتور تبریز
ورزشگاه یادگار امام تبریز - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۹
***تراکتور تبریز:** حسین پورحمیدی(۳)،

برد سپاهان با درخشش رضا شکاری

فولاد خوزستان(۱) ۱

سپاهان اصفهان(۱) ۳

***سپاهان:** پیام نیازمند(کاپیتان-۳)، هادی محمدی(۳) (۵۴- علی اصغر اعرابی(۳)، رضا اسدی(۴) (۳- ۹۰+ عباس حبیبی(۲)، محمد کریمی(۴)، رامین رضاییان(۴)، سیاوش یزدانی(۳)، فرشاد احمدزاده(۳)، امید نورافکن(۳)، محمد دانشگر(۳)، شهریار مغانلو(۴)، رضا شکاری(۴) (۶۸-عیسی عباس(۳)

سرمربی: ژوزه مورایس
***فولاد:** کریستوفر کنت(۳)، جفرسون باهیا(۳) (۷۹- ابراهیم حصار(۲)، موسی کولیبالی(۳)، شاهین توکلی(۳)، علی شجاعی(۲) (۳۵- وحید حیدریه(۳)، سینا مریدی(۳) (۸۹- حمید بوحمندان(۲)، لوکاس کاندیدو(۳) (۷۹- محمدرضا غیشاوی(۲)، ساسان انصاری(کاپیتان-۳) ، احسان پهلوان(۳) (۸۹- علی کلاه کج(۲)، محمد عسکری(۴)، لوسیانو پیرلا(۴)

سرمربی: احمد آل نعمه
***برترین بازیکن میدان:** رضا شکاری از سپاهان اصفهان

گل ها: رضا شکاری(۴)، شهریار مغانلو(۵۶) و رضا اسدی(۷۴) برای سپاهان و محمد عسکری(۲۶) برای فولاد
پاس گل ها: رامین رضانیان(۴)، رضا شکاری(۵۶) و محمد کریمی(۷۴) برای سپاهان و لوسیانو پیرلا(۲۶) برای فولاد
داوری: متوسط وحید زمانی با کمک یعقوب سخندان و امین زاهدی
اخطار: محمد عسکری، احسان پهلوان و لوکاس کاندیدو از فولاد خوزستان و هادی محمدی از سپاهان اصفهان
تماشاگر: حدود سه هزار نفر زمین: هموار
هوای خوب
نتیجه دیدار رفت: ۱-۳ به نفع سپاهان
ورزشگاه شهدای فولاد اهواز - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۹

مس خارج از خانه طوفان به پا کرد

آلومینیوم اراک(۱) ۱

مس رفسنجان(۱) ۳

گل ها: امین کاظمیان(۴۵+۲) برای آلومینیوم اراک و مهدی ترکمان(۴۵+۵) و منتظر محمد(۶۰ و ۸۳) برای مس رفسنجان
پاس گل: رضا جبیره(۴۵+۲) برای آلومینیوم اراک
داوری: متوسط حسن اکرمی باکمک محمد هاشمی نسب و حامد صفایی اخطار: محمد امین کاظمیان از آلومینیوم اراک

تماشاگر: حدود سه هزار نفر زمین: هموار
هوای خوب نتیجه دیدار رفت: ۰-۲ به نفع مس رفسنجان
ورزشگاه امام خمینی (ره) اراک - چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ - ساعت ۱۹
***آلومینیوم اراک:** احمد گوهری(۳)، احسان قهاری(۳) (۸۸-علی وطن دوست(۲)، امیر

نوری(۳) (۷۹- بهرام گودرزی(۲)، مهدی لیموچی(۳)، امین جهان کهن(۳)، سیدمهران موسوی(۳)، یونس اکبرپور(۳)، رضا جبیره(۳)، عرفان حاجی عیدی(۳)، محمدامین کاظمیان(۴) و میلاد بدرقه(۳) (۷۹-علیرضا نقی زاده(۲)

سرمربی: مجتبی حسینی
***مس رفسنجان:** حامد لک(۳)، محمد نژادمهدی(۳)، رامتین سلیمان زاده(۳)، علی عدنان(۳)، حسن جعفری(۳)، مهدی ترکمان(۴) (۵۸-منتظر محمد(۴)، فرشید باقری(۳)، جلال الدین علی محمدی(۳)، محمد مهدی محبی(۳) (۹۰- حسین مهریان(۲)، سعید واسعی(۳) (۴۶-محمد اکبری(۳) (۸۲-محمدرضا مهدی زاده(۲) و سجاد شهپازاده(۳) (۸۳-عرفان شهریار(۲)

سرمربی: محرم نویدکیا

***برترین بازیکن میدان:** منتظر محمد از مس رفسنجان

گزارش یک سکوت کر کننده

جنايات رژيم صهيونيستي و يك بام و دو هواي نهادهای بين المللی

■ سيد محمد طاهر شاهين



بیش از ۱۶۰ روز از آغاز طوفان الاقصی در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ می گذرد. در این مدت رژیم کودک کش و جعلی صهیونیستی بیش از ۳۱ هزار نفر از مردم بی گناه غزه را به شهادت رسانده و با توجه به حمایت بی دریغ ایالات متحده و هم پیمانانش در دولت های اروپایی، همچنان به این نسل کشی فاجعه بار ادامه می دهد.

این در حالی است که افکار عمومی، به دور از آنچه دولت ها به خورد مردم خود می دهند، هر روز بیشتر از قبل نسبت به این وقایع واکنش نشان داده و البته نهادهای عمومی و بین المللی همچنان به سکوت کر کننده خود در مواجهه با این رویداد ادامه می دهند. نکته قابل تامل در این خصوص نگاهی است که اکنون مردم دنیا نسبت به این قضیه دارند. در واقع از میان ۴۳ کشوری که یک نظرسنجی با این مضمون را برگزار کرده اند، ۴۲ کشور کاهش نگاه مثبت به رژیم اشغالگر قدس را ثبت کرده اند و میزان این کاهش، ۱۸،۵ درصد اعلام شده است. چین، آفریقای جنوبی، برزیل و چندین کشور آمریکای لاتین نگرشی منفی نسبت به این رژیم پیدا کرده اند. حتی آمریکا به عنوان حامی اصلی صهیونیست ها هم کاهش ۲،۲ درصدی در نگاه مثبت به این وقایع را ثبت کرده است. نکته جالب اینجاست که همین حمایت ایالات متحده باعث کاهش چشمگیر نگاه مثبت به این کشور در میان اعراب شده است. مصریان از ۴۱،۱ درصد نگاه مثبت به ۱۴،۹ درصد نگاه منفی و عربستانی ها از ۱۲،۲ درصد نگاه مثبت به ۱۰،۵ درصد نگاه منفی رسیده اند.

حتی ۶۷ عضو و سناتور مجمع نمایندگان مجلس سفلاي ایرلند هم خواهان تحریم تیم های ملی و باشگاهی رژیم صهیونیستی برای حضور در رقابتهای یوفا و فیفا شده اند؛ تا زمانی که این نسل کشی وحشیانه خاتمه یابد. این کار در ادامه رویکرد ایرلندی ها نسبت به جنایات این رژیم رخ داد. حدود یک ماه قبل بازیکنان تیم بسکتبال زنان ایرلند در بازیهای مقدماتی اروپا از دست دادن با رقیبای صهیونیست خود امتناع کردند و دلیل آن هم مصاحبه یکی از بازیکنان تیم رژیم غاصب مبنی بر یهود ستیز بودن بازیکنان ایرلند، عنوان شده بود.

حالا که در قلب اروپای غربی و آمریکای شمالی، راهپیمایی های گسترده در واکنش به این کشتار، خیابان های لندن تا نیویورک را به تسخیر خود درآورده، نهادهای ورزشی به بهانه های واهی از نشان دادن عکس العملی هر چند اندک خودداری می کنند. فیفا و کمیته بین المللی المپیک در رویکردی کاملاً منفعلانه، حتی از محکوم کردن رژیم اشغالگر قدس امتناع کرده اند، حال آنکه واکنش آنها به حمله روسیه به اوکراین کاملاً متفاوت بوده است.

با شنیدن خبر آغاز قحطی در نوار غزه، راهپای اندکی برای دفاع از مردم مظلوم این منطقه باقی مانده است. یکی از این روش ها که می تواند باعث اتحاد مردم دنیا شود، ورزش است. در شب سال نوی میلادی، اتحادیه

فوتبال اردن بیانیه ای را خطاب به جامعه جهانی ورزش صادر کرد که اشاره می کرد باید تصمیمی قاطعانه برای توقف این وحشیگری اتخاذ شود.

در این بیانیه درخواست شده که تحریم هایی اساسی برای اتحادیه های ورزشی این رژیم در نظر گرفته شود و آنها را از ورزش بین المللی طرد کنند. این یعنی ممانعت از حضور تیم ها، باشگاه ها، بازیکنان و نمایندگان رژیم صهیونیستی در رقابت های بین المللی تا زمانی که این رژیم به قوانین بین المللی احترام گذاشته و آتش بس را بپذیرد.

در ادامه این بیانیه اشاره شده که رژیم اشغالگر قدس با زیر پا گذاشتن قواعد انسانی و اخلاقی، اماکن ورزشی را به محلی برای تخریب، تحقیر و توهین در قبال شهروندان بی گناه تبدیل کرده و دیگر این ورزشگاه ها جایی برای لذت بردن و امید داشتن کودکان غزه به حساب نمی آید. سکوت مقابل این جنایات به مثابه تایید ضمنی اشغالگری و ویرانی هایی است که این رژیم مرتکب می شود.

این بیانیه زمانی صادر شد که ورزشگاه یارموک، یکی از قدیمی ترین اماکن ورزشی فلسطینیان تبدیل به محلی برای بازداشت موقت افراد شد. ده ها مرد، زن و کودک با چشمانی بسته و در حالی که نیمه برهنه شده اند، زیر نظر سربازانی تا بن دندان مسلح و تانک هایی که تمام موقعیت را محاصره کرده اند، نگهداری می شوند.

اتحادیه فوتبال فلسطین هم طی نامه هایی به کمیته بین المللی المپیک و فیفا خواستار تحقیق

فوری در مورد جنایات اشغالگران در مواجهه با ورزشکاران نوار غزه شده است. در این بیانیه آمده که نقض وحشیانه و شرم آور همه معاهدات به سیاهه اعمال غیر قابل دفاع این رژیم اضافه شده است، رژیمی که ابایی از کشتن و دستگیر کردن مردم بی گناه و ورزشکاران ندارد. این جنایتی است که موسسات بین المللی ورزشی نباید تحمل کنند، نادیده بگیرند و در قبال آن سکوت کنند.

پیش از این هم حمایت از تحریم رژیم اشغالگر قدس در میزبانی از مسابقات در کرانه باختری به موضوع داغی در محافل ورزشی تبدیل شده بود ولی علی رغم تلاش بسیار، موفقیتی حاصل نشد.

در ادامه این بیانیه به این نکته اشاره شده که فیفا سالهاست همچون محافظی مانع از جوابگویی رژیم اشغالگر قدس شده و همچنان مسابقات در سرزمین های دزدیده شده توسط آنها برگزار می شود و علی رغم اعلام بی طرفی، به حمایت های خود از این رژیم ادامه داده و به جای محروم کردن باشگاه های آنها، باشگاه های هواداری حامی فلسطین را تحریم می کند!

تاکنون حدود ۱۰۰ ورزشکار در این حملات وحشیانه شهید شده اند که بیش از نیمی از آنها کودک و نوجوان هستند. مطابق با منشور المپیک، ورزش کردن از حقوق بشر محسوب می شود و همه افراد می بایست بدون هر گونه تبعیضی به این امکان دسترسی داشته باشند. اگر عضوی از جنبش المپیک هستید، پس باید مطابق با منشور آن عمل کنید.

حال مقایسه کنید این تناقض بزرگ را با اتفاقی که پس از فوریه ۲۰۲۲ رخ داد، زمانی

که روسیه به اوکراین حمله کرد و بزرگترین کشور جهان از دنیای ورزش طرد شد. تیم های باشگاهی و تیم ملی روسیه از حضور در رقابتهای بین المللی منع شدند، از جمله جام جهانی ۲۰۲۲ قطر. کمیته بین المللی پارالمپیک هم از حضور کشورهای روسیه و بلاروس در بازیهای پکن ممانعت کرد و همین تحریم شامل چندین فدراسیون ورزشی دیگر این کشورها هم شد.

حتی دو روز قبل از آغاز طوفان الاقصی، کمیته بین المللی المپیک به دلیل تصمیم روسیه برای تصاحب سازمان های ورزشی در چهار منطقه تسخیر شده اوکراین، با اعلام نقض منشور المپیک، کمیته المپیک این کشور را تعلیق کرد. همچنین رویکرد دوگانه کمیته بین المللی المپیک به آنجا رسید که ورزشکاران روسی و بلاروسی را که ارتباط نظامی با کشورهایشان دارند، تحریم کند ولی همین ورزشکاران از رژیم غاصب صهیونیستی کماکان اجازه حضور در المپیک پاریس را خواهند داشت.

در مجموع این برخورد دوگانه، اعتبار چنین نهادهای بزرگ بین المللی را زیر سوال می برد. عدم ثبات و وحدت رویه نه تنها قواعد عادلانه بودن و برابری را نادیده می گیرد، بلکه حتی به یکپارچگی، درستکاری و بی طرفی آنها نیز خدشه ای اساسی وارد می سازد.

در پایان اشاره ای به سخن گهربار امیر مومنان، حضرت علی (ع) می کنیم. مولای متقیان می فرماید: "در طلب حق حیا نکنید، اگر چه اندک باشد."



■ اعظم فکوری

گزارشی درباره بانوان شاخص جهان فوتبال

این زنان پا به توپ ...

همچنان از برخی تبعیض‌ها رنج می‌برند ولی نباید اهمیت کارهایی که انجام شده را نادیده گرفت. مدتی پیش شاهد قهرمانی تیم ملی زنان اسپانیا در جام جهانی بودیم. در اینجا به چند چهره شاخص در فوتبال زنان اشاره می‌کنیم.

فوتبال زنان در سراسر جهان پیشرفت زیادی داشته و در حال حاضر شاهد افراد شناخته شده‌ای در این رقابت‌ها هستیم. البته آنها برای رسیدن به جایگاه کنونی با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه شده و موانع فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند. هر چند فوتبالیست‌های زن

مارتا ویه‌را داسیلوا، یک ستاره جهانی

ملیت: برزیلی
پست: مهاجم

مارتا ویه‌را داسیلوا یکی از اسطوره‌های فوتبال زنان به‌شمار می‌رود و بارها به‌عنوان بهترین بازیکن زن جهان انتخاب شده است. او که در منطقه‌ای فقیرنشین در برزیل به دنیا آمده، فوتبال را در خیابان‌ها آموخت و در ۱۴ سالگی قابلیت‌های استثنایی خود را نشان داد. داسیلوا سه سال بعد به تیم ملی زنان برزیل راه یافت و پس از مدتی راهی تیم‌های اروپایی شد. او بهترین گلزن تاریخ جام جهانی محسوب می‌شود، هر چند هنوز طعم قهرمانی در این رقابت‌ها را نچشیده است. داسیلوا با پی‌له، اسطوره فوتبال برزیل مقایسه می‌شود. او رکورددار بیشترین گل زده (۱۷ گل) در رقابت‌های جام جهانی (در بخش مردان و زنان) محسوب می‌شود و اولین فوتبالیستی است که در ۵ دوره این مسابقات (در بخش مردان و زنان) گل زده است. داسیلوا به زبان‌های پرتغالی، سوئدی و انگلیسی مسلط است. این بازیکن برزیلی یک کاتولیک معتقد محسوب می‌شود و به گفته خودش، خداوند در زندگی او نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند.

مارینت پیشون، الگویی برای فرانسویان

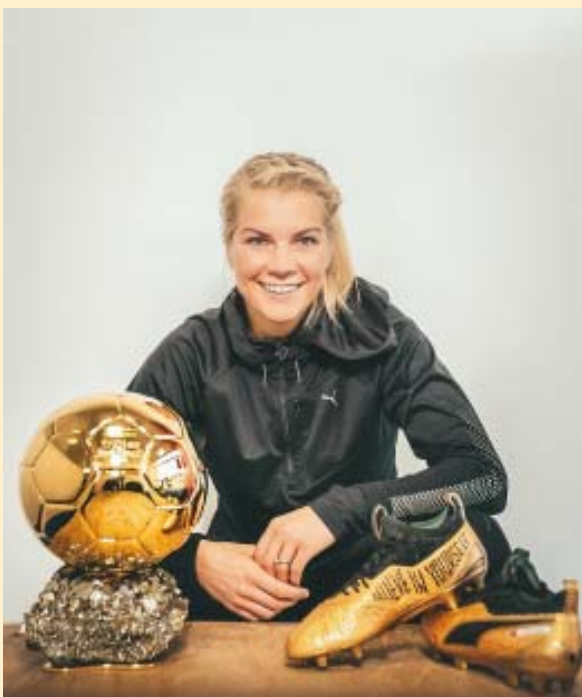
ملیت: فرانسوی
پست: مهاجم سابق

مارینت پیشون در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در ۵ سالگی فوتبال را آغاز کرد. در آن زمان تعداد زنانی که به فوتبال روی می‌آوردند کم بود و مارینت مجبور شد توهین‌های زیادی را تحمل کند. او پس از مدتی به ایالات متحده آمریکا رفت و در آنجا به یکی از بهترین بازیکنان جهان تبدیل شد. پیشون که بیشترین گل را در تاریخ تیم ملی فوتبال زنان فرانسه به ثمر رسانده، یکی از اولین زنانی محسوب می‌شود که در تلویزیون به عنوان مفسر فعالیت کرده‌اند. او بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۶ در تیم ملی زنان فرانسه حضور داشت و در ۳۱ سالگی، پس از حذف این تیم از مرحله مقدماتی جام جهانی بازنشسته شد. مارینت در ۱۱۲ بازی ملی ۸۱ گل زد و در جام جهانی زنان در سال ۲۰۰۳ به میدان رفت.

آدا هگربرگ، اولین زنی که توپ طلا گرفت

ملیت: نروژی
پست: مهاجم

آدا هگربرگ در تیم المپیک لیون به افتخارات زیادی دست یافت و نخستین زنی است که در جمع برندگان توپ طلا قرار گرفت. او مدتی پیش، از



۱۹۷۰: به رسمیت شناختن فوتبال زنان

از سوی فدراسیون فوتبال فرانسه

سرانجام در روز ۲۹ مارس ۱۹۷۰ فدراسیون فوتبال فرانسه رسماً با برگزاری فوتبال زنان موافقت کرد. تقریباً در همان زمان بود که در کشورهای انگلستان، آلمان و ایتالیا نیز این رقابت‌ها مورد توجه قرار گرفت.

۱۹۹۱: برگزاری اولین جام جهانی زنان

در سال ۱۹۸۲ برای نخستین بار جام اروپا برگزار شد و در سال ۱۹۹۱ شاهد اولین جام جهانی زنان بودیم. در سال ۱۹۹۶ فوتبال زنان به رقابت‌های المپیک راه یافت. با این حال زنان از نابرابری‌های زیادی رنج می‌بردند و زیر سایه بازیکنان مرد قرار داشتند. پوشش رسانه‌ای فوتبال زنان بسیار کمتر از فوتبال مردان بود. در ضمن زنان نسبت به همکاران مرد خود دستمزد و پاداش بسیار کمتری دریافت می‌کردند.

۲۰۱۸: دریافت اولین توپ طلا

از تبعیض‌ها که بگذریم، زنان فوتبالیست مجبور شدند که برای دریافت اولین توپ طلا تا سال ۲۰۱۸ صبر کنند. روز ۳ دسامبر ۲۰۱۸ آدا هگربرگ، بازیکن نروژی تیم المپیک لیون فرانسه به این افتخار دست یافت. او هنگام دریافت توپ طلا گفت: "باور نکردنی است. اکنون انگیزه زیادی برای تلاش کردن دارم. در ضمن برای دختران جوان در سراسر جهان یک پیام دارم: به توانایی‌های خودتان باور داشته باشید."

هگربرگ که یکی از بهترین ورزشکاران جهان محسوب می‌شود، تصمیم مجله "فرانس فوتبال" در اختصاص جایزه توپ طلا به زنان را "گامی رو به جلو" نامید.

شایستگی‌اش را داشتند دست یابند. مدت‌ها طول کشید که فوتبال زنان به رسمیت شناخته شود و با وجودی که همچنان شاهد تبعیض‌هایی هستیم ولی در این حوزه دستاوردهای زیادی داشته‌ایم. پرداختن به نقاط عطف فوتبال زنان خالی از لطف نخواهد بود.

۱۸۸۱: برگزاری اولین بازی

فوتبال زنان نیز همانند فوتبال مردان در کشور انگلستان شکل گرفت. روز ۹ مه ۱۸۸۱ برای اولین بار دو تیم زنان به مصاف هم رفتند. اولین بازی زنان در فرانسه روز ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۷ انجام گرفت و نخستین باشگاه آنها در پاریس تأسیس شد.

۱۹۱۹: تشکیل نخستین تیم ملی زنان فرانسه

فدراسیون فوتبال فرانسه با حضور زنان در این رشته مخالف بود ولی فدراسیون انجمن‌های ورزشی بانوان این کشور اقدام به برگزاری لیگ برای آنها کرد و در همان سال تیم ملی زنان فرانسه تشکیل شد. این تیم در سال ۱۹۲۰ در منچستر مقابل تیم ملی زنان انگلستان قرار گرفت. بیشتر از ۱۲۰۰ تماشاگر این بازی را از نزدیک تماشا کردند. سال بعد تیم ملی زنان انگلستان برای انجام یک بازی راهی فرانسه شد.

متأسفانه تا مدت‌ها در فوتبال زنان دیداری انجام نشد زیرا در سال ۱۹۲۱ فدراسیون فوتبال انگلستان با اختصاص زمین به بانوان مخالفت کرد و این وضعیت تا سال ۱۹۷۱ ادامه داشت. در فرانسه هم دولت ویشی در سال ۱۹۴۱ فوتبال را برای زنان قดغن کرد.

اختلاف زیادی که میان دستمزد بازیکنان مرد و زن وجود دارد انتقاد کرد و به همین دلیل از حضور در رقابت‌های جام جهانی انصراف داد.

لور بوالو، یک کارشناس خبره

ملیت: فرانسوی
شغل: مفسر فوتبال

لور بوالو که مدتی برای تیم پاری سن ژرمن و تیم ملی زنان فرانسه به میدان می‌رفت، در حال حاضر در زمینه تفسیر فوتبال فعالیت می‌کند. او از معدود زنانی است که به تجزیه و تحلیل فوتبال مردان می‌پردازند. بوالو در ضمن در زمینه جذب بازیکنان مستعد با تیم زنان پاری سن ژرمن همکاری دارد و رابطی میان تیم خود و رسانه‌ها محسوب می‌شود.

کورین دیاکر، یک مربی شاخص

ملیت: فرانسوی
پست: سرمربی

کورین دیاکر اولین زنی به حساب می‌آید که هدایت یک تیم حرفه‌ای مردان (کلرمون) را برعهده داشته است. او بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۵ در تیم ملی زنان فرانسه حضور یافت و در بیشتر بازی‌ها بازوبند کاپیتانی را بر بازو بست. دیاکر در ضمن مدتی سکان هدایت این تیم را در دست داشت.

نقاط عطف

آیا می‌دانید که فوتبال زنان چگونه شکل گرفت؟ زنان فوتبالیست که سال‌ها زیر سایه مردان قرار داشتند، با تلاش فراوان و به تدریج موفق شدند خودی نشان دهند و به آنچه

نگاهی به یک پروسه شکست خورده

از تلاش برای جذب «ستارگان بزرگ» تا فروش اتوبوس تیم!



آرمین زمانی



پوند به جیانگسو سانینگ برود. کمتر از دو سال بعد اما جیانگسو به خاطر شرایط بد مالی منحل شد و کارشان به جایی کشید که به خاطر تامین پول مجبور به فروش اتوبوس تیم شدند اما چه اتفاقی افتاد که شرایط فوتبال چین یکباره اینقدر تغییر کرد؟

شرایط وقتی بد شد که فدراسیون فوتبال چین، قانون دریافت مالیات فراوان را برای انتقال‌های گرانقیمت تصویب کرد که عملاً انتقال‌های بزرگ را منتفی و از سویی دیگر نیز اسپانسرها را از گذاشتن نام «برند» بر روی یک تیم منع کرد و در نهایت نیز در دسامبر ۲۰۲۰ قانون سقف قرارداد وضع شد. این قانون برای حمایت از تیم ملی فوتبال چین وضع شده بود چون از مدتی قبل وزارت ورزش این کشور از خرج‌های سنگین لیگ فوتبال احساس نگرانی می‌کرد. در سال ۲۰۱۷ قرار شد که خرج کردن‌های بی‌حساب متوقف و سرمایه‌گذاری‌های غیر منطقی کنترل شوند و باشگاه‌های فوتبال چین به دور ریختن پول و پرداخت دستمزدهای عجیب به بازیکنان خارجی متهم شدند.

قانون سقف قرارداد مشخصاً تأثیرش را گذاشت. با این قانون، بازیکنان خارجی می‌توانستند در بیشترین حالت هفته‌ای ۵۲ هزار پوند دستمزد دریافت کنند که بسیار کمتر از چیزی بود که قبلاً به آنها پرداخت می‌شد. برخی از باشگاه‌ها واقعاً به چنین محدودیتی نیاز داشتند چون به خاطر خرج‌های کلان قبلی خود درگیر قرض‌های سنگین شده بودند.

بخش بزرگ دیگری از مشکلات باشگاه‌ها هم از مالکان ناشی می‌شد که درگیر مشکلاتی در مورد قوانین ساخت املاک شدند و در کسب درآمد به مشکل خوردند. بدتر از همه، فرارسیدن همه‌گیری کرونا بود. قوانین سخت و سخت‌گیرانه تعداد بازی‌ها را کاهش داد و بازی‌هایی که انجام می‌شدند نیز پشت درهای بسته بودند و این شرایط به مدت بیش از دو سال ادامه داشت. به همین خاطر هم درآمد ناشی از اسپانسر و پخش زنده و بلیت فروشی کاهش شدیدی داشت.

سمیر ممیسویچ، بازیکن اهل بوسنی که از فوریه ۲۰۲۰ در پست دفاع برای تیم هبی بازی می‌کرد، خیلی زود فهمید که مشکلاتی در پشت پرده وجود دارد. او در این باره می‌گوید: «در فصل دوم حضورم در چین حس می‌کردم مشکلی وجود دارد. بعد از چند ماه، مشکلات مالی شروع شد. در آن زمان باشگاه‌ها با بازیکنان چینی مشکل داشتند. چندین ماه بود دستمزدشان را ندادند بودند و مطمئن بودم تا پایان سال دیگر باشگاهی به نام هبی وجود نخواهد داشت.»

ممیسویچ با قراردادی قرضی به بیجینگ رفت که یکی از باشگاه‌های بزرگ لیگ چین است. هبی که در زمان اوج سوپر لیگ بازیکنانی نظیر ماسکرانو، لاوتزی و جروینیو را جذب کرده بود، برای بقا و باز ماندن باشگاه، تصمیم به انحلال تیم‌های پایه خود گرفت. به کارمندان باشگاه که ماه‌ها بود حقوق نگرفته بودند، پیشنهاد شد فعلاً مجانی کار کنند چون مالک باشگاه یک شرکت ساخت و ساز خانه بود و دیگر توانایی پرداخت قبضه‌ها را نداشت. البته همه این تلاش‌ها بی‌فایده بود و هبی در نهایت امسال منحل شد.

ممیسویچ که این روزها برای النصر دبی بازی می‌کند، می‌گوید: «برای هبی خیلی ناراحت شدم چون آنها یکی از تیم‌های بزرگ با بازیکنان مشهور بودند و حالا دیگر وجود ندارند. بسیار ناراحت‌کننده است اما بسیاری از باشگاه‌های چینی این مشکل را تجربه کرده‌اند. گوانگژو و ووهان نیز منحل شدند که بسیار ناراحت‌کننده است. امیدوارم شرایط فوتبال چین بهتر شود چون پول زیادی خرج کردند اما فکر نمی‌کنم دیگر مثل قبل شوند.»

جان هاست می‌گوید سوپر لیگ چین بدون گوانگژو و دیگر مثل سابق نخواهد شد. این باشگاه که قبلاً زیر نظر اریکسون و سپس جیوانی فن‌برونکهورست هدایت می‌شد، در ماه مارس منحل شد. هاست به همراه دوستانش در هر بازی برای تشویق گوانگژو به ورزشگاه می‌رفتند. او می‌گوید: «برای خیلی‌ها، دیدار کردن با هم به اندازه فوتبال اهمیت داشت. بیرون از ورزشگاه یک کافه بود و قبل و بعد از بازی آنجا جمع می‌شدیم. طرفداران زیادی هم به

در ژوئن سال ۲۰۱۶، هزاران نفر در فرودگاه شانگهای جمع شده بودند تا رسیدن یکی از مشهورترین فوتبالیست‌های دنیا به این شهر و پیوستن به تیم‌شان را تماشا کنند. هالک، مهاجم برزیلی که در آن زمان ۲۹ سال داشت و در دوران اوج فوتبال خود بود، به تیم شانگهای پیوسته بود که هدایت آن را اسون گوران اریکسون بر عهده داشت. گفته می‌شد مبلغ این انتقال بیش از ۴۶ میلیون پوند بود و در ازای آن هالک هفته‌ای ۳۲۰ هزار پوند دستمزد دریافت می‌کرد. به محض این که هالک پا به سالن ترانزیت گذاشت، گل‌های زیادی به او داده شد و شال شانگهای را هم دور گردنش انداختند. سه سال بعد، نام‌های بزرگ دیگری به هالک پیوستند و برای آنها مبالغ کلان‌تری پرداخت شد. یکی از بازیکنان، اسکار، ستاره چلسی بود که ۶ ماه بعد از هالک به چین آمد و مبلغ انتقالش چیزی در حدود ۶۰ میلیون پوند بود. دستمزد اسکار نیز قرار بود هفته‌ای ۴۰۰ هزار پوند باشد. وقتی کارلوس توز که سابقه قهرمانی با منچستر یونایتد و منچستر سیتی را در کارنامه داشت به لیگ چین آمد، دستمزد بیشتری دریافت کرد.

از کوئیل لاوتزی، ستاره پاری سن‌ژرمن، الکس تکسیرا، ستاره مد نظر لیورپول و جکسون مارتینز، مهاجم مشهور کلمبیایی نیز دیگر افراد سرشناسی بودند که فریفته مبالغ انتقال و دستمزدهای زیاد شدند و به لیگ چین رفتند.

اوج گرفتن سوپر لیگ چین طرحتی بود که زیر نظر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور این کشور آغاز شده بود و هدفش تبدیل کردن چین به یک کشور صاحب فوتبال بود. در سال ۲۰۱۱، او اعلام کرد که قصد دارد کاری کند تیم ملی چین به جام جهانی برود و بعد از آن نیز کشورش میزبان جام جهانی شود.

با شروع خرج‌های سنگین توسط سوپر لیگ، رویای رئیس‌جمهور برای تبدیل شدن چین به یک کشور صاحب فوتبال بیشتر از قبل واقعی به نظر می‌رسید. آنتونیو کونته، سرمربی وقت چلسی در مورد جدایی اسکار و رفتن او به لیگ چین گفته بود: «فوتبال چین در حال تبدیل شدن به خطری برای تمام تیم‌های جهان است، نه تنها چلسی.»

ونگر نیز در مصاحبه‌ای دیگر گفته بود: «به نظر می‌رسد چین قدرت مالی لازم برای انتقال تمام فوتبال اروپا به این کشور را دارد.» با این وجود، در حالی که کمتر از یک دهه از این طرح گذشته است، فوتبال چین جهتی معکوس به خود گرفته و حباب ایجاد شده در سوپر لیگ در حال ترکیدن است و ستاره‌ها در حال ترک این کشور هستند.

جک سیلی اگر چه نام بزرگی نبود اما در دسامبر ۲۰۱۵ به تیم چانگچون رفت. سیلی که در آن زمان ۲۸ سال داشت، قبلاً در لیگ هنگ‌کنگ بازی کرده و به خاطر نام‌های بزرگ‌تر، استاندارد بالاتر فوتبال و پول‌هایی که در حال سرازیر شدن بود، به لیگ چین کشیده شده بود. او در این باره می‌گوید: «وقتی که لیگ چین هنوز در حال پیشرفت بود، به آنجا رفتم و به همین خاطر تجربه هیجان‌انگیزی داشتم. مردم چیزهایی در مورد این طرح شنیده بودند اما هیچکس به طور کامل از آن اطلاع نداشت و سپس شرایط جوری شد که با هر فرد فوتبالی که صحبت می‌کردی، می‌گفت حتماً به سوپر لیگ برو. از رفتن به این لیگ اصلاً پشیمان نیستم. تجربه‌ای فوق‌العاده بود.»

فوق‌العاده و در عین حال عجیب. او در مورد رقبای نامدارش می‌گوید: «باید فراموش می‌کردیم مقابل چه تیمی هستیم. یا من با آمدن به آن لیگ پیشرفت کرده بودم یا آنها با آمدن به چین پشرفت کرده بودند. هر طور که به آن نگاه کنید، باید آنها را هم‌سطح خود فرض کرده و با تمام وجود بسازی می‌کردید اما تجربه عجیبی بود. بازی اسکار در چلسی را از تلویزیون تماشا کرده بودم ولی همه آن بازیکنان را می‌شناختم. واقعاً باورنکردنی بود.»

تا سال ۲۰۱۹، لیگ چین به قدری بزرگ شد که گرت بیل، ستاره وقت رئال مادرید که در بازه‌ای گرانقیمت‌ترین بازیکن جهان هم بود، قرار شد با قراردادی سه ساله و دستمزد هفته‌ای یک میلیون

آینده‌ای کاملاً متفاوت با چیزی که در زمان اوج سوپرلیگ برایش متصور می‌شدند. او می‌گوید: «بسیاری از تیم‌های چینی به خاطر مشکلات مالی منحل شدند اما به نظرم آینده بهتر خواهد بود چون تیم‌ها در حال کار کردن با بازیکنان جوان هستند. فکر می‌کنم در ۵ یا ۶ سال آینده، بازیکنان محلی کیفیت بهتری پیدا خواهند کرد. چین هنوز جای خوبی برای فوتبال است و فکر می‌کنم آینده آن به بازیکنان بومی بستگی دارد.» این روزها با ستاره‌های بسیار کمتر، تمرکز روی پرورش بازیکنان بومی است تا لیگ چین ارتقا پیدا کند و بتواند شانس برای حضور در جام جهانی داشته باشد، تورنمنتی که «ژدهای زرد» تنها یک بار حضور در آن را تجربه کرده است.

خطر نقض جدی قانون تحت بازجویی قرار گرفت و اتهامش نیز گرفتن رشوه بود. چن ژوبوان، رئیس سابق فدراسیون فوتبال چین با اتهاماتی مشابه روبروست و سون جون هو، هافبک اهل کره جنوبی هم که برای شاندونگ بازی می‌کرد از ماه می به اتهام دریافت رشوه در زندان است. این روزها فقط بخش کوچکی از بازیکنان خارجی در لیگ چین باقی مانده‌اند و بازیکنان فعلی و فعال لیگ این کشور نیز به درخواست مصاحبه جواب نمی‌دهند. با وجود تمام این مشکلات اما همچنان تقاضای بالایی برای برگزاری مسابقات لیگ وجود دارد. وقتی فروش بلیت های تیم بیجینگ در هفته اول در ماه آوریل آغاز شد، تمام آنها در عرض ۵ دقیقه فروخته شد. آلبرت دلان که به عنوان مدیر برنامه بازیکنان در آسیا فعالیت دارد، می‌گوید که شرایط این روزهای لیگ عربستان، مشابه روزهای اوج فوتبال چین است. با این وجود او اصرار دارد که لیگ چین آینده‌دار خواهد بود ولی

آنجا می‌آمدند. همه ما شوکه شدیم. بخشی از مشکل این بود که هیچک از باشگاه‌ها برنامه‌ای برای درآمدزایی نداشتند. قیمت بلیت‌ها بسیار ارزان بود. قیمت کل مسابقات فصل برای من ۵۰ یا ۶۰ پوند شد. تازه دانشجویها با قیمتی کمتر هم می‌توانستند بلیت بخرند. بسیاری از هواداران لباس‌های رسمی باشگاه را هم نمی‌خریدند. می‌توانستید در ازای تنها ۳ پوند پیراهن تقلبی باشگاه را بیرون از استادیوم خریداری کنید. کسب درآمد بزرگترین مشکل باشگاه‌های لیگ چین است. وقتی شرایطشان اینقدر سخت است، از کجا پول بیاورند؟»

اواخر سال گذشته، درهای استادیوم‌ها یک بار دیگر به روی هواداران باز شد، به همین خاطر سوالی که پیش می‌آید این است که درآمد حاصل از آن کجا رفت؟ فساد گسترده در میان مقامات لیگ فوتبال چین یکی دیگر از مشکلات بود. لی تای، بازیکن سابق اورتون و سرمربی پیشین تیم ملی چین به



رونالدو، لیونل مسی، نواک جوکوویچ و ... ستارگانی که هیجان را به دنیا تزریق کردند



■ عرفان خماند

در سال ۲۰۲۳، ورزش‌های مختلف همچنان در مسیر جذب مخاطب و ایجاد هیجان در میان تماشاگران موفق بودند و توانستند به شکل‌های مختلف توجه هواداران خود را در سراسر دنیا جلب کنند. یکی از این مسیرها شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بود که باعث شد بسیاری از اتفاقات زودتر و بهتر و دقیق‌تر دیده شوند. به لطف گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رویدادهای مهم ورزشی و اتفاقات تلخ و شیرین آن راحت‌تر در دسترس مخاطبین قرار گرفت. در سال گذشته برخی از بزرگترین ستاره‌ها و تیم‌های ورزشی به بزرگترین موفقیت‌های خود در تاریخ دست یافتند و آن را از چندین جهت به سالی خاطره‌انگیز تبدیل کردند. به همین دلیل نگاهی انداخته‌ایم به مهمترین رویدادهای ورزشی سال گذشته که در شبکه‌های اجتماعی سر و صدای زیادی به پا کرد و واکنش‌های فراوان و متفاوت هواداران در نقاط مختلف دنیا را به دنبال داشت.

دنیای فوتبال؛ از رونالدو و مسی تا

منچستر سیتی و وینیسیوس جونیور

گل‌ها، رکوردها، عناوین و نامی که اثری از او در تاریخ فوتبال به جا گذاشت و همچنان می‌گذارد. اینگونه می‌توانیم کریستیانو رونالدو را تعریف کنیم. چه بخواهید و چه نخواهید، ستاره پرتغالی یکی از مهم‌ترین بازیکنان تاریخ است اما دستاوردهای او به زمین فوتبال محدود نمی‌شود. طبق آمار منتشر شده توسط رسانه‌های مختلف، کریستیانو رونالدو در پایان سال ۲۰۲۳ بیشترین فالوئر را در اینستاگرام دارد. هر کسی که فکر می‌کند کریستیانو با دستاوردهایش برای رئال مادرید فقط یک برند مربوط به گذشته است، اشتباه می‌کند. او حتی با بازی برای النصر ۸۸/۸ میلیون دنبال کننده جدید در سال ۲۰۲۳ اضافه کرده است. این تقریباً ۵ برابر بیشتر از ۱۸/۸ میلیونی است که جود بلینگهام، ستاره فعلی رئال مادرید به دست آورده است. با این عملکرد، کریستیانو رونالدو بازیکنی است که بیشترین تعداد فالوئر جدید را در سال ۲۰۲۳ دارد. وقتی به پست‌های بازیکنان برتر جهان نگاه می‌کنیم، دوباره به کریستیانو رونالدو برمی‌خوریم.

پستی که بیشترین تعاملات انجام شده توسط یک فوتبالیست در سال ۲۰۲۳ را داشته، مرتبط با ستاره پرتغالی است. از این پست با ۲۸/۳ میلیون فعل و انفعال، استقبال گرمی شد که برای بازیکنی مانند رونالدو کاملاً بدیهی است. دومین پست در این زمینه با ۲۸/۲ میلیون تعامل باز هم از آن کریستیانو رونالدو است، پستی که در جریان یک بازی دوستانه در ریاض عربستان ایجاد شد. در کنار او اما در فاصله کمی، رقیب وی از دوران حضورش در اسپانیا یعنی لیونل مسی است که همچنین برایش در دنیای فوتبال در حال توسعه یک چالش جالب محسوب می‌شود. با ۲۳/۶ میلیون تعامل، پستی که لیونل مسی در آن از حمایت مردم آرژانتین برای قهرمانی در جام جهانی پس از ۳۶ سال، تشکر می‌کند، در رده بعدی قرار دارد.

اگر لیونل مسی و کریستیانو رونالدو را بیرون بیاوریم، مبارزه با نژادپرستی در رده بعدی قرار دارد. در سال گذشته مسی و رونالدو مانند زمانی که به ترتیب برای بارسلونا و رئال مادرید بازی می‌کردند، بر شبکه‌های اجتماعی تسلط داشتند. با این حال، در یک تحلیل سریع بدون هیچیک از این دو بازیکن، نوبت به بازیکنی می‌رسد که در یکی دو فصل اخیر فوتبال اروپا نمایش چشمگیری از خود بر جای گذاشته است. وینیسیوس جونیور که کار خود را در فلامنگو آغاز کرد و اکنون ستاره رئال مادرید است، نه تنها به دلیل لیخند و استعداد باشکوهش، بلکه به خاطر مبارزه با نژادپرستی در فوتبال اسپانیا، شهرت زیادی به دست آورد.

با ۱۶/۲ میلیون تعامل، بازیکن برزیلی در پست خود بخشی از تقصیر را علاوه بر برجسته کردن فقدان نگرش درست از سوی نهادهای محلی، متوجه برخی از حریفان می‌داند. بدون در نظر گرفتن پست‌های اینستاگرامی مربوط به رونالدو و مسی، این پست بیشترین بازدید را در میان مخاطبان فوتبال داشته است. همچنین امپایه، ستاره پاری سن ژرمن و گزینه همیشگی خرید رئال مادرید، نیز در شبکه‌های اجتماعی به ویژه در اینستاگرام مورد توجه زیادی قرار گرفته است.

کیلیان امپایه بیشترین بازدید پست‌ها را در بین بازیکنان لیگ ۱ فرانسه دارد. پستی که او در آن به همراه سایر هم تیمی‌هایش در خیابان‌های سرد نیویورک



در حال قدم زدن دیده می‌شود، با ۱۱/۱ میلیون بازدید رکوردی جالب را برای فوتبال فرانسه به ارمغان آورده است. ارلینگ هالند دیگر بازیکنی است که این روزها به خوبی در فوتبال انگلیس جا افتاده و این واقعیت زمانی ثابت می‌شود که بدانیم در سال ۲۰۲۳، از ۱۰ پست برتر بازیکنان لیگ جزیره، ۶۰ درصد به ارلینگ هالند اختصاص داشته است. او ظاهر و احساس یک "وایکینگ کلاسیک" را دارد. در پربازدیدترین پست این بازیکن نروژی، او در حالی که پس از پیروزی ۱-۰ سیتی مقابل اینترمیلان جام لیگ قهرمانان اروپا را در دست دارد، دیده می‌شود. این پست بیش از ۸/۵ میلیون تعامل ایجاد کرد که بیشترین تعامل در بین بازیکنان لیگ برتر در سال ۲۰۲۳ بود. گل نمادین گارناچو که یادآور ضربه حماسی قیچی برگردان وین رونی بود، نتوانست هالند را شکست دهد و با ۵/۸ میلیون تعامل، چهارمین پست با بیشترین تعامل بود. در MLS، لحظه ورود مسی به فوتبال آمریکا بزرگترین داستان فصل بود و پست رسمی اینتر میامی در استقبال از این فوق ستاره یکی از پربازدیدترین پست‌ها در میان تمام ورزش‌ها را رقم زد. منچستر سیتی که یکی از باثبات‌ترین تیم‌های فوتبال باشگاهی اروپا در سال‌های اخیر بوده است، اولین قهرمانی خود در لیگ قهرمانان اروپا را در فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ پس از شکست ۱-۰ اینترمیلان به دست آورد. با این موفقیت حماسی، باشگاه انگلیسی به قهرمانی‌های خود در لیگ برتر و جام حذفی اضافه کرد تا هشتمین تیم اروپا شود که برای اولین بار سه گانه را کسب می‌کند. پست باشگاه منچستر سیتی در مورد این قهرمانی در میان پست‌های فوتبال با تعامل بالا قرار گرفت. لیونل مسی، ستاره تیم ملی آرژانتین و اینترمیامی پس از یک رقابت سخت با ارلینگ هالند، مهاجم منچستر سیتی، برای هشتمین بار در دوران فوتبالی خود موفق به کسب توپ طلا شد. در طول فصل ۲۰۲۳-۲۰۲۲ که معیار ارزیابی عملکرد برای این جایزه بود، این بازیکن ۳۶ ساله به عنوان کاپیتان، قهرمانی در جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ را برای آرژانتین تضمین کرد. این در حالی است که قهرمانی در لیگ ۱ فرانسه با پاری سن ژرمن، انتقال به لیگ برتر فوتبال آمریکا، به ثمر رساندن گل‌های زیاد و دادن پاس گل‌های متنوع در به دست آوردن این جایزه بی‌تاثیر نبوده است. پست لیونل مسی درباره دریافت هشتمین توپ طلای فوتبال یکی از پربازدیدترین پست‌های سال گذشته بود. به نظر شما آیا کسی می‌تواند در سال ۲۰۲۴ با کریستیانو رونالدو رقابت کند؟

دنیای تنیس؛ از قهرمانی تاریخی نواک جوکوویچ تا اتفاق جالب برای نائومی اوزاکا

سال ۲۰۲۳ با خبر جالب نائومی اوزاکا آغاز شد. قهرمان چهار دوره گرند اسلم و شماره ۱ سابق جهان دلایل خوبی داشت تا حدود یک سال دور از میادین تنیس باشد. او یازدهم ژانویه با اعلام اینکه باردار است، عنوان کرد: "بی‌صبرانه منتظر بازگشت به زمین تنیس هستم، اما این یک به روز رسانی کوچک در زندگی است. هر روز یک نعمت و ماجراجویی جدید است. می‌دانم که در آینده باید منتظر چیزهای زیادی باشم؛ چیزی که مشتاقانه منتظرش هستم این است که بچهام برخی از مسابقات من را تماشا کند و به کسی بگوید این مادر من است." اوساکا در ماه جولای دخترش به نام "شای" را به دنیا آورد و تا اکتبر با تمام توان تمرین کرد و در ژانویه به مسابقات بازگشت. غیبت اوزاکا در مسابقات گرند اسلم سال ۲۰۲۳ واکنش‌های زیادی را در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشت.

در یو اس اوپن ۲۰۲۳ شاهد آن بودیم که نواک جوکوویچ، دانیل مدودف را در ست‌های متوالی با نتایج ۳-۶، ۶-۷، ۳-۶ شکست داد تا یک عنوان گرند اسلم دیگر در دوران حرفه‌ای خود کسب کند. با این قهرمانی، تنیسور صربستانی با رکورد دیرینه مارگارت کورت، تنیسور زن استرالیایی - که اولین قهرمان ۲۴ گرند اسلم بود - برابری کرد. پست مربوط به قهرمانی "نوله" و رکوردشکنی وی بازخورد خوبی را در میان مخاطبان شبکه‌های اجتماعی داشت.

دنیای بسکتبال؛ از قهرمانی لیکرز تا رویارویی لبرون جیمز و استفن کری

با وجود ستاره‌های پرشماری که در NBA فعالیت دارند، همچنان پست‌های مربوط به رویایی فوق ستاره گلدن استیت واریز یعنی استفن کری و فوق ستاره لس آنجلس لیکرز یعنی لبرون جیمز، پربازدیدترین پست‌های شبکه‌های اجتماعی هستند و بیشترین طرفدار را به خود اختصاص می‌دهند. پستی که استفن کری در سال جاری از ملاقاتش با جیمز درون زمین بسکتبال به اشتراک گذاشت، به پربازدیدترین پست بسکتبالی دنیا تبدیل شد. همچنین در طول فصل جاری بسکتبال ۲۰۲۴-۲۰۲۳، لس آنجلس لیکرز اولین تیم تاریخ شد که نخستین جام مسابقات درون فصلی را به خانه می‌برد.

آنها با درخشش آنتونی دیویس، آستین ریوز و لبرون جیمز که بیشترین امتیاز را در شب فینال برای تیم پیروز کسب کردند، با نتیجه ۱۲۳-۱۰۹ ایندیانا پیسرز را در T-Mobile Arena در لاس وگاس شکست دادند و قهرمان شدند. لبرون ۳۸ ساله به عنوان بهترین بازیکن مسابقات درون فصلی ۲۰۲۳ انتخاب شد.



هنوز هم خیال کن کنار تو نشسته‌ام

بکن باوئر - کرویف؟

رقبای قدیمی و رفقای روزهای خوب



■ سید محمد طاهر شاهین

از این برخوردها در جام باشگاه های اروپا بود و دیگری در جام جهانی. هر دو به یادماندنی بود و هر دو خشم ها و رنجش هایی را به یادگار گذاشت. کرویف اولی را به سود خود به پایان رساند و بکن باوئر دومی را.

آژاکس در مرحله یک چهارم نهایی جام باشگاه های اروپا در ۷ مارس ۱۹۷۳ میزبان بایرن بود. آنها با حال و هوای دو قهرمانی قبلی در اروپا گام به میدان می گذاشتند و بایرن با روحیه در اختیار داشتن بدنه اصلی تیم ملی آلمان غربی که قهرمانی جام ملت های اروپا در سال ۱۹۷۲ را به دست آورده بود. بازی در نیمه اول بدون گل به پایان رسید ولی در نیمه دوم آژاکس چهار گل زد. آری هان (۲ بار) و جری مورن، هافبک های تیم گلزنی کردند تا اینکه در آخرین دقیقه، ضربه سر کرویف کار بایرن را تمام کرد. در دیدار برگشت، بایرن ۲-۱ پیروز شد ولی این پیروزی تفاوتی با شکست نداشت. آژاکس در فینال مسابقات یوونتوس را برد و قهرمان شد و بایرن هم جام قهرمانی بوندسلیگا را به دست آورد. کرویف سال بعد راهی بارسلونا شد و بایرن و بکن باوئر موفق به فتح اولین قهرمانی خود در اروپا شدند.

چند هفته بعد رقابت تجدید شد، این بار در فینال جام جهانی در آلمان غربی. هلند کرویف مغرورانه زیبا بازی می کرد و شانس اصلی

قهرمانی بود ولی آلمان غربی در ورزشگاه المپیک مونیخ به عنوان میزبان برتری داشت. تصویر بکن باوئر و کرویف به عنوان کاپیتان های دو تیم زیر نگاه خیره و دقیق جک تیلور داور، به اندازه نتیجه بازی در اذهان باقی خواهد ماند.

هلندی ها گلزنی را شروع کردند، پناالتی ای که برای اولین بار در فینال جام جهانی به سود یک تیم اعلام می شد. زننده پناالتی یوهان نیسکنز بود. ژرمن ها جواب آن پناالتی را توسط پل برایتز دادند و سپس گرد مولر گل برتری را ثبت کرد. هر سه گل پیش از سوت پایان نیمه اول به ثمر

سمت شیوه حرکت آزادانه و بدون نقشه قبلی را کرده بود که خودش هم نام "چرخش" را روی آن نهاد. کرویف و آژاکس این پیش بینی را محقق ساختند که نتیجه آن کسب سه قهرمانی پیاپی در فوتبال باشگاهی اروپا بین سال های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ بود تا اینکه مربی و کاپیتان تیم راهی بارسلونا شدند. افسول آن آژاکس همیشه پیروز، راه را برای یک پیشتاز دیگر باز کرد؛ فرانتس بکن باوئر در بایرن مونیخ.

آژاکس کرویف و بایرن بکن باوئر استانداردهای تاکتیکی که همچون قالب، پست و موقعیت بازیکنان را از پیش تعیین می کرد و بدون تغییر هم باقی می ماند در هم شکستند. مجارستان در اوایل دهه ۱۹۵۰، یک آشفتگی و به هم ریختگی در این نوع فوتبال از پیش تعیین شده ایجاد کرد. آنها حقه مهاجم میانی کاذب و عمقی را به کار گرفتند. در Total Football (فوتبال کامل) کرویف و پست لیبروی هجومی بکن باوئر، چشم اندازهای عمیق تری از تکنیک و تاکتیک گشوده شد.

بایرن جای خالی کرویف و آژاکس را پس از سال ۱۹۷۳ به خوبی پر کرد و سه قهرمانی پیاپی باشگاه های اروپا در سال های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ را به دست آورد. یک انقلاب پس از انقلابی دیگر.

در روزگاری که هنوز مرحله گروهی لیگ قهرمانان مفهومی نداشت و کشورها تنها یک تیم را به رقابتهای اروپایی می فرستادند، تعجب آور نیست که کرویف و بکن باوئر تنها دو بار در رقابتهای بین المللی مقابل هم قرار گرفتند؛ با اینکه دوران درخشش این دو فوتبالیست بزرگ کاملاً به هم نزدیک بود و تا حدود زیادی هم پوشانی داشت. یکی

فوتبال دنیا دوره های متفاوتی را به واسطه حضور بازیکنانی با استعداد و نبوغ تکرار نشدنی و دستاوردهای به یادماندنی و خلاقیت منحصر به فرد آنها تجربه کرده که هر بار مسیر تازه ای برای این ورزش ساخته اند. در دوره پس از جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰، فرنس پوشکاش، بازیکنی دوران ساز محسوب می شد. به له در جریان دهه ۱۹۷۰ چنین نقشی را ایفا کرد و بلافاصله جای خود را به یوهان کرویف و فرانتس بکن باوئر داد. چند ماهی بیشتر از درگذشت بکن باوئر در ژانویه ۲۰۲۴ نمی گذرد. کرویف هم در سال ۲۰۱۶ از دنیا رفت. نام این دو نفر همیشه نه تنها به عنوان بازیکنانی که در یک دهه درخشیدند و همگان را حیرت زده کردند، بلکه به عنوان فوتبالیست هایی که با بازی خلاقانه خود، دیدگاه جدیدی را در فوتبال دنیا به وجود آوردند، برده می شود. مجله World Soccer در آخرین شماره خود نگاهی به این دو رقیب قدیمی و رفیق روزهای بعد انداخته و از دوران سازی آنها گفته است.

کرویف در آژاکس و تحت مربیگری رینوس میشل، انقلاب موسوم به Total Football را کلید زد. این دگردیسی به نوع جدیدی از آمادگی بدنی، هوش تکنیکی و تاکتیکی که منجر به پاسکاری های مداوم می شد و تبدیل وضعیت عملکرد در زمین مسابقه - که لازمه ای برای فوتبال امروز به حساب می آمد - مربوط می شد.

مفهوم و ایده مورد نظر، چیز تازه ای نبود. ویلی مایزل در کتاب جریان ساز و بنیادین دهه ۱۹۵۰ خود تحت عنوان "انقلاب فوتبال" (که هنوز هم ارزش خواندن دارد)، پیش بینی پیشرفت فوتبال به





داشت، بلکه رفاقت هم چاشنی اش شد. در سال ۲۰۱۵، کرویف در مصاحبه با نشریه آلمانی ۱۱ **Freunde** گفت: "نمی توانم دقیقا بگویم که چه زمانی با هم رفیق شدیم ولی ذاتا برای یکدیگر احترام بسیاری قائلم."

ما اغلب همدیگر را می بینیم، چرا که من همیشه برای اسکی به کیتسبول می رفتم، جایی که فرانتس زندگی می کرد. با هم ورزش می کردیم و غروب ها را در کنار هم می گذرانیدیم. با گذشت سال ها، ارتباط ما قویتر هم شد."

وقتی یک سال بعد کرویف از دنیا رفت، بکن باوئر در پیامی اعلام کرد: "شوکه شدم. او یک رفیق بسیار خوب برای من و همچون یک برادر بود." رقبایی که با هم رفیق شدند و البته هر دو پیشتازان فوتبال حرفه ای محسوب می شوند.

تیم منتخب ستارگان جهان و چلسی در استمفورد بریج بازی کردند اما لیگ اجازه پیوستن کرویف به کاسموس را نداد، چرا که می خواست چهره های بزرگ در تیم ها پخش شوند.

بنابراین آنها دو بار در لیگ فوتبال آمریکای شمالی مقابل هم قرار گرفتند. بکن باوئر با کاسموس و کرویف با لس آنجلس از تکس و بعد واشنگتن دیپلما تس.

بعد از بازنشستگی، هر دو وارد دنیای مربیگری شدند، گرچه هیچیک مدرک آن را نداشتند. آنها باز هم در رده باشگاهی همراه با تیم های سابق شان به موفقیت رسیدند ولی این بکن باوئر بود که یک بار دیگر با آلمان غربی در جام جهانی ۱۹۹۰ به مقام قهرمانی دست یافت.

سال های پس از آن نه تنها احترام متقابل را به همراه

رسید. این نتیجه پابرجا ماند و بکن باوئر به قله جام جهانی رسید.

این رقابت می بایست در فینال جام ملتهای دو سال بعد در یوگسلاوی تکرار می شد، چرا که نارنجی پوشان هلند و سفید پوشان ژرمن در دو دیدار متفاوت مرحله نیمه نهایی به میدان رفتند اما کرویف و یارانش به چکسلواکی باختند و ژرمن ها هم در فینال مقابل همین تیم در ضربات پنالتی شکست خوردند.

در جام جهانی بعدی در سال ۱۹۷۸، هر دو نفر از تیم ملی خداحافظی کرده بودند و به لیگ فوتبال پر از تفریح و زرق و برق (و البته پول) آن روزهای آمریکای شمالی وارد شدند.

آنها در همان سال حتی دو بار در کنار هم در تیم نیویورک کاسموس در دو بازی دوستانه مقابل

گفت وگو با خواننده محبوب و فوتبالی ت رحیم شهریاری : پیراهن این تیم برای بر

رحیم شهریاری، خواننده خوش صدای کشور و محبوب آذربایجانی ها در روز اول اسفند ۱۳۴۹ در شهر تبریز و محله شنب غازان به دنیا آمد. وی ۱۹ سال پیش ازدواج کرد و حاصل این ازدواج ۲ فرزند دختر به نام های تامیلا و تلما بود. شهریاری در دانشگاه آزاد تبریز درس خوانده و دارای لیسانس حسابداری است. او تعصب شدیدی به تبریز و تیم شهرش (تراکتور) دارد و به سبب همین عشق و علاقه نزد "تی تی" ها محبوب است. طی سال های اخیر بسیاری از چهره های ورزشی و به خصوص فوتبالی پای ثابت کنسرت های این هنرمند بوده اند. همین امر باعث شد تا پای صحبت خواننده آذری زبان کشورمان بنشینیم.

● چه شد که وارد دنیای موسیقی شدید؟

خیلی زود پدرم را از دست دادم و در کنار پدر بزرگم که اصلتان از جمهوری آذربایجان بود دوران کودکی و نوجوانی ام را گذراندم. در آن زمان قالیبافی می کردم و از همان موقع با نوای موسیقی فولکلور آشنا شدم. هنگام کار با رادیوهای شکسته قدیمی صدای رادیوی باکورا گوش می کردم و باهمان آهنگ ها بزرگ شدم و به موسیقی علاقه پیدا کردم. البته خانواده ام اهل موسیقی بودند و این موضوع در ما موروثی است. عموها، پسرعموها و پسرعمه هایم در این امر فعالیت داشتند.

● کلاس موسیقی رفتید؟

برای یادگیری ساز قارمان به آموزشگاه استاد شاطریان رفتم و این ساز را زیر نظر آقای عبدالعظیم زاده فرا گرفتم. از باکو نیز اساتید موسیقی به ایران می آمدند و بنده نیز از این فرصت استفاده می کردم و از دانش و تجربیات آن ها درس می گرفتم.

● اولین آهنگی که منتشر کردید چه بود؟

ابتدا کارم را با نوازندگی آغاز کردم. سال ۱۳۷۱، آلبومی را در شهر تبریز آماده کردم و یک سال بعد که به تهران آمدم، به دنبال کسب مجوز این آلبوم از وزارت ارشاد بودم. این آلبوم بی کلام بود و مجوز پخش را دریافت کرد و آن را منتشر کردم. به خاطر دارم که آهنگ های این آلبوم از کانال های رادیویی مثل رادیو پیام پخش می شد. همزمان با انتشار این آلبوم، چند آهنگ برای یک سری خواننده ها از جمله رشید وطن دوست، مرحوم اسفندیار قره باغی، دودود مؤذن زاده و... ساختم و می توان گفت که کار حرفه ای ام را از همان سال ۱۳۷۲ آغاز کردم.

● چه زمانی احساس کردید که میان مردم شناخته شدید؟

سال ۱۳۷۶، با گروه آواز برای برگزاری کنسرت به آمریکا سفر کردم. آذری زبان هایی که در آنجا زندگی می کردند از ما خواستند تا یک آلبوم شاد منتشر کنیم. ما هم تصمیم گرفتیم تا در استودیویی که در خیابان هالیوود قرار داشت تعدادی آهنگ ضبط کنیم. برخلاف آلبوم بی کلامی که در ایران منتشر کردیم، این آلبوم (ایپک) کاملاً از آهنگ های فولکلور شاد آذری بود. بنده هنوز به ایران برگشته بودم که این آلبوم در میدان انقلاب به فروش می رفت و استقبال خوبی از آن شد. همزمان با آن، یک آلبوم دیگر آماده انتشار داشتیم که با پخش آن، متوجه شدم که مردم علاقه زیادی به آهنگ های آذری سبک پاپ دارند چون تا آن زمان موسیقی آذربایجانی به صورت سرود اجرا می شد. مرحوم نجفی نیز در آن مقطع آهنگ های پاپ آذری اجرا می کرد. تغییراتی که بنده و مرحوم نجفی در آهنگ های آذری دادیم باعث شد تا خواننده های دیگری نیز در فضای آهنگ های خود تغییر ایجاد کنند و از حالت سرود خارج شوند.

● رابطه تان با مردم چطور است؟

جادارد تانکته ای را بگویم. حدود ۸ ماه پیش به شهرداری تبریز پیشنهاد اجرای یک کنسرت رایگان خیابانی در داخل شهر را دادم تا برای مردم خاطره خوبی به یادگار بماند. مسئولین شهرداری تبریز تعداد حضور مردم در این اجرای خیابانی را ۵ الی ۱۰ هزار نفر تخمین زدند و تمام برنامه ریزی ها و تدارکات برای این کنسرت خیابانی انجام شد. روبروی ایستگاه راه آهن تبریز یک ساختمان بسیار زیبا قرار دارد که محل کنسرت آنجا بود. قرار بر این شد تا این اجرا ساعت ۱۹ برگزار شود. حدود ۵ ساعت قبل از شروع کنسرت، ۲۰ هزار نفر در آن مکان حضور پیدا کردند و نزدیک به زمان کنسرت، شهر کاملاً قفل شده بود. به گفته ماموران راهنمایی و رانندگی، در زمان کنسرت نزدیک به ۸۰ هزار نفر در آن منطقه برای تماشای این اجرای خیابانی حاضر بودند که فیلم ها و مستندات آن نیز موجود است. در زمان کرونا هم حدود ۴ ماه، هربش به غیر از روز های وفات و عزاداری به صورت زنده از فضای مجازی برای مردم عزیز اجرا می کردم که بین ۳ تا ۱۰ هزار بیننده داشت. چند بار نیز به همراه سالار عقیلی این کار را انجام دادم که مورد استقبال قرار گرفت. خدا را شکر، در کنسرت هایی هم که در تهران، تبریز و شهرهای دیگر دارم، سالن کاملاً پر می شود و همین نشان می دهد که بنده با عشق برای مردم اجرا می کنم و مردم نیز همیشه به بنده لطف داشته اند و همه جا در کنار من بوده اند.

● اگر به قبل برگردید، باز هم وارد دنیای موسیقی می شوید؟

بدون شک باز هم موسیقی را انتخاب می کردم. ۹ ساله بودم که در قرائت قرآن و سرود خوانی مهارت داشتم. با اینکه کم سن و سال بودم اما آذان و قرآن را به خوبی تلاوت می کردم. علاقه زیادی هم به موسیقی داشتم و به نوعی موسیقی همچون خون در رگ هایم بود. طی ۳۰ سال فعالیت در دنیای موسیقی، نزدیک به ۳۳۰ آهنگ خوانده ام، حدود ۱۹ آلبوم منتشر کرده ام و ۳۸ بار خارج از کشور کنسرت داشته ام و همین موارد نشان می دهد که در کار خود موفق بوده ام. به هیچ عنوان نمی توانستم مسیر دیگری را انتخاب کنم و خدا را شاکرم که در این راه توانستم دل هزاران هزار نفر را شاد کنم.

● نظرتان در مورد موسیقی و خواننده های امروزی کشورمان چیست؟

در حال حاضر شاهد افزایش تعداد خواننده ها هستیم. این امر فقط مختص به کشور خودمان نیست و در سراسر دنیا این اتفاق رخ می دهد. به نظرم این مورد هیچ ایرادی ندارد اما نکته مهم اینجاست که آیا ورود افراد به دنیای موسیقی و خوانندگی با ماندگاری همراه است یا خیر؟! مثلاً یک خواننده با خواندن آهنگ سوسن خانم دنیای موسیقی را می ترکاند اما همان خواننده سال بعد کلی آهنگ پخش می کند که حتی یکی از آن ها هم شنونده ندارد! در گذشته سختگیری های زیادی بابت دریافت مجوز می شد و به همین دلیل خیلی از خواننده ها از ترس ارزیابی و کارشناسی شعر و آهنگ ها خسته شدند و از ادامه کار دست کشیدند و به طور کل راهشان را عوض کردند اما الان دیگر مثل گذشته نیست و از شدت سختگیری ها کاسته و فضا برای خودنمایی خواننده ها زیاد شده است و بعضاً از دل آن چندین آهنگ زیبا هم شنیده می شود.

● در خصوص سبک آهنگ های تان بگوئید.

آهنگ هایی که منتشر می کنم به دو دسته تقسیم می شوند. یک دسته که خیلی جوان پسند است و دسته ای دیگر را برای افراد پا به سن گذاشته می خوانم. سعی کرده ام تا تمام مردم در هر رده سنی از کارهایم لذت ببرند و با آهنگ هایم برایشان

خاطره خوبی رقم بزنم.

● منبع درآمد دیگری به غیر از موسیقی دارید؟

خیر، منبع درآمدی به جز موسیقی ندارم. بعضی وقت ها کم و بعضی اوقات زیاد است و در هر صورت خدا را شکر می کنم. ۳۰ سال با موسیقی زندگی کردم و با خوب و بد آن سوختم و ساختم.

● در مورد اولین کنسرت تان بگوئید. چه حسی داشتید؟

وقتی در سال ۱۳۷۲ برای خدمت سربازی به تهران آمدم در همان هفته اول با گروهی به نام "سهند" تمرین موسیقی می کردم. دقیقاً هفته اول حضور من در تهران مصادف شد با اجرای موسیقی در فضای باز نمایشگاه بین المللی. بابت این موضوع خوشحال بودم و هیجان زیادی داشتم. در همان روزهای اول نشان دادم که هیچ ترسی ندارم و جسورانه به اجرای کنسرت ها می رفتم، حتی از افراد دیگر گروه که سابقه ۱۵ الی ۲۰ ساله در اجرا داشتند هم آرام تر بودم. آن زمان ساز می زدم و جوری با جان و دل این کار را انجام می دادم که مورد تشویق حضار قرار می گرفتم. هنگامی که در

تنهایی خود تمرین می کردم، همیشه در ذهنم هزاران نفر را تصور می کردم که در مقابلم ایستاده اند و بیننده و شنونده آهنگ هایم هستند و همین امر باعث شد تا ترسم از صحنه بریزد اما این را بگویم که حتی اگر هر روز هم کنسرت داشته باشم، هیجانم برای اجرای آن زیاد است زیرا هر دقیقه و هر لحظه از کنسرت ها یک روحی دارد که باید آن را درک کرد. لحظه مرگ یک خواننده آن زمانی است که در کارش احساس مسئولیت نکند و در اجراش بی تفاوت باشد.

● اهل ورزش هستید؟ به چه تیمی علاقه دارید؟

بنده عاشق تبریز و تیم شهرم تراکتور هستم و تا جایی که زمان داشته باشم بازی های این تیم را دنبال می کنم. به نظرم تراکتور تحت تأثیر یک سری اتفاقات پشت پرده و سیاسی است و در فراز و نشیب قرار دارد. آذری ها به خاطر برد و باخت ها تراکتور را دوست ندارند، تراکتور هویت فرهنگی ورزشی ما شده است و بنابراین هر وقت هم که ببازد ما با قدرت و صدای بلند فریاد می زنیم: "عیبی یوخ، عیبی یوخ". جایگاه اصلی تیم محبوب مان پایین جدول نیست، حتی اواسط جدول هم نیست. ما دوست داریم که تیم شهرمان در بالای جدول برای کسب عنوان قهرمانی بجنگد.

● برای بازگشت تراکتور به روزهای اوج چه باید کرد؟

تراکتور هواداران بانعصب و دو آتشه ای دارد که هر کجا و هر زمان از تیم شان حمایت می کنند. برای شاد کردن دل میلیون ها طرفدار عاشق این تیم و بازگشت تراکتور به روزهای خوبش باید خیلی زود دست به کار شد. به گمانم در خرید بازیکن یک سری اتفاقات مافیایی می افتد. خیلی از بازیکنانی که در تراکتور توپ می زنند لایق پوشیدن پیراهن تیمی که پرشورترین هواداران را دارد، نیستند و این پیراهن برایشان گشاد است. مدیران تیم باید در جذب بازیکنان حساسیت بیشتری نشان دهند. متأسفانه یک سری شعارهای قومیتی هم علیه تراکتور ساخته می شود که همین موضوع این تیم را وارد حاشیه می کند.

● به نظرتان حق بازیکنان شاغل در ایران دریافت مبالغ میلیاردری است؟

به نظرم بازیکنان ما هم به صورت حرفه ای فوتبال بازی می کنند و حق شان است که مبالغ میلیاردری دریافت کنند. برای مثال یک بازیکن قرارداد ۳ ساله چند میلیاردی با یک



خ‌ی‌ها گشاد است!



■ اشکان هوشمند



تیم می‌بندد. این مبلغ به نظر "بزرگ" می‌آید اما با توجه به گرانی‌ها و خرج و مخارج زندگی، مالیاتی که باید پرداخت شود و اتفاقاتی که طی این ۳ سال می‌افتد، دریافت آن معقول است. خیلی از بازیکنان هم که منبع درآمد دیگری ندارند و کل زندگی‌شان همین فوتبال است، فوتبال یکی از رشته‌های ورزشی تماشاگرپسند است. یک بازیکن با کیفیت می‌تواند به تیمش پول تزریق کند، بیننده تلویزیون را زیاد کند و به جامعه انرژی دهد، بنابراین حق دارد که خواهان مبلغ زیادی باشد.

● به پرسپولیس یا استقلال هم علاقه دارید؟

قبل از اینکه تراکتور وارد لیگ شود، من پرسپولیس بودم. علی‌دایی و کریم باقری دوستان من بودند و همین مسئله باعث شد که طرفدار پرسپولیس شوم.

البت‌الآن دوست دارم که تیم‌های شهرستانی هم در بالای جدول قرار بگیرند و قهرمان شوند. برای هر تیم باشگاهی ایرانی که در لیگ قهرمانان آسیا با تیم‌های خارجی بازی کند آرزوی موفقیت می‌کنم و دوست دارم که پیروز از زمین مسابقه خارج شود. طرفدار تیم خارجی خاصی نیستم ولی بازی‌هایشان را تماشا می‌کنم.

در آخر برای همه مردم عزیز کشورم آرزوی سلامتی دارم و امیدوارم هر کجای این کره خاکی که هستند سال خوبی را پشت سر بگذارند.

گفت و گو با کشتی گیری که خالق "جدی می فرمایید ؟" شد

مجدزاده:

"تیلور" از حرف های من ترسیده است!



این ها رو از کجا در آوردم ما ؟!



کشتی آزاد با حریفان خود سرشاخ می شد، طرفدار پیدا کرده و به جایی رسیده که خیلی ها با دیدنش در خیابان با او عکس سلفی می گیرند یا فیلم خود با وی را در فضای مجازی منتشر می کنند. گفت و گویی متفاوت با احمد مجدزاده انجام داده ایم که در زیر می آید. ■ کیوان طباطبایی

چندین هفته پیش بود که آقای در یک برنامه خبری تلویزیون ظاهر شد که با جمله کوتاه خود (جدی می فرمایید ؟) و لبخندش، یک شبه ره صد ساله را طی کرد و در جامعه، به خصوص فضای مجازی معروف شد. احمد مجدزاده، کشتی گیر پیشین تهران که سالهاست به عنوان یک روحانی در حوزه فرهنگ و ورزش فعالیت می کند، در کمتر از چند روز به حدی در فضای مجازی دیده شد که رکوردها را درنوردید. مجدزاده حالا بیشتر از روزگاری که برای دوبنده تیم ملی

● ابتدا خودتان را معرفی کنید.

احمد مجدزاده هستم، متولد ۱۳۴۰ و بچه خیابان نواب و چهارراه سالار.

● چه شد که کشتی گیر شدید؟

حضور در کشتی از مسابقات مدارس رسد. خورده اولین سالی که به عنوان کشتی گیر در مسابقات آموزشگاه حاضر شدم، تیم مدرسه ما در وزن ۵۷ کیلوگرم کشتی گیر نداشتم. در کلاس دستم را بالا بردم و گفتم که کشتی گیر هستم و اسم من وارد لیست تیم مدرسه شد. خدا پدر و مادر معلم ورزش ما را بیامرزد. او برایم دوبنده و کفش کشتی خرید تا در مسابقات شرکت کنم. واقعا قبل از این که نامم در لیست تیم مدرسه نوشته شود، البسه کشتی نداشتم. در اولین حضور در مسابقات کشتی مدارس پنجم شدم. چند نفر از حریفان من در این مسابقات شرکت نکردند. ضمنا دوبنده و کفش های کشتی برایم خیلی بزرگ بود. معلم ورزش ما پس از مسابقات به من گفت: "فکر می کنم تو کشتی بلد نیستی و باید آن را یاد بگیری." بنده خدا مرا برد و در باشگاه کشتی دخیانیات ثبت نام کرد و برایم ساک و البسه ورزشی خرید. مرا به آقایان احمد شیرین زاده و منوچهر گل محمدی، مربیان کشتی باشگاه دخیانیات سپرد. شهریه حضور در باشگاه دخیانیات پنج تومان بود که حقیقتا این مبلغ را نداشتم. فقط یک بار شهریه پرداختم و مابقی را ندادم. یک سال بعد که قهرمان شدم، مرحوم شیرین زاده مربی مان آمد که مدال مرا در مسابقات اهدا کند. به من گفت: "تو شاگرد مایی". خدمت شان عرض کردم: "بله آقا". از همان روز به دست اندر کاران باشگاه گفت که مجدزاده نیاز به پرداخت شهریه ندارد و حضورم در این باشگاه دائمی شد.

● چه عناوینی در مسابقات کشتی آزاد کسب کرده اید؟

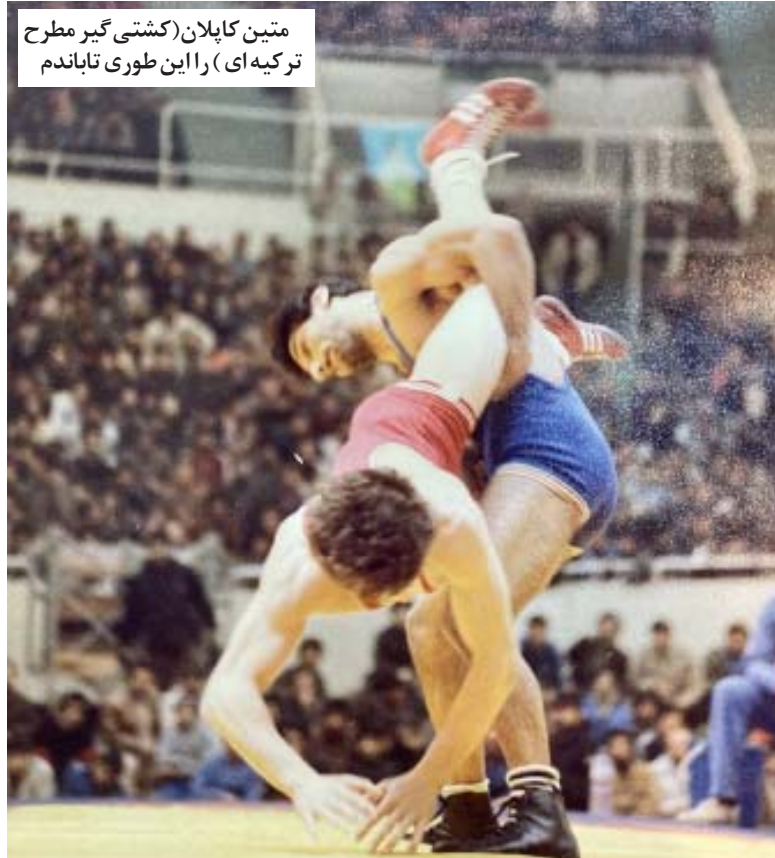
اولین بار در مسابقات انتخابی استان تهران شرکت کردم. در آن دوران مسابقات ابتدا در هر ناحیه برگزار می شد و سپس نفرات منتخب به رقابت های استانی راه پیدا می کردند. حدود ۳۰۰ کشتی گیر در این رقابت ها حاضر بودند. در مسابقه نهایی استان تهران با مرحوم ابراهیم میرزایی، کشتی گیر شاخص آن برهه روی تشک رفتم و دوم شدم. در آن مسابقات توانستم بیشتر کشتی گیران با آتیه تهران را شکست دهم. پس از این رقابت ها هر سال به مسابقات کشوری اعزام می شدم و در اوزان ۵۷ و ۶۲ کیلوگرم کشتی می گرفتم. در بیشتر دوره ها فینالیست بودم. یک

دوره هم برای انتخابی تیم ملی در کرمانشاه آقای مسعودنیا سرشاخ شدم و نتیجه مسابقه مساوی شد. در آن سالها بارها در انتخابی تیم ملی با برادران صفوی و اکبرنژاد کشتی گرفتم. با محسن کاوه، غلامرضا خلج، اکبر فلاح، حمید غفوریان، احمد رضایی (قهرمان آسیا) و... کشتی می گرفتم. ضمنا یک کشتی گیر در آغاز مسیر خود چند بار می باز و پس از کسب تجربه است که حریفانش را در مسابقات بعدی شکست می دهد. وقتی هم به مرحله پایانی دوران قهرمانی خود می رسد، به علت ضعیف شدن قدرت بدنی به حریفانش می بازد. در آن دوران سه بار محمد کوشکی، کشتی گیر شاخص را بردم. من محمد کوشکی "واقعی" را نبردم، بلکه کوشکی "تمام" شده "را بردم. او تمام شده بود و به این علت به من باخت. امروز نمی توانم بگویم که محمد کوشکی واقعی را بردم، چرا که او هنگامی که با من سرشاخ شد از دوران اوج خود دور شده بود. در آن برهه خیلی ها موفق شدند مرا ببرند، البته روی تشک

کشتی نبردم، بلکه مرا به رستوران و سینما می بردند (می خندد). در مسابقات ارتش ها هم شرکت کردم و دو سال به طور پیاپی قهرمان شدم ولی ما را به مسابقات جهانی ارتش ها به میزبانی کانادا اعزام نکردند. در مسابقات کشتی پهلوانی هم اول شدم. ● از چه سالی وارد حوزه علمیه شدید؟ - از سال ۱۳۶۰ وارد حوزه شدم. ضمنا باید عرض کنم که بنده جزو طلابی بودم که کد داشتم و می توانستم یک سال از حوزه خارج شوم و دوباره برگردم. پس از یک سال که درس خواندم به علت داشتن کد برای ادامه ورزش قهرمانی از حوزه خارج شدم. گاهی به حوزه سر می زدم ولی حضورم به منظور ادامه تحصیل نبود. وقتی ورزش قهرمانی را کنار گذاشتم دوباره به حوزه برگشتم و در سمرا ادامه دادم.

● از چه برهه ای وارد حوزه مدیریت در بخش فرهنگی شدید؟

- اولین بار توسط آقای زم، رئیس سابق سازمان



متین کاپلان (کشتی گیر مطرح ترکیه ای) را این طوری تاباندم

فرهنگی و هنری شهرداری در فرهنگسرای بهمن به عنوان مسئول ورزش طلاب مشغول به کار شدم. برای طلاب در چند دوره مسابقات ورزشی برگزار کردم. حتی اوایل سال ۱۳۸۰ به شبکه سه می رفتم و یک رشته ورزشی را معرفی می کردم. در همان برهه آقای حجتا... خطیب هم به عنوان رئیس وقت تربیت بدنی تهران به من حکم مسئولیت ورزش طلاب را داد. من برای طلاب ورزشکار در حوزه ها کارت عضویت صادر می کردم تا آنها از امکانات ورزشی تهران استفاده کنند. پس از مدتی مشاور ارشد آقای خطیب شدم و به همراه ایشان به باشگاه پرسپولیس رفتم. البته شرایط کار در پرسپولیس مهیا نبود و حضورم در باشگاه کوتاه بود. بعد به دبیرستان ورزش رفتم. سپس به عنوان قائم مقام اجرایی به ستاد امر به معروف و نهی از منکر رفتم و سه سال آنجا بودم.

● در فدراسیون کشتی هم فعالیت فرهنگی داشتید؟

- در دوره مسئولیت حاج آقا طالقانی در کشتی فعال شدم. ایشان استاد مادر کشتی بود و من با دستور حاج آقا طالقانی به فدراسیون کشتی رفتم. تاکید می کنم آقای طالقانی به من دستور داد که به فدراسیون کشتی بروم. وقتی آقای طالقانی از کشتی رفت و حاج آقا یزدانی خرم رئیس فدراسیون شد، بنده بنا به دعوت آقای یزدانی خرم که بچه محل مان بود، دوباره در فدراسیون کشتی فعال شدم. مدت زیادی در خدمت ایشان بودم که با اصرار خودم از فدراسیون کشتی جدا شدم. البته حاج آقا یزدانی از دست من ناراحت شد و توقع نداشتم که از کشتی بروم. در حال حاضر سمتی در فدراسیون کشتی ندارم. آقای علیرضا دبیر، رئیس کارآمد فدراسیون کشتی را خیلی دوست دارم و با ایشان رفیق هستم.

● الان باز نشسته هستید؟

- خیر، ولی دوستان شرایطی ایجاد کردند تا بنده بالا جبار باز نشسته شوم! تصور نمی کردم پس از تغییر و تحولات در بخش فرهنگی شهرداری توسط دوستانی که همفکر من بودند، روزی روزگاری مرا کنار بگذارند و اشخاص صفر کیلومتری را به جای من به عنوان مسئول فرهنگی به کار بگیرند، افرادی که تا همین دیروز پشت نیمکت مدرسه نشسته بودند! کار فرهنگی سخت است. هدایت یک سازمان وسیع کار فردی نیست که تا دیروز پشت نیمکت مدرسه بوده است! بنده مسبب تمامی این تغییرات و اتفاقات را آقای زاکانی، شهردار تهران می دانم. آقای زاکانی یک

فرد باتقوا، خوب، انقلابی و متخصص پزشکی هسته ای است اما نمی تواند شهرداری پایتخت را اداره کند. در حال حاضر شهرداری در بدترین دوران خود به سر می برد. سازمان های مربوطه شهرداری نیز وضعیت مناسبی ندارند. الان بنده را با بهترین رزومه کاری کنار گذاشته و در یک اتاق نشاندند و می گویند: " شما فقط حقوق تان را بگیرید و کاری نداشته باشید." خدمت شان گفتم: " چرا مرا کنار گذاشتید؟" گفتند: " شما زیاد مدیر بودی!" الان بنده به عنوان یک کارشناس فرهنگی هیچ سمتی ندارم و بنا به تصمیم آقایان فقط نشسته ام! بنده از رفتار و تصمیم گرفته شده ناراحت هستم ولی از آنجا که نظام، رهبری و انقلاب را دوست دارم به آنها احترام می گذارم و روزگار را می گذرانم.

● تا همین چند هفته پیش حرفی از جناب عالی نبود تا این که در یک برنامه تلویزیونی حاضر شدید و در یک مناظره به عنوان کارشناس از جمله "جدی می فرمایید؟" استفاده کردید که بیان این جمله با لحن جناب عالی و خنده قابل توجه تان خیلی زود در فضای مجازی فراگیر شد و از طرفی نام شمارا بر سر زبان ها انداخت و بهتر است بگوئیم یکباره در فضای مجازی معروف شدید.

- بنده شوخ طبع هستم. من در حوزه یاد گرفته ام که با دیگران خوشرو باشم. افرادی که مسائل را به شکل طنز بیان می کنند، جدی ترین افراد هستند. در آن برنامه تلویزیونی هنگامی که آقای درودگر در جواب من حرفی زد، خنده ای کردم که تحقیرآمیز نبود. من با همان "جدی می فرمایید؟" و خنده ام جلسه را به تأیید دوستان مدیریت کردم. ضمناً تا کنون هفت ورزشگاه را در اروپا مثل یوهان کرایف هلند، شالکه صفر چهار آلمان، دانمارک و ... پیدا کرده ام که نوشیدنی الکلی را از کارخانه با لوله های قطور به ورزشگاه می رسانند تا به تماشاگران بفروشند و آنان پس از مصرف آن با حالت افتضاح ورزشگاه را ترک می کنند. این ادعای من توسط یک سایت معتبر تأیید شد. البته آقای درودگر قبول نمی کرد. ضمناً پس از برنامه که با آقای درودگر خدا حافظی کردم، اولین تلفنی که به من شد از طرف پژمان در ستکار، سرمربی سابق تیم ملی کشتی آزاد بود. آقای در ستکار به من گفت: " حاج آقا، از دو کلمه ای که در برنامه امشب بیان کردی خیلی خوشم آمد، به خصوص از "جدی می فرمایید؟" خیلی خوشم آمد. "پژمان به من گفت: " حاج آقا، لاتی شو پر کردی." البته بنده در جنوب شهر بزرگ شده ام اما هیچگاه به دنبال این رفتارها نبودم. همچنین بسیاری از همشهریان طی هفته های اخیر هر جا بنده را دیده اند گفته اند "جدی می فرمایید؟" و از این رو شاد شدند. همین که مردم در این اوضاع اقتصادی با تکیه کلام من شاد می شوند، خدا را شاکرم. البته این موارد نباید از دایره ادب خارج شود.

● فیلم های کوتاهی از جناب عالی در فضای مجازی منتشر شده که مردم در حال صحبت با شما هستند. مثلاً آقای قبل از انتخابات اخیر از شما درباره مشارکت مردم سوال کرد که شما گفتید: "جدی می فرمایید؟" و بعد زیر خنده زدید.

- چند روز پس از برنامه هر روز صبح که در خانه مان را باز می کردم، می دیدم چند نفر موبایل به دست منتظرم هستند تا با من عکس و فیلم بگیرند و من هم با خوشرویی با آنها که اکثرشان جوان بودند رفتار می کردم. یک بار در اتوبان مشغول رانندگی بودم که آقای شروع کرد به بوق زدن و از من خواست که کنار اتوبان توقف کنم. این آقا از ماشین خود پیاده شد و با موبایل خود از من عکس گرفت و ابراز محبت کرد. از این موارد در روزهای اخیر بسیار بوده است.

● درباره مبارزه حسن یزدانی و دیوید

تیلور هم جمله ای خبرساز مطرح کردید. برای موفقیت حسن یزدانی، آزادکار شاخص کشورمان در مبارزه با تیلور آمریکایی در المپیک پاریس برنامه ای دارید؟

- حسن یزدانی کشتی گیر بزرگی است و ۹۰ مدال جهانی و المپیک دارد. یزدانی پهلوان است. من در برنامه تلویزیونی "برمودا" ادعایی کردم اما فقط ۲۰ درصدش را گفتم. البته تیلور پس از صحبت های من در فضای مجازی واکنش نشان داد. همین که واکنش نشان داده یعنی ترسیده است و فهمیده که من درست می گویم. من چند فن و تکنیک را می شناسم که می تواند یزدانی را برابر تیلور برنده کند. اگر ایشان دوست داشته باشد در یک جلسه تمرینی، به وی راهکار شکست تیلور را می گویم. یکی دو فن را به یزدانی می گویم تا در همان ابتدا حریفش را خاک کند و چهار امتیاز از او بگیرد. امسال شک نکنید که باراهکار من، مدال طلای المپیک مال ایران است.

● خاطره ای از دوران ورزشی خود تعریف می کنید؟

- یک بار من و برادرم در مسابقات انتخابی

کشتی آزاد تهران در دهه ۶۰ به هم خوردیم. من و کیوان هر دو در وزن ۶۲ کیلوگرم کشتی می گرفتیم. ما مدتها با هم قهر بودیم و حساسی هم برای همدیگر کمری خوانی می کردیم. وقتی زمان مسابقه شد از طرف برادرم پیغام آوردند که قصد ندارم روی تشک بیایم و اگر هم بیایم می خواهد دست مرا به عنوان نفر برنده بلند کند و خلاصه به احترام برادری کشتی نگیرد. کیوان ما خیلی بامعرفت است. وقتی پیغام داداشم را شنیدم گفتم: "به کیوان بگوئید بیاید با من کشتی بگیرد. من و کیوان روی تشک آمدیم و یک کشتی دیدنی گرفتیم اما هر دویمان، سه اخطاره شدیم. خیلی هاباور نمی کردند که من و کیوان این چنین باهم سرشاخ شویم.

● دوران شهرت را چطور پشت سر می گذارید؟

- مردم لطف دارند. چند روز پیش در کرج برای خرید از خانه بیرون رفتم. در یک کوچه توسط جوانان و نوجوانان غافلگیر شدم. یکدفعه دیدم همه مرا می شناسند و باتک تک عزیزان سلفی گرفتند. یا چندروز پیش با ماشین در خیابان بودم که دیدم

یک آقای سرش را داخل ماشینم کرد و پس از احوالپرسی با من عکس گرفت. وقتی در خیابان مشغول رانندگی هستم همه برایم دست تکان می دهند یا سلام می کنند. البته خوشحالم که مردم در این روزها که اوضاع اقتصادی خوب نیست با دیدن من کمی خوشحال می شوند.

● طی روزهای گذشته برخی در فضای مجازی با استفاده از جمله شما و نیز قرار دادن تصویر سرتان روی بدن خود به تبلیغات پرداخته اند؛ از این بابت دلخوری ندارید؟

- خیر، حلال شان باشد. خوشحالم که عاملی برای رونق کسب و کار آنها شدم.

● اگر الان کشتی گیر بودید، دوست داشتید با کدام حریف روی تشک بروید؟

- دوست داشتم بار حمان عموزاد کشتی می گرفتم. او کشتی گیر خوبی است. البته زمانی که رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی بود یک بار به اردوی تیم ملی کشتی آزاد رفتم و بایکی از ملی پوشان سرشاخ شدم و چند امتیاز از او گرفتم. آقا رسول گفت، شما با فخرمان جهان کشتی گرفتی و اینکه این آقای نقره و برنز جهانی دارد.





■ فرهاد طلوع کیان

از ورزش چه می‌خواهیم؟ برای ورزش چه کنیم؟

حواسمان هست که در همه موضوعاتی که بالاتر اشاره شد، سالهاست دائماضعیف‌تر از گذشته می‌شویم؟! این که امید به آینده داریم و تلاش می‌کنیم و موفقیت‌های موردی و مقطعی هم حاصل می‌شود، طبیعی است ولی همه واقعیت‌ها را باید باهم ببینیم.

امروز در راس ورزش کشور، مدیران با سابقه ورزشی همچون کیومرث هاشمی و محمود خسروی وفا نشسته‌اند که مسائل ورزش را درک می‌کنند و به ورزش حساسیت دارند. چه خوب که غیرورزشی‌ها در راس ورزش نیستند. این نعمت است ولی کافی نیست. انقدر ضعیف شده ایم که خیلی بیش از گذشته، نیاز به حساس کردن و کمک‌های مسئولان ارشد کشور داریم. یادمان باشد ورزش نزد رهبری و روسای قوا مشکل ندارد ولی از این سطح به پایین، مشکلات متعددی داریم که کمک همه اعضای جامعه ورزش را هم می‌طلبد. خودزنی اعضای جامعه ورزش نقش موثر منفی در این فرایند ایفا می‌کند که باید از این ماجراها فاصله گرفت. به عنوان نمونه، بخش اعظمی از دخالت نمایندگان مجلس و شوراها و دست‌اندرکاران نهادهای مختلف در اداره ورزش به واسطه ورزشی‌ها و تامین منافع غیرملی رقم می‌خورد که بزرگترین آفت مدیریت ورزش است. ورزشی‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه طی سال‌های گذشته، قایقی که داخلش نشسته‌اند را سوراخ کرده‌اند و این روند هر روز هم بدتر از دیروز می‌شود.

انسجام اهالی ورزش یک ضرورت برای پیشرفت و توسعه است. ضروریست که همه اهالی ورزش در همه سطوح برای اهداف کلانی که همگان از آن منتفع می‌شوند، منسجم باشند. وجود سلاخی مختلف آسیب‌نمی‌زند حتی به رشد منجر می‌شود به شرطی که در کلیات، یدواحد باشیم. به امید آنکه در اسرع وقت، نسخه‌های مساله محور (قتحشج غزهمخج) برای موضوعات مبتلا به داشتن ورزش قوی ترسیم شود و همه اجزای کشور در راستای منافع ملی به تحقق این امر کمک کنند.

نشریه قدیمی کیهان ورزشی در سال پیش رو به سال هفتادم انتشار خود نزدیک خواهد شد و همه ما این اتفاق را جشن خواهیم گرفت لذا فرصت است متناسب با شان و وزانت این کهن مطبوعه ورزش کشور که خاطرات چندنسل را تداعی می‌کند، برخی درد دل‌های چندده ساله کلان ورزش را هم مرور کنیم.

سال‌هاست که ورزش در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی برای بسیاری از کشورها من جمله کشور خودمان یک مقوله استراتژیک محسوب می‌شود. اما متأسفانه چنین درکی از موضوع، کمتر میان مسئولان ارشد کشور وجود داشته و دارد. این قضاوت وقتی شکل واقعیت به خود می‌گیرد که ورزش در تصمیمات کلان جدی گرفته نمی‌شود. به عنوان مثال وضع مالیات بر ورزش، کمبود تخصیص بودجه به زیرساخت‌ها و امور جاری، وضعیت پاداش و معیشت قهرمانان، محتوای اساسنامه‌ها، قوانین و مقررات باشگاهداری و ... نمونه‌های متعددی از اثبات این مدعا هستند. متأسفانه تنها حامی واقعی ورزش طی تمام این سال‌ها، رهبری بوده که انصافاً درک بالایی از اهمیت ورزش داشته و همین حمایت‌هایی که تاکنون داشته‌ایم از صدفه سر وجود ایشان نشأت گرفته است. آنگونه که ورزش برای کشورمان می‌تواند در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... کارکرد داشته باشد، از طرف مجلس و دولت در دوره‌های مختلف، عملیات کلان چندجانبه شایسته‌ای دیده نشده است. به بیان بهتر، اساساً هنوز نمی‌دانیم از ورزش چه می‌خواهیم. همه چیز پراکنده است و اسیر روزمرگی. یک روز از ورزش، مدال می‌خواهیم. یک روز، دنبال فرهنگ هستیم. یک روز، توقع اقتصادی داریم، یک روز خواهان بهره‌برداری سیاسی می‌شویم. یک روز، پیگیر سلامت مردم هستیم و ... خلاصه که همه این‌ها را مقطعی و متناسب با وضعیت روز می‌خواهیم! ولی برنامه‌های مشخص بلندمدتی برای رسیدن به این اهداف نداریم و نمی‌دانیم چه کارهایی باید انجام دهیم تا به نتیجه برسیم. تا کی می‌خواهیم به این روال ادامه دهیم؟!



گفت و گویا «فرزانه فصیحی»، سریع ترین بانوی ایران

سال خوبم خراب شد!



فرزانه فصیحی، دونده سرعتی تیم ملی دو و میدانی در سال ۱۴۰۲ به عناوین ارزشمندی دست یافت. سریع ترین بانوی ایران در زمستان امسال موفق شد در ماده ۶۰ متر مسابقات داخل سالن آسیا به میزبانی کشورمان، مدال طلا را به ویتترین افتخار آتش اضافه کند.

■ کیوان طباطبایی

او ملی پوشی از نصف جهان است که امسال به یکی از پرافتخارترین بانوان "ورزش مادر" کشور بدل شد، هر چند که فرصت حضور در مسابقات جهانی داخل سالن را به علت سهل انگاری فدراسیون دوومیدانی از دست داد و سال خوبش را خراب کردند.

فرزانه فصیحی در روزگاری که شور و شوق خود را به علت جاماندن از مسابقات جهانی داخل سالن از دست داده بود، با کیهان ورزشی همکلام شد و البته تأثیری مستقیم روی فضای این گفت و گو گذاشت.

● سال ۱۴۰۲ چطور گذشت؟

خدا را شکر می کنم. هم روزهای خوبی برایم داشت و هم روزهای بد! در مجموع عالی بود. در سال ۱۴۰۲ موفق شدم دو مدال خوش رنگ آسیایی را به دست بیاورم. سهمیه ورودی مسابقات قهرمانی جهان را کسب کردم و الان هم به سهمیه ورودی المپیک پاریس فکر می کنم. امیدوارم در مسابقات مهم پیش رو بتوانم باز هم برای کشورم افتخار آفرین باشم.

● کسب مدال طلای مسابقات داخل سالن آسیا به میزبانی تهران در امسال حاصل چه عواملی بود؟

من جایگاهم را در دوومیدانی آسیا پیدا کرده ام و دیگر راه کسب موفقیت را بلد شده ام. خوشبختانه مدال طلای مسابقات داخل سالن آسیا دومین مدال متوالی من در امسال بود و دوست داشتم سال خوبم را با حضور در مسابقات داخل سالن قهرمانی جهان به پایان برسانم که متأسفانه قسمت نشد و سال خوبم خراب شد.

● امسال برای ورزش قهرمانی چه قدر از جیب خود هزینه کرده اید؟

حقیقتاً اعلام مبالغ هزینه ها کمکی نمی کند و مشخصاً به اهداف ورزشی ام فکر می کنم ولی مبلغی که برای هزینه های ورزش قهرمانی یک ورزشکار از سوی نهادهای ورزشی در نظر گرفته می شود، یک بیستم مبلغ هزینه های یک ورزشکار حرفه ای است. مبلغ در نظر گرفته شده نیازهای یک ورزشکار حرفه ای را تأمین نمی کند و ما همیشه درگیر این مسائل هستیم. امیدوارم در این خصوص تجدیدنظر شود.

● سالهاست که با هزینه شخصی در مسابقات خارج از کشور حاضر می شوید. آیا فدراسیون دوومیدانی از شما حمایت مالی می کند؟

فدراسیون دوومیدانی در ۴ سال گذشته تاکنون ۷ رئیس را به خود دیده است. به عبارتی دیگر در ۴ سال گذشته ۷ رئیس به فدراسیون آمدند و سپس رفتند. نمی دانم چطوری است که یک رئیس به فدراسیون دوومیدانی می آید و تا می خواهد کاری اساسی انجام دهد یکباره تغییر می کند و جای خود را به رئیس بعدی می دهد! اصلاً ما هیچگاه متوجه این آمد و رفت های مدیران در فدراسیون دوومیدانی نشدیم که بخواهیم به حمایت فدراسیون از ورزشکارها فکر کنیم!

● درباره حمایت خانواده و نقش همسران در

موفقیت های اخیر صحبت کنید.

اگر یک ورزشکار حرفه ای در سطحی که من فعالیت می کنم بخواهد به قله های موفقیت خود برسد حداقل به ۱۰ نفر به عنوان دست اندر کار نیاز دارد تا کارهای خود را انجام دهد. الان همسر من به تنهایی تمامی کارهای مربوطه را انجام می دهد که نتایجش را در ماه های گذشته دیده ایم. خانواده همیشه از من حمایت کرده اند. اعضای خانواده ام قبل از از دوایم نیز بزرگترین حامی ام بودند که جادار از تک تک آنها تشکر کنم. ● امسال با کسب مدال طلا در بازی های داخل سالن آسیا به دوومیدانی عیدی دادید اما فدراسیون شما را به مسابقات جهانی داخل سالن اعزام نکرد. وقتی سهمیه شما سوخت چه حالی داشتید و الان چه حرفی در این خصوص دارید؟

روزهای سختی را پشت سر می گذارم. خیلی طول کشید تا با اعزام نشدنم به مسابقات قهرمانی داخل سالن جهان کنار بیایم ولی دیگر این مسئله برایم تمام شده و به آن فکر نمی کنم. نکته ای که در روزهای اخیر به من روحیه داد و خوشحالم کرد، حضور گرم و همه جانبه مردم در کنارم بود. مردم همیشه در روزهای سخت کنارم بوده اند و به تک تک شان افتخار می کنم.

● روزی چند ساعت تمرین می کنید؟

در حال حاضر روزی دو نوبت تمرین می کنم. البته روزی ۵ الی ۶ ساعت مشغول تمرینات تخصصی هستم.

● مهم ترین رقیب شما در دوهای سرعت کیست؟ هر چند که اکنون باتجربه ترین دونده دوهای سرعت ایران هستید.

تمام تلاش خود را می کنم و امیدوارم در ادامه فعالیت ورزشی خود بهترین عملکرد را در رقابت های داخلی و خارجی داشته باشم.

هدفم کسب موفقیت است و این که بتوانم در مسابقات داخلی و خارجی دل مردم را شاد کنم. ضمناً خانم حمیده اسماعیل نژاد، دونده سرعتی در سال گذشته عملکرد فوق العاده ای داشت. امیدوارم او به همین روند ادامه دهد و برایش آرزوی موفقیت می کنم.

● لقب "دختر باد" چقدر به شما انگیزه می دهد؟

من زیاد به این لقب فکر نمی کنم و به دنبال این صحبت ها نیستم. من بیشتر برای "فرزانه فصیحی" یعنی نام و نام خانوادگی خودم تلاش کرده ام. وقتی اسم خودم به عنوان یک برنده و ورزشکار موفق مطرح می شود، انگیزه ام برای کسب موفقیت دوچندان می شود.

● چه موانعی برای کسب موفقیت بر سر راهتان است؟

موانع زیادی در مسیرم وجود دارد اما من طوری تعلیم و تربیت شده ام که به مسیرم ادامه دهم و با وجود موانع متوقف نشوم. یاد گرفته ام که از موانع بر سر راهم عبور کنم.

● در جریان رقابت های ترکیه، رکورد ملی ماده ۱۰۰ متر زنان ایران را پس از هشت سال شکستید.

در این باره صحبت کنید. حس خیلی خوبی بود. چندبار به رکورد ملی ۱۰۰ متر حمله کرده بودم اما هر بار بنا به دلایلی نشد. در نهایت با تلاش بیشتر موفق شدم از رکورد ملی عبور کنم.

● در پایان صحبتی مانده است؟

از رسانه قدیمی کیهان ورزشی بابت توجه به رشته دوومیدانی و عملکرد ورزشکاران تشکر می کنم و پیشاپیش ضمن تبریک سال نو برای شما و همکاران تان آرزوی موفقیت دارم.



پرونده‌ای برای لیگ برتر فوتبال ایران

■ سعید حاجی بابایی

شوک فرانسوی به استقلال و برزیلی شدن پرسپولیس!

در آخرین مجله سال ۱۴۰۲ نگاهی می‌اندازیم به بیست و سومین دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران - موسوم به جام خلیج فارس - و نکات جالب و تلخ و شیرین دوره اخیر را بررسی می‌کنیم. لیگی که هفته بیست و یکم آن سپری شده و ۹ هفته از آن باقیست و... وقتی در شامگاه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲، پرونده چهل و یکمین دوره رقابت‌های لیگ سری فوتبال ایران که بیست و دومین دوره از لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران هم محسوب می‌شد، با قهرمانی تیم پرسپولیس تهران بسته شد، حرکت به سوی جام بیست و سوم شروع شد. در دوره بیست و دوم لیگ حرفه‌ای، دستیابی قهرمانی برای پرسپولیس اصلاً راحت نبود و این تیم در هفته آخر توانست قهرمانی‌اش را مسجل کند. پرسپولیس در طول فصل با تیم‌های استقلال تهران و سپاهان اصفهان، رقابت سخت و نزدیکی داشت و در نهایت توانست از رقابت میلی‌متری با این دو تیم جان سالم به در ببرد و با ۶۶ امتیاز بر بام فوتبال ایران بایستد. پرسپولیس با احتساب قهرمانی آخرش در لیگ برتر، ۱۵ جام قهرمانی لیگ ایران را در ویتترین افتخار آتش می‌بیند، ۱۵ جامی که در لیگ منطقه‌ای در سال ۱۳۵۰، لیگ تخت جمشید در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴، لیگ آزادگان در سال‌های ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ و لیگ برتر در سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۶، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ کسب کرد.

شکست داد و همزمان با جام حذفی، صاحب‌سوپر جام هم شد. ۲۳ آذر، شهرآورد دور رفت لیگ بیست و سوم برگزار شد، مسابقه‌ای که با نتیجه ۱-۱ خاتمه یافت و ضمن تلاطم صحنه‌نمایی تیم استقلال شد. ۲۳ اسفند هم شهرآورد دور برگشت انجام شد، مسابقه‌ای که نتیجه‌اش در قهرمانی پایان فصل، تأثیر به‌سزایی خواهد داشت و... در شهرآورد‌های رفت و برگشت لیگ بیست و سوم، از کمک‌داور ویدئویی برای اولین بار در لیگ ایران استفاده شد. در واقع مسئولان فوتبال ایران با کسب اجازه از کنفدراسیون فوتبال آسیا، از تجهیزاتی که برای بازی النصر و پرسپولیس به ایران آورده شده بود استفاده کردند. ۲۳ آذر از کمک‌داور ویدئویی - وی‌ای آر - برای اولین بار در یکی از مسابقات باشگاهی فوتبال ایران استفاده شد. موعود بنیادی فر داور این مسابقه، ۴ بار برای مرور صحنه‌ها با مونیتر کنار زمین مراجعه کرد و در آخرین دقایق، مهمترین تصمیم بازی را گرفت و به نفع تیم استقلال اعلام پنالتی کرد. ضربه‌ای که یامگای سیه‌چرده و فرانسوی آن را گل کرد تا استقلال از شکست ۱ بر صفر فرار و باتساوی ۱-۱ میدان را ترک کند.

شوکی یامگا به استقلال

در تعطیلات نیم‌فصل که تیم‌ها خودشان را برای دور برگشت آماده می‌کردند، یک خبر تلخ، جامعه ورزش را شوکه کرد. خبر این بود: یامگا نابینا شد. داستان از این قرار بود که در یکی از تمرینات آماده سازی تیم استقلال، امید حامدی فر تکی‌راز که در ادامه آن میخ‌استوک‌های او به چشمان یامگا آسیب وارد کرد. اوایل به‌نظر می‌رسید که یامگاییابی خودش را از دست داده و باید چشم‌چپش را تخلیه کند اما در روزهای بعد این خبر تلخ‌تفیف پیدا کرد و خبرهای تکمیلی حاکی از چندمرحله عمل جراحی برای روی چشم یامگا بود. چهار عمل جراحی روی چشم سمت چپ یامگا صورت گرفت تا ۳۰ درصد از بینایی این چشم‌وی باز گردد. یامگا با نظر قطعی پزشکان حداقل ۶ ماه از میادین دور خواهد ماند و به همین سبب نامش از لیست نفرات تیم استقلال در نیم‌فصل دوم خط خورد. البته برخی از پزشکان نظر داده‌اند که شاید یامگا مجبور شود تا برای همیشه از فوتبال جدا شود.

پرسپولیس، برزیلی‌شد

پرسپولیس در دور رفت، سوم شد. این تیم با هادی یحیی گل محمدی، فراز و نشیب‌های زیادی را سپری کرد. حواشی زیاد این تیم، باعث شد تا یحیی در نیم فصل دوم قید حضور در تیم پرسپولیس را بعد از ۵ سال بزند. گل محمدی در نیم‌فصل اول، ۳ بار استعفا داد تا با جمع استعفاهای قبلی - شاید ۱۰ استعفادر ۵ سال - مرد استعفاها لقب بگیرد. وقتی یحیی در دی ماه ۱۴۰۲ استعفا کرد، به‌نظر می‌رسید که این استعفا او این بار هم تاکتیکی و صوری است، اما تصمیم گل محمدی برای جدایی قطعی بود و او رفت. برای جانشینی یحیی گل محمدی، نام‌هایی مثل

این سنگربان پرافتخار برای هر تیمی مهم‌ور و حیه‌آور محسوب می‌شود. طی ۴۸ ساعت، در رسانه‌ها عنوان شد که بیرانوند پیشنهاد ۱۸ میلیاردی پرسپولیس را رد کرده و به پیشنهاد ۱۵۰ میلیاردی استقلال برای دو فصل پاسخ مثبت داده است. این اخبار، ناراحتی و سرخوردگی هواداران پرسپولیس را به همراه داشت و آنها در تجمعات اعتراض آمیز خود در مقابل درب باشگاه، خواهان بازگشت بیرانوند و برکناری درویش، مدیرعامل پرسپولیس شدند و... اما پس از چند روز بیرانوند پای میز مذاکره با پرسپولیس نشست و قرارداد ۲۸ میلیارد تومانی را امضا کرد. اینکه سنگربان ملی پوش کشورمان از ۱۵۰ میلیارد پول گذشته و به ۲۸ میلیارد تومان قناعت کرده، مسئله‌ای بود که نه هواداران پرسپولیس آن را باور کردند و نه هواداران استقلال. به هر صورت اما بیرو سرخوش باقی ماند تا خیال هواداران پرسپولیس از قفس توری این تیم راحت شود. بعد از اینکه بحث استقالی شدن بیرانوند مطرح شد، خیلی از پیشکسوتان پرسپولیس مثل علی پروین و وحید امیری باز یکن فعلی این باشگاه، به عنوان مشاور، دور و بر بیرانوند را گرفتند و ذهن او را به سمت پرسپولیس سوق دادند تا او قید حضور در استقلال را بزند. بیرو که از چنگی استقالی بوده و در گذشته بارها از آرزوهایش برای پیوستن به استقلال گفته بود اما در پرسپولیس باقی ماند تا به سر نوشت یاغی مثل مهدی هاشمی نسب دچار نشود.

نمره قبولی به بازیکنان خارجی

هر چه قدر مریدان خارجی در لیگ بیست و سوم، معمولی و پایین‌تر از معمولی بودند، بازیکنان خارجی اما بهتر از هر دوره‌ای ظاهر شدند و نمره قبولی گرفتند. در بین خارجی‌ها، عملکرد خارجی‌های باشگاه استقلال تهران از بقیه بهتر بود. بلانکو، یامگا، ماشا ریوف و سیلوا از کشورهای آرژانتین، فرانسه، ازبکستان و برزیل در ترکیب تیم استقلال خوش درخشیدند و امتیازات زیادی را برای این تیم به‌ار مغان آوردند. خارجی‌های تراکتور هم در سطح بالایی ظاهر شدند. از صفاهادی عراقی تاریک‌دار و آلوژ پرتهالی. ریکار دو ملقب به ریکی که فصل قبل، آقای پاس گلها شده بود، در لیگ امسال هم پشت‌تاز این جدول است و به احتمال زیاد در پایان لیگ بیست و سوم هم باید لقب بهترین پاسور لیگ را مجدداً به‌وی بدھیم. در نیم فصل دوم هم پرسپولیس دو بازیکن خارجی با کیفیت را جذب کرد. اورونوف از بکستانی و عبدالکریم حسن ملی پوش سابق قطری به پرسپولیس پیوستند.

"وی‌ای آر": خوب، بد، زشت!

در سال ۱۴۰۲، چهار شهرآورد برگزار شد. در فروردین ماه، شهرآورد دور برگشت لیگ بیست و دوم برگزار شد که در آن تیم پرسپولیس با یک گل برنده شد و به صدر جدول بازبها صعود کرد و در مسیر قهرمانی قرار گرفت. در خرداد ماه، پرسپولیس این بار در فینال جام حذفی، استقلال را با نتیجه ۲ بر ۱



سپاهان و تراکتور، ستاره‌بران شدند

در فصل نقل و انتقالات تابستانی، باشگاه‌های سپاهان اصفهان و تراکتور تبریز، بیشترین ریخت و پاش‌ها را کردند و بعد از آنها پرسپولیس تهران و گل گهر سیرجان از بقیه پرکارتر بودند. مهمترین نقل و انتقالات تابستانی اینها بودند: کاوه رضایی و عیسی آل‌کثیر به سپاهان اصفهان پیوستند. مهر داد محمدی و آرمین سهرابی‌ان به استقلال تهران ملحق شدند. محمدحسین کنعانی زادگان و شهاب زاهدی راهی پرسپولیس تهران شدند. شجاع خلیل‌زاده و امیرحسین حسین‌زاده به تراکتور تبریز پیوستند و سامان فلاح و محسن فروزان گل گهری شدند. در نقل و انتقالات نیم فصل هم شاهد جابجایی‌های زیادی بودیم که بازگشت عیسی آل‌کثیر به پرسپولیس و جدایی شهاب زاهدی از پرسپولیس و پیوستن‌اش به لیگ ژاپن، استقالی شدن جلال الدین ماشا ریوف، کاپیتان تیم ملی ازبکستان و پرسپولیسی شدن اورونوف ازبک به پرسپولیس و همچنین بازگشت سیلوا برزیلی به استقلال پس از ۶ ماه، از جابجایی‌های مهم بودند.

"بیرو" شهر را به هم ریخت!

صبح دوازدهم تیرماه، خبرگزاری‌های معتبر کشور، خبر استقالی شدن علیرضا بیرانوند را رسانه‌ای کردند. چند ساعت بعد هم عکس‌هایی از حضور بیرانوند در جلسه با حجت کریمی مدیرعامل وقت باشگاه استقلال و دیگر مدیران این باشگاه منتشر شد و سرو صداهای زیادی را بر پا کرد. بیرانوند که بدون شک، یکی از بهترین دروازه‌بانان تاریخ فوتبال ایران است، عامل اصلی موفقیت‌های چند سال اخیر باشگاه پرسپولیس محسوب می‌شود. در واقع در ۷ سال اخیر، هر تیمی که بیرانوند دروازه‌بان‌ش بوده - منظور تیم پرسپولیس - قهرمان لیگ لقب گرفته و بیشترین جام‌ها را تصاحب کرده است. بنابراین جذب

«نکو»، سخت به استقلال رسید

فصل نقل و انتقالات لیگ بیست و سوم حرفه‌ای فوتبال ایران پرشورتر از هر دوره‌ای دنبال شد. مهمترین جابجایی روی نیمکت‌ها متعلق بود به نیمکت تیم استقلال بود که سایننوی پرتهالی و پرلشیه، جای خود را به جواد نکونام داد. نکونام چهره شناخته‌شده و محبوبی در فوتبال ایران است. او سالها کاپیتان تیم ملی بوده و ۲ دوره در جام جهانی بازی کرده است. نکوسال ۱۳۹۱ پس از سالها حضور در لالیگای اسپانیا، به استقلال آمد و خیلی زود محبوب هواداران این تیم شد. نکونام از بچگی هوادار تیم استقلال بوده و همیشه در مصاحبه‌هایش گفته بود که از ویش پوشیدن پیراهن تیم استقلال است. نکو که در سالهای پایانی فوتبالش بود، برنامه‌های خودش را جوری تنظیم کرد که سالهای آخر فوتبالش را در استقلال سپری کند و شروع مربیگری، روی نیمکت مربیگری تیم محبوب‌اش بنشیند. نقشه نکو اما جور در نیامد و او در اواسط سال ۱۳۹۲ به دلیل برخی اختلافات با سرمربی وقت این تیم - قلعه نویی - استقلال را ترک کرد و آخرین سال بازیگری‌اش را در کشور امارات دنبال کرد. نکونام مربیگری را با تیم خونه‌به‌خونه بابل شروع کرد و در ادامه برای تیمهای نساجی قائمشهر و فولاد خوزستان مربیگری کرد و نهایتاً در شروع فصل ۲۳ لیگ برتر راهی تیم استقلال شد تا به آرزوی دیرینه‌اش برسد. نکو که در دوران مربیگری‌اش، باعث صعود تاریخی تیم نساجی به لیگ برتر و قهرمانی تیم فولاد در دو تورنمنت حذفی و سوپر جام کشور شده بود، از همه تیم‌هایی که در آنها مربیگری کرده، با دلخوری و بدموقع جدا شده است. سابقه مربیگری وی نشان داده که مربی صوری نیست و با کوچکترین مشکلی، تیمش را عوض می‌کند! نکونام اما در استقلال فعلاً صوری کرده و با همه مشکلاتی که در این تیم وجود دارد اما پای کار باقی مانده است و ظاهراً این بار قصد پاپس کشیدن ندارد.

برانکو ایوانکوویچ کروات، آنتونیو فرناندز اسپانیایی، پاکو خمس اسپانیایی، دیگو آلونسوی اروگوئه ای، فرانکو فودای اتریشی، دراگان اسکوچیچ کروات و خاویر پریرای اسپانیایی مطرح شدند و درویش مدیرعامل پرسپولیس با این گزینه‌ها مذاکرات زیادی را انجام داد اما درخواست مالی زیاد، باعث شد تا پرسپولیس قید این نفرات را بزند و اوسمار ویرای برزیلی - دستیار اول یحیی گل محمدی - را به عنوان سرمربی جدید خود معرفی کند. اوسمار ۴۸ ساله با سابقه سرمربیگری در تیم‌هایی نظیر اینترناسیونال اروگوئه و کوریتیانس برزیل و سابقه دستیاری در تیم‌هایی نظیر ژوونتود برزیل و فلو مینزه برزیل، ۲ سال در کنار یحیی گل محمدی حضور پیدا کرد و در برنامه‌های تاکتیکی این مربی حضور موفق و فعال داشت. وقتی در نیم فصل دوم یحیی رفت و اوسمار جای وی را گرفت، پرسپولیس جان تازه‌ای گرفت و زیاتر و هجومی‌تر از زمان یحیی در بازی‌ها ظاهر شد. بازی‌های تماشاگرپسند پرسپولیس که در پی بازی‌های تهاجمی این تیم شکل می‌گرفت، باعث شد تا در نیم فصل دوم در مورد پرسپولیس عنوان شود که برزیلی شده است!

مهد فوتبال در بحران

فصل قبل، نفت مسجدسلیمان از دسته برتر به دسته اول سقوط کرد اما با بالا آمدن استقلال خوزستان، ۳ سهمیه استان خوزستان در لیگ برتر حفظ شد. در واقع خوزستان با داشتن ۳ سهمیه بعد از تهران - ۴ سهمیه دارد - در رده دوم قرار گرفت. امسال خوزستان سه تیم فولاد، استقلال خوزستان و صنعت نفت آبادان را دارد که در گذشته از این جمع، ۳ قهرمانی لیگ برتر توسط فولاد و استقلال شکل گرفته بود. خوزستان به عنوان مهد و خاستگاه فوتبال ایران، همواره نقش زیادی در فوتبال باشگاهی و ملی کشور داشته و بیشترین ستاره‌های چنددهه گذشته فوتبال ایران، ریشه خوزستانی داشته‌اند. خوزستانی‌ها اما در لیگ بیست و سوم حال و احوال خوبی ندارند و هر

سه نماینده‌شان در پایین جدول حضور داشته و چه‌بسا در پایان فصل، هر دو تیم سقوط کننده به دسته اول، خوزستانی باشند که در این صورت برای مهد فوتبال ایران باید گریست.

جای خالی مشهد و شیراز

در فصل ۱۴۰۳ - ۱۴۰۲، شهرهای تهران (۴ تیم)، اصفهان (۲ تیم)، اهواز (۲ تیم)، آبادان (۱ تیم)، سیرجان (۱ تیم)، رفسنجان (۱ تیم)، تبریز (۱ تیم)، قائمشهر (۱ تیم)، بندرانزلی (۱ تیم)، اراک (۱ تیم) و قزوین (۱ تیم) در لیگ بیست و سوم حرفه‌ای فوتبال ایران دارند. در این بین جای شهرهای بزرگ و فوتبال خیزی مثل مشهد، شیراز، کرمان و همدان در لیگ برتر خالیست، مخصوصاً مشهد و شیراز که کلان‌شهر هم محسوب می‌شوند و سال‌ها در سطح اول فوتبال ایران تیم‌های بازیکن‌سازی مثل برق، فجرسپاسی، پیام، ابومسلم و پدیده را داشته‌اند.

تخلف شمسی آذر

در اوایل فصل، خبر شکایت باشگاه سایپا تهران از باشگاه شمس آذر قزوین رسانه‌ای و خیلی زود ۶ امتیاز از مجموع امتیازات شمس آذر کسر شد. داستان از این قرار بود که به دنبال شکایت باشگاه سایپا تهران از باشگاه شمس آذر، معلوم شد که شمس آذر فصل قبل در لیگ دسته اول از بازیکنی غیر مجاز استفاده کرده و صعودش به لیگ برتر قانونی نبوده است. طبق ادعای مسئولان سایپا، شمس آذر باید به لیگ دسته اول بازمی‌گشت تا سایپا لیگ برتری شود اما کمیته‌های انضباطی و استیناف بعد از برگزاری جلسات زیاد، نهایتاً تصمیم گرفتند تا شمس آذر در دسته برتر بماند و فقط لیگ برتر را با امتیاز منفی ۶ شروع کند. البته این جریمه بعدها کمتر هم شد و به امتیاز منفی ۳ رسید. سایپایی‌ها هنوز هم به این رای معترض هستند و در برخی مقاطع فدراسیون فوتبال ایران رای تبانی با باشگاه شمس آذر متهم کرده و تهدید کردند که اگر حق آنها داده نشود علیه فدراسیون فوتبال کشور مان



به فیفا شکایت خواهند کرد.

سریع‌ترین گل جام

در هفته دوازدهم، صنعت نفت در آبادان میزبان آلومینیوم بود. وقتی داور سوت شروع بازی را به صدا درآورد، رضاجبیره تویی را در میانه‌های زمین تیم نفت دریافت کرد و آن را به محمدمهدی لطفی سپرد و این بازیکن نیز بایک پاس در عمق، توپ را برای محمدمامین کاظمیان ساخته و پرداخته کرد که این بازیکن با ضربه پای چپ، توپ را از میانه پاهای پیام پارسا عبور داد و اولین گل بازی را به ثمر رساند. شوت کاظمیان در ثانیه ۵۷ مسبقه وارد دروازه شد. تویی که با بوسه زدن بر تور دروازه صنعت نفت، رکورد سریع‌ترین گل این فصل از رقابت‌های لیگ برتر را برای آلومینیوم و کاظمیان به‌ارمغان آورد.

ستاره سوم

قهرمانی در لیگ بیست و سوم برای استقلال‌لی‌ها از نان شب هم واجب‌تر شده است. استقلال که به

سبب ۲ قهرمانی‌اش در جام آسیا، ۲ ستاره طلایی را روی لوگوی باشگاه خود می‌بیند، در صورت قهرمانی در لیگ فعلی فوتبال ایران می‌تواند ستاره سوم را هم نصب کند. طبق قوانین فوتبال ایران، به هر ۱۰ قهرمانی در لیگ، یک ستاره و ۱۰ قهرمانی که در حذفی، یک ستاره تعلق می‌گیرد. استقلال که در سالهای ۱۳۴۹، ۱۳۵۳، ۱۳۷۶، ۱۳۶۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۴، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱ و ۱۴۰۰ روی هم ۹ مرتبه قهرمان لیگ سراسری فوتبال ایران شده، در صورت قهرمانی در لیگ بیست و سوم می‌تواند صاحب ستاره سوم شود. لازم به ذکر است که پرسپولیس، رقیب اصلی استقلال به سبب ۱۰ قهرمانی‌اش در سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۵ در سال ۱۳۹۶، یک ستاره بر روی لوگوی باشگاه خودش نصب کرد. البته قهرمان‌ها در سالهای ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ نیز قهرمان شدند و در صورت کسب ۵ مقام قهرمانی دیگر می‌توانند ستاره دوم را نیز نصب کنند.

کمیته استیناف و آرای عجیب!

پیش از شروع لیگ بیست و سوم، مسئولان فوتبال کشور به جهت اینکه اکثر باشگاه‌های لیگ برتری دولتی هستند و از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، با تعیین سقف بودجه برای باشگاه‌ها، مثلاً جلوی ریخت و پاش باشگاه‌های بزرگ و پرهزینه را گرفتند. کم کردن تعداد بازیکنان تیم‌ها و محدود کردن بودجه باشگاه‌ها، قانونی بود که خوشایند باشگاه‌ها مخصوصاً باشگاه‌های پرطرفدار و پرافتخار نبوده و نخواهد بود، زیرا جلوی ریخت و پاش‌های آنها و خرید بازیکنان زیاد و اسم و رسم دار از سوی این باشگاه‌ها را می‌گیرد. براساس قانون سقف بودجه، تیم‌هایی نظیر استقلال و پرسپولیس، در فصل نقل و انتقالات، بازیکنان زیادی را از دست دادند، بازیکنانی نظیر مهدی قایدی، محمد مجبی، عارف غلامی، مهدی عبدی و... در هفته‌های ابتدایی لیگ، پرونده اکثر باشگاه‌ها توسط کمیته انضباطی فدراسیون مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً از سپاهان ۴ و پرسپولیس یک امتیاز کسر شد. این موضوع با اعتراض شدید این دو باشگاه مواجه شد اما در هفته چهاردهم، به ناگاه خبر بخشش دو باشگاه و بازگشت امتیازات از دست رفته به آنها اعلام شد. این بار تیم‌هایی نظیر آلومینیوم و استقلال به رای جدید معترض شدند و معتقد بودند که نفوذ پرسپولیس و اسپاهانی‌ها در فدراسیون باعث بخشش آنها شده و نوک پیکان اتهام به سوی مهدی تاج رئیس اصفهانی فدراسیون فوتبال که زمانی جزو هیات مدیره دو باشگاه سپاهان و پرسپولیس بوده، نشانه رفت.





صدر جدول چگونه آبی باقی ماند؟

دور رفت لیگ بیست و سوم با صدر نشینی تیم استقلال تهران به پایان رسید. این صدر نشینی در غروب ۱۱ دی بعد از اینکه سپاهان به شمس آذر باخت و پرسپولیس برابر مس رفسنجان به تساوی رسید، قطعی شد. استقلال از ۱۵ هفته ۸ هفته صدر نشین بود. پرسپولیس ۴ و سپاهان هم ۳ هفته صدر نشین بودند. استقلال وقتی که در هفته هفتم صدر جدول را از پرسپولیس گرفت تا آخر نیم فصل صدر نشین باقی ماند. البته در هفته چهاردهم یک اتفاق عجیب افتاد و باعث شد تا استقلال یک هفته از صدر پایین بیاید. داستان از این قرار بود که کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال در اواسط دور رفت، از تیم های سپاهان و پرسپولیس به خاطر رعایت نکردن سقف بودجه و شفاف نبودن پرونده های مالی شان، به ترتیب ۴ و یک امتیاز کسر کرد اما کمیته استیناف در هفته چهاردهم این امتیازات را به سپاهان و پرسپولیس بازگرداند و سپاهان براساس آن ۴ امتیاز توانست در هفته چهاردهم جای استقلال را در صدر جدول بگیرد. طلایی پوشان اصفهانی اما قدر این موقعیت طلایی را ندانستند. آنها بعد از باخت خانگی به تیم آلومینیوم اراک در هفته چهاردهم، در بازی معوقه از هفته ششم برابر تیم گل گهر و بازی هفته پانزدهم برابر شمس آذر قزوین هم نتیجه را واگذار کردند تا بدترین دی ماه تاریخ برای باشگاه سپاهان به ثبت برسد. ۵ باخت پیاپی برابر آلومینیوم، گل گهر، شمس آذر، استقلال و پیکان، کمر سپاهان پر مهره و پرمدعارا شکست و آنها را از صدر جدول دور تر و دور تر کرد.

شرایط خاص سرخابی ها

تیم های استقلال و پرسپولیس در لیگ بیست و سوم، سختی های زیادی را کشیدند. وقتی که واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوصی انجام نشد و به تعویق افتاد، کار مبهم تر و سخت تر هم شد. بحث سقف بودجه هم قوز بالا قوز شد، به خصوص برای استقلالی ها که در جام آسیا حضور نداشتند و سهم مالی کمتری هم برای خرید به آنها اختصاص پیدا می کرد. مشکلات مالی و مدیریتی وجود داشت به خصوص در تیم پرسپولیس که دو نوبت

اعتصاب بازیکنان را به خاطر نگرقتن مطالباتشان را شاهد بودیم و در سه نوبت هم استعفا های سرمربی این تیم را.

استقلال، قدیمی ترین و شمس آذر جدید ترین

استقلال تهران با ۷۸ سال و شمس آذر قزوین با ۳ سال، به ترتیب قدیمی ترین و جدیدترین تیم های حاضر در رقابت های لیگ برتر امسال هستند. سال تاسیس همه تیم های حاضر در لیگ برتر بیست و سوم، از بیشترین تا کمترین سابقه به شرح زیر است:

- استقلال تهران: ۱۳۲۴**
- سپاهان اصفهان: ۱۳۳۲**
- نساجی قائمشهر: ۱۳۳۸**
- پرسپولیس تهران: ۱۳۴۲**
- پیکان تهران: ۱۳۴۶**
- ذوب آهن اصفهان: ۱۳۴۷**
- ملوان بندرانزلی: ۱۳۴۸**
- تراکتور تبریز: ۱۳۴۹**
- صنعت نفت آبادان: ۱۳۵۱**
- مس رفسنجان: ۱۳۵۴**
- فولاد خوزستان: ۱۳۶۵**
- گل گهر سیرجان: ۱۳۷۶**
- آلومینیوم اراک: ۱۳۷۹**
- استقلال خوزستان: ۱۳۹۰**
- هوادار تهران: ۱۳۹۷**
- شمس آذر قزوین: ۱۳۹۹**

۳ اسپانیایی، یک پر تغالی و یک یونانی

۱۲ باشگاه استقلال تهران، استقلال خوزستان، پرسپولیس، شمس آذر، آلومینیوم، مس رفسنجان، گل گهر، تراکتور، ذوب آهن، نفت آبادان، سپاهان و ملوان، دور رفت را با همان مربی ای که آغاز کرده بودند به پایان بردند. ۴ باشگاه نساجی، پیکان، هوادار و فولاد نیز هر کدام یک بار دست به تغییر سرمربی خود زدند. سرمربی ۵ تیم هم خراجی بودند. ۳ سرمربی اسپانیایی سکان هدایت تیم های تراکتور، فولاد و نساجی را برعهده داشتند. یک یونانی در راس کادر فنی تیم گل گهر قرار داشت و روی نیمکت سپاهان نیز یک پر تغالی به نام مورایس برای دومین سال پیاپی حضور داشت. در دور برگشت هم اوسمار ویرا برای برزیلی روی نیمکت مربیگری پرسپولیس نشست.

اسامی سرمربیان لیگ برتری تا پایان هفته ۲۱ به شرح زیر است:

- پرسپولیس: ۱ - یحیی گل محمدی (۱۵ هفته)، ۲ - اوسمار ویرا (برزیلی)**
- استقلال تهران: جواد نکونام**
- استقلال خوزستان: سیروس پورموسوی**
- هوادار: ۱ - محمود فکری (۱۳ هفته)، ۲ - مسعود شجاعی**
- شمس آذر: سعید دقیقی**
- آلومینیوم: سید مجتبی حسینی**
- مس رفسنجان: ۱ - ساکت الهامی (۱۵ هفته)، ۲ - محرم نوید کیا**
- گل گهر: مارینوس اوزونیدیس (یونانی)**
- نساجی: ۱ - سید مهدی رحمتی (۱۳ هفته)، ۲ - لوکارز آلکاراز (اسپانیایی) (۲ هفته)، ۳ - ساکت الهامی**
- تراکتور: پاکو خمس (اسپانیایی)**
- ملوان: مهدی تارتار**
- فولاد: ۱ - علیرضا منصوریان (۴ هفته)، ۲ - خوان ایگناسیو مارتینز (اسپانیایی - ۱۱ هفته)، ۳ - احمد آل نعمه**
- نفت آبادان: ۱ - عبدالله ویدی (۱۵ هفته)، ۲ - سهراب بختیاری زاده**
- پیکان: ۱ - رسول خطیبی (۱۰ هفته)، ۲ - رضا عنایتی (۵ هفته)**
- سپاهان: ژوزه مورایس (پرتغالی)**
- ذوب آهن: محمد ربیعی**

بهترین های دور رفت از نگاه کیهان ورزشی

- بهترین تیم: استقلال تهران**
- بهترین مربی: جواد نکونام (استقلال تهران)**
- بهترین بازیکن: رامین رضائیان (سپاهان اصفهان)**
- بهترین داور: بیرن حیدری**
- بهترین کمک داوران: دانیال باشنده و امیر محمد داودزاده**
- پدیده: آریا یوسفی (سپاهان اصفهان)**
- زیباترین بازی: استقلال تهران ۴ - نساجی قائمشهر صفر (هفته سیزدهم)**
- حساس ترین بازی: پرسپولیس تهران ۱ - استقلال تهران ۱ (هفته پنجم)**
- بهترین دروازه بان: سید حسین حسینی (استقلال تهران)**
- بهترین مدافع: رامین رضائیان (سپاهان اصفهان)**
- بهترین هافبک: ریکاردو آلوز (تراکتور تبریز)**
- بهترین مهاجم: شهریار مغاللو (سپاهان اصفهان)**

تیم منتخب ۱ - از نگاه کیهان ورزشی (تا پایان هفته ۲۱)

- سید حسین حسینی (استقلال تهران)
- رامین رضائیان (سپاهان اصفهان)
- عارف آقاسی (تراکتور تبریز)
- محمد حسین کنعانی زادگان (پرسپولیس تهران)
- ابوالفضل جلالی (استقلال تهران)
- ریکار دو آلوز (تراکتور تبریز)
- کوین یامگا (استقلال تهران)
- روبرتو تورس (گل گهر سیرجان)
- رضاجعفری (ملوان بندرانزلی)
- مهدی ترابی (پرسپولیس تهران)
- شهریار مغاللو (سپاهان اصفهان)

شانس پرسپولیس بیشتر است

■ مجید جلالی



لیگ برتر ایران در بیست هفته ای که گذشت نشان داد که حرف تازه ای برای فوتبال ایران ندارد. از نوع برنامه ریزی های غلط و اجزاهای نامناسب تا اشکالات زیاد در امور مدیریتی و اجرایی باشگاه ها و

کمیته های برگزار ی مسابقات تا بیشتر شدن مشکلات داوری ها، همه و همه باعث شدند تا از کیفیت و شخصیت لیگ بیست و سوم کاسته شود. در این دوره کمالا مشخص شد که تیم هایی که مدیریت درستی دارند، همواره در مسیر موفقیت قرار دارند و صرف اینکه باشگاه ها فقط بازیکنان سرشناس داشته باشند، عامل موفقیت محسوب نمی شود. در لیگ فعلی من استقلال را تیمی خوب می بینم که با توجه به بضاعتش، عالی کار کرده اما شانس قهرمانی پرسپولیس بیشتر است. تراکتور، مشکلاتی دارد که تکراری و مشابه است. این تیم حتی اگر بهترین بازیکنان را هم به اینجا بیاورد، خیلی مشکل است که بتواند در نهایت به قهرمانی لیگ برتر برسد. من این حرف را می زنم چون فوتبال کشور و فضای تبریز و تراکتور را می شناسم. در مورد پاکو خمز نظر خاصی ندارم اما ایشان سال قبل و در کوتاه مدت عملکرد خوبی داشت. مربیان در کوتاه مدت طبقه بندی نمی شوند و باید در یک لیگ ۴ الی ۵ سال کار کند تا بشود درباره او قضاوت کرد و طبقه بندی شود که مربی، چه توانایی ها و ضعف هایی دارد. وقتی یک مربی سه ماه کار می کند و نتایجی می گیرد، می تواند خوشحال کننده باید اما نمی تواند منجر به این شود که شما قضاوت خوبی در مورد او داشته باشید. امسال هم باید تا پایان فصل صبر کنیم و شاید پایان فصل بشود درباره ایشان تحلیل کند.

بهتر از لیگ قبلی

■ مجید نامجو مطلق



لیگ بیست و سوم سر وقت اعلام شده شروع شد و با نظم خوبی ادامه یافت. در این دوره شاهد برنامه ریزی و اجرای دقیق تری نسبت به ادوار گذشته بودیم. رشد خوبی در تیم های پر تماشاگر داشتیم و

کیفیت بازی هان نسبت به سال قبل - لیگ بیست و دوم - به مراتب بهتر شده بود. رقابت تیم های مدعی استقلال و پرسپولیس، به هیجان بیشتر لیگ بیست و سوم کمک کرد. استقبال تماشاگران هم خوب بود. در کل به این دور، نمره قبولی می دهم. شاید بزرگترین نقطه ضعف لیگ در حال برگزاری، مشکلات داوری و نبود "وی ای آر" باشد. در مورد گزینه های قهرمانی هم من شانس قهرمانی تیم استقلال را بیشتر از بقیه تیم ها می دانم. استقلال با جواد نکونام شخصیت جدیدی پیدا کرده و روحیه برتری طلبی را می توان در این تیم مشاهده کرد. پرسپولیس، سپاهان و تراکتور هم تیم های خوبی هستند. البته شانس قهرمانی سپاهان و تراکتور خیلی زیاد نیست. در پایین جدول هم با وضعیتی که از تیم ها می بینم به نظرم صنعت نفت آبادان و استقلال خوزستان سقوط خواهند کرد. به هر صورت در روز های پایانی سال ۱۴۰۲، برای پیشرفت و موفقیت فوتبال کشور مان آرزو می کنم.



دوومیدانی



فوتبال ساحلی



شمشیربازی بانوان



والیبال آقایان



شمشیربازی آقایان



بدمینتون



والیبال بانوان



فوتبال



فوتبال

گزارش عملکرد باشگاه چادرملو اردکان در سال ۱۴۰۲ با چند عنوان قهرمانی کشوری چادرملو و باشگاهداری به معنای واقعی

دسته اول شدند و به لیگ برتر ایران راه یافتند.
* در شمشیربازی و در سه اسلحه سابر، اپه و فلوره بانوان چادرملو قهرمان دور رفت شدند. در شمشیربازی مردان نیز، در اسلحه اپه قهرمان شدند و در فلوره و سابر بر جایگاه سوم نشستند.
گفتنی است که این باشگاه امسال ۵ ملی پوش در این رشته داشت.
ضمناً محمد فتوحی شمشیرباز چادرملو اردکان یکی از شانس‌های نهایی حضور در المپیک ۲۰۲۴ پاریس است.
یکی دیگر از برنامه‌های باشگاه چادرملو اردکان به مدیرعاملی علی عطایی توجه به زیرساخت‌ها بوده. این باشگاه در شهر اردکان و جهت شناسایی، پرورش و توجه به استعدادهای ورزشی، آکادمی‌های مختلفی در رشته‌های دوومیدانی، فوتبال، بدمینتون، والیبال، شمشیربازی و ... به راه انداخته تا با هدایت مربیان کاربلد، در سال‌های آینده شاهد ظهور ورزشکاران ملی و بین‌المللی در رشته‌های مختلف از شهر اردکان باشیم.

رسیده بود امسال با عملکردی قابل توجه و برای اولین بار در تاریخ اردکان به نایب قهرمانی لیگ ایران رسید.
* تیم بدمینتون چادرملو اردکان در این سال به نایب قهرمانی لیگ ایران رسید.
* در فوتبال و در لیگ دسته اول ۱۴۰۲ بازیکنان چادرملو طعم هفته‌ها صدرنشینی را چشیدند و اکنون نیز مدعی اصلی صعود به لیگ برتر هستند.
* در رشته دوومیدانی، این باشگاه فقط در بخش بانوان فعالیت می‌کند و در سال ۱۴۰۲ قهرمان لیگ بزرگسالان کشور شدند و در رده جوانان نیز قهرمانی را کسب کردند و ضمناً نایب قهرمان لیگ داخل سالن لقب گرفتند.
باشگاه اردکانی چندین دوومیدانی کار را در این سال به اردوهای ملی تقدیم کرد.
* تیم فوتسال رده امید چادرملو قهرمان استان شد و جواز حضور در لیگ برتر را کسب کرد و در رده بزرگسالان نیز چادرملو از شانس‌های صعود به لیگ برتر محسوب می‌شود.
* بانوان والیبال‌یست چادرملو امسال مقتدرانه قهرمان لیگ

چادرملو اردکان در سال ۱۴۰۲ روزهای موفقی را پشت سر گذاشت. آنها در رشته‌های مختلف با برنامه ریزی و سرمایه گذاری درست، نمونه‌ای از باشگاهداری مدرن را به نمایش گذاشتند.
در ادامه گزارش عملکرد این باشگاه در سالی که رو به پایان است را می‌خوانید:
* تیم والیبال چادرملو اردکان اسفندماه سال گذشته نایب قهرمان دسته اول شد و جواز حضور در لیگ برتر را کسب کرد. بلندقامتان باشگاه چادرملو در لیگ برتر امسال در جایگاه هشتم قرار گرفتند و در اولین حضور خود در این مسابقات به مرحله پلی آف رفتند.
ضمناً در این سال سه والیبال‌یست چادرملو به نام‌های عرفان نوروزی، موسی سخایی و کیبوش حیدری عضو تیم ملی دانشجویان بودند و در مسابقات جهانی چین حضور داشتند و عرفان نوروزی عضو تیم جوانان ایران بود که قهرمان جهان شدند.
* تیم فوتبال ساحلی چادرملو که سال گذشته به رتبه چهارم



گفت و گو با بوقچی گیلانی که فضای مجازی را به آتش کشید

«صادق بوقچی»

با شنیدن این سوال زد زیر گریه!

* کامبیز هوشمند

چند ماه پیش یک "کلیپ" حاوی ترانه طنزآمیز با لهجه سراسر رشتی وارد فضای مجازی شد که مثل بمب در کشورمان ترکید و حتی فراتر از ایران وارد بازارهای هنر دیگر کشورها گردید به ویژه آنکه ایرانی های مقیم خارج از کشور و حتی هموطنان داخل کشور شیفته خواننده این ترانه یعنی "عمو صادق" شده اند و دائما متن شعر "هلهله کن مره وله کن" را بر زبان می آورند و حتی دوست دارند باز شاهد کارهای جالب و جدیدتر او باشند، بوقچی و لیدر اسبق باشگاه مردمی و بزرگ سپیدرود رشت می گوید: ۲۷ سال یک طرف، این چند ماه طرف دیگر! برای اینکه با این جمله و خود عمو صادق (صادق بنا متجدد) بیشتر آشنا شویم با وی هم کلام شدیم که متن این گپ و گفت در پی می آید.

*** کردی؛ درباره این موضوع صحبت کن.**

- سالها برای سپیدرود بوق زد و لیدر بودم کسی منو نشناخت اما از روزی که آن کلیپ را ارائه دادم مشهور شدم و هر جا میرم با من عکس میندازند!

*** چه جوری به این فکر افتادی؛ یعنی ورود به فضای مجازی؟**

- تنها فکر من نبود، خیلی ها کمک کردند، میخام در اینجا از همه کسانی که حمایت و تشویقم کردند تشکر ویژه داشته باشم.

*** اگر به گذشته برگردی باز بوقچی و لیدر میشی؟**

- اینو نمی دونم ولی هوادار دو آتشه سپیدرود باقی می موندم.

*** شایسته اخلاق و بازی کدام فوتبالبست و تیم بودی و هستی؟**

- فقط خدایمیز سبیروس قایقران، (وقتی اسم سیروس را آورد، زد زیر گریه) با شرف، مرد و یک انسان کامل بود، تیم لیورپول و کنی دالگلیش را هم از بچگی دوست داشتم،

*** از کیهان ورزشی چه خاطره ای داری؟**

- یادش بخیر، برای خریدن آن صف می کشیدیم، از اول تا آخر مجله را می خواندم هر کجا اسم سپیدرود را می دیدم دورش را با خودکار قرمز علامت گذاری می کردم. تیتراهای مجله را بارها از نگاه خودم عبور می دادم. خدا رحمت کند آقای تمیزکار همکار شما را، مرد مهربان و با جنبه ای بود.

*** کلیپ جدید چی داری؟**

- ما یک گروه چهار نفره هستیم ایام عید در بندر عباس داخل یک لنج اجرا داریم. ترانه اش عربی، فارسی و رشتیه، من بچه رشتوم ...!

*** در کنار ساخت کلیپ چه کار می کنی؟**

- هر روز بین ساعت های ۱۲،۵ تا ۱،۵ به مغازه ماهی فروشی میرم، با مردم عکس می اندازم.

*** بازی چطور بود؟**

- اصلا خوب نبود به ویژه در نیمه دوم که بازی چنگی به دل نزد، نیمه اول بهتر بود و دوتیم چند موقعیت گلزنی داشتند در مجموع مردم هم راضی نبودند.

*** کدام بازیکن خوب بازی کرد؟**

- اگر بازیکن خوبی داشتیم، بازی هم خوب می شد، همه در یک سطح بودند.

*** مردم تو رو نشناختن؟**

- وقتی گرمم شد، ماسک، کلاه و شال را برداشتم، مردم با دیدن چهره ام منو شناختن، بازار عکس رونق گرفت، ممنونم از همه که دوستم دارن و تشویقم می کنند.

*** خارج از کشور هم رفتی؟**

- یه بار، چهار روز موندم، دلم برای رشت تنگ شد بلافاصله برگشتم.

*** حرف پایانی؟**

- دوست دارم همه جوانان عاقبت بخیر شوند، الان که معروفتر شدم مدیون مردم هستم، دوستشون دارم، پیشاپیش سال نو را به شما و همه مردم شادباش می گویم.

- نه بابا؛ راننده و تدارکات هم بودم، بعد از هر تمرین و بازی لباس بازیکنان را می بردم خونه، بنده خدا خانمم همه رو می شست و تر و تمیز می آوردم به بازیکنان تحویل می دادم.

بیچاره همسرم.

*** چند تا بچه داری؟**

- به عشق سپیدرود اسامی فرزندانم با حرف "سین" شروع میشه: سعید، ستاره و سحر، و سه نوه دارم که دیگر به من اجازه دخالت و نامگذاری ندادند!

*** کی خواننده شدی؟**

- برای خدمت سربازی عازم بیرجند بودیم، داخل اتوبوس از رشت تا اونجا برای هم خدمتی ها فقط ترانه های آغاسی را خوندم، وقتی به پادگان رسیدیم و به خط شدیم، یکی از فرمانده ها اسم منو صدا زد، اول فکر کردم معاف شدم و باید برگردم خونه، دیدم نه، باید به عنوان اولین نفر موهای سرم را بتراشم و وارد آسایشگاه شوم، گهگاهی در پادگان می خوندم، می زدیم و می رقصیدیم. وقتی از سربازی برگشتم بلافاصله ازدواج کردم و متعاقب آن بوقچی سپید رود شدم که در این شرایط برای شاد کردن دل تماشاگران ترانه هم می خوندم.

*** در مقابل کارهایی که می کردی چقدر پول می گرفتی؟**

- به روح پدر و مادرم هیچی نمی گرفتم، فقط عشق بود و تشویق، بازیکنان هم پول نمی گرفتند، اصلا پولی در کار نبود.

یه پیراهن به من نرسید! ۲۷ سال بوقچی سپید رود بودم بدون آنکه پولی را دریافت کنم.

*** و سپیدرود از تب و تاب افتاد.**

-بعدش از داماش و پگاه دنبالم آمدند ابتدا قبول نکردم ولی دیدم گناه دارن آنها هم، همشهری هستند.

از این دو باشگاه تا حدودی پول دریافت کردم چون پول می دادند. ولی هر جا باشم به عشق سپید رود زنده ام، این تیم تمام وجود منه!

*** بچه هات فوتبالیست نشدند؟**

- نه، ولی دخترم ستاره خانم از قهرمانان شنای استان و صخره نوردی بود.

*** الان دلت برای چه چیزی تنگ شده؟**

- برای بازی هایی که بازیکنان بدون دریافت هیچ پولی با غیرت و تعصب زیاد سرشان را جلوی توپ می گذاشتند، الان همه چیز پولی شده ...

*** چه آرزویی داری؟**

- دوست دارم همه جوانان بیان سمت ورزش و هیچ کس دنبال اعتیاد نرود، متأسفانه فوتبال آلوده شده، حتی تعدادی از تماشاگران بر سر کرنر، اوت و گل شرط بندی می کنند.

*** تلخ ترین روز در کنار سپیدرود؟**

- تیم وقتی می باخت تا صبح گریه می کردم وقتی هم می برد، شاد بودم، ولی در زمان لیگ قدس و مسابقات استانی، خیلی به من خوش می گذشت، من بودم و مرحوم شهناز...

*** بهترین عیدی را از کی گرفتی؟**

- از پدرم که هر سال، یک یا دو تومان کاغذی به من می داد، خودم هم بهترین عیدی هارو به عروس ها و نوه هام میدم.

*** در این سال حسابی در فضای مجازی شهرت پیدا**

*** سلام آقا صادق، از کیهان ورزشی مزاحم میشم؟**

- سلام از ماست، کیهان ورزشی، وای بر من، چه خاطرات جالبی از این مجله دارم.

*** الان کجایی؟**

- پشت فرمان در مسیر رشت به تهران

*** برای دیدن اقوام عازم تهرانی؟**

- نه، راستش برای تماشای بازی دربی (پرسپولیس و استقلال) با دوستم عازم ورزشگاه آزادی هستیم.

*** استقلالی هستی یا پرسپولیسی؟**

- عشق من سپیدروده اما در دربی، قرمز، قرمز.

*** اگر شما را بشناسند، به خاطر سلفی گرفتن و ... از تماشای بازی عقب نمی آتی؟**

- شال و کلاه کردم، عینک دودی و ماسک هم می زنم تا کسی منو نشناسه.

*** دوست داری پرسپولیس با چه نتیجه ای برنده بشه؟**

- فقط برنده بشه، با نتیجه کاری ندارم.

*** انزلی یا رشت؟**

- متولد انزلی ام اما وقتی ده روزه بودم با خانواده اومدیم رشت، منطقه باقر آباد اسکان یافتیم و بعدش چند جای دیگر جابجا شدیم.

*** خیلی ها دوست دارند از خانواده ات بیشتر بدانند.**

- بابا بزرگم بنا و معمار خوش ذوق و خوبی بود، ساختمان های شهرداری و ثبت احوال انزلی هم توسط او ساخته شد، وقتی رضا شاه اومد انزلی و کارش را دید وی را تحسین کرد، خانواده شلوغی بودیم.

*** متولد چه سالی هستی و چند سال درس خوندی؟**

- ۲۷ فروردین ۱۳۳۲ انزلی، در یک خانواده شلوغ و ۹ نفره به عنوان اولین فرزند به دنیا آمدم، در آن سال ها ۹ نفر در یک اتاق می خوابیدیم، در رشت غریبه بودیم و پشت نداشتیم، یازده کلاس بیشتر درس نخوندم، پول نداشتم به تحصیلاتم ادامه بدم. بابام و خودم دست فروشی می کردیم تا یک لقمه نانی دربیاریم شکم خواهر و برادرها را سیر کنیم، خیلی در زندگی سختی کشیدم.

*** با ممدعلی زیتون لیدر ملوان آشنایی داری؟**

- چندین سال با هم رفیق بودیم ولی چند ماهه باهاش بهم زدم.

*** مگه میشه، چرا؟**

- از ملوان و ممد علی زیتون کمتر صحبت کنم بهتره، بریم سوال بعدی!

*** از چه زمانی سپیدرودی شدی؟**

- قدیم قدیم، رشت چند تا تیم داشت که یکی از آنها سلامت بخش بود، با گروه ۷۰ و ۸۰ نفره ابتدا برای تشویق این تیم تنبک یا تیمپو می زدیم، سال ۵۳ بود، کم کم بوقچی شدم.

یه روز برای ماهی گیری رفتیم رودخانه سپید رود، به مرحوم غلامرضا صومی گفتم، سلامت بخش و ول کن اسم تیم و بگذار سپیدرود، او هم خوشش اومد و با چند رفت و آمد به تهران و رشت و بالعکس پروانه باشگاهی را با نام سپیدرود گرفت.

*** فقط بوقچی بودی؟**



نتایج دور برگشت یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا

در دور برگشت مرحله یک هشتم رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا اتلتیکو مادرید و دورتموند موفق شدند مقابل حریفان خود به پیروزی برسند. در ادامه دور برگشت مرحله یک‌هشتم‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا، ۲ دیدار همزمان برگزار شد.

در ورزشگاه متروپولیتانو شهر مادرید، شاگردان دیگو سیمئونه در تیم اتلتیکو که در بازی رفت با یک گل مغلوب اینتر شده بودند، از نماینده ایتالیا پذیرایی کردند و در پایان هم شاگردان سیمونه موفق شدند در ضربات پنالتی اینتر را شکست دهند.

در نیمه اول در دقیقه ۳۳ فردریکو دیمارکو با یک بغل پای زیبا توانست گل اول تیمش را به ثمر برساند و دو دقیقه بعد آنتوان گریزمان مهاجم تیم مادریدی‌ها توانست گل تساوی تیمش را بزند و نیمه اول با تساوی دو تیم به پایان رسید.

در ۴۵ دقیقه دوم ممفیس دیپای بازیکن تعویضی تیم توانست در دقیقه ۸۷ گل برتری تیمش را بزند و برای بار دوم دروازه اینتر باز شد و در ضربات پنالتی تیم اتلتیکو موفق شد مقابل اینتر با نتیجه ۵ بر ۳ به پیروزی برسد و به یک چهارم صعود کند.

دیگر دیدار همزمان، دورتموند آلمان در حضور بیش از ۸۰ هزار تماشاگر ورزشگاه سیگنال ایدوناپارک پذیرای آیندهوون هلند بود.

دیدار رفت در هلند با تساوی یک - یک به اتمام رسیده بود و با این اوصاف، در مجموع دورتموند با نتیجه ۳ بر یک توانست به مرحله یک چهارم صعود کند.

در دقایق ابتدای نیم اول جیدون سانچو انگلیسی توانست اولین گل تیم میزبان را به ثمر برساند و نیمه اول به سود دورتموند به پایان رسید.

در نیمه دوم در دقیقه ۹۰+۵ مارکو رويس

کهنه کار توانست برای بار دوم دروازه نماینده هلند را باز کند و در نهایت بازی به سود دورتموند به اتمام رسید.

بارسلونا و ناپولی هم که در بازی رفت به تساوی یک - یک رسیده بودند، در ورزشگاه المپیکو به مصاف هم رفتند. در این دیدار بارسلونا توانست با نتیجه ۳ بر یک ناپولی را شکست دهد و در مجموع با برتری ۴ بر ۲ به یک‌چهارم نهایی صعود کند. فرمین لویز مارین در دقیقه ۱۵، ژاوتو کانسلو در دقیقه ۱۷ برای بارسا و رابرت لواندوفسکی در دقیقه ۸۳، در این دیدار گلزنی کردند. امیر رحمانی هم در دقیقه ۳۰ تک گل ناپولی را وارد دروازه بارسلونا کرد.

در دیگر دیدار سه‌شنبه شب هفته گذشته، در حالی آرسنال در لندن میزبان پورتو بود، که توپچی‌ها در بازی رفت در پرغال با یک گل مغلوب شده بودند. در بازی برگشت اما آرسنال در پایان ۹۰ دقیقه با تک گل لئاندرو تروسار در

قدردانی از همکاران مان در شهرستانها



رهبر (رودوسر)، یدالله رحمتعلی (اراک)، حجت عسگری (مازندران)، علی سلیمانی (گچساران)، آرش حیدرزاده (مرودشت)، سید مهدی ضامنی (سوسنگرد)، محمد توفیق رخشنده (جزیره قشم)، کیومرث اعلائی (لاهیجان)، بهمن رضایی (ارومیه)، احمد ملکی (هنگویه بستک هرمزگان)، ابو فیاض حیدری (پیشواي پاکدشت) و ...

دومین سهمیه المپیک برای تکواندوی بانوان ایران



نماینده وزن ۴۹- کیلوگرم تکواندوی بانوان ایران صاحب سهمیه المپیک پاریس شد. در جریان رقابت های وزن ۴۹- کیلوگرم تکواندوی انتخابی المپیک در قاره آسیا، مبینا نعمت زاده نماینده وزن ۴۹- کیلوگرم ایران با راهیابی به فینال صاحب سهمیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس شد. نعمت زاده در دور نخست این مسابقات استراحت کرد، سپس برابر آنا داکاستا از کشور تیمور ۲ بر صفر به برتری رسید و راهی نیمه نهایی شد. وی در این مرحله نیز مقابل روکا اوکاموتو از ژاپن در ۲ راند و با نتایج ۸ بر صفر و ۱۱ بر ۴ به برتری رسید و ضمن راهیابی به فینال، صاحب سهمیه المپیک پاریس شد. پیش از این ناهید کیانی نیز در تکواندوی بانوان صاحب سهمیه المپیک شده بود. به این ترتیب برای نخستین بار تکواندوی بانوان ایران با ۲ نماینده عازم المپیک پاریس خواهد شد.

سال ۱۴۰۲ با تمام فراز و نشیب ها کم کم به پایان می رسد، سالی که اتفاقات تلخ و شیرین زیادی در آن رقم خورد که برای ما و همکاران پرتلاش شهرستانی، شنیدن خبر درگذشت اکبر تمیزکار مستقیم، یار دیرینه و با وفای کیهان ورزشی و مطبوعات کشور از رشت مهمترین و تلخ ترین بود، روحش شاد و یادش گرامی باد، جا دارد مثل همیشه در شماره نورو، ضمن یاد این یار و یاران سفر کرده، از دیگر همکاران گرانقدر شهرستانی که در طول سال ما را با ارسال اخبار شهر و استان خود، یاری می دهند، تشکر و قدردانی و برای تک تک این عزیزان، سال سلامتی و موفقیت را آرزو داشته باشیم.

جلیل صفری (آبادان)، حسن ترحمی (آمل)، حسین نارنجی نسب (بندرعباس)، نادر پرستار (اردبیل)، منصور یوسفی (تالش)، مجید عجم پور (شیراز)، سید محمد حسین مجیدی (درچه اصفهان)، سیاوش حسینی (کلاچای گیلان)، ملک محمد زمانی دهکردی (شهرکرد)، علی محمد قادریان (یزد)، شعبان وفايي نژاد (ساری)، علی عیسی نمی (خوزستان)، فرخ قاسمی (صومعه سرا)، عبدالمجید مرادی (جاسک)، محمد کاظم بابائیان (بابلسر)، مجید غلامی (مازندران)، عادل حیدری (رامسر)، محمد حسن

نتایج مرحله پلی آف لیگ برتر والیبال ایران

مرحله پلی آف لیگ برتر والیبال ایران از چهارشنبه هفته گذشته (۲۳ اسفند)، با حضور هشت تیم برتر مرحله مقدماتی آغاز شد. در اولین مسابقه تیم های فولاد سیرجان ایرانیان و چادرملوی اردکان به مصاف هم رفتند که تیم سیرجانی موفق شد سه بر دو برنده شود. شاگردان بهروز عطایی در سیرجان در ست اول ۲۵ بر ۲۱ برنده شدند اما نتیجه ست دوم را ۲۲ بر ۲۵ واگذار کردند. آنها در ست سوم هم با نتیجه عجیب ۱۴ بر ۲۵ شکست خوردند اما در ست چهارم جبران کردند و با پیروزی ۲۵ بر ۲۰ کار را به ست پنجم کشاندند و در ست پنجم هم ۱۵ بر ۱۲ پیروز شدند.

تیم های گیتی پسند اصفهان و پیکان تهران به مصاف هم رفتند که در نهایت پیکان سه بر یک پیروز شد. شاگردان پیمان اکبری در پیکان در ست های دوم، سوم و چهارم به ترتیب با نتایج ۲۵، ۱۸، ۲۵ بر ۲۲ و ۲۵ بر ۱۶ به پیروزی رسیدند و نتیجه ست اول را هم ۲۵ بر ۲۳ واگذار کردند.

تیم شهرداری ارومیه در دیدار دور رفت مرحله پلی آف لیگ برتر والیبال به پیروزی رسید.

در آخرین دیدار از دور رفت مرحله پلی آف لیگ برتر والیبال تیم های شهرداری ارومیه و طبیعت به مصاف هم رفتند که این مسابقه با برتری ارومیه به پایان رسید. شهرداری ارومیه موفق شد با نتیجه سه بر دو حریف خود را شکست بدهد و فاتح بازی اول پلی آف شود. طبیعت در ست اول ۲۵ بر ۲۳ پیروز شد اما ارومیه ست دوم ۲۵ بر ۱۷ به برتری رسید. در ادامه بار دیگر طبیعت بود که پیش افتاد و ست سوم را ۲۵ بر ۱۹ از آن خود کرد اما شاگردان عبدالرضا عزیزاده در ارومیه با برتری ۲۵ بر ۲۱ در ست چهارم، کار را به ست پنجم کشاندند. ارومیه در ابتدای ست پنجم چند امتیاز پیاپی گرفت و با حریف خود اختلاف امتیاز ایجاد کرد. در نهایت هم ۱۵ بر ۱۰ پیروز شد.

هم چنین در ادامه رقابت های مرحله پلی آف تیم های شهداب یزد و ایفاسرام اردکان به مصاف هم رفتند که این دیدار با برتری شهداب به پایان رسید. شهداب که مدافع عنوان قهرمانی است توانست با حساب سه بر یک در اولین بازی خود در این مرحله به پیروزی برسد. ایفاسرام در ست اول ۲۵ بر ۱۹ پیروز شد اما شهداب به بازی برگشت و سه ست بعد را با نتایج ۲۵ بر ۲۲، ۳۰ بر ۲۸ و ۲۵ بر ۲۳ به پیروزی رسید.

مرحله پلی آف به صورت دو برد از سه مسابقه برگزار می شود.

بازنشستگی همکار



احمد مشفق، همکارمان در واحد حراست پس از ۳۰ سال خدمت صادقانه به درجه بازنشستگی نائل شد. برای همکار عزیزمان آرزوی موفقیت و سلامتی را داریم.

دو پیشکسوت فوتبال ایران در بیمارستان بستری شدند



فرامرز ظلی، دروازه بان پیشین تیم ملی فوتبال ایران، استقلال و پاس در بیمارستان بقیةالله الاعظم (عج) بخش عفونی بستری شده است. هم چنین سید حسن روشن گلزن اسبق تیم ملی و باشگاه استقلال در بیمارستان بستری شد. وی دچار عارضه عفونی شده که زیر نظر پزشکان تحت مداوا قرار گرفت. کیهان ورزشی برای این دو پیشکسوت فوتبال ایران آرزوی سلامتی دارد.

عیادت وزیر ورزش از پیشکسوتان فوتبال

طی روزهای گذشته کیومرث هاشمی، وزیر ورزش و جوانان از حسن روشن و فرامرزظلی دو پیشکسوت تیم ملی، در بیمارستان بستری شده بودند از آنها عیادت کرد. هم چنین وزیر ورزش و جوانان به دیدار مهدی حاج محمد دیگر پیشکسوت فوتبال ایران رفت که طی روزهای گذشته در بیمارستان بستری بود و تحت مداوا قرار گرفت.

تسلیت به همکار

با خبر شدیم جناب آقای غفور هاشمی، همکار سابق مان در غم از دست دادن فرزند عزیزشان به سوگ نشسته است. کیهان ورزشی، این مصیبت را به وی و خانواده محترمشان تسلیت عرض کرده و از خداوند متعال برای آن عزیز از دست رفته طلب رحمت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می نماید.

تساوی لیورپول و منچستر سیتی به سود توپچی‌ها باواریایی‌ها، ماینتمس را منفجر کردند



سوم است.

اسپانیا- هفته ۲۸

- *بارسلونا ۱- مایورکا صفر
- *والنسیا ۱- ختافه صفر
- *کادیز ۲- اتلتیکو مادرید صفر
- *گرانادا ۲- سوسیداد ۳
- *خیرونا ۲- اوساسونا صفر
- *آلاوس ۱- وایه کانو صفر
- *لاس پالماس صفر- بلبائو ۲
- *رئال مادرید ۴- سلتاوگو صفر
- *بتیس ۲- وپارنال ۳
- *آلمریا ۲- سویا ۲

-در جدول لالیگا، رئال مادرید با ۶۹ امتیاز صدرنشین است و تیم‌های خیرونا و بارسلونا به ترتیب با ۶۲ و ۶۱ امتیاز در مکان‌های دوم و سوم قرار دارند.

ایتالیا- هفته ۲۸

- *ناپولی ۱- تورینو ۱
- *کالیاری ۴- سالرنیتانا ۲
- *ساسولو ۱- فروزینونه صفر
- *بولونیا صفر- اینتر ۱
- *جنوا ۲- مونزا ۳
- *لچه صفر- ورونا ۱
- *میلان ۱- امپولی صفر
- *یوونتوس ۲- آتالانتا ۲
- *فیورنتینا ۲- رم ۲
- *لاتزیو ۱- اودینزه ۲

-در جدول سری‌آ، اینترمیلان با ۷۵ امتیاز صدرنشین است و تیم‌های میلان و یوونتوس به ترتیب با ۵۹ و ۵۸ امتیاز دوم و سوم هستند.

آلمان- هفته ۲۵

- *اشتوتگارت ۲- یونیون برلین صفر
- *آگزبورگ ۱- هایدنهایم صفر
- *بایرن مونیخ ۸- ماینتمس ۱
- *گلادباخ ۳- کلن ۳
- *لاپزیش ۲- دارمشتات صفر



نتایج

انگلیس- هفته ۲۸

- *منچستریونایتد ۲- اورتون صفر
- *بورنموث ۲- شفیلد ۲
- *کریستال پالاس ۱- لوتون ۱
- *ولورهمپتون ۲- فولام ۱
- *آرسنال ۲- برنتفورد ۱
- *استون ویلا صفر- تاتنهام ۴
- *برایتون ۱- ناتینگهام صفر
- *وستهم ۲- برنلی ۲
- *لیورپول ۱- منچسترسیتی ۱
- *چلسی ۳- نیوکاسل ۲

-در جدول لیگ برتر انگلیس، آرسنال و لیورپول با ۶۴ امتیاز در مکان‌های اول و دوم قرار دارند و منچسترسیتی نیز با ۶۳ امتیاز

- *استراسبورگ صفر- موناکو ۱
- *لیل ۲- رن ۲
- *مارسی ۲- نانت
- صفر
- در جدول
- لوشامپیونه، پاری سن ژرمن با ۵۶ امتیاز صدرنشین است و تیم‌های برست و موناکو با ۴۶ و ۴۵ امتیاز در مکان‌های بعدی استاده‌اند.

پرتغال- هفته ۲۵

- *پورتیمونزه صفر- پورتو ۳
- *استرلا ۳- کاساپیا ۱
- *ویزلا ۲- فارنسی ۱
- *بواویشتا ۱- موریرنسی صفر
- *ریواوه صفر- براگا صفر
- *گیمارش ۱- فامالیسائو صفر
- *اروکا صفر- اسپورتینگ ۳
- *بنفیکا ۳- استوریل ۱
- *ویسنته صفر- چاوز صفر

در جدول لیگ پرتغال، اسپورتینگ با ۶۰ امتیاز در جایگاه نخست قرار دارد و بنفیکا با یک امتیاز کمتر در مکان دوم ایستاده است. همچنین تیم پورتو با ۵۵ امتیاز در رتبه سوم جای دارد.

برنامه بازی‌ها

انگلیس- هفته ۲۹

- شنبه- ۲۶ اسفند: آرسنال-چلسی، برنلی- برنتفورد، کریستال پالاس-نیوکاسل، لوتون- ناتینگهام، منچستریونایتد-شفیلد، ولورهمپتون- بورنموث، فولام-تاتنهام
- یکشنبه- ۲۷ اسفند: اورتون-لیورپول، وستهم- استون ویلا، برایتون-منچسترسیتی

هفته ۳۰

- شنبه- ۱۱ فروردین: نیوکاسل-وستهم، بورنموث- اورتون، چلسی-برنلی، ناتینگهام-کریستال پالاس، شفیلد-فولام، تاتنهام-لوتون، استون ویلا- ولورهمپتون، برنتفورد-منچستریونایتد
- یکشنبه- ۱۲ فروردین: لیورپول-برایتون، منچسترسیتی-آرسنال

اسپانیا- هفته ۲۹

- جمعه- ۲۵ اسفند: سوسیداد-کادیز
- شنبه- ۲۶ اسفند: مایورکا-گرانادا، اوساسونا- رئال مادرید، ختافه-خیرونا، بلبائو-آلاوس
- یکشنبه- ۲۷ اسفند: سویا-سلتاویگو، لاس پالماس-آلمریا، وپارنال-والنسیا، وایه کانو- بتیس، اتلتیکومادرید-بارسلونا

هفته ۳۰

- جمعه- ۱۰ فروردین: کادیز-گرانادا
- شنبه- ۱۱ فروردین: ختافه-سویا، آلمریا- اوساسونا، والنسیا-مایورکا، بارسلونا-لاس پالماس
- یکشنبه- ۱۲ فروردین: سلتاوگو-وایه کانو، خیرونا-بتیس، آلاوس-سوسیداد، رئال مادرید- بلبائو

- دوشنبه- ۱۳ فروردین: وپارنال-اتلتیکومادرید
- ایتالیا- هفته ۲۹**
- جمعه- ۲۵ اسفند: امپولی-بولونیا
- شنبه- ۲۶ اسفند: مونزا-کالیاری، اودینزه-تورینو، سالرنیتانا-لچه، فروزینونه-لاتزیو
- یکشنبه- ۲۷ اسفند: یوونتوس-جنوا، ورونا-میلان، رم-ساسولو، آتالانتا-فیورنتینا، اینتر-ناپولی

هفته ۳۰

- شنبه- ۱۱ فروردین: ناپولی-آتالانتا، جنوا-

فروزینونه، تورینو-مونزا، لاتزیو-یوونتوس، فیورنتینا- میلان

دوشنبه- ۱۳ فروردین: بولونیا-سالرنیتانا، کالیاری- ورونا، ساسولو-اودینزه، لچه-رم، اینتر-امپولی

آلمان- هفته ۲۶

جمعه- ۲۵ اسفند: کلن-لاپزیش
شنبه- ۲۶ اسفند: دارمشتات-بایرن مونیخ، هایدنهایم-گلادباخ، ماینتمس-بوخوم، یونیون برلین-وردربرم، ولفسبورگ-آگزبورگ، هوفنهایم-اشتوتگارت

یکشنبه- ۲۷ اسفند: فرایبورگ-لورکوزن، دورتموند-فرانکفورت

هفته ۲۷

شنبه- ۱۱ فروردین: لورکوزن-هوفنهایم، گلادباخ- فرایبورگ، فرانکفورت-یونیون برلین، لاپزیش-ماینتمس، وردربرم-ولفسبورگ، بایرن مونیخ-دورتموند
یکشنبه- ۱۲ فروردین: آگزبورگ-کلن، اشتوتگارت-هایدنهایم، بوخوم-دارمشتات

فرانسه- هفته ۲۵

جمعه- ۲۵ اسفند: تولوز-لیون
شنبه- ۲۶ اسفند: نانت-استراسبورگ، لانس-نیس
یکشنبه- ۲۷ اسفند: برست-لیل، کلرمون-لوآور، موناکو-لوریان، رنس-متز، رن-مارسی، مون پلیه- پاری سن ژرمن

هفته ۲۷

یکشنبه- ۱۲ فروردین: کلرمون-تولوز، لوآور-مون پلیه، لیل-لاس، لوریان-برست، مارسی-پاری سن ژرمن، متز-موناکو، نیس-نانت، استراسبورگ-رن

پرتغال- هفته ۲۶

جمعه- ۲۵ اسفند: استوریل-پورتیمونزه
شنبه- ۲۶ اسفند: فامالیسائو-استرلا، براگا- ویسنته، فارنسی-ریواوه
یکشنبه- ۲۷ اسفند: پورتو-ویزلا، چاوز-گیمارش، موریرنسی-اروکا، کاساپیا-بنفیکا

دوشنبه- ۲۸ اسفند: اسپورتینگ-بواویشتا
هفته ۲۷
شنبه- ۱۱ فروردین: اروکا-فارنسی، بنفیکا- چاوز، بواویشتا-ریواوه، استوریل-پورتو، استرلا- اسپورتینگ، ویسنته-فامالیسائو، پورتیمونزه-براگا، گیمارش-موریرنسی، ویزلا-کاساپیا

گلزنان برتر

انگلیس: هالند از منچسترسیتی با ۱۸ گل، واتکینز از استون ویلا با ۱۶ گل، صلاح از لیورپول با ۱۵ گل و...

اسپانیا: بلینگام از رئال مادرید با ۱۶ گل، بودیمیر از اوساسونا و مایورال از ختافه هر کدام با ۱۵ گل و...

ایتالیا: مارتینز از اینتر با ۲۳ گل، ولاهویچ از یوونتوس با ۱۵ گل، دیبالا از رم با ۱۲ گل و...

آلمان: هری کین از بایرن مونیخ با ۳۰ گل، گیراسی از اشتوتگارت با ۲۱ گل، اوپندا از لاپزیش با ۱۷ گل و...

فرانسه: امپابه از پاری سن ژرمن با ۲۱ گل، دیوید از لیل با ۱۴ گل، لاکازت از لیون با ۱۲ گل و...

پرتغال: گیوکرس از اسپورتینگ با ۱۸ گل، بانزا از براگا با ۱۷ گل، موخیکا از اروکا با ۱۶ گل و...

برادر عزیز جناب آقای سید غفور هاشمی

مصیبت درگذشت فرزند دلبدتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می گویم. از خداوند متعال برای شما و کلبه بازماندگان صبر و سلامتی مسالت می نمایم.

سید محمد سعید مدنی



مشخصات اسب پرافتخار

نام: کاسی هوپ . زد
 اخته
 سن: یازده ساله
 نژاد: زانگرشاید
 کره: کوپین ون دبروی

کایان‌وارزشی
 kayhanvarzeshi.ir

روز تماشایی و پرشور شاگرد شراگیم حبیبی در مسابقات پرش با اسب «جام نوبهار»

«رضا علی ملایی»

ستاره پرفروغ و پدیده جایزه بزرگ در میدان بدون خطا درخشید تا روی سکوی افتخار برود

ارزیابی کرد تا باردیگر با سرعت و دو پیچ کوتاه، اسب «کاسی هوپ زد» را از فراز موانع بلند ۱۴۰ سانتی متری بدون خطا به خط پایان رساند و با فریاد بلند اقتدار خود را آشکار کرد تا همه کارشناسان و تماشاگران با تشویق او را تحسین نمایند. اوبازمان ۳۰/۵۰ ثانیه به مقام سوم دست یافت. رضا علی ملایی، سوارکاری پرتوان و محبوب است و در طول شش ماه اخیر تحولی تازه در سواری خود ایجاد کرده تا شاهد تولد یک سوارکار حرفه‌ای و ارزشمند در میان بزرگان باشیم. این افتخار در جام نوبهار، آغاز دور تازه از سوارکاری رضا علی ملایی است تا بازهم برای افتخار آفرینی این جوان شایسته لحظه شماری کنیم.

داشت، در جام معتبر استاد علی رضایی درخشید و پس از دو ماه بازهم در «جام نوبهار» نظرها را به سوی خود جلب کرد و با اسب پرقدرد و بلند پرواز «کاسی هوپ زد» میدان را به دست گرفت و در راند اول با هوشیاری و تاکتیک برتر مسیر مسابقه را با تسلط کامل بر اسب و میدان طی کرد و نصایح مربی توانمندش شراگیم حبیبی را مو به مو به اجرا گذاشت تا بدون خطا به بارز راه یابد. این سوارکار کارآمد، در مسابقه بارز با یازده سوارکار یک اسبی و دوسوارکار دواسبی رقابت دیدنی داشت. نایب قهرمان جوانان تهران به عنوان ششمین سوارکار وارد رقابت بارز شد تا در این میدان پرتالهاب هنرنمایی کند. رضا علی ملایی با روحیه‌ای مضاعف مسیر مسابقه را به خوبی

مسابقات پرش با اسب جایزه بزرگ و تور بزرگ جام نوبهار با شرکت گروهی از ستارگان و چهره‌های نامدار سوارکاری ایران در باشگاه استاد علی رضایی (بام) برگزار شد که در نهایت پس از حسین رضایی و رامین شهابی دو سوارکار باتجربه، ستاره اقبال رضا علی ملایی سوارکار جوان و آینده‌دار باشگاه اسب ایران تهران بلند بود. او با مربیگری شراگیم حبیبی قهرمان دو طلایی پرش با اسب ایران نمایش قابل قبول داشت و با اعتماد به نفس بالا و تاکتیک‌های برتر، سواری خوش تکنیک خود را به رخ کشید تا سکوی سوم را در میان ستارگان به چنگ آورد. رضا علی ملایی که اسمال مدال نقره قهرمانی جوانان تهران را در کارنامه



نفرات برتر جایزه بزرگ جام نوبهار از چپ: حسین رضایی، رامین شهابی، رضاعلی ملایی، مجید سلطانی، عرشیا فیض، عباس قدیری

از راست: استاد نورمحمد حبیبی، رضاعلی ملایی، شراگیم حبیبی (مربی)، محمد دلاوری (کمک مربی)، نفرات پشت از راست: امیر الفضل صادقی (رأیدر شراگیم) و احمد کمپانی



تشکر از تماشاگران پس از پروازهای بدون خطا



از راست: شراگیم حبیبی (مربی)، رضاعلی ملایی و پدر دلسوزش



پرش زیبای رضاعلی ملایی در جام نوبهار



جام قهرمانی در دستاق فرید اسدی

**افتخارات ارزشمند
فرید اسدی در سال ۱۴۰۲**
مسابقه مالکین در باشگاه ابرش ۱۴۰۲/۸/۵:
مقام اول
جام هفته دفاع مقدس (یادواره شهدای دانشگاه
پیام نور) ۱۴۰۲: مقام اول
مسابقه مالکین در باشگاه نزا جا ۱۴۰۲/۱۰/۲۱:
مقام اول
مسابقه مالکین در باشگاه بام ۱۴۰۲/۱۱/۲:
مقام اول
فینال گروه مالکین نوزدهمین دوره جام آزمون:
مقام اول
نوزدهمین دوره جام آزمون-روز اول گروه مالکین:
مقام سوم
سومین دوره جام اسطوره استادعلی اکبر رضایی ۱۴۰۲:
مقام دوم
دومین دوره مالکین جام محک (روز اول) بهمن ماه ۱۴۰۲:
مقام اول
دومین دوره مالکین جام محک (روز دوم) بهمن ماه ۱۴۰۲:
مقام سوم
مسابقات هیات تهران در باشگاه ابرش: مقام دوم
مسابقات هیات تهران در باشگاه نزا جا: مقام دوم



پروازهای دیدنی فرید با اسب پر قدرت «گلک کلیشن» با افتخارات فراوان

یکسال پراز افتخار برای شاگرد شراگیم حبیبی و سوارکار ارزشمند باشگاه اسب ایران

«فرید اسدی»

قهرمانی که در سال ۱۴۰۲ اوج گرفت و غرور آفرین درخشد

شود که می‌توان با ممارست در تمرینات برقله قهرمانی ایستاد. اودر روزهای اوج قهرمانی، همچنان با رعایت ادب و اخلاق همه جوانب یک ورزشکار را عیان ساخت تا بازم به آینده او ایمان داشته باشیم. بی‌تردید، سال ۱۴۰۲ بارقه ای از امید در فریداسدی شکوفا شد و ما براین باور هستیم که این افتخارات همچنان تداوم خواهد داشت و قهرمان پرش با اسب گروه مالکین ایران به کم رضایت نمی‌دهد. سال ۱۴۰۳ برای فرید اسدی چشم اندازی روشن ترسیم خواهد شد که کسب مقام قهرمانی ایران دور از دسترس نیست! و ما برای این اتفاق لحظه شماری خواهیم کرد.

چنگ آورده بود، شاگردانی متین، با وقار مثل فرید اسدی را در عرصه سوارکاری ایران پرورش داد تا این مربی نامدار از دنیای اسب وسوار به شاگردانش افتخار کند و در مقابل شاگردان نیز به مربی قهرمان و محبوبی همچون شراگیم به خود ببالند. تمرینات کاربردی و تلاش خستگی ناپذیر فرید اسدی در باشگاه، همواره و همیشه با آرامش و متانت همراه بود. این اتفاق قشنگ، موجب شد تا در محیطی خاص، شاگردان در میادین معتبر افتخار آفرین شوند. فرید اسدی، دانش آموخته خوش فکر پرش با اسب ایران، برای یافتن آرزوهای قهرمانی، فعل خواستن را توانستن صرف کرد تا معلوم

سال ۱۴۰۲ برای سوارکاری فرید اسدی سالی پربار و بسیار پرافتخار بود. از ابتدای سال تا روزهای ماه بهمن برای شاگرد خوش اخلاق و متین شراگیم حبیبی از باشگاه قهرمان پرور اسب ایران به مالکیت محمد ولی الله لحظات شیرین و همراه با خاطرات لذت بخش رقم خورد تا در اوج گیری یک سوارکار محبوب، قله‌های قهرمانی را به تصویر بکشیم. با این اوصاف، ثبت این افتخارات را باید در تلاش، جدیت، فعل خواستن و از همه مهمتر اعتماد به نفس و حرف شنوی از مربی قهرمانی مثل شراگیم حبیبی جست وجو کرد. شراگیم حبیبی که خودش درسال ۱۴۰۲ دومین مدال طلا قهرمانی ایران را بعداز یک طلا و یک نقره به



اهدای تندیس توسط علی دهندهشتی دبیر فدراسیون و حسن سیاه منصوری مبتکر جام محک به فرید اسدی، شراگیم حبیبی (سمت چپ)



آزوراست: استاد معظم نور محمد حبیبی، فرید اسدی و شراگیم حبیبی (مربی)



قهرمانی لذت بخشی فرید اسدی در جام نوزدهم آزمون



بالا، بالا و بالاتر برای فرید اسدی

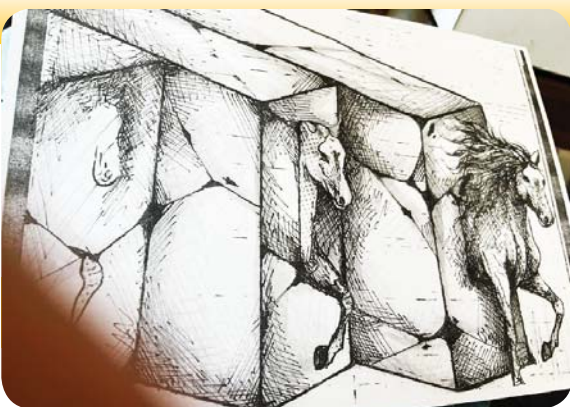


از برج ایفل پاریس تا هتل ایفل باشگاه دشت بهشت

«علی هژبر»

مرد وطن پرستی که با عشق می سازد و می بخشد

آنان که خاک را کیمیا می کنند



شود. امکانات استخر سرپوشیده، زمین تنیس خاکی، زمین والیبال، محوطه پیاده رویی و از همه مهمتر باشگاه سوارکاری در جوار این هتل، می تواند برای همه اقشار و مراجعین جذاب و دلپذیر باشد. حالا در روز شمار ایام، برای افتتاح هتل ایفل در صفا دشت، لحظه شماری می کنیم. چنین به نظر می رسد که در ماه اردیبهشت که درختان سرسبز چنار، زیبایی خاص به محوطه این هتل می دهد، این هتل پذیرای هموطنان، توریست ها خارجی و اردوگاه تیم های ورزشی خواهد شد تا همگان مرد ابتکار و سازندگی را تحسین نمایند. برای آغاز به کار این هتل چشم به افق روشن فردا داریم.

ورزش های سواره به خصوص درساژ و پرش با اسب است. او سالهای گذشته در راس هیات سوارکاری استان تهران منشأ خدمات و خدمت بود و حالا نیز استوار و با صلابت با دستان پر از مهرش خاک را کیمیا می کند! مهندس علی هژبر، چهره خلاق و سازنده این سرزمین است و از تولید کنندگان اصیل اسب به حساب می آید که در این کار توانایی و مهارت کامل دارد تا به تولید اسب هایش افتخار کنیم. او حالا هتل ایفل را در مقابل ما قرار می دهد. هتلی شیک و با ستاره های فراوان که همه استانداردهای یک هتل بین المللی را درون خود ایجاد کرده است تا هرکس که در این هتل اقامت می گیرند، از رفاه و آسایش برخوردار

آرزوهای بزرگ برای مردی بزرگ از خوبان این دنیای خاکی هر روز تحقق می یابد. تا به تفکر و اندیشه او درود بفرستیم. چندسال پیش او با تلاش خستگی ناپذیر باشگاه حرفه ای و لاکچری سوارکاری دشت بهشت را با استانداردهای روز و مدرن جهانی احداث و راه اندازی کرد، هیچکس باور نداشت که این مرد سازندگی، آرام و قرار داشته باشد. او بازمه با اندیشه ای برتر، کاری کارستان کرد تا در جوار این باشگاه، هتل زیبا و شیک بسازد و در مقابل این هتل با کوهی از آهن ماکت سربه فلک کشیده برج ایفل پاریس را بر شبکه چشم نیک اندیشان بیندازد! نام این مرد سازنده و خوش فکر، استاد مهندس علی هژبر قهرمان





مروری بر سال پرماجرا و پرافتخار "هادی چوپان"

گچکاری که ستاره عالم بدنسازی شد!

■ کیوان طباطبایی

در "مستر المپیا"، هنوز هم یک شخصیت محبوب به شمار می آید. تعریف و تمجید آرنولد از هادی چوپان یک اتفاق ویژه برای ورزش پرورش اندام در ایران محسوب می شود. اتفاقی که برای هادی چوپان در رقابت های "آرنولد کلاسیک" افتاد بسیار جالب توجه بود. آرنولد به سبک خاص خود با گوشی موبایلش به سمت استیج رفت و در حالی که از آمادگی بدنی هادی چوپان به وجد آمده بود، کلیپی را به شکل سلفی ضبط می کرد و هادی را به طرفدارانش نشان می داد. آرنولد با لبخند گفت: "نگاه کنید به هیولای باور نکردنی". این کلیپ کوتاه خیلی زود در فضای مجازی فراگیر شد و تمجید ستاره پیشین از "گرگ ایرانی" بر سر زبان ها افتاد و جهانی شد.

از گچکاری در ۱۳ سالگی تا بوکس

هادی چوپان در سال ۱۳۶۶ به دنیا آمد و از ۱۳ سالگی فعالیت ورزشی خود را شروع کرد. جالب این که او در شرایطی تمرینات ورزشی را انجام می داد که در کنار برادر گچکاریش، کار می کرد. چوپان پیش از ورود حرفه ای به ورزش پرورش اندام، مدتی بوکسور بود.

مجبور شد قید داشتن مربی را بزند!

هادی چوپان با ورود به ورزش بدنسازی به عنوان یک ورزشکار حرفه ای توانست اولین مدال خود را در سال ۸۵ و در ۱۹ سالگی به دست آورد. او ۲۴ ساله بود که عضو تیم ملی پرورش اندام شد. البته ورود به تیم ملی و کسب چند عنوان، تضمینی برای هموار شدن مسیر حرفه ای اش نبود. او در طول این سال ها سختی زیادی کشید. آن قدر فشار مالی بر روی او زیاد بود که ناچار شد قید داشتن مربی را بزند. موردی که در تمام این سال ها در زندگی حرفه ای هادی قابل توجه است، پشتکار مثال زدنی اوست.

عذر خواهی از مردم

هادی چوپان پس از قهرمانی در مسابقات "آرنولد کلاسیک" در مورد تبلیغ برای شرکت ورزشکته "کوروش کمپانی" توضیحاتی داد و ضمن عذر خواهی از مردم عنوان کرد: "آن تبلیغاتی که کردم برای جیبم نبود. شغلی که در آن هستم هزینه روزانه اش هزار برابر تبلیغات "کوروش کمپانی" است. کمی فکر کنید. با پول یک تبلیغات ساده، کسی قهرمان نمی شود. اگر کسی از روی تبلیغات من ۲۰ میلیون پولش رفته من عذر خواهی می کنم. اگر رنگ مدالم خوشحال تان نکرد، اگر این افتخار برایتان مفید نبود، من شخصا عذر خواهی می کنم."

باز هم بار غم بردوش مان نشست

امسال همزمان با سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی حادثه ای تروریستی در کرمان رخ داد که منجر به کشته و مجروح شدن تعدادی از هموطنان مان شد. این اتفاق تلخ واکش بسیاری از افراد سرشناس - از جمله ورزشکاران - را به همراه داشته است. هادی چوپان نیز با انتشار شعری با سبک و سیاق خودش این حادثه دلخراش را تسلیت گفت. نایب قهرمان "مستر المپیا" در صفحه شخصی خود نوشت: "باز هم بار غم بر کولبار ما نشست. باز هم این وطن در ضجه های غم نشست. تسلیت دیگر معنایی ندارد."



"آرنولد کلاسیک" از نظر فنی ثابت کرد که بدنسازی تنها حجم و بزرگی عضلات نیست بلکه تناسب بین عضلات و جذابیت ورزشی آنهاست که یک بدنساز را به عناوین قهرمانی می رساند. چوپان علاوه بر جایزه آرنولد کلاسیک، جایزه "فرانکو کلمبو" با عنوان "عضلانی ترین مرد" را به خود اختصاص داد.

حمایت هواداران از هادی

جالب است بدانید که پس از قهرمانی اخیر، هواداران هادی چوپان در شبکه های اجتماعی با ایجاد موجی گسترده به حمایت از "گرگ پارسی" پرداختند. آنان که از ناکامی او در "مستر المپیا" ناراحت شده بودند پس از فتح مسابقات "آرنولد کلاسیک" شاد شدند و در فضای مجازی ابراز احساسات کردند.

خاطره تلخ

یکی از تلخ ترین رویدادهای اخیر عالم بدنسازی قهرمان نشدن هادی چوپان در "مستر المپیا" بود. هادی خاطره تلخی از این رقابت ها دارد، جایی که "درک لانسفورد" به قهرمانی رسید و هادی آنقدر ناراحت و عصبانی شد که صحنه را ترک کرد.

هیولای باور نکردنی

برای علاقه مندان به بدنسازی، "آرنولد شوارتزنگر" همواره جایگاه خاصی داشته است. او پس از گذشت سالیان زیاد از زمان قهرمانی های متوالی

کسب جایزه "آرنولد کلاسیک" جالب بود و البته بسیاری را به فکر فرو برد که هادی چوپان چه مسیری را برای قهرمانی در دنیای بدنسازی طی کرده است. او خطاب به "آرنولد" گفت: "زمانی که بچه بودم، پول زیادی خرج می کردم تا فیلم های ترابینم. بزرگترین آرزویم هم این بود که یک روز آرنولد را از نزدیک ببینم و عکس بگیرم. امروز من و آرنولد هر دو قهرمان مستر المپیا هستیم. هر دو برای دنیا قهرمان هستیم و اسطوره آرزوهایم به من جایزه و کاپ می دهد. باعث افتخار من است که بزرگترین بدنساز دنیا به من مدال و کاپ می دهد."

گلایه های ستاره بدنسازی

گلایه های "گرگ پارسی" از رفتار برخی از مسئولان ورزش برای طرفدارانش تاژی ندارد. گلایه های هادی چوپان از مسئولین ذیربط در این سال ها بابت عدم حمایت مادی و معنوی، دردی مشترک بین ورزشکاران ملی - به خصوص در ورزش های انفرادی - است. در خواست های ورزشکاری که با پرچم ایران در میادین بین المللی افتخار کسب می کند و تأثیر عمیقی بر بالا رفتن اعتماد به نفس و غرور ملی بین جوانان کشورش داشته، به زعم بیشتر کارشناسان، خواسته زیادی نیست. امیدواریم به خواسته های این قهرمان ایرانی توجه شود.

عضلانی ترین مرد عالم بدنسازی

قهرمانی هادی چوپان در مسابقات

سال ۱۴۰۲ برای رشته بدنسازی ایران خاطره انگیز بود و یک بار دیگر ورزشکار مطرح کشورمان در مسابقات بین المللی درخشید. هادی چوپان، بدنساز نامدار ایرانی، موفق شد عنوان قهرمانی مسابقات "آرنولد کلاسیک" را کسب کند، مسابقاتی که نتایجش برای دنیای بدنسازی اهمیت ویژه ای دارد. این مسابقات برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ برگزار شد و به نام آرنولد شوارتزنگر، ستاره پیشین بدنسازی جهان، نامگذاری شده است.

تاریخ سازی "گرگ پارسی"

هادی چوپان ورزشکاری از استان فارس است که در مسابقات آرنولد کلاسیک سال ۲۰۲۴ توانست عنوان قهرمانی را از آن خود کند. او در رقابتی تنگاتنگ با "سالمسون داودا"، بدنساز اصلالتا آفریقایی معروف به "شیرنجریه" صاحب جام و جایزه ارزشمند ۳۰۰ هزار دلاری شد. چوپان با قهرمانی در این مسابقات به پنجمین قهرمان پرورش اندام تاریخ بدل شد که بعد از رونی کولمن، جی کاتلر، دکستر جکسون و برنندون کوری به عنوان قهرمانی در هر دو میدان "مستر المپیا" و "آرنولد کلاسیک" دست یافته است. "گرگ پارسی" پس از کوین لورون، فلیکس ویلر و ویلیام بوناک نفر چهارمی است که در اولین حضورش در مسابقات آرنولد کلاسیک به عنوان قهرمانی دست یافته است.

صحبت های جالب هادی پس از کسب جایزه

صحبت های قهرمان ایرانی روی "استیج" پس از

کاوه: برای رسیدن به اینجا با کسی»

کردند که این تغییر به نفع کشتی ایران است و بنده نیز در نهایت پذیرفتم.

● **سر مربیگری تیم ملی کار سختی است؟**
- واقعا سخت است. حساسیت مردم روی تیم ملی کشتی آزاد بسیار زیاد است. علی رغم تمام احترامی که برای کشتی فرنگی قائل هستم باید بگویم مردم حساب ویژه ای روی کشتی آزاد باز می کنند. من باید تمام زندگی ام را صرف موفقیت تیم ملی کنم. باور کنید یک لحظه به غیر از تیم ملی به چیز دیگری فکر نمی کنم. هر روز باید برای آنالیز، مشورت، روانشناسی و خیلی مسایل دیگر کار کنیم تا کشتی در المپیک موفق باشد.

● **فکر کنم روزی حداقل ۱۵، ۱۶ ساعت وقت می گذارید؟**
- خدا شاهد است آنقدر درگیر هستم که حتی باید از خوابم بزنم. البته گلابی ای نیست چون قبول مسئولیت کردم و باید شبانه روز کار کنم.

● **از پژمان در ستکار خبر دارید؟**
- بله

● **پس ارتباطتان کم رنگ نشده است؟**
- به هیچ عنوان.



● **به عنوان فردی که سالها در کشتی مملکت فعالیت دارد، فکر می کنید ریشه انتقادات از محسن کاوه در تمام این سالها چه بوده است؟**

- از من انتقاد می شود شاید چون اهل باند و باندبازی نیستم، رو راست بگویم چون غرق در فضای مجازی نیستم و هیچ وقت برای دیده شدن با دیگران ارتباط برقرار نکردم. هیچ وقت دنبال این نبودم کلیپم این دست و آن دست بچرخد. در تمام این سالها دلی کار کرده ام و همین الان هم اگر تیم ملی نباشم می روم در باشگاه خودم کار می کنم. اهالی کشتی می دانند در فاصله اردوهای تیم ملی استراحت نمی کنم و در باشگاه مشغولم. جالب است بگویم برخی از همکارانم که از من انتقاد می کنند بعدش زنگ می زنند و می گویند فلان چیز را من نگفته ام.

● **اخلاق محسن کاوه تند است؟**
- خیر، اخلاق بدی ندارم. گذشتم زیاد است ولی فراموش نمی کنم. به خاطر همین هم وقتی ببینم کسی صداقتش کم است، ارتباطم را با او قطع می کنم.

● **شما در برخی دوره ها از جمله زمان ریاست رسول خادم پیشنهاد همکاری داشتید. می خواهید بدانیم فرق فدراسیون علیرضا دبیر با فدراسیون های قبلی چیست که محسن کاوه با برخی ها کار نمی کند اما برای دبیر تمام وجودش را می گذارد؟**

- علیرضا دبیر خیلی به من لطف و محبت دارد و همیشه در برخورد با من حجب و حیای خاصی دارد و این بار مسئولیت را بیشتر می کند. دبیر یک روز نوجوانی بود که به باشگاه من آمد و تمرین کرد و از آن زمان تا الان همیشه بایکدیگر ارتباط داریم. خیلی ها فکر می کنند من در این فدراسیون منافع زیادی دارم ولی این گونه نیست و دارم "دلی" کار می کنم. امانتی که دست من است بسیار ارزشمند است و باید با تمام وجود از آن حراست کنم. من از سال ۱۹۹۷ که مربی تیم ملی شدم با هیچ فدراسیون یا فردی برای رسیدن به نیمکت تیم ملی لابی یا رایزنی نکردم، اگر هم پستی گرفتم پیشنهاد آنها بوده و حتی یکبار هم نشده برای رسیدن به هدفم نماینده مجلس، فلان فرد سیاسی و ... را جلو بفرستم.

● **از نظرات غلام محمدی در تیم بزرگسالان استفاده**

سخت است.

- بله سخت است اما باید منتظر ماند و دید وضعیت یزدانی چگونه می شود.

● **شما در المپیک ۲۰۲۰ توکیو سمت مدیر تیم های ملی کشتی آزاد را داشتید و الان به عنوان سرمربی آماده حضور در المپیک ۲۰۲۴ پاریس می شوید. اگر بخواهید شرایط این دو تیم را با هم مقایسه کنید به چه نتیجه ای می رسید؟**

- خیلی موافق مقایسه نیستم زیرا در هر دوره ای بهترین هادر تیم ملی حضور دارند ولی به این تیم بیشتر امیدوار هستم.

● **چرا؟**
- ما در چند وزن مثل اوزان رحمان عمو زاد، امیر علی آذریپرا، امیر حسین زارع جوان هستیم اما در مجموع یک مقدار از نظر تجربه بهتر از تیم توکیو هستیم.

● **کادرفنی تیم ملی قطعاً روی حریفان ایران در المپیک آنالیز دارد، شما رقیب ما را در المپیک آمریکا می دانید یا روسیه؟**

- رقیبان در اوزان مختلف، متفاوت هستند. نگاهی گذرا به بازیهای المپیک نشان می دهد که در اوزان پایین کشتی گیران ژاپنی خیلی خوب و خطرناک هستند. در المپیک ها معمولاً آمریکایی ها چهره ای متفاوت دارند و روس ها پر قدرت هستند. المپیک میدانی است که نمی توان هیچ کشوری را دست کم گرفت و همگی حریفان قدرتمند ما هستند. تجربه من نشان داده که بسیاری از تیم ها با تجهیزات و آمادگی بالا برای کسب مدال می آیند. ان شاء الله ما هم همین شرایط را داریم و با بهترین نتایج به کشور بازمی گردیم. من فقط می خواهم در این بخش به یک موضوع اشاره کنم.

● **بفرمایید.**

- ما داریم کم کم به المپیک نزدیک می شویم. همیشه نگرانی این بوده ایم که بار ورزش به دوش کشتی بیفتد. ان شاء الله مردم، اهالی ورزش و دوستان رسانه ای مثل خود شما رعایت حال کشتی را بکنند تا بار فقط روی دوش ما نباشد.



● **می خواهیم برگردیم به ۱۱ آذر ماه که روز خاصی برای محسن کاوه بود؛ روزی که یکی از شاگردانش به نام درستکار از کار برکنار و او به عنوان سرمربی معرفی شد. حالا که کمی فضا آرام شده دوست دارید درباره اتفاقات آن ۲۴ ساعت صحبت کنید؟**

- حقیقت خیلی تمایل ندارم صحبت کنم. فقط همین را بگویم من مجبور شدم به عنوان سرمربی در خدمت تیم ملی کشتی آزاد باشم. البته خدایی نکرده بد برداشت نشود، حضور در تیم ملی برایم افتخار است. این را بگویم قبل از این هم حداقل در سه فدراسیون پیشنهاد سرمربیگری را داشتم ولی صلاح ندانستم در آن مقطع ورود کنم ولی این بار قسمت بود در خدمت تیم ملی باشم.

● **تلاش نکردید پژمان درستکار را متقاعد کنید که به عنوان سرمربی به کارش ادامه دهد؟**

- چند وقت درگیر این پروسه بودیم و همه چیز در یک روز اتفاق نیفتاد.

● **البته برخی کارشناسان اعتقاد داشتند که تغییرات آن هم در فاصله کمتر از یک سال تا المپیک به نفع کشتی نیست.**

- بله، از نظر کارشناسی ایده آل این است تیمی به المپیک برود که حداقل ۴ سال روی آن کار شده باشد. از نظر فنی بنده ریسک کردم و مسئولیت فنی تیم ملی را پذیرفتم اما مرا مجاب

کمتر از ۵ ماه دیگر بازیهای المپیک ۲۰۲۴ در پاریس برگزار می شود و همچون همیشه نگاه اهالی ورزش برای کسب مدال معطوف به کشتی است. بر همین اساس محسن کاوه سرمربی تیم ملی کشتی آزاد را باید یکی از چهره های ویژه المپیک پیش رو دانست، مردی که از آذر ماه سال جاری مسئولیت فنی تیم را علی رغم میل باطنی قبول کرده و اذعان دارد که کار سختی پیش رو دارد. در آستانه فرارسیدن نوروز باستانی پای صحبت های محسن کاوه یکی از مربیان با سابقه کشتی کشور نشستیم تا او از دغدغه هایش در کشتی بگوید و البته وعده دهد که نتایج کشتی در المپیک پیش رو راضی کننده خواهد بود.

● **کمتر از چند ماه دیگر بازیهای المپیک در پاریس برگزار می شود و کشتی به مانند سنوات گذشته امید اول کاروان در کسب مدال است. لطفاً برای دقایقی چشم هایتان را ببندید و تصور کنید مسابقات کشتی در المپیک به پایان رسیده، آیا محسن کاوه از نتایج تیمش راضی است؟**

- ما از مدتها قبل تلاش مان را برای موفقیت در المپیک شروع کردیم. البته اتفاقات ریز و درشت و پیش بینی نشده در نتایج دخیل است اما فکر می کنم هر تیمی به اندازه تلاشش دستمزد می گیرد. بر همین اساس فکر کنم از نتایج راضی خواهیم بود.

● **اگر اتفاقات عجیب و غریب را فاکتور بگیریم، بسیاری بر این باور هستند که کشتی ظرفیت کسب حداقل یک طلا را دارد.**

- کار سخت است و از حالا نمی توان گفت حتماً یک طلا می گیریم. باور کنید ما شب و روز کار می کنیم.

● **شناخت کاوه از تیم و شاگردانش عمیق است، می توانید بگویید کدام آزاد کار را شانس طلا می دانید با این توضیح که جامعه کشتی شناس امیر حسین زارع را بیش از دیگران می داند.**

- نه، این گونه نیست. خیلی ها تصور می کنند چون زارع در جهانی ۲۰۲۳ طلا گرفته پس در المپیک هم طلایی خواهد بود. او حریفان سرسختی چون آگول و پتریاشویلی دارد. این کشتی گیران با تجربه تمام تلاششان را برای شکست زارع به کار می گیرند. در اوزان دیگر نیز شرایط به همین شکل است. من همه کشتی گیران را به یک چشم می بینم؛ باید برنامه ریزی کنیم که همه موفق شوند.

● **تکلیف وزن ۹۷ کیلوگرم چه شد، بالاخره نماینده کشتی ایران در این وزن آذریپراست یا کامران قاسمپور؟**
- آذریپرا در مسابقات قهرمانی کشور عنوان قهرمانی را به دست آورد. او در مسابقات رنکینگ هم توانست اول شود و باید برای کسب سهمیه قاره آسیا به روی تشک برود. آذریپرا اگر در مسابقات قهرمانی آسیا کسب سهمیه کند، طبق چرخه انتخابی نماینده کشتی آزاد ایران در المپیک ۲۰۲۴ خواهد بود.

● **آذریپرا با وجود جوانی، انگیزه بالایی هم برای رسیدن به المپیک دارد.**

- باید به جوانان اعتماد کنیم. مسئولیت ما نسبت به امیر علی آذریپرا بیشتر است و وظیفه داریم او را از نظر پختگی و تجربه به سطح ایده آل برسانیم. این کار هم با توجه بیشتر و اعزام او به چند تورنمنت بین المللی انجام می شود.

● **وضعیت حسن یزدانی چگونه است؟**

- هفته قبل (اوایل اسفندماه) حسن یزدانی در اردوی تیم ملی حاضر شد و دو جلسه در خدمتش بودیم. او تلاشش را برای بازگشت شروع کرده و طبق اعلام پزشکان ان شاء الله از اوایل اردیبهشت ماه حسن می تواند به روی تشک بیاید.

● **با این تفصیلات کارش برای کسب مدال در المپیک**

لابی «نکردم



■ محمود محمدی

می‌کنید؟

- تفکرات من و غلام محمدی به یکدیگر نزدیک است، الان هم به واسطه مسئولیت هر دوی ما در تیم ملی، بیشتر با هم در ارتباط هستیم و از نظرات همدیگر استفاده می‌کنیم.

● محسن کاوه سه سال سرمربی تیم جوانان ایران بود، در آن تیم که اتفاقاً قهرمان جهان هم شده؛ کشتی‌گیری بود که بشود در سالهای آینده بیشتر از او شنید؟

- یکسری حقایق درباره محسن کاوه است که زیاد به آن پرداخته نمی‌شود. مثلاً سال اولی که سرمربی تیم جوانان شدم، رحمان عموزاد را در شرایطی به تیم جوانان آوردم که نفر سوم انتخابی وزن خودش بود ولی اعتماد کردیم و او را به تیم آوردیم. رحمان همان سال قهرمان جهان شد و بلافاصله عضو تیم ملی بزرگسالان شد. محمد نخودی جزو همان تیم اول جوانان بود. یکی از دلایلی که علی دبیر به محسن کاوه علاقه دارد همین چیزهاست. او می‌بیند که در آن تیم جوانان به طور میانگین هر سال دو یا سه کشتی‌گیر بالا آمده‌اند. عرفان الهی، امیرعلی آذرپیرا هم از همان نسل هستند. همین مبین عظمتی قهرمان بزرگسالان جهان را در رده سنی جوانان برد. احمد جوان، امیررضا معصومی و ... کشتی‌گیران جوان خوبی هستند که از همان تیم جوانان معرفی شده‌اند. تقریباً پشتوانه سازی خوبی که هدف ما در جوانان بود، انجام شد.



● محسن کاوه دقیقاً مربیگری را از چه سالی شروع کرد؟

- از اواخر دوران قهرمانی که سال ۶۵، ۶۶ بود شروع کردم. بعدها که کار جدی‌تر شد در باشگاه کارگران فعالیتیم را ادامه دادم. کار من در مربیگری تا همین امروز ادامه داشته و شاید در بسیاری از سالها به عنوان مسئول فنی کشتی تهران در مسابقات قهرمانی کشور نیز حضور داشته‌ام.

● به طور تقریبی چند شاگرد به تیم ملی دادید؟

- خیلی زیاد ولی این را بگویم که من هیچ وقت مربی نوجوانان نبودم. من در هر باشگاهی از جمله کارگران، راه آهن، سرباز، سالن هفتم تیر مربیگری کردم، آن باشگاه جزو بهترین پایگاه‌ها بود.

خیلی از کشتی‌گیران از شهرستان می‌آمدند تهران تا فقط در باشگاه من تمرین کنند. بنده هیچ وقت خودم را اولین مربی کسی نمی‌دانم ولی بسیاری از کشتی‌گیران وقتی کار را شروع می‌کردند برای رشد و تکامل بیشتر نزد محسن کاوه می‌آمدند. اسم نمی‌برم اما خیلی از بزرگان که مدعی انجام کارهای بزرگ در کشتی هستند، پیش من بودند!

● وضع مالی محسن کاوه خوب است؟

- بی‌نیاز هستم. یک خانه ۱۱۴ متری در امیریه دارم، خانواده خوبی دارم و به همین دلیل خودم را بی‌نیاز می‌دانم.

● زندگی در کمپ تیم‌های ملی سخت نیست؟

خیلی سخت است. آنقدری که من در خانه کشتی هستم، در خانه خودم نیستم. البته ما قبول وظیفه کردیم و باید کار را به سرانجام برسانیم.

کشتی همه چیز من است و حتی خانواده ام هم به شرایط من عادت کرده‌اند. گفتنش سخت است ولی من ۲۴ ساعته با کشتی هستم و حتی در خواب هم خواب کشتی را می‌بینم. ادعای این را دارم محسن کاوه یکی از افرادی است که بیشترین وقت را برای کشتی می‌گذارد.



به بهانه اقدام زیبای ستاره اسبق فوتبال ایران در سال ۱۴۰۲



■ اشکان رضایی

کتاب روی میز فوتبال

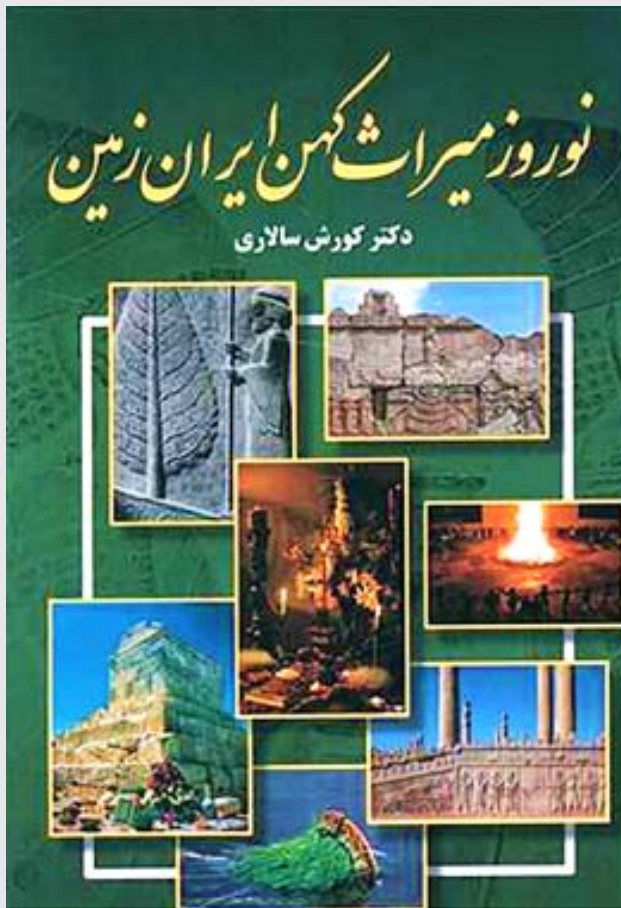
در شماره پایانی پاتوق کتاب در سال جاری قصد داریم به حضور موفق ستاره سابق باشگاه استقلال یعنی مجتبی جباری در عرصه کار فرهنگی مطالبی را تقدیم کنیم و در پایان هم با معرفی چند کتاب در مورد نوروز مطلب را به پایان می‌بریم.

تشکیل کار گروه‌های مختلف شناسایی کرده و به طور ریشه‌ای و با مدیریت تخصصی برای مشکلات‌شان راه حل پیدا کرده‌اند. واقعیت این است که آن‌ها پذیرفته‌اند برای داشتن یک جامعه ورزشی سالم باید فرهنگ و اخلاق مداری را به دور از شعار در دستور کار قرار داد بطوریکه با کریستیانو رونالدو هم تعارف ندارند و او را هم همانند بقیه محروم می‌کنند تا بداند همه چیز قانون دارد و قرار نیست کسی به خاطر اسمش هر کاری که دلش می‌خواهد بکند، حالا می

در مورد فرهنگ و زیر ساخت‌های فرهنگی در ورزش هم کمبودهای جدی داریم. وقتی به کشورهای همسایه به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس که مساحت برخی از آن‌ها از یک استان ما هم کمتر است نگاه می‌کنیم به این پی می‌بریم که مسئله کیفیت چقدر برای این کشورها مهم‌تر بوده و چقدر برای این مسئله برنامه‌ریزی کرده‌اند. آن‌ها بیشترین و بهترین استفاده را از همه پتانسیل خود در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی با مطالعه تاریخ، ادبیات و... برده‌اند. کمبود هایشان را با

انتخاباتی یا به شکل مناسبی از مسئولین فرهنگی وجود دارد که نشان می‌دهد هیچ اتفاقی نیفتاده. حالا این فرهنگ را به داخل ورزش می‌آوریم و می‌خواهیم از جنبه‌های ورزشی و علل و تاثیرات آن در این عرصه حرف بزنیم. در حوزه ورزش جدا از اینکه در مورد زیرساخت‌ها بارها در کیهان ورزشی به طور مفصل نوشته شده که چقدر کمبود داریم و انگار کسی هم قرار نیست برای این بی‌سامانی‌ها دل بسوزاند و کاری بکند، همچنین باید این را اضافه کنیم که

تعریف ما از فرهنگ و کار فرهنگی چیست؟ آیا کار فرهنگی با شعار یا نصب چند بیلборد در نقاط شلوغ شهر انجام می‌شود؟ آیا برای انجام کار فرهنگی باید زمینه فرهنگی داشت؟ این سوالات فقط چند مورد از هزاران سوال بی‌جواب است که در حوزه فرهنگ در کشور ما وجود دارد و کمتر مسئول فرهنگی پیدا می‌شود که گوشش به این حرف‌ها بدهکار باشد. واقعیت تلخ این است که در عرصه فرهنگ آنطور که شایسته است کار انجام نشده. طبق معمول یک سری سخنرانی



باز گویی، رسیدن به فرآیند چگونگی پیدایش و رازهای این جشن بزرگ است. چرا که نوروز از اصالت ایران است و نماد همبستگی ملی، تاریخی، فرهنگی و آئینی ما است.

کتاب در هفت فصل تنظیم شده است؛ فصل اول به واژه نوروز و تعریف آن، تحویل سال و شاهکار حکیم عمر خیام در شکل گیری تقویم جلالی می پردازد. فصل دوم به آئین ها و سنت های ملی مردمی در نوروز اختصاص یافته و درباره جشن فروردگان، چهارشنبه سوری، حاجی فیروز، نوروز خوانی و هفت سین به طور مفصل سخن می گوید. فصل سوم به فروردین و جشن هایی چون فروردینگان، ششم فروردین، سیزده بدر و آبریزان پرداخته است. فصل چهارم نوروز را از دید اسطوره و تاریخ بررسی کرده و برگزاری نوروز را از دوران کهن تا هخامنشی و ساسانی تشریح کرده است. فصل پنجم آئین ها و سنت های ملی مردمی را در آغاز نوروز تا پایان این جشن بررسی کرده است. فصل ششم تاریخچه نوروز را تا دوران معاصر مورد نقد و بررسی قرار می دهد و فصل آخر نوروز را در کشورهای هم جوار مانند آذربایجان، افغانستان، ازبکستان شرح داده است.

جشن نوروز

(آئین کهن ایران زمین)

این کتاب توسط "معصومه شیخ الملوکی" نوشته شده و سال ۱۳۸۹ از سوی انتشارات ملرداهی بازار کتاب شده است. نویسنده در کتاب به برخی از روایت های تاریخی درباره پیدایش مراسم نوروز اشاره کرده و ریشه های سنتی و اعتقادی و مذهبی این مراسم را بررسی کرده است. مراسم چهارشنبه سوری، اهمیت و تاریخچه نوروز، نوروز از دیدگاه اسلام، آداب تحویل سال، جشن مردگان، مراسم سیزده بدر و علت نخس بودن سیزده بدر از دیدگاه مردم، برخی از موضوع های مطرح شده هستند.

ناشایست اخلاقی که همراه با هتاکی است و مدتی است در ورزش ما به ویژه در فوتبال رواج پیدا کرده را ترمیم کنیم. مواردی که ذکر کردیم سر بزنگاه های یقه ما را گرفته است. بزنگاه های مهمی که بار ها همه ما در مسابقات مختلف علی الخصوص در فوتبال در کنفرانس های بعد و قبل از بازی و.... شاهدش بودیم. همچنین برخورد های ناشایست بازیکنان و مربیان صرفا برای اینکه رسانه های زرد نویس را جلب خود کنند آن هم در شرایطی که دانسته یا نادانسته اگر بدانند چه آتش مسمومی را دارند هم می زنند.

بخش دوم مطلب اختصاص دادیم به چند کتاب در مورد نوروز که در ادامه برای شما معرفی می کنیم.

داستان های نوروزی

داستان های نوروزی مجموعه ای جذاب با موضوع نوروز است. نگارش چندین نسل از نویسندگان مهم همچون سیمین دانشور، ابراهیم گلستان، جلال آل احمد و.... در این کتاب است. این کتاب روایت های داستانی در مورد نوروز است که خواننده با زوایای مختلف افکار این نویسندگان بزرگ با نوروز آشنا می شود. این کتاب به کوشش علی دهباشی توسط نشر کتابسرای نیک به چاپ رسیده است. علی اکبر جعفر دهباشی معروف به علی دهباشی، زاد؟ ۱۳۳۷ - تهران روزنامه نگار، پژوهشگر حوزه ادبیات، نویسنده و سردبیر مجله؟ بخارا است. او تلاش گسترده ای در معرفی آثار و زندگی بزرگان فرهنگ و ادب و هنر ایران و جهان داشته است.

نوروز، میراث کهن ایران زمین

این کتاب نیز سال ۱۳۹۹ توسط "کورش سالاری" نوشته شده و انتشارات ره آورد آن را منتشر کرده است. نویسنده تلاش کرده تا با توجه به منابع تاریخی، سیر نوروز و مراسم و آئین های همراه آن برای خواننده بازگو شود. هدف از این

در جامعه ورزشی کشورمان، داریم اشخاصی را که در کنار ورزش دغدغه فرهنگ دارند که باید آن ها را به خاطر این گرایش تحسین کرد و برای بقیه به عنوان الگوی اجتماعی و یک انسان جریان ساز معرفی کرد. سالی که در روزهای آخر آن به سر می بریم شاهد یک حرکت بزرگ و ماندگار از مجتبی جباری بودیم. جباری که اخلاق و منش خوب او چه در دوران فوتبال و بعد از آن شهره عام و خاص بوده است بایک ایده نو دوران پس از فوتبال را سپری می کند.

ستاره سابق استقلال که به خاطر پاس های زیبا و بازی تکنیکی اش شهرت دارد برخلاف عادت اکثر بازیکنانی که بعد از اتمام دوران فوتبالی شان به بیزینس های مختلف و صرفا تجاری روی می آورند، با تاسیس یک کتابفروشی دست به یک اقدام منحصر به فرد و جریان ساز زده است. جباری با این کاری که کرده نشان داده که برای او چقدر مسئله کتاب مهم است. کتابسرای راوی نام کتابفروشی است که جباری تاسیس کرده و در همین مدت توانسته با برگزاری نشست های ادبی تاثیر گذار و مهم با حضور نویسندگان و هنرمندان بزرگ موثر واقع شود و جای خود را در دل دوستداران کتاب باز کند. یکی از مهم ترین کسانی که به کتابفروشی جباری آمده استاد شفیع کد کنی است.

باید از مجتبی جباری حمایت کرد و مهم تر اینکه باید از این جریانی که توسط یک فوتبالیست ایجاد شده صیانت کرد تا بقیه علاقه مندان در فوتبال و سایر رشته ها هم به این جریان پیوندند و به تدریج شاهد تغییر و تحول در بحث فرهنگ ورزشی باشیم. باید از تفکرات شعار زده پرهیز کنیم و دست کسانی که آستین بالا زده اند و به گود آمده اند تا یک کار ماندگار از خود ارائه دهند را بگیریم تا بتوانیم زیرساخت های آسیب دیده فرهنگی در ورزش، خرده فرهنگ های غلط که در ورزش متأسفانه جا افتاده و یک نوع رفتار

خواهد آن آدم رونالدو باشد. حالا پرسش اساسی این است که ما در این عرصه رقابت با این اندازه از وسعت، تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سابقه درخشان ورزشی و.... چه کرده ایم؟ ما چه بهره ای از این ذخایر برده ایم؟ چه ایده ای برای آن ها داریم و قرار است اصلا چه ایده هایی برای زیرساخت فرهنگی در ورزش داشته باشیم تا دنیا مبهوت منش پهلوانی اصیل و تختی وار ایرانی شود؟ این سوال ها در حال حاضر با چند سخنرانی شعار زده و.... کارش تمام می شود.

نگاهی به مهمترین فیلم سال در ژانر ورزشی

پرویز دهداری؛ ق

در شماره پایانی کلاکت در سال ۱۴۰۲ در ویژه نامه مجله مطالب متفاوت تری را تقدیم شما خواهیم کرد. در این شماره قصد داریم مرور مفصلی داشته باشیم بر فیلم پرویز دهداری که در چهل دومین جشنواره فجر به نمایش در آمد. سپس در مورد حضور قهرمان و قهرمان پروری در سینمای ایران مطالبی را ارائه می کنیم و سپس فیلم هایی را با این موضوع معرفی می کنیم.

پرویز خان؛ خون تازه در فیلمسازی ورزشی

مطلب را با حمله خسرو احمدی بازیگر فیلم "پرویز خان" شروع می کنیم: "فیلم پرویز خان دین اش را به پرویز دهداری ادا کرد. توجه به منش پرویز دهداری نکته مثبت فیلم بود." فیلم پرویز دهداری همچون شخصیت واقعی اش استوار، محکم و بدون تعارف است. فیلمی قابل دفاع که بار دیگر روی سینمای ورزشی را سفید کرد و یک خون تازه به این عرصه مهجور وارد کرد. این فیلم به کارگردانی علی ثقفی و تهیه کنندگی عطا پناهی و با هنرمندی سعید پور صمیمی در نقش پرویز دهداری و بازیگران دیگری همچون مریم سعادت، خسرو احمدی، حمیدرضا پگاه، بهنام تشکر، علی باقری، المیرا دهقانی، مهدی قربانی، یاسین مسعودی، محمدصادق ملک، نیمناذری، پدال الله شادمانی، مهدی فریضه، روزبه رثوفی، منوچهر علیپور، امیر دانشجو، سیدابوالفضل موسوی، نصیر ساکی، امیرمهدی کوشکی و اسکندر کوتی ساخته شده است.

علی ثقفی با محوریت قرار دادن یک کاراکتر واقعی علاوه بر به تصویر کشیدن بخشی از تاریخ معاصر فوتبال و حوادث مهمی که در سالهای اولیه پس از انقلاب و هنگام وقوع جنگ تحمیلی بر فضای ورزش کشور علی الخصوص فوتبال وجود داشته، فیلمی را بر پرده نقره ای آورده که قهرمانش در چالش های مختلف در فوتبال قرار دارد (درگیری پرویز دهداری با مسئله بازیکن سالاری، فدراسیون فوتبال، نمایندگان تندر و مجلس و همچنین کشمکش دهداری با طیف های مختلف جامعه به خاطر تیم ملی و افرادی که در اداره امور ورزش و فوتبال در آن موقع مسئولیتی داشتند)

قهرمان، اما این بار در سینما

■ اشکان رضایی

فیلمساز در تصمیمی جسورانه و بایک کارگردانی دقیق توانسته فیلمی را بسازد که باعث شد سینمای ورزشی باز هم رونق بگیرد و مهم تر اینکه شخصیت یکی از مهم ترین مربیان فوتبال ایران به درستی به تصویر کشیده شود. ریتم منطقی آن هم بدون حرف اضافی و ایفای نقش متفاوت و درخشان سعید پورصمیمی از نقاط قوت فیلم است.

ثقفی یک فیلم خوش ساخت به پرده سینما آورده که می داند از دل قصه دهداری چه چیزی را می خواهد و مهم تر اینکه او به خوبی توانسته قصه گویی کند بی آن که مخاطب از ادامه داستان خسته بشود. این فیلم برای نسلی که دهداری را ندیده اصلا خسته کننده نیست بلکه جذابیت های زیادی هم دارد. کارگردان در نمایش لحظات فوتبالی برگ برنده دیگری را از خود رو کرده که نشان داده قدرت ساخت فیلم های این چنینی را دارد.

پرویز خان داستانی فوتبالی - تاریخی دارد؛ پس از پیروزی انقلاب و در دهه ۶۰، نام پرویز خان دهداری با سرمربیگری تیم ملی فوتبال دوباره بر سر زبان ها افتاد. سال هایی که دهداری تیم ملی را برای حضور در بازی های آسیایی ۱۹۸۶ سئول آماده کرد. داستان اختلاف با ستاره های نامدار تیم ملی هم از اینجا شروع شد. وقتی تیم ملی از سئول باز می گشت نامه ای توسط ۱۴ بازیکن امضا شده بود که پس از رسیدن به فرودگاه مهرآباد، به بمب خبری تبدیل شد. استعفاي ۱۴ بازیکن از حضور در تیم ملی جنبه ای ترین رخداد فوتبالی دهه ۶۰ بود. دهداری تیم ملی تازه ای با جوانان گمنام تشکیل داد که از میان شان تعدادی جزو ستاره های بزرگ فوتبال شدند؛ از احمد رضا عبدزاده و مجتبی محرمی تا جواد زرینچه و صمد مرفاوی. تیم جوان دهداری پس از کسب مقام سومی در جام ملت های آسیا، آماده رقابت های مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۰ می شد که حاشیه های دیدار دوستانه ایران و ژاپن در استادیوم آزادی، پرونده حضور دهداری در تیم ملی را بست. حاشیه هایی که در خاطر فوتبال دوستان و پیشکسوتان این عرصه هست. دهداری در اوایل دهه ۷۰ از دنیا رفت. ثقفی با نگاهی تازه و بایک روایت صادقانه به آنچه که اتفاق افتاده زندگی پرویز خان دهداری را در یک فیلم بایک کارگردانی خوب به تصویر کشیده است. دیدار رفت با کویت در مرحله مقدماتی المپیک ۱۹۸۸ سئول یکی از نقاط اوج فوتبال مست

که پایه ساخت فیلم پرویز دهداری بوده. دیداری که بعد از یک دهه و بعد از چهار شکست تلخ باجمعی از بازیکنان جوان، تیم ایران موفق شد در دیداری تماشایی در دوحه قطر، کویت را ببرد. فیلم همین جا تمام می شود اما تاریخ فوتبال می گوید ما یک هفته بعد، بازی برگشت را در همان دوحه باختیم و کویت، حذف مان کرد.

عوامل "پرویز خان" هم عبارت است از کارگردان: علی ثقفی، تهیه کننده: عطا پناهی، مدیر تولید: رضا زنجانیان، مجری طرح: استودیو بادبان، مدیر فیلمبرداری: وحید ابراهیمی، مدیر صدابرداری: میثم یار دیلو و طراح صحنه: محسن خدابخشی.

این فیلم موفق شد سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول (بخش نگاه نو)، دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه برای علی ثقفی و سیمرغ بلورین بهترین تدوین برای حسن حسندوست را از آن خود کند. فیلم در صحنه های فوتبالی خوب عمل کرده و تلاش می کند تصویری پر هیجان و سینمایی از زمین فوتبال ارائه دهد و ۱۱ بازیکن زمین را در یک قالب طلایی به عنوان قهرمان معرفی کند. بازی سعید پورصمیمی یکی از برگ برنده های فیلم است که با گرم خوبی که دارد به خوبی در نقش یک سرمربی قانون مدار و استوار در آمده. پرویز خان زمانی در جشنواره اکران شد که تیم ملی فعلی مان در جام ملت ها توسط قطر حذف شد. در ادامه مبحث فیلم و در مورد فوتبال در ایران باید یادآور شویم که اصالت و استعداد فوتبالی در کالبد مردم ایران است و این روند بالا و پائینی همیشه وجود داشته اما تیم ملی ایران همیشه پرچمش برافراشته بوده چون ذات فوتبالی ایرانی را در نیمه دوم دیدار مقابل ژاپن دیدیم. آن هم در شرایطی که اصلا مانصف امکانات فوتبالی ژاپنی ها را در تربیت فوتبالست و نداریم اما استعداد ذات فوتبالی داشتن مسئله دیگری است. این فیلم مصداق عینی استمرار اصالت فوتبالی مست. فوتبالی که در آن، فاصله شادی و غم خیلی کم است.

قهرمان در سینمای ایران

اصلا یادمان رفته. سینمای مامدت هاست دیگر قهرمانان زیادی ندارد. روزگاری سینمای ایران با قهرمانانش رنگ و بوی دیگری داشت. سینمای ایران کم استعداد ندار اما انگار شکل و هوای جامعه باعث

شده تا اغلب فیلمسازان فکر کنند که این جامعه دیگر قهرمان ندارد. سینمایی که روزگاری قیصر را داشت. قیصری که پلشنه کفش را ور می کشید تا دمار از روزگار آدم های بی معرفت در بیاورد. منظور از این حرف ها چیست؟ این ها صرفا انتقاد یا... نیست در واقع حقیقتی است که دیگر در سینمای ما کم رنگ شده. مادر این سینما نیز مانند قهرمان هستیم. نیازمند کسی هستیم که مردم قبل از اینستاگرام و موبایل و اینترنت و در کل فضای مجازی به آن تکیه کنند. قهرمانی از دل مردم و برای مردم که نه صرفا در ده ها را بگویند بلکه راه حلی برای رفع مشکلات داشته باشد. در همین راستا در ادامه چند فیلم که حضور قهرمان را به ما یادآوری می کنند معرفی می کنیم:

ناخدا خورشید

داریوش ارجمند در نقش ناخدا خورشید با لباس عربی قهرمان ماندگار سینمای ایران در یک فیلم کلاسیک ایرانی است و یکی از بهترین ساخته های ناصر تقوایی است. "ناخدا خورشید" یکی از ماندگار ترین بازی های داریوش ارجمند هم هست. ناخدایی پیر که عظمت و سبعت دریا روح او را سخاوتمند و عمیق کرده و غم نان روزگارش را سخت. "ناصر تقوایی" ناخدا خورشید را بر اساس رمان "داشتن و نداشتن" ارنست همینگوی در سال ۱۳۶۵ ساخت. خورشید با بازی ارجمند که قهرمان فیلم است کسی که می خواهد زندگی شرافتمندانه ای داشته باشد و تاپیش از آن که پاپوش بزرگتری برایش دوخته شود، مقداری پول به دست بیاورد تا زندگی خانواده اش را تامین کند. او در این راه متحمل ریسک هایی می شود

حاج کاظم آژانس شیشه ای

حاج کاظم بابازی ستودنی پرویز پرستویی یکی از قهرمانان خاطره انگیز سینمای ایران است. قهرمانی که به خوبی بعد از این همه سال در یاد مخاطبان هست. ابراهیم حاتمی کیا از جمله کارگردانانی است که همواره به پرورش قهرمان در فیلم هایش توجه می کند. در سینمای او معمولا مردهایی نقش اصلی را بازی می کنند که حتی اگر کنش های قهرمانانه ای هم در طول فیلم انجام ندهند باز هم مولفه ها و ویژگی های قهرمانان را دارند مثل فیلم از کرخه تا اَرِن. حاتمی کیا قهرمانانی ملی که دغدغه

وطن پرستی دارند را به فیلمنامه هایش اضافه می کند. "آژانس شیشه ای" یک فیلم پسا جنگی است که شرایط اجتماعی را در سال های سخت پس از جنگ، مورد واکاوی قرار می دهد. محوریت این نگاه جامعه شناسانه یک رزمنده قدیمی یعنی حاج کاظم است که بعد از جنگ مسافر کشی می کند. او هم رزم قدیمی اش را می بیند که مجروحیتی زیادی دارد و باید برای درمان خیلی سریع به اروپا برود. حاج کاظم به او کمک می کند اما وقتی می بیند کسی به رفیق بیمارش توجهی نمی کند، با خودش تامل می کند و همه آن چیزی که به عنوان آرمان در ذهنش داشته را از بین رفته می بیند.

دش آکل

مسعود کیمیایی را می توان مهم ترین فیلمساز قهرمان پرور سینمای ایران دانست. مفهوم قهرمان در فیلم های کیمیایی به اوج شکوه خود می رسد و در ایده آل ترین حالت ممکن ظاهر می شود. مهم ترین فیلم های کیمیایی مانند "قیصر"، "قهرمانی دغدغه مند" دارد که خیلی از ارزش ها و اخلاقیات برایش مهم است و تعصب آن ها را می کشد و در نهایت این نوع قهرمان عامل محوری در همه فیلم های اوست. قهرمان های کیمیایی مولفه های خاص خودشان را دارند که عموما مردی لوتی، با معرفت و تنه است که فیلم با حضورش شروع می شود و در نهایت همه چیز هم به دست او به نتیجه می رسد. زمانی هم هست که در این راه خودش فدا می شود و در زمانی دیگر با غرور پیروزی همه چیز برایش تمام می شود.

موقعیت مهدی

ساخت فیلم بیوگرافی از بزرگان جنگ در دهه ۹۰ با تولیدات بیشتری ادامه پیدا کرد و فیلمسازان سینمای دفاع مقدس به سراغ چهره های مطرح دوران جنگ رفتند. هادی حجازی فر که بابازی در نقش احمد متوسلیان در سینمای ایران معروف شد خودش به فیلمسازی روی آورد و در اولین تجربه فیلمسازی اش به سراغ زندگی شهیدان باکری رفت و زندگی شهید مهدی باکری را به تصویر کشید. فیلم از لحاظ ساختار و پیرنگ داستانی اثری قابل دفاع است و حجازی فر توانسته در تجربه اولی که داشته موفق باشد. فیلمی تاثیر گذار که کارگردان به دنبال شعار دادن نیست.



پرواز تماشایی و دلپذیر امیرعلی گودرز



پرواز دیدنی و هیجان برانگیز برای قهرمانی با اسب پرقدرت «چولیندا»

kayhanvarzeshi.ir

دنبال کنید

تولد دوباره یک ستاره در مسابقات پرش با اسب نوجوانان جام معتبر نوبهار

«امیرعلی گودرز»

شاگرد سختکوش و باتکنیک سروش غروی از باشگاه سوارکاری «یال صفادشت»
در میدان درخشید تا مقتدرانه بر فراز سکوی قهرمانی بایستد

مدعیان نام آشنای دیگر ایستاد تا ارزش‌های فنی خود را با بهترین زمان نمایان سازد. بدون تردید، دراین موفقیت، نقش تمرینات جدی، کوچینگ سروش غروی، حرف شنوی او از مربی و اجرای یک سواری شجاعانه و با اعتماد به نفس بالا در میدان رقابت بی‌تأثیر نبوده است تا نوجوان آینده‌ساز پرش با اسب ایران از باشگاه «یال صفا دشت» همچنان در مسیر پالندگی به سوی افتخارات بیشتر گام بردارد. نام این ستاره نوجوان را همچنان به‌خاطر بسپارید.

و دارند مدال برنز پرش با اسب قهرمانی ایران است. این سوارکار که پایه سوارکاری را به خوبی آموخته است در نزد سروش غروی سختکوش‌تر و مستحکم‌تر تمرینات حرفه‌ای را جدی و شایسته انجام داد تا در ادامه نتایج غرور آفرین گذشته، در جام نوبهار بدرخشد. اودر مسابقات جام نوبهار اسب پرقدرت «چولیندا» را زین کرد و پا در رکاب میدان گذاشت و با سرعت خیره‌کننده و پیچ‌های عالی، تکنیک و تاکتیک خود را آشکار کرد و بدون خطا از فراز موانع بلند ۱۲۰ سانتیمتری با دقت عبور کرد و با ثبت زمان ۴۱/۹۶ ثانیه فراتراز

مسابقات پرش با اسب گروه سنی نوجوانان جام معتبر نوبهار با حضور اکثر آینده‌سازان استان‌های سراسر ایران در تالار سرپوشیده باشگاه استاد علی اکبر رضایی (بام) برگزار شد و در مقابل چشم خانواده‌ها و تماشاگران یک ستاره دیگر در آسمان نوجوانان متولد شد که نامش امیرعلی گودرز بود. اودر گذشته هم در قهرمانی استان البرز افتخارات فراوان و قابل توصیف را در کارنامه خود ثبت کرده بود و این بار هم در این جام کولاک کرد تا تحسین برانگیز شود. امیرعلی گودرز، شاگرد خلف و باهوش سروش غروی قهرمان ارزنده



نشریات برتر نوجوانان جام نوبهار از سمت چپ: سروش غروی (مربی قهرمان)، امیرعلی گودرز (قهرمان)، ملاح (دوم)، فریدونیان (سوم)، حیدرزاده (چهارم)، حبیبی (پنجم)، مومنی (هشتم)

از راست: امیرعلی گودرز (قهرمان جام نوجوانان)، استاد عزت‌الله وجدانی (اولین مرد طلایی قهرمانی ایران-۱۳۵۲)، سروش غروی (مربی قهرمان)



پرواز دیدنی و شیک امیرعلی گودرز با اسب جولیا





امیر علی زمردی
در کنار علی امیری مربی
پرافتخار استان البرز



پرواز امیر علی زمردی عقاب استان البرز از فراز موانع بلند

افتخارات ارزشمند امیر علی زمردی در سال ۱۴۰۲

رده نونهالان جام ققنوس: مقام پنجم
مسابقات جام جهانی F.E.I.: مقام سوم
رده نونهالان هیات البرز: مقام اول
رده نوجوانان هیات البرز: مقام دوم
رده نونهالان هیات چهار باغ: مقام اول
رده نونهالان جام قهرمانی اسب زایچه ایران: مقام سوم
رده نونهالان جام نوبهار: مقام پنجم

ظهور یک پدیده در مسابقات پرش با اسب نونهالان جام معتبر نوبهار

«امیر علی زمردی»

ما را در سایت
kayhanvarzeshi.ir

عقاب استان البرز و شاگرد پر تلاش و خوش تکنیک علی امیری در میدان پرفروغ درخشد تا افتخار آفرین شود

تکنیک و تاکتیک خود را نمایان کرد و مثل یک عقاب بلند پرواز از فراز موانع بلند گذشت و با درخشش فوق العاده به عنوان پنجم نائل آمد. بدون تردید، در این موفقیت، حمایت‌های پدر و مادر، نقش تمرینات جدی، کوچینگ علی امیری، اجرای یک سواری شجاعانه و با اعتماد به نفس بالا در میدان رقابت، بی تاثیر نبوده است تا نونهال آینده ساز ما همچنان در مسیر پیشرفت به سوی افتخارات بیشتر گام بردارد. نام این ستاره نونهال را به یاد داشته باشید.

امیر علی زمردی، شاگرد باهوش علی امیری قهرمان ارزنده و پرافتخارترین مربی استان البرز است. این سوارکار که پایه سواری را به خوبی آموخته است در نزد علی امیری سختکوش تر تمرینات حرفه‌ای را جدی و هوشیارانه انجام می‌دهد تا در ادامه نتایج غرور آفرین گذشته، در جام نوبهار تماشایی ظاهر شود. اودر مسابقات جام نوبهار اسب پر قدرت و زیبای «کتس» را زین کرد و پادر رکاب میدان گذشت و با سرعت خیره کننده و پیچ‌های عالی،

مسابقات پرش با اسب گروه سنی نونهالان جام معتبر نوبهار با حضور اکثر آینده سازان استان‌های سراسر ایران در تالار سرپوشیده باشگاه استاد علی اکبر رضایی (بام) برگزار شد و در مقابل چشم تماشاگران مشتاق و خانواده‌ها، یک نونهال دیگر ستاره شد که نامش امیر علی زمردی بود. اودر گذشته هم در قهرمانی استان البرز افتخارات فراوان را در کارنامه خود ثبت کرده بود و این بار هم در این جام نوبهار مثل یک ستاره درخشید.

نثرات برتر گروه نونهالان جام نوبهار از سمت چپ
نفر پنجم امیر علی زمردی و نثر اول حماد حسینی
زاده، دوم شرفی، سوم هاشمی، چهارم شاکری فرد



امیر علی (سمت راست) روی سکوی سوم
جام F.E.I. وسط تیمار سازی
(مقام اول) و حسام شریفی
(مقام دوم)



زمردی به اتفاق پدر و مادر
دلسوز و امیر حسینی برادر
همیشه همراهش



پرش زیبای
امیر علی زمردی از
فراز موانع میدان
نونهالان



■ رسول عسکری

گفت وگو با "ملیحه صفایی"، چهره تاریخ ساز
بازی های پارا آسیایی ۲۰۲۲ هانگژو

فکر نمی کردم چهار مدال طلای همزمان را بگیرم

ورزش جانبازان و
توان یابان ایران در
سالی که گذشت
رویداد بازی های
پارا آسیایی ۲۰۲۲
هانگژو را پشت سر
گذاشت. رویداد مهمی
که هر چهار سال یکبار
بر گزار می شود و رده
بندی مدالی آن از
اهمیت بسزایی نزد
کشور های آسیایی
بر خور دار است. کاوران
ورزش کشور مان به
شکلی بی سابقه بی
سابقه توانست با ۴۴
مدال طلا در این
آوردگاه بزرگ به عنوان
دومی دست پیدا کند.
مطمئناً اگر در خشش
بانوی پرافتخاری چون
ملیحه صفایی نبود،
این مهم حاصل
نمی شد. ایران در
شرایطی برای کسب
جایگاه نایب قهرمانی
تیمی رقابت تنگاتنگی
با ژاپن داشت که کسب
دو مدال طلای عضو
نابینای تیم ملی
شطرنج زنان در
رقابت های ریپید، این
کار سخت را میسر
کرد. بانوی نابینای
مشهدی که پیش تر دو
مدال طلای رقابت های
استاندارد را نیز
تصاحب کرده بود، در
نهایت چهار نشان
طلای خوش رنگ را بر
سینه اش سنجاق کرد
تا علاوه بر چهره تاثیر
گذار کاوران ورزش،
لقب پرافتخارترین
المپین بازی های
هانگژو را هم از آن خود
کند. صفایی برای
رسیدن به این نتیجه
تاریخی سال پرفشاری
را پشت سر گذاشت که
شنیدن خاطرات آن
خالی از لطف نیست.
متن گفتگوی او را در
ادامه از نظر
می گذرانید.



● سال ۱۴۰۲ برای ملیحه صفایی چطور سپری شد؟

– امسال واقعا سال خیلی سختی را به لحاظ ورزش حرفه ای و زندگی شخصی داشتم. از دی ماه ۱۴۰۱ که آخرین انتخابی تیم ملی را دادیم، در اردو بودیم تا زمانی که به بازی های پارآسیایی هانگژو اعزام شدیم. سال در شرایطی برایم نو شد که پدر همسرم را از دست دادم. مجبور شدم با کوله باری از غم همسرم را تنها بگذارم و به اردو بروم. پدر و مادر خودم هم در آن مقطع بیمار بودند و هر کدام شیمی درمانی و رادیوتراپی می شدند. واقعا به لحاظ روانی شرایط خوبی نداشتم. دوری طولانی مدت از خانواده فشار روحی زیادی را بر من وارد می کرد اما خب چاره ای نداشتم. هر چه به زمان بازی ها نزدیک می شدم، انگار چیزی بلد نبودم. مدام کلاس های طولانی با استادم می گرفتم و مسابقات درون اردویی را هم بد می دادم. کلا ناامید شده بودم. به خصوص این که به پدرم هم قول داده بودم حتما مدال طلای این بازی ها را می گیرم. وقتی دیدم شرایطم دارد بحرانی می شود، چاره ای ندیدم جز این که از روانشناس کمک بگیرم. در خرداد ماه بود که مجبور شدم مشکلاتم را با یک روانشناس ورزشی در میان بگذارم. ضمن این که باید مشکل خوابم را هم حل می کردم. اختلاف ساعت ایران با چین زیاد بود. نمی خواستم اتفاقات تلخ بازی های پارآسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا تکرار شود. من در این بازی ها فقط به خاطر بی خوابی مدال طلا را از دست دادم. دکتر روانشناس به من برنامه غذایی و ورزش سنگین داد. از همان موقع استارتش را زدم. طوری که سه و نیم صبح از خواب بلند می شدم و هفت شب هم می خوابیدم. شوهرم هم پا به پای من جلو می آمد و روز و شبش مثل من شده بود. همه برنامه ها را مو به مو انجام دادم تا این که شهریور ماه یک مسابقه برگزار کردند و آنجا توانستم نتیجه خوبی بگیرم.

● این که بخواهی از همه مشکلات فارغ شوی و فقط روی یک موضوع متمرکز شوی، واقعا کار دشواری است؟

– بله همین طور است. اما من ناچار بودم در آن مقطع به چیزی جز مسابقه ام فکر نکنم. چون پنج سال زحمت کشیده بودم تا چنین روزی را ببینم اما دست تقدیر مرا با مشکلات زیادی مواجه کرد. همان موقع اوضاع جسمانی پدرم تشدید شده بود. ولی او مدام مرا دلداری می داد و می گفت خویم. همه جوهره به خودم کمک کردم که باور کنم حال پدرم خوب است تا مسابقه را بدهم. زمان بازی ها رسید. من هم همه حریفانم را شناخته بودم. خوشبختانه یک هفته زودتر هم به هانگژو اعزام شدیم.

هر چند که در هانگژو هم دوباره حواشی قدری از تمرکز را گرفت. برگزار کنندگان مسابقات گفته بودند ورزشکاران باید روی صفحه های ما بازی کنند. منشی هم نمی دادند. مهره های آنها با ما خیلی فرق می کرد. مجبور شدیم یکی از صفحات آنها را به هتل بیاوریم که نسبت به آنها آشنا شویم و تمرین کنیم.

● در نهایت هم که شروع فوق العاده ای داشتید.

– مسابقات از یک آبان ماه با بخش استاندارد استارت خورد. خدا را شکر خیلی خوب شروع کردم. با شش امتیاز صدر جدول بودم. حریفم در دور دور آخر نماینده هند بود. به بچه ها گفتم اگر این هندی من را شکست بدهد، مساوی می شویم. از بس که استرس داشتم نمی دانستم شرایط امتیازات چطور می شود. بچه ها ولی به من گفتند تو اگر به او ببازی هم قهرمان می شوی. خدا را شکر با اختلاف او را بردم و هم مدال طلای انفرادی را به دست آوردم و هم یک مدال طلای تیمی برای ایران.

● در رقابت های ریپید ولی انگار مسیر مسابقه خیلی برایتان پیچیده شد؟

– همین طور است که می گوید. وقتی یادش می افتم باز هم استرس می گیرم. مسابقات ریپید کلا در بیست دقیقه برگزار می شود. دو بازی اول را بردم اما بازی سوم را از خستگی زیاد به حریف اندونزی باختم. او در خواب هم نمی دید که من را

شکست بدهد، ولی این اتفاق افتاد. باید خودم را جمع می کردم، فرصتی برای ریکاوری نداشتم. مصمم شدم و بازی های بعد را بردم تا رسیدم به دور آخر. دور آخر به حریف هندی خوردم و حریف اندونزی هم که من را شکست داده بود با ویتنام رو به رو شد. این هندی همانی بود که در بخش استاندارد به او خورده بودم. من رفتم در گوشه ای بنشینم و قدری استراحت کنم که دیدم او دارد با مربی اش در مورد من صحبت می کند. من انگلیسی ام خوب است و حرف هایشان را کامل فهمیدم. داشت به شاگردش می گفت اگر صفایی را نبری او چهار مداله می شود. همین حرف ها انگار یک تلنگر را در من ایجاد کرد که به خاطر حرف او هم شده باید چهار طلا را بگیرم. مسابقه شروع شد و تقریبا پایاپای پیش رفتیم. این هندی خیلی اعتماد به نفس داشت و اصلا نمی خواست تسلیم شود. طوری که در ثانیه های آخر توانست از من یک کیش دائم بگیرد و من بازی برنده را مساوی کردم.

از فرط غم و غصه اشک هایم می ریخت و فرصتی نداشتم. باید ساعت را می زدم و مساوی را قبول می کردم. اصلا نمی دانستم دارد چه بر من می گذرد و امتیازها به چه صورت است. همان موقع سرم را روی میز گذاشتم و از شدت ناراحتی شروع به گریه کردم. یک وقت دیدم که داور دارد روی شانه هایم می زند و می گوید بلند شو تو قهرمان شدی. اصلا باورم نمی شد. این طور شد که دو مدال طلای انفرادی و تیمی این بخش را گرفتم و چهار مداله شدم.

● انتظار داشتید که چهار مدال طلا بگیرید؟

– اصلا فکرش را نمی کردم که بتوانم چهار مدال طلای این بازی ها را به دست آورم. من در بازی های پارآسیایی دوره قبل سه مدال نقره گرفته بودم. پیش بینی ام این بود که در این دوره دو مدال طلا بگیرم. اما خیلی غیرمنتظره به چهار مدال طلا رسیدم. جالب اینجا بود که همین دو مدال آخری که من گرفتم باعث شد تا کاروان ورزش ایران در اقدامی تاریخی در جایگاه دوم مدالی بازی ها قرار بگیرد.

● اتفاق مهم تر هم این بود که پرافتخارترین المپین بازی ها شدید.

– از این موضوع که کلی سورپرایز شدم. بعد از مسابقه ام داشتم غذا می خوردم که یکباره بچه های تیم آمدند بالای سرم و گفتند به عنوان پرافتخارترین ورزشکار کاروان انتخاب شدم و بین ۱۸ کشور شرکت کننده هم عنوان پرمدال آور ترین ورزشکار آسیایی را به دست آوردم.

● واکنش پدرتان بعد از کسب چهار مدال طلای این بازی ها چه بود؟

– وقتی برگشتم مدال هایم را بر گردن پدرم انداختم تا قولی را که به او داده بودم عملی کنم. انگار به تمام آرزوهایم رسیده بود. متأسفانه اما دو هفته بعد از این بازی ها پدرم به خاطر سرطان لوزالمعده از دنیا رفت. به پدرم گفته بود پاسپورتش را آماده کند تا وقتی از بازی های پارآسیایی برگشتم او را به سفر کربلا ببرم اما عمرش قند نداد. در نهایت تنها مادرم را به این سفر فرستادم. مرگ پدرم شوک بزرگی را به من وارد کرد. دلم می خواست پدرم زنده بود و می توانستم کاری برایش انجام بدهم.

● شما یکی از افتخارات مهم ورزش کشور را در این دوره از بازی های پارآسیایی رقم زدید؛ آن طور که باید مورد تقدیر قرار گرفتید؟

– نه متأسفانه. از مسئولان ورزش کشور انتظار می رفت که پاداش مدال آوری این بازی را زودتر پرداخت کنند. الان نزدیک پنج ماه گذشته اما هنوز خبری از پرداخت جوایز نیست. آن هم در شرایطی که کشور ما اوضاع اقتصادی خوبی ندارد و دلار از ۶۰ تومان هم عبور کرده است.

مسئولان کمیته ملی پارالمپیک تنها پاداش پای سکورا به ما دادند. هر کسی هر کاری که انجام می دهد دوست دارد همان موقع مزد و اجرش را بگیرد نه این که چند ماه بعد آن هم به طور نصفه و نیمه. مسئولان کمیته ملی پارالمپیک گفته بودند

به تعداد هر مدالی هر کسی بگیرد پاداش هایش را می دهند اما الان گفتند پاداش مدال اول را کامل می دهند. اگر کسی دو، سه تا مدال گرفته باشد پاداش آن ها را درصدی می دهند.

● خودتان چقدر برای آماده سازی بازی های پارآسیایی هزینه کردید؟

– من در این دو سه ماه آخر منتهی به بازی ها ۱۰۰ میلیون برای تمریناتم هزینه کردم. خیلی از وسایل و اشیای قیمتی را که داشتم فروختم تا بتوانم خودم را به بازی های پارآسیایی برسانم که برای کشورم افتخار آفرینی کنم. حقوقی که کمیته ملی پارالمپیک به ما می داد شش میلیون و سیصد هزار تومان بود. با این رقم های ناچیز که آن حجم از تمرینات بدنسازی، دوره های روانشناسی و تغذیه که در نمی آید.

● منبع درآمدتان از کجاست؟

– من در شهرستان گلبهار، سی و پنج کیلومتری مشهد زندگی می کنم. اینجا آکادمی شطرنج ندارد. با حمایت اداره میراث فرهنگی گل بهار یک اتاق به من دادند تا به علاقه مندان شطرنج آموزش بدهم. البته که در زمان هایی که اداره شلوغ می شود، یا برف و سرما است و تعطیلی داریم، نمی توان کلاس برگزار کرد. شطرنج رشته فکری است و باید سکوت باشد. برای همین من شاگردانم را به خانه می آورم و آنها را در منزل آموزش می دهم. گل بهار شهری غنی است و استعدادهای خوبی دارد. از مسئولان استان تقاضا دارم شرایطی فراهم کنند تا ما بتوانیم یک آکادمی متعلق به هیات شطرنج این شهرستان داشته باشیم.

● استخدام جایی نیستید؟

– من درخواست شغل و استخدام شدن در یکی از نهادهای دولتی شهرستان گل بهار یا استان خراسان رضوی را داده ام اما چون نمی توانم در چارچوب اداری باشم هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. به هر حال من عضو تیم ملی شطرنج نابینایان هستم و باید آن تایم باشم. مدام در اردو و مسابقه هستم. ضمن اینکه متاهل هم هستم و باید کارهای خانه را هم بکنم. برای کسب درآمد ناچارم شاگرد خصوصی بگیرم. با توجه به این موارد تا کنون جذب هیچ ارگانی نشدم. اگر بخواهم کسب و کاری داشته باشم یا باید خودم سرمایه داشته باشم که پولش را ندارم یا این که با حمایت بخش دولتی کاری کنم.

● اصلی ترین دغدغه زندگی تان در حال حاضر چیست؟

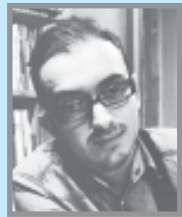
– بزرگترین دغدغه من برای برگزاری کلاس هایم، رفت و آمد به مشهد است. چون وسیله نقلیه شخصی ندارم زمان و هزینه زیادی صرف رفت و آمد من از گل بهار به مشهد می شود. از طرف رییس جمهور برای بدرقه ما آمده بودند که من مشکلم را مطرح کردم. نماینده رییس جمهور هم گفت که ما به تو و همسرت هر کدام پنجاه میلیون تومان وام می دهیم که مشکل ایاب وذهابت رو حل کنی. ولی من وقتی به بانک مراجعه کردم گفتند بیشتر از ۱۵ میلیون وام نمی دهند. تازه آن هم با چندتا ضامن و سختی های خودش. جالب اینجاست که بر خلاف قولی که دادند هر چه دنبالش رفتم همین ۱۵ میلیون وام را هم تا الان ندادند.

● هدف بعدی تان چیست؟

– از سال ۹۰ که عضو تیم ملی شطرنج نابینایان ایران شدم و طلای زنان جهان را گرفتم تا به الان عضو ثابت این تیم هستم. متأسفانه رشته ما المپیکی نیست و بنابر این تنها می توانیم به حضور در رقابت های جهانی امیدوار باشیم. هدفم این است که در رقابت های جهانی قهرمان شوم. از روزی که از بازی های هانگژو برگشتم با خودم گفتم که حالا نوبت کسب عنوان قهرمانی جهان است. امیدورم به زودی به این مهم برسم.

● و حرف آخرتان...

– آرزو دارم در همه جای کشورم صلح و آرامش برقرار شود و شادی را در چشم های مردم ایران ببینم. امیدوارم سال ۱۴۰۳ با اتفاقات خوب برای همه مردم سرزمینم شروع شود و غم و غصه نباشد.



■ عرفان خمندی

گزارشی از ۱۲ ماه جار و جنجال

آنهایی که در شبکه های اجتماعی ورزش ایران را لرزاندند!

جنجال اینستاگرامی میان کشتی و فوتبال بر سر ماشین های وارداتی!

حرف های حسین کنعانی زادگان، مدافع تیم ملی ایران در تلویزیون جنجال زیادی به پا کرد، جایی که او گفته بود پاداش صعود از تیم ملی را صرف وارد کردن یک خودروی ۱۰۰ میلیاردی رنجروور کرده است. این موضوع بازتاب بسیار زیادی در فضای رسانه داشت اما کسی فکرش را نمی کرد که با واکنش سایر ورزشکاران همراه شود. اولین نفر امیرمحمد یزدانی بود که وارد گود شد، کشتی گیر ۲۳ ساله جویباری که با دو مدال نقره قهرمانی جهان توانسته نام خود را مطرح کند، اما این بار با ورود به یک ماجرای فوتبالی اسمش را بر سر زبان ها انداخت، جایی که نوشت: "خوبه ها، بازی و جایزه بگیر! در جایی از کره خاکی هستیم که عدالت فقط یک واژه است". در حالی که این استوری به شدت مورد حمایت گروهی از هواداران ورزش قرار گرفته بود و البته نقد گروهی دیگر را نیز به همراه داشت، جواد کاظمیان، ستاره سابق پرسپولیس و تیم ملی، بدون حمایت از حسین کنعانی زادگان، یک استوری تند علیه امیرمحمد یزدانی منتشر کرد. کاظمیان این استوری را با اشاره و کنایه به افراد متفلوتی منتشر کرده اما در ابتدا خطاب به یزدانی نوشته: "کشتی گیر جوان!

نفوذ و تاثیر شبکه های اجتماعی در زندگی ما با گذشت زمان بیشتر و بیشتر می شود و شاهد آن هستیم که پلتفرم های مختلف کوردهای بزرگتری از میزان بازدید، جذب مخاطب و برهم کنش اجتماعی را از خود بر جای می گذارند. بسیاری از سوژه های مهم که در سراسر دنیا به وجود می آید، ابتدا در شبکه های اجتماعی عرضه شده و سپس به اخبار و رسانه ها راه پیدا می کند. در این میان، شبکه اجتماعی اینستاگرام که در اختیار و مالکیت مارک زاکربرگ قرار دارد، نقش بسزایی در انتقال اطلاعات و انتشار اخبار و سوژه ها دارد. همچنین شبکه اجتماعی توئیتر سابق که پس از انتقال مالکیت آن به ایلان ماسک به "یکس" تغییر نام داد، محلی است که اولین سوژه ها و اتفاقات در آن بارگذاری شده و در اختیار دنبال کنندگانش قرار می گیرد. در سالی که گذشت ورزش جهان سوژه هایی داشت که باعث شد میلیون ها نفر در سراسر دنیا پست ها و استوری های افراد منتشر کننده را ببینند، نسبت به آن نظر آتشان را بیان کنند و در نهایت واکنش های مختلفی داشته باشند. از همین رو در ادامه به مرور این اتفاقات داخلی و خارجی و سوژه های پرحاشیه و واکنش برانگیزی که در ایران و خارج از کشور رخ داده می پردازیم.

بزرگترها در مورد من سوال کن. تو هنوز وجود نداشتی که من گل آخرین قهرمانی ایران تو آسیا زدم. "البته امیرمحمد یزدانی تنها کشتی گیری نبود که به حرف های کنعانی زادگان واکنش نشان داد. امیرحسین زارع با انتشار یک استوری به صحبت های مدافع تیم پرسپولیس واکنش نشان داد. همچنین یونس امامی با انتشار یک استوری نوشت: "اون ماشین خوشگلتو داری؟"

شهربانو منصوریان؛ سلطان ویدئوهای اینستاگرامی!

شهربانو منصوریان اگرچه هنوز هم به فعالیت هایش در دنیای ووشو ادامه می دهد اما در سال گذشته فعالیت هایش در فضای مجازی نسبت به عملکرد ورزشی اش می چربیده و تقریباً نسبت به هر اتفاق بحث برانگیزی واکنش نشان داده است. او پس از انتشار ویدئویی از علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی ایران در فضای مجازی که در جلسه باوزیر ورزش در حال خواندن نماز بود، به آن واکنش نشان داد. این ویدئو حواشی مختلفی داشت و دبیر درباره آن گفت نماز مستحبی بوده و تا کسی از نیت دیگری باخبر نباشد، حق ندارد او را به ریاکاری متهم کند. پس از صحبت های علیرضا

حرف هایی که زد، تقریباً در سته ولی واسه تو زده. به چند تا تورنمنت برو، مدال بگیر، بعداً حرف بزن! این حرف ها را احسن یزدانی و کامران قاسمیور باید بزنن. توی این مملکت دوو میدانی کار می ره ر کورد می زنه پول کفش رو هم نمی دن. شما هم از خیلی رشته ها جلوتر هستید. در ضمن اگر راه رو بلد باشی بعد دوران قهرمانیت مثلاً میتونی شورای شهر باشی، نماینده مجلس باشی و مجموعه ورزشی ها رو ده ساله تو مزایده مفت بگیری. مجوز وارد کردن اسب بگیری و باغ هزار میلیاردی داشته باشی". جواد کاظمیان که همیشه لحن گزنده ای داشته، همچنین با اشاره به پاداش جام جهانی ۲۰۰۶ نوشت: "ما هم جام جهانی رفتیم پرشیا دادن. ۱۳ میلیون قیمتش بود، چون ذخیره بودیم ۶۰ درصد پرشیا رو دادن، یعنی ۵ میلیون پول دادیم". بلافاصله بعد از استوری کاظمیان، امیرمحمد یزدانی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: "شما حق تصمیم گیری برای منونداری که چی زوده یا چی درسته. اگر دوست داشتی می تونی بری افتخارات من رو بشماری، شما هم یه مقدار از افتخارات من رو بید تا ما شرمند بشیم". کاظمیان هم که قصد نداشت پاسخ بکشد، بعد از استوری یزدانی که شاید کمی تند و توهین آمیز هم بود، جوابی تندتر را منتشر کرد و نوشت: "افتخارات تو رو بشمارم بچه؟ از



دبیر، شهربانو منصوریان در یک استوری اینستاگرامی از او حمایت کرد. بعد از انتشار این ویدئو مردم انتقاداتی از او کردند که منصوریان در ویدئوی دیگری به آن‌ها پاسخ داد. همچنین شهربانو منصوریان پس از عدم صدور روادید و وشوکاران جهت حضور در مسابقات جهانی لاس وگاس مسئولان آمریکا از جمله جو بایدن را مورد انتقاد قرار داد. ویدئوها و واکنش‌های این ورزشکار در خصوص طالبان، پرداخت مالیات به منظور فعالیت بلاگری و دریافت چندین میلیارد تومان از این طریق، درگیری در حاشیه مسابقات ووشوی ایران، سیل در سیستان و بلوچستان و... باز دیدهای زیادی در اینستاگرام داشت.

از کارت هدیه ۵ میلیون تومانی تا وعده‌های دروغ!

ناهید کیانی، تکواندو کار تاریخ ساز ایران که موفق شد در سال گذشته اولین طلای تاریخ زنان در مسابقات جهانی را کسب کند، با انتشار تصویری در صفحه خود به کارت هدیه پنج میلیونی که به او پاداش داده شده طعنه زد. او با عبارت "شرمنده کردین" به انتقاد از رفتار مسئولین در قبال دستاورد خود در عرصه تکواندو پرداخت که البته این استوری بی جواب نماند و مسئولین این رفتار کیانی را به خامی رفتار وی نسبت دادند. همچنین سجاد گنج زاده، کاراته کای پرافتخار کشورمان در اعتراض به عملی نشدن وعده‌های مسئولین، به انتشار یک استوری تند و انتقادی در فضای مجازی پرداخت که البته چندی بعد آن را از صفحه رسمی خود پاک کرد. او با اعتراض به بی عدالتی نوشت: "عدالت همان چیزی است که پدرها و مادرها یادمان دادند و نا عدالتی همانی است که مسئولان انجام دادند. از المپیک به بعد فقط دروغ گفتند و وعده دادند اما عدالت کجاست؟". این استوری هم با واکنش‌های زیادی در فضای مجازی همراه بود.

دونده‌ای که از یک رقابت مهم دیگر بازماند و کسی گردن نگرفت!

فرزانه فصیحی، دونده سرعتی ایران که ورودی رقابت‌های دوومیدانی داخل سالن قهرمانی جهان را به دست آورده بود از حضور در این رقابت‌ها بازماند. فصیحی در پستی در صفحه شخصی اینستاگرام خود در این باره نوشت: "از یک مسابقه دیگر هم جاماندم؛ قهرمانی جهانی. بدون اینکه خطایی کرده یا تقصیری داشته باشم. شاید در ک ارزش حضور و سختی کسب ورودی مسابقات قهرمانی جهان برای عده‌ای قابل لمس نباشد اما من هیچوقت بابت آن نه پاداش خواستم، نه حواله‌ای و نه اینکه خبرش را در سایت فدراسیون بزنند. بدون هیچ توقع و انتظاری، حتی یک لوح تقدیر ساده. من در سال‌های اخیر یادگرفتم سطح توقعاتم را تا حد زیر صفر پایین بیاورم و امروز با وجود این حجم از ناملایمیتی و نادیده گرفته شدن‌ها باز هم ادامه دادم. من فقط توقع داشتم در آماده‌ترین سال ورزشی‌ام و بعد از رکوردشکنی بروم با بزرگان جهان مسابقه بدهم و کاری کنم که در تاریخ ورزش بی سابقه بوده‌است، اما این اجازه به من داده نشد. دلیلش دیگر برایم مهم نیست که چرا اینگونه شد، چون بار اول نیست و بار آخر هم نخواهد بود اما حالا پرچم ایران در محل مسابقات نیست. از وقوع اتفاقی بی سابقه در تاریخ ورزش کشور جلوگیری شد و ناراحت کننده‌ترین اتفاق اینکه زحمات، تلاش و رویاهای یک ورزشکار زیر پا له شد. هیچ کاری از دستم برنمی‌آید. چند روز ناراحتی می‌کنم، به خودم می‌آیم و ادامه می‌دهم. این روتین ۱۵ سال سابقه ورزش من بوده است." با این حال محمد مشهدی یاری، سرپرست دبیری فدراسیون دوومیدانی صادر نشدن ویزا را دلیل عدم حضور فصیحی در رقابت‌های قهرمانی جهان عنوان کرد. در اینکه فصیحی در این مورد هیچ تقصیری ندارد و حقش بود که در این مسابقات

شرکت کند هیچ تردیدی وجود ندارد اما داستان از چه قرار است؟ مسابقات دوومیدانی داخل سالن قهرمانی جهان به میزبانی اسکاتلند برگزار شد و قرار بود فصیحی نماینده ایران در این رقابت‌ها باشد. نام چهار ملی پوش دوومیدانی برای این رقابت‌ها اعلام شده بود و در نهایت مقرر شد یک نفر از ایران شرکت کند که نام فصیحی اعلام شد. روز ۲۴ بهمن دعوتنامه آمد و ۲۶ بهمن کارهای او انجام شد. همین تاخیر ۴۸ ساعته، کارهای مربوط به حضور او در رقابت‌های جهانی را به مشکل انداخته است. به نظر می‌رسد مسئول امور بین الملل فدراسیون دوومیدانی در این مورد تعلل داشته که همین موضوع باعث عدم حضور فصیحی در این میدان بزرگ شده است، هرچند که کار صدور ویزا خودش یک پروسه طولانی دیگر داشت. با این حال با وجود پیگیری‌های فدراسیون و شخص فصیحی، این بانوی ملی پوش شانس حضور در رقابت‌های قهرمانی جهان را از دست داد و ناراحتی خود را از طریق صفحات مجازی اعلام کرد.

جنجال کاپیتان تیم ملی والیبال و رفت و برگشتی که ثمری نداشت

والیبال ایران در سال ۱۴۰۲ روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت و پس از عملکرد ضعیف در مسابقات لیگ ملت‌ها و جهانی، خودش را برای حضور در مسابقات آسیایی و انتخابی المپیک با بهروز عطایی آماده کرد. با این روند، والیبال ایران علیرغم نایب قهرمانی در مسابقات آسیایی، در مسیر المپیک بهبود نیافت و با حواشی به وجود آمده از سوی بازیکنان قدیمی، اوضاع بدتر شد. میلاد عبادی پور، ستاره تیم ملی والیبال ایران پس از کسب مقام نایب قهرمانی در مسابقات قهرمانی آسیا با انتشار پیامی در فضای مجازی به انتقادها از عملکرد تیم ملی و همچنین خط خوردنش از لیست جدید عطایی برای اردوی آماده‌سازی برای بازی‌های آسیایی و رقابت‌های انتخابی المپیک در برزیل واکنش نشان داد. عبادی پور با انتشار یک استوری در صفحه

شخصی اینستاگرامش نوشت: "به عنوان سرباز همیشگی تیم ملی از تمام طرفداران و اعضای خانواده والیبال عذرخواهی می‌کنم. در باره موارد مختلف که در این مدت مطرح شدند، حرف‌های زیادی باقی است که باید در زمان لازم به آن‌ها پرداخته شود اما حالا و در آستانه دور ویداد مهم برای تیم ملی والیبال، شاید زمان مناسبی نباشد که این موضوعات را طرح کنم و به زبان بیاورم. البته با توجه به مهر و ارادت قلبی به طرفداران والیبال، این مسئولیت را بر دوش خود می‌بینم که در یک موقعیت بهتر، نکاتی را با آن‌ها در میان بگذارم. خیلی دوست داشتم در دورنمنت مهم پیش‌رو نیز در خدمت تیم ملی کشورم باشم اما با نظر کادر فنی یا هر چیز دیگری که به آن احترام می‌گذارم به اردو دعوت نشدم و قسمت این گونه بوده که بین من و تیم ملی که عاشقانه دوستش دارم جدایی بیفتد. آرزوی منم که روزی در موقعیت بهتر دوباره پیراهن مقدس تیم ملی کشورم را بر تن کنم و برای شادی دل شما بجنگم. به امید موفقیت و سربلندی ایران در مسابقات پیش‌رو و صعود به المپیک پاریس". پس از آن میلاد عبادی پور برای مسابقات انتخابی المپیک به تیم ملی دعوت شد اما نتوانست به این تیم برای حضور در پاریس کمک کند و تنها دستاورد فعالیت او در شبکه‌های اجتماعی، ایجاد حاشیه و جنجال بود. این در حالی است که پیش از وی جواد معنوی نژاد هم در فضای مجازی به عملکرد کادر فنی انتقاداتی وارد کرده بود.

استوری تلخ استاد بزرگ!

چندی پیش سارا خادم الشریعه، استاد بزرگ شطرنج ایران از اسپایا با انتشار یک استوری تلخ نشان داد که رقابت اتوساپور کاشیان، عضو تیم ملی آمریکا با میترا اجازی پور، عضو تیم ملی فرانسه را دنبال می‌کند. این استوری واکنش‌های زیادی را در جامعه ورزش ایجاد کرد و بسیاری به مهاجرت این ورزشکاران که باید در تیم ملی ایران لرزه بر اندام رقاباتی انداختند، واکنش نشان دادند.

جنجال‌هایی از جنس فوتبال

فوتبال هم که مطابق انتظار بیشترین واکنش‌ها و حواشی را در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از آن خود کرده و توانسته بیشترین مخاطبان را در پلتفرم‌های مختلف به خود اختصاص دهد. بدون شک یکی از مهمترین آنها به روزهای نقل و انتقالات تابستانی بازمی‌گردد؛ جایی که علیرضا بیرانوند در یک حرکت انتحاری تصمیم به فسخ یک طرفه قرار داد خود با پرسپولیس گرفت و به دنبال آن در یک رفتار جنجالی‌تر در یک پست اینستاگرامی اعلام کرد که طرفدار استقلال بوده و قصد دارد به دیگر تیم پابخت بپیوندد. او در این پست اعلام کرد که استقلالایی بوده و استقلال تیم محبوبش است. این مساله واکنش‌های زیادی را به همراه داشت و چالش‌های زیادی را برای این دروازه‌بان ملی پوش ایجاد کرد. به دنبال این اتفاق مرتضی پورعلی گنجی، مدافع سرخپوشان، با انتشار پستی در صفحه شخصی خود درباره مشکلات مالی باشگاه پرسپولیس و اتفاقات رخ داده پیرامون بیرانوند صحبت و نسبت به عدم پرداخت پاداش به تیم قهرمان لیگ برتر و جام حذفی گلایه‌هایی را مطرح کرد.

دیگر موضوع جنجالی فوتبال ایران که حسابی در فضای مجازی سر و صدا به پا کرد، مربوط به مهدی قایدی، ستاره تیم ملی فوتبال کشورمان می‌شود. صفحه مهدی قایدی در اینستاگرام، یک استوری جنجالی خطاب به یک مخاطب خاص را منتشر کرد و نوشت: "جواب بی وفایی را با وفا دادم فقط". این متن البته بخشی از یک آهنگ است.





گزارشی از جام جهانی فوتبال ساحلی امارات - ۲۰۲۴

آقای پاس گل، ۱۷ سال حضور در مسابقات و دروازه بانانی در نقش گلزن

■ سید محمد طاهر شاهین



جام جهانی فوتبال ساحلی ۲۰۲۴ در امارات با قهرمانی تیم برزیل به پایان رسید. این در حالی بود که تیم ملی کشورمان شانس بسیاری برای رسیدن به فینال و فتح این جام داشت که تنها به دلیل باخت مقابل برزیل قهرمان در نیمه نهایی از صعود به فینال بازماند و در نهایت عنوان سوم را از آن خود ساخت. عملکرد چشم نواز ملی پوشان غیر ایرانی، تمجیدهای بسیاری را به دنبال داشت. اما این مسابقات حواشی، آمار و رکوردهایی را هم به یادگار گذاشت. نگاهی به این نکات خالی از لطف نیست؛ با حضور ایار برایشنسل، جوزپ جونپور، مارکو او کتاویو، لئومار تینز، موحد محمدپور، رودریگو، دروازه بانانی که گل می زنند و بازگشت هایی باور نکردنی.

● **۵** لئومار تینز به اولین بازیکنی تبدیل شد که ۵ گل در بازیهای پشت سر هم به ثمر رسانده است. رکوردی که حتی هم تیمی سابقش، ماجر، نتوانست به نام خود ثبت کند.

● **۳** ایران و تاهیتی به سومین و چهارمین تیم هایی تبدیل شدند که شکست با سه گل را جبران کردند و در پایان، پیروز شدند. هر دو تیم هم این کار را مقابل اسپانیا انجام دادند. تیم ملی ۳-۰ و سپس ۲-۵ عقب افتاد و لی در نهایت در ضربات پنالتی موفق به کسب پیروزی شد. تاهیتی هم پس از دریافت ۳ گل از اسپانیا در نهایت با نتیجه ۵-۳ به پیروزی دست پیدا کرد. ساحل عاج در سال ۲۰۰۹ با نتیجه ۵-۱ از السالوادور عقب افتاد و در پایان ۵-۷ پیروز شد. در همین رقابتها پرتغال پس از دریافت ۳ گل توانست با نتیجه ای مشابه (۷-۵) به پیروزی دست پیدا کند.

● **۳** رودریگو به پنجمین بازیکنی بدل شد که در فینال، سه گل به ثبت می رساند. آنتونی مندی برای فرانسه (۲۰۰۵)، آندره برای برزیل (۲۰۱۱)، دمتری شیشین برای روسیه (۲۰۱۱) و جردن برای پرتغال (۲۰۱۹) نفرات دیگری هستند که این رکورد را قبلاً به جای گذاشته اند.

● **۶** برزیل به اولین تیم در فوتبال یا فوتسال ساحلی تبدیل شد که شش عنوان قهرمانی جهان را به دست می آورد. آنها ۵ قهرمانی در جام جهانی فوتبال و جام جهانی فوتسال را هم در اختیار دارند.

● **۱۱** دروازه بان ها ۱۱ گل به ثمر رسانند که یک رکورد برای جام جهانی فوتبال ساحلی محسوب می شود. ۳ تای آنها توسط بازیکنان ایران در یک بازی حاصل شد، که این هم خود یک رکورد است. حمید بهزادپور و سید مهدی میرجلیلی در مجموع ۵ گل در رقابت های ۲۰۲۴ دوی به ثمر رسانند. گل های دیگر را میخائیل آگوستوف، آستن کالبر، دونا، اوسینو فی، یوسوکه کاوایی و کریس توت رقم زدند.

● **۸** دوره طول کشید تا تیم ملی امارات موفق شد از مرحله گروهی این مسابقات صعود کند. اکنون آمریکا هم با هفت دوره عدم صعود به مرحله حذفی این رقابتها، یکی از رکودداران است.

● **۶** موحد محمدپور، شش پاس گل در این مسابقات ساخت و رکوردی را به نام خود ثبت کرد، یعنی هر ۱۹ دقیقه یک پاس گل. پس از او هم یک ایرانی دیگر، حمید بهزادپور، با ۵ پاس گل قرار دارد. یوسوکه کاوایی از ژاپن با ۴ پاس، فیلیپه از برزیل با ۴ پاس، لئو مار تینز و پدرو مانو هر دو از پرتغال با ۴ پاس و بوبو و موریسینیو از برزیل (هر یک با ۴ پاس) در رده های بعدی قرار دارند.

● **۶** برزیل به اولین تیم در فوتبال یا فوتسال ساحلی تبدیل شد که شش عنوان قهرمانی جهان را به دست می آورد. آنها ۵ قهرمانی در جام جهانی فوتبال و جام جهانی فوتسال را هم در اختیار دارند.

جراحی رباط صلیبی قدامی روی زانوی خود انجام داده بود و انتظار می رفت که این مسابقات را از دست بدهد. پس از او هم تیمی اش در ایتالیا، لوکا برتکا (۱۴۰ دقیقه و ۵۱ ثانیه) و مدافع بلاروس، میتیکا چایکوفسکی (۱۲۹ دقیقه و ۴۹ ثانیه) قرار داشتند. این آمار مربوط به بازیکنان درون زمین غیر از دروازه بان ها بود. در مجموع، میخائیل آگوستوف، دروازه بان بلاروس با ۲۱۹ دقیقه و ۳۸ ثانیه، صدر نشین بود. این یعنی حضور کامل در همه مسابقات تیمش، غیر از ۲ دقیقه و ۲۲ ثانیه.

● **۶۸** مارکو او کتاویو مسن ترین سرمربی است که در یک رقابت فیفا موفق به کسب جام می شود. این مربی ۶۸ ساله برزیلی و دستیار پرتغالی اش، مار یونارسیسو ۷۰ ساله، مسن ترین زوج در تاریخ کل رقابت های فیفا در تاریخ ۱۳۱ ساله آن، بودند.

● **۱۷** مسلم مسیگر از ایران و دونا از اسپانیا، رکورد جدیدی را در زمینه طولانی ترین حضور در رقابت های جام جهانی فوتبال ساحلی، به جای گذاشتند: ۱۷ سال. قبل از بلکیور، اسطوره پرتغالی این رکورد را با ۱۶ سال حضور در اختیار داشت.

● **۱۲** ایار برایشنسل، به هفتمین بازیکنی تبدیل شد که در یک دوره جام جهانی فوتبال ساحلی، ۱۲ گل می زند. پیش از او ماجر (۴ مرتبه)، گلریله گوری (۲ مرتبه)، آندره، بنجامین، گلن هادل و دژان استاکوویچ موفق به انجام این کار شده بودند.

جام جهانی فوتبال ساحلی ۲۰۲۴ در امارات با قهرمانی تیم برزیل به پایان رسید. این در حالی بود که تیم ملی کشورمان شانس بسیاری برای رسیدن به فینال و فتح این جام داشت که تنها به دلیل باخت مقابل برزیل قهرمان در نیمه نهایی از صعود به فینال بازماند و در نهایت عنوان سوم را از آن خود ساخت. عملکرد چشم نواز ملی پوشان غیر ایرانی، تمجیدهای بسیاری را به دنبال داشت. اما این مسابقات حواشی، آمار و رکوردهایی را هم به یادگار گذاشت. نگاهی به این نکات خالی از لطف نیست؛ با حضور ایار برایشنسل، جوزپ جونپور، مارکو او کتاویو، لئومار تینز، موحد محمدپور، رودریگو، دروازه بانانی که گل می زنند و بازگشت هایی باور نکردنی.

● **۳۵۹** ۳۵۹ بازی طول کشید تا یک بازی جام جهانی فوتبال ساحلی باتساوی بدون گل پایان یابد. در سال ۲۰۱۹ یک بازی تا آستانه تساوی بدون گل پیش رفت تا اینکه گستون لادوش تک گل اروگوئه را در مصاف با مکزیک در ۵۲ ثانیه تا پایان بازی، به ثمر رساند. اما در دیدار ایتالیا و امارات، قفل دروازه ها نه در زمان معمول و نه در وقت های اضافه، شکسته نشد تا اینکه حمید جمال، تیم میزبان را در ضربات پنالتی کم گل ترین دیدار تاریخ این مسابقات، به پیروزی برساند.

● **۱۵۸** جوزپ جونپور به طور حیرت آوری در ۱۵۸ دقیقه ۲ ثانیه فوتبال بازی کرد. بیش از هر بازیکن دیگری در این مسابقات. زمانی موضوع جالب تر می شود که بدانید وی در ماه جولای گذشته عمل



■ دکتر محمد (شهریار) شفائی

گزارشی از یک تصمیم ناگهانی و غیر کارشناسی

ورزشگاه ۱۲۰ هزار نفری؛ از خیال تا واقعیت...

راهی که کشورهای دیگر می روند

ورزشگاههای بزرگ، در دنیای امروز دو دسته اند؛ آنها که یادگار گذشته اند و دائم در حال مرمت و بازسازی اصولی هستند، آنها که توسط برخی دولت های مقتدر برای اثبات و القای اقتدارشان ساخته می شوند، که البته این دومی امروز بسیار نادر است. بی شک، امروز و با گسترش ارتباطات و نحوه پخش مسابقات فوتبال از تی وی با بهترین کیفیت، و نیز با سخت تر شدن اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم و کش آمدن مداوم ساعات کاری آنها و دهها دلیل دیگر، اشتیاق حضور برای تماشای مسابقات از نزدیک، کمتر از سالهای دور شده است. این مسئله نه تنها برای کشور ما، که در غرب هم وجود دارد... اما با شدت کمتر. لذا بجای ورزشگاههای یکصد و چند هزار نفری با سکوی سیمانی، اغلب ترجیح می دهند ورزشگاههای کوچکتر، اما مجهز و زیبا و مدرن تأسیس نمایند...

در دسره های ورزشگاه ۱۲۰ هزار نفری

شنیده شده که ایران بایاری گرفتن از یک شرکت "چینی" و کارگرانی که به نوعی در حال گذراندن حبس خود هستند (این مسئله هنوز رسماً تأیید نشده) قصد تأسیس ورزشگاه ۱۲۰ هزار نفری در تهران را دارد! جدای از جانمایی ورزشگاه که گفته می شود در ست روی یکی از گسل های معروف این کلانشهر است، این سوال پیش می آید که "هدف" ما از چنین تصمیمی چیست؟ آیا قصد نشان دادن تکنولوژی و یا معماری برتر خود را داریم؟ آنها هم با کمک چینی ها؟! یا می خواهیم برای سالی یک یا دو بازی، ورزشگاه مناسبی داشته باشیم؟ خب، می دانیم و می بینیم که سیاست برگزار کنندگان مسابقات ورزشی سیاست تأسف آور "سری که در دنی می کند را دستمال نمی بندند" شده! یعنی اغلب، از رفتار و گفتار آنها می توانیم بفهمیم که همین اندک ذوق و شوق باقیمانده برای تماشای مسابقات از نزدیک را روز به روز بیشتر دچار استهلاک می کنند تا از دحام و تراکم تماشاگران جلوگیری کنند. پس چرا ورزشگاه یکصد و بیست هزار نفری؟ این در حالیست که می بینیم همین ورزشگاه ۷۰ هزار نفری ماهم امروز گرفتار مان کرده و ده سال دیگر که کم کم زمان فرسودگی ورزشگاه جدید هم فرا خواهد رسید، با کدام بودجه و تخصص می خواهیم دو تا غول روی دست مانده را مدیریت کنیم؟

پیشنهاد

بجای ورزشگاه ۱۲۰ هزار نفری، می توان در نقاط مطمئن تر و نزدیکتر به شهر، سه ورزشگاه چهل پنجاه هزار نفری مدرن ساخت. ورزشگاههایی که هم نگهداریشان راحت تر است، هم هزینه کمتری دارند، هم ۹۰ درصد مسابقات و نیازهای ما را پوشش خواهند داد. ورزشگاههایی که آنها هم می توانند با استفاده از تکنولوژی روز و هنر ایرانیان، طراحی و اجرا گردند و نماد عقلانیت ما در زمان حال، و تمدن و هنر ما در گذشته باشند. ورزشگاههایی که با اجاره بلندمدتشان به باشگاههای پرطرفدار پایتخت می توانند برای آنها یک اعتبار دوباره کسب کنند... البته اگر دوباره موقع "قرعه کشی" جرزنی نکنند! هر چند، وقتی "تعمیر" آزادی، تکمیل نقش جهان و یادگار امام، و افتتاح و در چرخه قرار گرفتنشان درمندانده دهه سال زمان می برد، شاید نتوان امیدوی به "ایرانیزه" شدن چنین پروژه هایی داشت. همچنین معمولاً در پس چنین پروژه های رویایی و بزرگ، مسائلی وجود دارد که در کش برای من و شما ساخت است و "باید" انجام شوند! لذا اگر با اینهمه روده درازی و هشدار، باز هم دیدید کلنگ این ورزشگاه زده شد، تعجب نفرمایید...

رومی ها وقتی ورزشگاه "کولوسئوم" (همان کولزیوم) را ساختند، امکانات معماری و ساخت و سازشان اصلاً با امکانات جهان امروز قابل مقایسه نبود. شکوه این ورزشگاه، که البته به جای ورزش مدرن و شعار دوستی انسان ها، در آن انسانیت قربانی می شد، آنقدر بود و هست که هنوز به عنوان یک اثر هنری - مهندسی در جهان می درخشد، تا حدی که در بین عجایب "هفتگانه" جهان قرار می گیرد. اکنون قرن ها از آن دوران گذشته و "علم - هنر" معماری، پیشرفت غیر قابل تصویری داشته. روم، یا ایتالیای امروز، دیگر "ابر قدرت" جهان نیست. اما یک کشور پیشرفته اروپایی با یک تاریخ درخشان معماریست. آنها دیگر به فکر ساختن "یک" "کولوسئوم" نیستند. بلکه بیشتر به ساختن ورزشگاههای متوسط و متعدد می اندیشند...

ورزشگاه نوستالژیک

نیم قرن پیش، برای هر چه باشکوه تر برگزار شدن بازی های آسیایی، ورزشگاه "آزادی" در بیابان های غرب تهران با عجله و خیلی پرشتاب تأسیس شد. این ورزشگاه آن زمان بزرگترین ورزشگاه آسیا و یکی از ۱۰ ورزشگاه بزرگ جهان از نظر ظرفیت تماشاگر بود. ظرفیت این ورزشگاه در زمان تأسیس بدلیل اینکه بیشترین قسمت های آن بدون صندلی و به اصطلاح "ایستاده" تعریف شده بود، یکصد هزار نفری "بر آورد می شد، که البته اندکی بزرگ نمایی بود و این ورزشگاه در حقیقت و با نحوه استفاده استاندارد، ۹۰ هزار نفری بود. درست است که شهرت اصلی این ورزشگاه، همان میدان یکصد هزار نفری فوتبالش بود، اما "کمپلکس" یا "مجموعه" بزرگی که این ورزشگاه در آن قرار داشت، خود یکی از زیباترین مجموعه های ورزشی جهان بود. در دمنده، بدلیل وسعت بسیار زیاد، نگهداری این ورزشگاه نیاز به تخصص و بودجه هنگفت داشت، که سالها از آن دریغ شد. این مشکل، در کنار یکسری نقایصی که از ابتدا در ساختار ورزشگاه وجود داشت و احتمالاً بدلیل تعجیل در افتتاح آن نادیده گرفته شده بود، منجر به فرسودگی این "غول" پرافتخار شد. غولی که حاوی خاطرات بسیار متعدد و اغلب خوش هست. اما همین ورزشگاه، اکنون روی دست ما مانده و لقمه گلوگیر شده!!!

ورزشگاه سمبلیک یا کارآمد؟

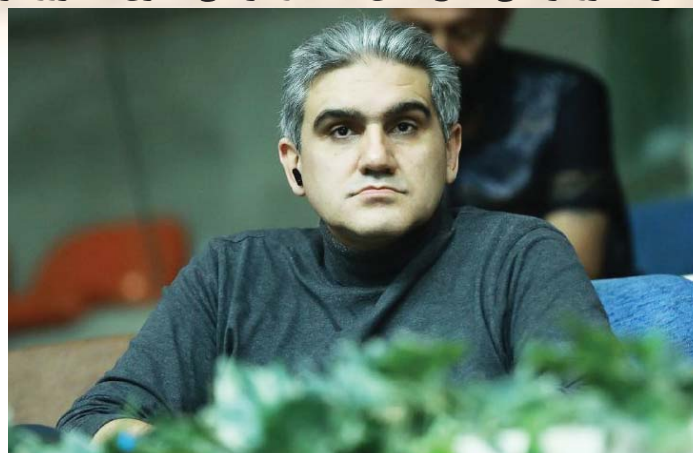
ورزشگاه آزادی که "صندلی دار" شد، ظرفیتش "رسماً" به ۷۰ هزار نفر تقلیل یافت. دیگر برخی از گزارشگران حماسی نمی توانستند هر یک نفر را ده نفر چرتکه بیندازند و از یکصد و بیست هزار جمعیت سخن بگویند. حالا ما یک ورزشگاه فوتبال ۷۰ هزار نفری در دل یک مجموعه بزرگ ورزشی داشتیم که از نگهداری و آب و جار و گردنش عاجز بودیم. یک بار برای ترمیم "اصولی" چمن ورزشگاه فوتبالش، یک سال آن را تعطیل کردیم! الان هم برای ترمیم بتون قسمتی از ورزشگاه، چند ماه است که ظرفیتش را به کمتر از نصف تقلیل دادیم و هنوز کار تکمیل نشده است! ما همه این کارها را می کنیم، چون این ورزشگاه، ورزشگاه سمبلیک و مایه افتخار ماست. درست مثل برج آزادی، و برج میلاد! اما چیزی که مهم است و البته دردناک، اینکه: روزگاری این ورزشگاه با ساکنان یک کشور ۳۵ میلیونی، برای برگزاری بازی های نه چندان بزرگ، بیش از ۹۰ هزار تماشاگر را به خود می دید. اما امروز شاید سالی یک دو بار بتواند ۷۰ هزار شهروند ایرانی را پذیرا باشد... باقی ایام، می ماند خودش، نامش، خاطر اتش، و... کاسه چه کنم مسئولین!



بازیکنان و کادر فنی تیم صنعتگران گروه امید تهران: افشین فتحاح (کاپیتان)، عباس اولادی، میلاد حمیدی، علی اشتر رزم فر، عماد جعفرزاده، الیاس محمدخانی، امیر شمیمی، میثم فریدی، میثم پایدار، کیمیل اکبری، سینا مولایی، مهدی بیابانی، محمد متعین چتری، امیر حسین سرآبادانی، امیر حسین حمیدی، سرمری، حمید جعفرزاده، فرید مریدی، دکتر خسرو فراهانی، مصباح آبادی، پندساز، مرتضی طاهری، آکلیزور، مرتضی آقابابایی، تدارکات: حسین میر سلطانی، سرپرست: امیر میر سلطانی



حاج غلامرضا محمدی پور
(ریاست هیات مدیره صنعتگران گروه امید)



مهندس محمدرضا محمدی پور

ما را در سایت

kayhanvarzeshi.ir

دنبال کنید

کاری کارستان؛ صعود ارزشمند به لیگ برتر والیبال باشگاههای ایران

«صنعتگران گروه امید» با اتحاد و همبستگی مقتدرانه قهرمانی آفرید

بخش از پنج بازی، چهار برد و یک باخت را رقم زد. بدین ترتیب گروه امید تهران از مجموع ۲۲ بازی با ۱۴ برد و هشت باخت جواز صعود به مرحله پلی آف را تضمین کرد. در مرحله پلی آف اول این تیم با اقتدار کامل در دفاع روی تور در سه بازی با برتری دو بریک تیم رازین پلیمر تهران را مغلوب کرد. این تیم در تداوم موفقیت خود در پلی آف دوم موفق شد با روحیه ای دوچندان و اعتماد به نفس بالا، تیم پرتوان ومدعی گل گهر سیرجان را از مجموع سه بازی با حساب دو بریک شکست بدهد و ضمن صعود به لیگ برتر به فینال دسته اول راه یابد. صنعتگران گروه امید در آخرین بازی در خانه والیبال موفق شد در حضور تماشاگران مشتاق در یک تک بازی سه بریک تیم مهرگان نور را مغلوب کند و با اقتدار در تمام نقاط میدان قهرمانی خود را آشکار نماید. باین اوصاف، برای حضور شایسته صنعتگران گروه امید در لیگ برتر والیبال سال ۱۴۰۳ لحظه شماری می کنیم.

داشت که همواره با انرژی مثبت یاور تیم بودند. در کنار این مهم، کادر فنی با دانش و هوشیاری در تمرین و مسابقه از عوامل موثر بلند پروازی این مجموعه بود که باید از حمید جعفرزاده (سرمری)، دکتر خسرو فراهانی، مصباح آبادی (مری)، و امیر میر سلطانی (سرپرست) یاد کرد که کانون گرمی از تیم ساختند و با علم و دانش مسیری موفق را طراحی کردند تا تیم را با بالندگی در میادین مقدماتی، پلی آف و در نهایت فینال به قله قهرمانی برسانند. بی شک، این پایان کار نیست و این تیم در نظر دارد در فصل آینده لیگ برتر سال ۱۴۰۳ چون خورشید بر تارک والیبال ایران بدرخشد و به جوانان این سرزمین خدمت کند.

شایان ذکر است که این تیم فراز و نشیب زیادی داشت و در شرایطی که کادر فنی قبلی ۱۰ ابرد و هفت باخت داشت، سکان مربیگری را عوض کرد و کار را به جعفرزاده و مصباح آبادی سپرد و کادر جدید با تغییراتی روحیه

والیبال یک ورزش گروهی است که برای کسب اعتبار و موفقیت، باید همه افراد و عناصر یک تیم در قالب اتحاد و همبستگی تلاش صادقانه در یک روح واحد داشته باشند و در محور یک حرکت واحد به سوی پیروزی گام بردارند.

بدون تردید، تیم صنعتگران گروه امید تهران با چنین تفکری حرکت خود را آغاز کرد و جدا از صعود ارزشمند به لیگ برتر سال ۱۴۰۳ باشگاههای ایران، موفق شد در یک شب دیدنی در تالار خانه والیبال تهران با شکست سه بریک تیم پرقدرت مهرگان نور قهرمانی سال ۱۴۰۲ لیگ دسته اول ایران را در کارنامه پر رنگ خود ثبت کند.

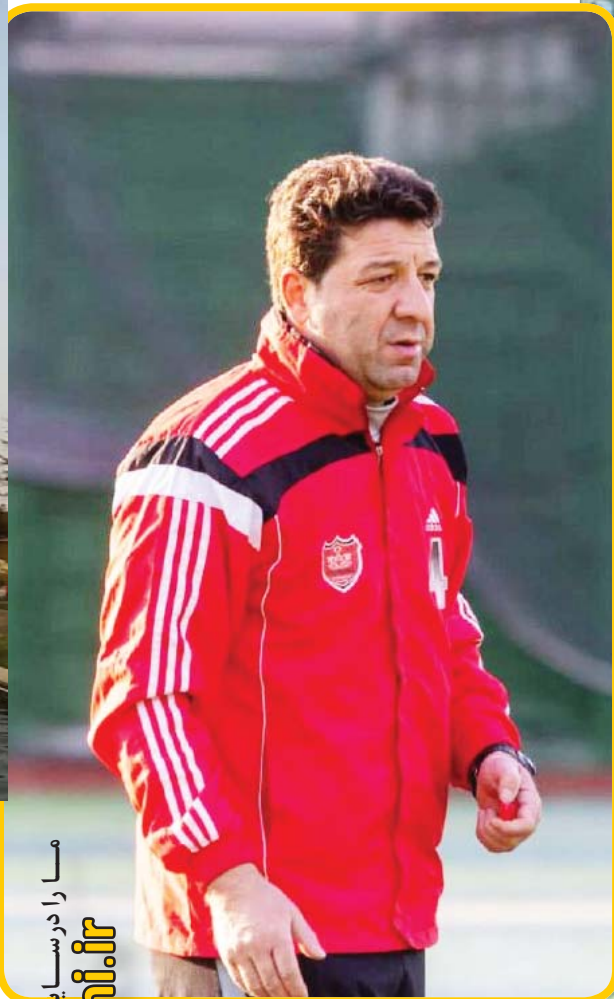
در این راه پرهیجان و پرتلاطم، جدا از جدیت و سختکوشی بازیکنان شایسته در میدان مسابقه، باید به حمایت های ارزنده مهندس محمدرضا محمدی (سرپرست) و حاج غلامرضا محمدی پور (ریاست هیات مدیره گروه امید) اشاراتی



مرتضی فتحاح (کاپیتان) و امیر میر سلطانی (سرپرست)



کادر فنی تیم صنعتگران گروه امید: امیر میر سلطانی (سرپرست)، دکتر خسرو فراهانی، مصباح آبادی (مری)، و امیر میر سلطانی (سرپرست)



اسماعیل حلالی با آموزشی‌های
ترویج در خدمت فرزندان ایران



آینده‌سازان تیم فوتبال باشگاه اسماعیل حلالی **ایستاده از سمت راست:**
امیر مهدی قزاقی، پارسا حصارکی، طه حسینمردی، نیما مشهدی، ماهان
زینعلی، ماهان وفایی، **نشسته‌ها از سمت راست:** امیرعلی شکروی، احسان
رجبی، آروین گیوه، آرتین فرجی و عرشیا فغی

باشگاه فوتبال «اف.سی.حلالی»

نامی معتبر برای آموزش نونهالان و نوجوانان

نام بازیکنان و شاگردهای حلالی را به‌خاطر بسیاری. در کنار اسماعیل حلالی باید از مربیانی مثل حافظ فردی، محمد شهبندیان و محمد سرلک نام برد که هر کدام با دانش بالای فنی به بازیکنان آموزش می‌دهند.

شهرک اکباتان بازیکنان نونهال، نوجوان و جوان را پرورش می‌دهد. باشگاه او با نام اسی حلالی در تهران و بخصوص غرب تهران در میان بچه‌ها شهرت خاص دارد. در این تیم آینده‌سازی می‌درخشند که دوست دارند جا پای بزرگان بگذارند.

اسماعیل حلالی در فوتبال ایران نامی آشنا دارد. اودر دوران بازیگری، فوتبالیستی خوش‌فکر و تکنیکی بود و برای پرسپولیس و تیم ملی افتخار آفرینی می‌کرد. او حالا در قالب یک مربی حرفه‌ای در ورزشگاه راه‌آهن تهران در



صدرا حسینمردی

برادران حسینمردی **سمت راست صدرا (۱۲ ساله) و طه (۱۳ ساله) هر روز در کنار دوستی و تحصیل به تمرینات فوتبال نگاه ویژه دارند تا آینده‌ساز شوند**



طه حسینمردی

کیهان ورزشی

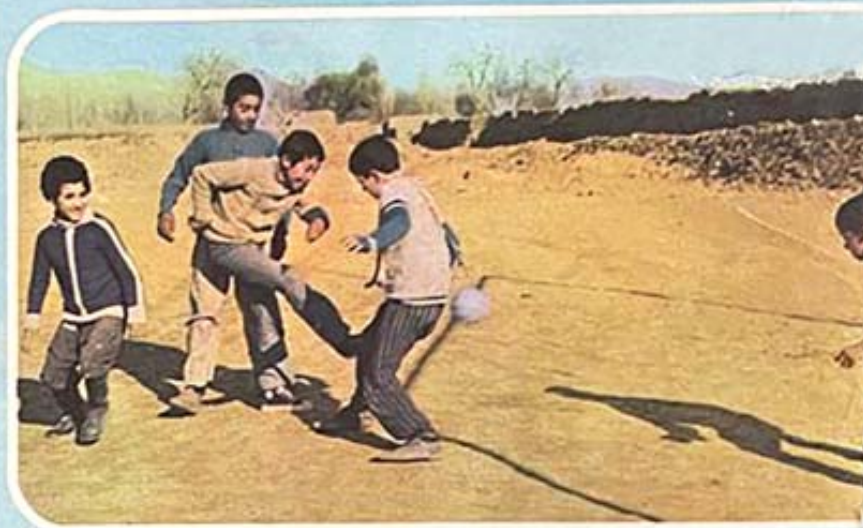
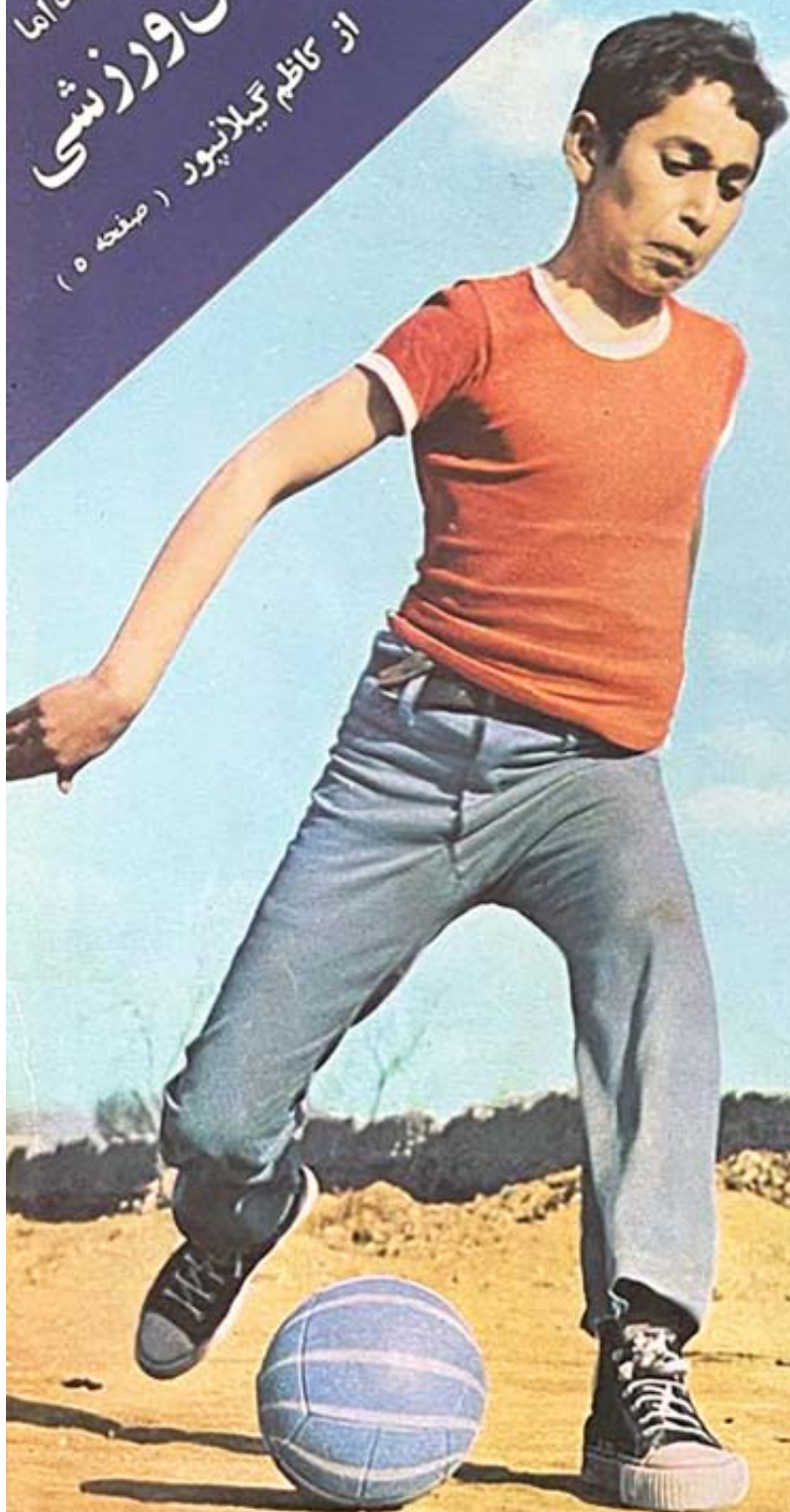
شماره ۱۰۲۹ - شنبه بیست و پنجم اسفند ۵۲ - بها ۲۰ ریال

شماره مخصوص

با ۱۶ صفحه اضافه

و ۴۷ عکس رنگی

قلیچ خانی بیش از همه رای آورده اما
آقای فوتبال کیهان ورزشی
این بچه است از کاظم گیلانیور (صفحه ۵)



مصاحبه اختصاصی کیهان ورزشی:

«برایان کلو» مربی

تیم ملی فوتبال ایران شد

پرسپولیس ۴

ذوب آهن *

صنعت نفت ۲

سپاهان *

۱ *

هما
عقاب

۲ *

ملوان

آب و برق *



ماجرای عکس روی جلد ۵۰ سال قبل کیهان ورزشی چیست؟

مرد سال فوتبال ایران، این بچه است!

محمود گودرزی از تیم مهر چاله سرخ را به عنوان فوتبالیست سال محلات انتخاب کردیم. در عکس کوچک او را در وسط می بینید که با چه شور و حرارتی به دروازه حمله می کند. این بچه ها وقتی خوب گرمشان شد لباس های کلفت را از تن بیرون آوردند و ما فرصتی پیدا کردیم که از محمود عکسی با پیراهن رسمی تیم مهر بگیریم. در یک زمین ناهموار عظیم آباد شهری، اما خوشبختانه بدون سنگلاخ، هفت هشت بچه قد و نیم قد به دنبال یک توپ پلاستیکی سخت در تلاش بودند. هوا فوق العاده سرد بود و آفتاب بی جان زمستانی فقط آنقدر رمق داشت که سایه گنبد طلایی سیدالکریم را بر زمین انداخته بود. در آن هوای سرد بچه ها بازی را با همه لباسی که بر تن داشتند آغاز کرده بودند و حالا که به اوج تلاش رسیده بودند چهره هایشان از عرق خیس شده بود و یکی یکی لباس های خود را از تن خارج کرده و به کار زمین می انداختند و برای آنکه ثابیه ای از توپ غافل نشوند شتابزده به زمین باز می گشتند.

دیدن تلاش سخت این بچه ها واقعا لذت بخش بود، به سبکی یک پر کاه به زمین می افتادند و به قدرت یک فنر از جامی جستند و به دنبال توپ می دویدند بی آنکه کوچکترین توجهی کنند که در آن زمین افتادن ها چه بر سرشان آمده و بی آنکه منتظر پزشک و برانکار باشند.

جز خودشان هیچکس دیگر در آن زمین نبود و هیچکس نبود که برایشان بوق و سرنا بزند. آنها که از سرکار برمی گشتند و به سوی خانه می رفتند بی آنکه نیم نگاهی به آنها بیندازند از کنارشان رد می شدند. فقط یک خانم مسن بود که بی تفاوت نگنشت چون شوت سنگین یکی از بچه ها توپ را محکم به پشتش کوبیده بود. صدای فریاد خانم شنیده می شد: "... جز جیگر زده ها... ایشالا داغتون به دل باباننه تون بمونه. ما ز دست شماور پریده هاشب و روز نداریم. آخه کسی دست از سر این زمین خرابه ورمیدارین؟ الهی پاهاتون آب بیاره تا اهل این محل از دستتون راحت بشن." پیرزن همین طور یک ریز نفرین می کرد و می رفت و بچه ها که گوششان از این حرف ها پر بود بی توجه به او کار خود را می کردند. آنها جذب و محو آن توپ گرد بودند.

نمی دانم چه مدت به تماشای بازی آنها ایستادم. نخستین احساسی که در من بیدار شد لذت از سرگرمی سالم آنها بود و بعد اینکه این بچه ها چقدر از ما خوشبخت ترند. یاد می آید که بابا ننه های مانمی گذاشتند پایمان را از در خانه بیرون بگذاریم و گاهی که به هزار حقه از خانه فرار می کردیم همه سرمایه مان را یک توپ پارچه ای و یک جفت گیوه زوار در رفته، یا کفش راحت منزل تشکیل می داد که گاه برای آنکه در بازگشت به منزل کتک نخوریم، آنها را هم در می آوردیم و به کناری می گذاشتیم تا پاره نشود و با پای برهنه بازی می کردیم. و به یاد می آورم بچه های محلات دیگر را که تمام اوقات خود را به گردبازی و لیس پس لیس می گذرانند و حالا اینها فوتبال می کنند، توپ پلاستیک و پوتین بسکتبال بیا

دارند، سعی می کنند چشمه هائی از یک فوتبال خوب نشان دهند، لباس خوب دارند و از همه مهمتر دوستدار واقعی و عاشق ورزش شده اند.

داشتیم فکر می کردم که چرا بعضی ها از اینکه فوتبال پرطرفدار شده ناراحتند و این رشته را غول ورزش نام می نهند؟ مگر فوتبال ورزش نیست؟ چه عیب دارد که نونهالان و نوجوانان ما از طریق فوتبال ورزش را بشناسند و به آن علاقه مند شوند؟ مگر کسی به آن چند بچه تحمیل کرده بود که در آن شرایط سخت و در شرایطی شاید ده ها برابر از آن سخت تر فوتبال کنند؟

در این افکار غوطه می خوردم که سعید مرآت گفت: " آقا نمیریم؟" راست می گفت خورشید داشت پشت گنبد طلایی حضرت عبدالعظیم پنهان می شد و بچه ها هم خسته و کوفته اما با چهره ها و دلهای شاد می رفتند تا به بازی خاتمه دهند. وقتی ما دو نفر را بسوی اتومبیل در حرکت دیدند یکی از آنها به سوی ما آمد و در حالی که معلوم بود خجالت می کشد که زیاد نزدیک شود، در چند قدمی اتومبیل ایستاد.

خسته نباشی کوچولو
- نه آقا خسته نیستم. باز می تونم بازی کنم، اما هوا داره تاریک میشه. خونه مون از اینجا دوره..."

خواستیم حرفی بزنم، کوچولو نگذاشت و با اشاره به دوربین گفت:

- آقا عکس مارو انداختین؟ بله جونم.
- واسه چی انداختین؟ به خودمونم میدین؟

حتما. از این عکس ها چاپ می کنیم و به همه شما می دیم.

- واسه چی عکس مارو انداختین؟ میخوایم تویه مجله چاپشون کنیم.

- تو کدوم مجله؟ تو کیهان ورزشی؟
- بعله جونم. مگه تو کیهان ورزشی رو میشناسی؟

- بعله... ما همیشه کیهان ورزشی میخریم، اما راسی واسه چی میخوانین عکس ما رو چاپ کنین؟
فکر میکردم جوابش را چه بدهم. بالاخره

گفتم:

آخه ممکنه تو مرد فوتبال سال بشی! یک سکوت چند لحظه ای و چشمان معصوم کودک که به زمین دوخته و می خواست مطمئن شود که درست شنیده و بعد سرش را بلند می کند و می گوید:

- آقا تورو خدا اذیت نکنین. بگین عکس مارو واسه چی میخوانین:

باور کن کوچولو، میخواهیم تورو مرد فوتبال سال معرفی کنیم! او با چهره بی باک و بی آرایش مردانه گفت:

- آقا خیلی ها از ما بهتر بازی میکنن. مثلا ممدآقا کاپیتان تیم شوت هایی میکنه که هیچکس نداره. حسین ریزه درپ هائی میزنه

مث ماه. وقتی ایناهستن اگه عکس منو چاپ کنین بچه ها مارو اذیت میکنن. شما عکس ممدآقا و یا حسین ریزه یا حسن آقا افغان را چاپ کنین.

راستی اسم تیم شما چیه؟
- تیم چاله سرخ، کاپیتان ما هم ممدآقا ایرانی به. حق اونه که عکسش چاپ بشه. ما همه دوست داریم.

ما دنبال یکی که خیلی خوب بازی کنه نمی گردیم. میخواهیم یکی از بچه محلهای خوب رو به عنوان الگو معرفی کنیم و در این مدتی که اینجا داشتیم نگاه میکردیم که تو چقدر با علاقه و با کوشش بازی میکنی، توبیک سمبل هستی.

کوجولو که از این حرف ها درست سر در نیآورده بود وقتی کلمه آخر را شنید گفت:
- آقا ما سمبول نیستیم. اسممون محمود گودرزی به.

سادگی و پاکی این بچه عجیب روی من اثر گذاشته بود. جواب دادم:

- محمود جان، من نگفتم اسم تو سمبله. سمبل یعنی نمونه! می بخشی که یک کلمه خارجی پروندم. میخوام عکس تورو بعنوان نمونه بچه های فوتبال دوست مملکت چاپ کنیم و بهمه شون بگیم دست شما درد نکنه، خسته نباشین. خوب شد؟

آخه تا حالا مرد سال روهمیشه از میون بازیکنان تیم ملی انتخاب میکردن.

به او پیشنهاد کردم چند لحظه ای بنشینیم و صحبت کنیم. وقتی نشستیم جوابش را دادم: خوب چه عیب داره که یه مرتبه از میون شماها انتخاب کنیم؟

- آخه اونا، بزرگن، خوب بازی میکنن، اگه یک لقد بما بزنن می شیم اون ور.

خوب تو هم وقتی بزرگ بشی از اونا بهتر میشی.

- آخه اونا تو چمن امجدیه بازی میکنن و ما توی این زمین.

راستی تو واسه چی فوتبال میکنی؟
این بازی رو خیلی دوس دارم باباننه ام خیلی مخالفن. فکر میکنن هیچ درس نمخوانم. اما من درسم رو خوب میخونم و تا حالا رفوزه نشدم.

خوب حالا حاضری مرد فوتباز سال بشی؟

- بله، فقط دلم نميخواه بزرگترها از من دلخور بشن.

نه هیچکس دلخور نمیشه حالا که مرد سال شدی میخوام باهات مصاحبه کنم.

- خوب چی میخواهین بپرسین؟
خودت رو معرفی کن

- من محمد گودرزی، ۱۵ ساله دانش آموز سال سوم دبیرستان رضا شاه شهر ری.

در چه تیمی عضویت داری؟
- تیم فوتبال مهر چاله سرخ

کجاست تمرین میکنین؟
- همینجا اسم زمینش چاله سرخ اسم محله ش عظیم آباد شهرری.



هفته ای چند روز تمرین می کنین؟

- هفته ای هفت روز.

خواهر و برادر هم داری؟

- یه برادر دارم که اونم عضو تیم مهرچاله سرخه. سه تا خواهر دارم.

دلت میخواد جای کدوم بازیکن بزرگ باشی؟

- جای علی آقا جباری.

بزرگترین آرزوت چی به؟

- آرزوم اینه که عضو تیم ملی فوتبال ایران بشم.

خورشید رفته بود، هوا خیلی سرد شده بود، میترسیدم طفلک سرما بخوره. گفتم:

محمود جون، ما باید بریم خیلی کار داریم. ایشاله به روز دیگه میبایم که با پدر و مادر و آشنا بشیم.

- بفرمائین. قدمتون رو چشم.

محمود کوچولو بود اما تعارفهایش همه تعارف های بزرگان بود. او خیلی محکم و

مردانه اما بسیار صمیمی، ساده و بی تکلف گفت: "قدمتون رو چشم".



عبدولکریم

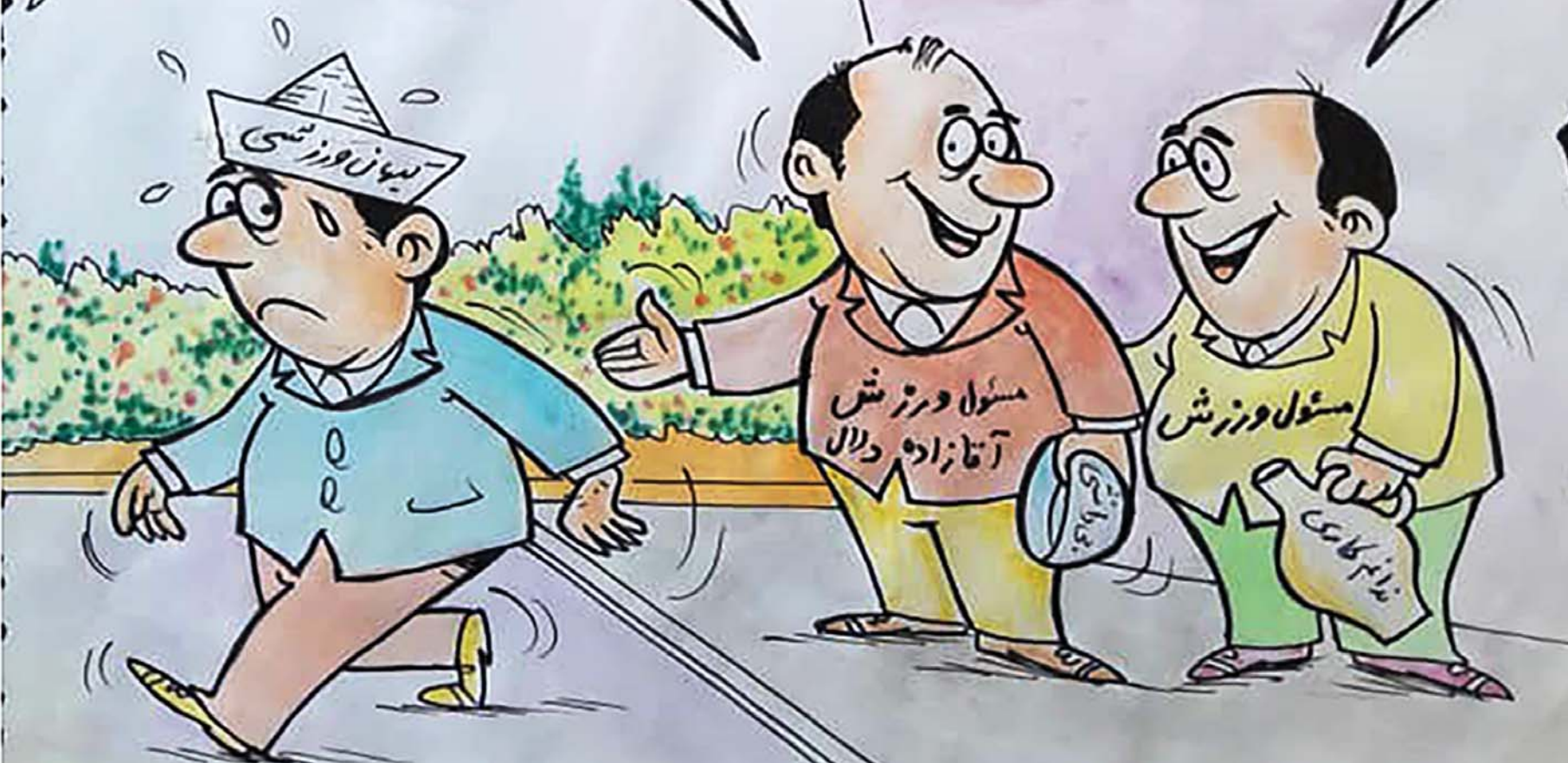
«به مناسبت سال نهنگ»

— خیلی مواظب باش. توی ورزش،
مسئولان فاکار بلد و توی زندگی
هم گرانی پدر من رو در آورده. مواظب
باش گیر این دو نایفتی!



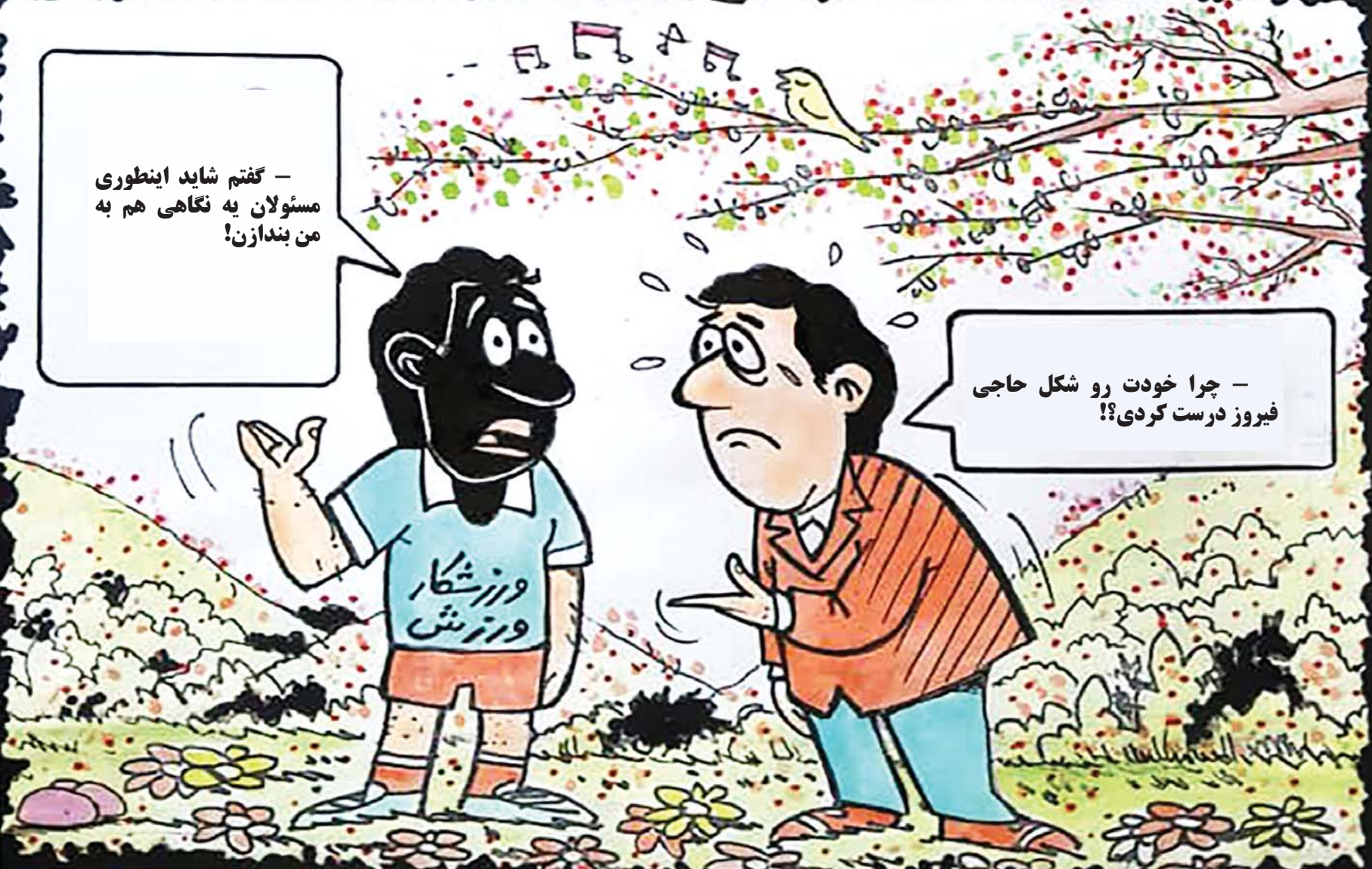
— طبق معمول هر ساله، سر این!

— امسال دیگه کاسه و کوزه ها
رو سر چه کسی بشکنیم؟!





— بیا تا وزیر ورزش فالگوش ایستاده با هم آهنگ
رفتم که رفتم رو بخونیم!



— گفتم شاید اینطوری
مسئولان یه نگاهی هم به
من بندازن!

— چرا خودت رو شکل حاجی
فیروز درست کردی?!

قابل توجه خوانندگان گرامی ! خواهشمندیم نام خود را نیز در پیامک هایتان بنویسید

حرف های شما



مظلوم

سلام. سال نور ایشاپیش تبریک عرض می کنم. ضمناً آقای مور ایس، سر مربی تیم سپاهان اصفهان، ششمین باخت خود را در فصل جاری متحمل شد ولی یک نفر از کارشناسان طرفدار مربیان خارجی و برنامه مساله دار " فوتبال برتر " از عملکرد ضعیف او انتقاد نمی کنند، در حالی که امیر قلعه نویی با یک باخت در جام ملت های آسیا " سیبل " انتقادات این حضرات پر مدعا شد. مربی ایرانی همیشه مظلوم واقع می شود.

امیر مصری - تبریز

پیشکسوتان

هیات فوتبال گیلان ۶ نفر را برای کاندیداتوری ریاست این هیات انتخاب کرد. به جرات می توان گفت که به جز یکی دو نفر، هیچکدام از آنها در فوتبال گیلان نقشی ندارند. آنها غیر فوتبالی هستند و سابقه حضور در فوتبال ندارند. برخی بالایی یا از قبل تعیین شده اند و کارنامه خوبی در فوتبال استان گیلان ندارند. جای تعجب دارد که از بزرگان کسی جزو انتخاب شدگان نیست. از اهالی فوتبال و پیشکسوتان با سابقه دعوت به عمل نمانده و برخی با کارنامه ای پر از اشتباهات و تکراری و منفور، دوباره کاندیدای ریاست هیات فوتبال گیلان می شوند که جای تأسف دارد. آیا لازم نبود که اهالی فوتبال و پیشکسوتان با سابقه انتخاب شوند؟

امیر حمیدی - رشت

تبریک

سال نو و عید نوروز را پیشاپیش خدمت آقای مدنی بزرگوار، سردبیر زحمتکش مجله و آقای کیوان طباطبایی که زحمت پیام ها و مزاحمت های بنده را می کشند و دوستان خویم آقایان حمید ترابیور، محمود محمدی، کامبیز هوشمند، سرکار خانم فکوری و همه پرسنل وزحمتکشان مجله همدم من تبریک می گویم و امیدوارم که همیشه سر بلند و موفق باشید. دهمین عید نوروز بدون آرش کوچولو را خواهیم گذراند. فقط فراق و اشک برابیم مانده است. یاد آن روزها بخیر که برای آرش کوچولو ماشین، عروسک بتن و پرندگان خشمگین می خریدم. عیدها جایی نمی روم. همیشه پیام های محبت آمیز پرویز خان مظلومی دلگرمی بنده غمدار بوده است. بعد از رفتن سجاده شهپاز زاده، ارسلان مطهری باتعصب - باخاطر عکس آرش در کنارش - هم از تیم محبوبم رفت. خیلی ناراحت شدم. در خواست می کنم خبرنگاران زحمتکشی که با سجاده شهپاز زاده در ارتباط هستند زمینه دیدار من و ایشان را فراهم کنند. ممنون. کاری خدایی خواهید کرد.

روبرت شیرازیان - تهران

روژه سکوت

سلام. امیدوارم کادر فنی پرسپولیس برای آینده تیم خود و فوتبال ملی تصمیم بگیرد که برای چند بازی علیرضا بیرانوند را نیمکت نشین کند. متأسفانه بیرانوند به شدت افت کرده و یکی از دلایلی هم بازی کردن وی در هر شرایطی است. دروازه بانی که چند گل بد در تیم ملی دریافت کرده و هر هفته پاشنه آشیل تیم پرسپولیس می شود، باید بیرون بنشیند تا متوجه ضعف و وضعیت خود شود. متأسفانه پرسپولیس به دست افرادی افتاده که از نظر فوتبالی دانش لازم را ندارند. برایم عجیب است که افشین پیروانی که بازیکن تیم ملی بوده این مسائل را بازگویی کند و روز سکوت

گرفته است. ضمناً اوسمار ویرا مربی خوبی است و باید مورد حمایت باشگاه قرار بگیرد.

داود

اتفاقات فوب

سلام. سال نور ایشاپیش خدمت آقای سید محمد علیرضا عزیزتان تبریک عرض می کنم و امیدوارم که در سال جدید اتفاقات خوبی برای تک تک تان رقم بخورد.

داود خانعلی زاده

حرف اول

سلام. در اروپا از نظر پناستی زدن، برمه و کارلوس برزیلی حرف اول را می زدند و در ایران، مجتبی محرمی و محمد نوازی. ممنون از مجله پرطرفدارتان.

کوهی - قزوین

عقب نشینی

آقا جواد گل! چرا در بازی با استقلال خوزستان در ۲۰ دقیقه آخر، تیم خودتان را به عقب نشینی هدایت کردید؟ این چه تاکتیکی بود؟ کارشما یک اشتباه بزرگ بود زیرا ممکن بود هر آن گل مساوی را بخورید که جبران آن مشکل و یا حتی غیرممکن بود. ما از شما یک بازی هجومی می خواهیم، حتی اگر ۴ گل جلو باشیم. شانس آوردیم که گل نخوردیم ولی بعضی وقت ها شانس همراه آدمی نیست. از شما انتظار این نوع بازی کردن را نداشتیم. در چنین مواقعی شما باید هجومی تر بازی کنید تا گل های بیشتری بزنید. یک گل، نشانه پیروزی نیست و فقط دل هوادار می لرزد و به او استرس وارد می شود. شما عمل پرس را خیلی خوب انجام می دادید. چرا این کار را کنار گذاشتید؟ پرس کردن نفس تیم مقابل را می گیرد.

بهمن عاشوری - خشکبجار

اوج

سلام. پیشاپیش سال نور به کلرکنان مجله قدیمی کشورمان تبریک می گویم. برای پیامک هواداران، حداقل یک صفحه اضافه کنید. از چاپ عکس های زنده یادان بهنام جلوه و جعفر کلاشانی تشکر می کنم. واقعا هر وقت استقلال در اوج قرار داشته، تیم ملی هم در اوج بوده است. مگر علی پروین در ترکیب تیم ملی ۶ بازیکن نداشت؟

یکی از خوانندگان

موفق

سلام. تیم استقلال همیشه در استفاده از بازیکنان سرعتی و تکنیکی موفق بوده و ولی در چند سال اخیر به خاطر اینکه هافبک های چپ و راست در دست کار نمی کنند، نتیجه نگرفته است و تیم ملی هم به خاطر همین مسئله موفق نبود.

یکی از خوانندگان

تسلیت

سلام. ما هواداران از رفتن ارسلان مطهری خیلی ناراحت شدیم. کاری از دست ما هواداران بر نمی آید. در گذشت علی خان محمدی را به جامعه ورزشی والیبال تسلیت می گویم. باتشکر از مجله شما.

رحیمی

فوش یمن

ما هنوز امکانات ورزشگاه هایمان مثل کیفیت زمین و نورافکن ها کامل نیست ولی کارشناسان از

تعداد زیادی از خوانندگان محترم کیهان ورزشی پیشاپیش فرارسیدن سال جدید را به همکاران ما تبریک گفته اند. ضمن تشکر از این عزیزان، ما نیز به نوبه خود به تمام مردم ایران تبریک گفته و برای آنها سالی سرشار از سلامتی و شادی آرزو می کنیم.

محمد والتر زنگا

این چه کاری است ای خدای شهر و ده

فرق ها بود این گره را زان گره



در روز هشتم اسفندماه ۱۴۰۲ در فومن و به طور اتفاقی سید محمد موسوی را دیدم که در دوران فوتبالش ملقب به "محمد والتر زنگا" بود. او به خاطر مطلبی که در مورد تیمور عارفی در کیهان ورزشی نوشته بودم ابراز لطف کرد.

سید محمد سابقه بازی در تیم های پوریای ولی، پاس، سجاد، منتخب فومن و استقلال رشت را دارد. او یک دروازه بان خوش قد و قامت و قابل اتکا در دو دهه ۶۰ و ۷۰ بود. خانه پدری او در نزدیکی زمین فوتبال فومن قرار داشت و از این روز دوران نوجوانی سر نوشت وی با فوتبال گره خورد.

او در زمان جوانی بسیار ورزیده و سرحال و محکم بود و تسلط بر توپ های هوایی از ویژگی های مثبت دروازه بانی وی بود.

هواداران فوتبال فومن برای تشویق و ستایش او به وی لقب "محمد والتر زنگا" داده بودند. اوعباس محمدراده را "بهترین مربی" می داند که با او کار کرده است. در ضمن سعید شفیع پور، دروازه بان بی نظیر تاریخ فوتبال فومن را "الگوی دروازه بانی" خود در ایران می داند و والتر زنگا به عنوان "یک الگوی خارجی" یاد می کند. سید محمد، جدی را که با وی در تیم پوریای ولی همبازی بود، "بهترین رفیق" دوران فوتبالش می داند و همچنین از دست دادن عزیزان و رفقا، به خصوص حسین نظری، فوتبالیست و مربی شایسته فومن را "بزرگترین رنج" خود توصیف می کند. او در خرداد سال ۶۵ در بازی منتخب فومن و استقلال رشت بود که شوت فنی و دیدنی عادل محمودن را از زیر طاق دروازه بیرون آورد و تا دروازه تیمش بسته ماند. تلخ ترین روز او در سال ۱۳۷۳ بود که درون دروازه تیم استقلال رشت ایستاد و با وجود آنکه تیمش دو بر صفر جلو بود، سه بر دو مغلوب تیم صنعت گیلان شد.

برادر اوسیدر ضابطه عنوان دروازه بان با وی در تیم پاس فومن همبازی بود. سید محمد بعد از دوران فوتبالش، به عنوان داور، مربی دروازه بانان و پزشک به فوتبال فومن خدمت کرد.

متولیان فوتبال و ورزش فومن باید قدر دان این پیشکسوت خوشنام و پزشک شایسته باشند.

علی فومنی - رشت

منطقه بازی می کند و در صورتی که هواداران و پیشکسوتان حمایت کنند و مسائل داوری و ... پیش نیاید با این بازیکنان، شایسته ترین کاندیدا برای قهرمانی است.

یکی از خوانندگان

الگو

سلام. آقایان نکونام و بهزاد غلامپور! خواهش می کنم موقع بازی ها اینقدر بالا و پایین نبرید. این حرکات در روحیه ما هواداران تأثیر زیادی دارد. از مرحوم پورحیدری الگو بردارید. آقا بهزاد! شما الان نزدیک ۵۵ سال سن دارید. از این شادی های بعد از گل دست بردارید. باید تعصب خود را بعد از هر گل با آرامش و شادی درست نشان دهید. به خاطر اینکه جنابعالی مدتی روی نیمکت پرسپولیس حضور داشتید، در رسانه ها گفته شد که با دکتتر خطیر قهر هستید.

یکی از خوانندگان

تیم ملی انتقاد می کنند و از میزبانی بازی های آسیایی می گویند و اینکه حق ما را خورند. ورزشگاه غدیر برای ما استقلالی ها خوش یمن نیست.

افضلی - شهرکرد

منتظر

ما منتظر دعوت خانم فصیحی به مسابقات دوومیدانی و نیز دعوت از هوادار ۱۲ ساله رامهرمزی برای بازی شهر آورد هستیم.

جمعی از دوستان و لرها با غیرت - دهدشت (یاسوج)

مدیران

سلام. به جای جذب بازیکن خارجی باید مدیران کار بلد خارجی وارد کرد.

علی احمدی مقدم - بندر انزلی

منطقه

تیم پرسپولیس با حضور اوسمار بسیار دلنواز و



شعر خوانندگان

بهاران فچسته باد

در بهاران یاد یاران خجسته باد
آب روان و قزل در چشمه ساران خجسته باد
طبیعت را بنگرید آنچه می بینید
جام و هستی عشق و مستی خجسته باد
مبارک باشد بر شما عزیزان
عید نوروز باستانی خجسته باد
دوستان و عزیزان بوی بهار می آید
دشت و صحرای خوش می گیرد
گل و چشمه در این فصل وصال یار می گیرد
داود حتم پور خامنه (امیدی) - (علی آباد کتول) (استان گلستان)

- سلامت و پایدار باشید .

صبر

سلام . به خانواده محترم و لی نژاد ، به خاطر از دست دادن دختر دو چرخه سوارشان تسلیت می گویم . من احساس آن خانواده را درک می کنم . خواهر خودم بر اثر سوختگی در بیمارستان امام موسی کاظم (ع) در اصفهان فوت کرد . به مدت ۱۱ شب خودم تا لحظه آخر در کنار خواهرم بودم . هنوز آثار روحی این حادثه در من باقی مانده است . خداوند به این خانواده و خانواده های ملیکا و نوجوانان بسکتبال صبر بدهد . برد پرسپولیس مقابل فولاد را به هواداران تبریک می گویم . با تشکر از مجله خوبتان .

رستمی - خوزستان
- خداوند روح آن عزیز را شاد کرده و به خانواده بزرگوارش صبر و شکیبایی عنایت فرماید .

خوشمالی

سلام . جناب مدنی ! فرارسیدن عید سعید باستانی را پیشاپیش خدمت شما تبریک عرض می کنم . امیدوارم بازیکنان پرسپولیس با برد دربی باعث خوشحالی هواداران و سربلندی سرمربی بی ادعای فنی معتقد و باشخصیت خود شوند .

مرندی

- سپاس . سلامت و شاد باشید .

گوشزد

با سلام خدمت جناب مدنی و تمام زحماتشان مجله وزین کیهان ورزشی . فرا رسیدن نوروز ۱۴۰۳ را تبریک عرض می کنم و آرزوی سلامتی و توفیقات روز افزون برای شما و همکارانتان دارم . کیهان ورزشی در ۶۹ سال حیات خود همیشه نشان داده که دلسوز ورزش ایران است و با انتقادات سازنده خود مشکلات را گوشزد کرده است . امید است کیهان ورزشی در سال جدید هم مثل سالیان گذشته با قدرت به فعالیت خود ادامه دهد و شما هم بتوانید به یاری خدا یک مجله پربار و خواندنی را تقدیم خوانندگان عزیز کنید . با تشکر فراوان از زحمات شما .

بهراد جمشیدی - شهرکرد

- از بابت نکته هایی که اشاره کرده اید ، ابتدا خدا را شاکریم و بعد هم از شما خوانندگان گرامی و فهیم که بزرگترین حامی کیهان ورزشی بوده اید ، تشکر می کنیم . ان شاء... خداوند بزرگ توفیق دهد تا در مسیر رضایت خودش و پاسداری از منافع ملی و خدمت به خوانندگان شریف و بزرگوار ، حرکت کنیم و مجله ما هر شماره و هر سال بهتر از شماره قبل و سال قبل باشد . سرافراز باشید .

کارهای حرفه ای خود را فراموش نکنند . یامگا باعینک مخصوص خودش به ورزشگاه می آید . ما هواداران از بازیکنان چنین رفتارهای حرفه ای را می خواهیم تا در دل ما جا بگیرند . به خاطر همین است که هواداران از مصدومیت او ناراحت هستند . قربان شما بروم که به ما روحیه می دهید .

یکی از خوانندگان

استرس

سلام . آقای قلعه نویی از نظر مدیریت قوی است ولی از لحاظ فنی ضعیف عمل می کند ، مخصوصاً در بازی های مهم و حساس . زمانی که او سرمربی استقلال بود بیشتر بازی های شهر آورد ، مساوی می شد . او استرس دارد و همه اش در حال آب خوردن است . همانطور که شما در باره فرگوسن گفته بودید ، بعضی از مربیان به خاطر استرس ، آدامس یا سیگار را انتخاب می کنند . با آرزوی سلامتی برای هوادار راهبردی استقلال و دوستان مرحوم ملیکا و بسکتبالیست ها . امیدوارم خاتم فصیحی به آرزویش برسد . ممنون از مجله خوب شما .

یکی از خوانندگان

پر افتخارترین

سلام . در بین تیم های اروپایی تیم ملی آلمان با ۳ قهرمانی در جام جهانی و ۳ قهرمانی در جام ملت های اروپا پر افتخارترین تیم قرن بیستم است .

مسعود ساعدی - تهران

سوال

سلام . فصل ۱۳۷۷ - ۱۳۷۶ که طولانی ترین لیگ فوتبال ایران بود در چه تاریخی شروع شد و چه تاریخی به پایان رسید ؟ چرا در آن فصل جام حذفی برگزار نشد ؟

مسعود خوانساری - تهران

VAR

سلام . چرا هنوز از VAR در لیگ ایران استفاده نمی شود ؟

مسعود صانعی - تهران

عالی

سلام . تیم استقلال با آمدن ملشار پیوف عالی شده است . امیدوارم او در کنار بازی خویش مثل یامگا

گپ و گسفت با سردبیسر

گران

سلام . لطفاً مجله را در سال جدید گران نکنید . قیمت مجله با توجه به چاپ و کاغذ زیاد است . ما منتظر ویژه نامه نوروزی هستیم . من حدود ۴۰ سال است که خواننده کیهان ورزشی هستم .

ناصر رحمانی - تهرانپارس

ناصر خان ، ویژه نامه الان در دست شماست . امیدواریم که بپسندید . درباره افزایش قیمت هم مسئولان موسسه تصمیم می گیرند و مدیریت کیهان ورزشی بکار بیشتر ندارد اما

تلاش می کنیم اتفاقات طوری رقم بخورد که نه سیخ بسوزد و نه کباب ... ان شاء...

شگفت زده

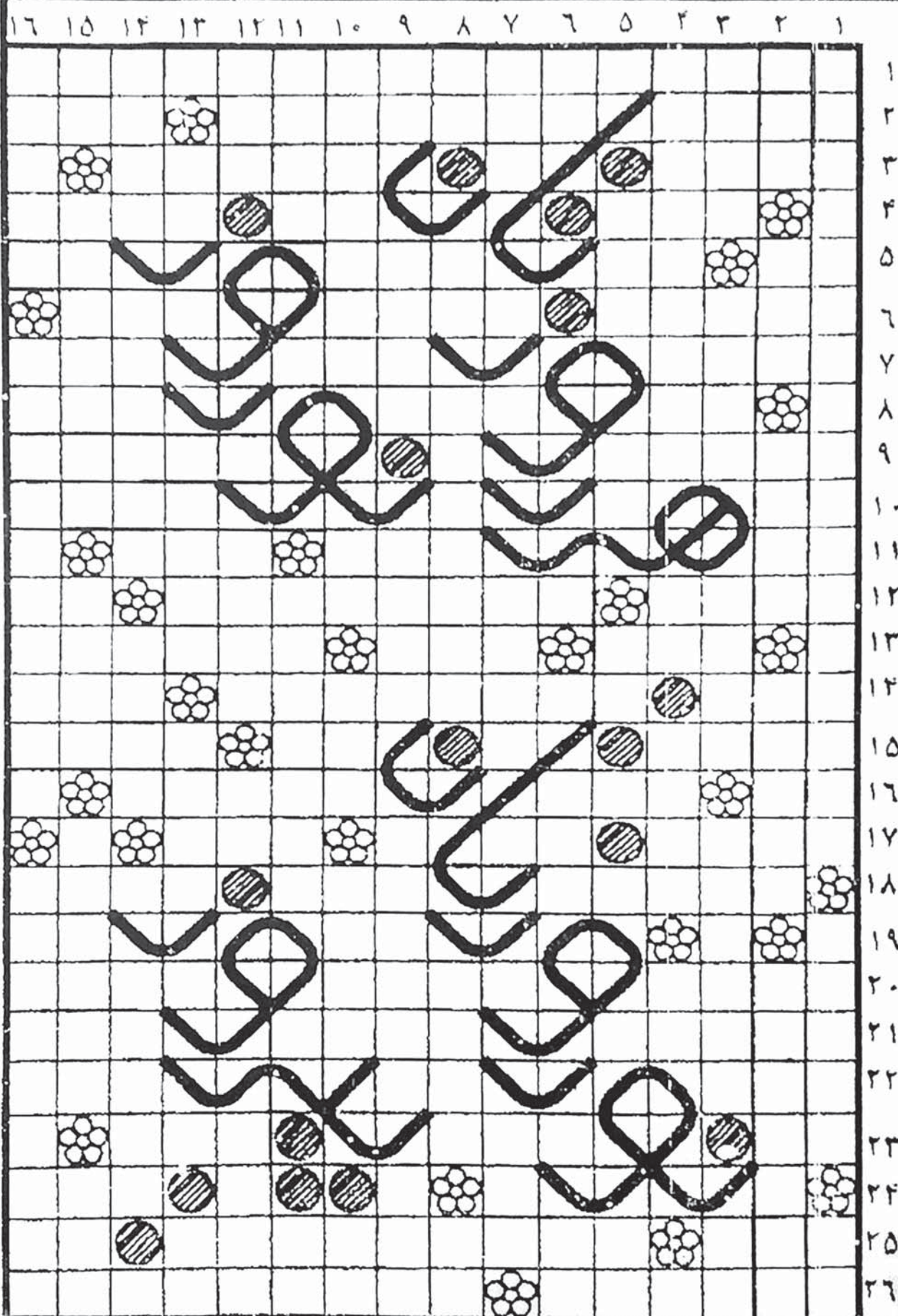
سلام . فرارسیدن سال ۱۴۰۳ را پیشاپیش به استاد مدنی و همکاران محترم تان تبریک عرض می کنم . امیدوارم در سال جدید اتفاقات خوبی در مجله کیهان ورزشی رخ دهد . مجله در نیمه دوم امسال بایک سری مطالب پربار و جالب متحول شد اما نمی دانم چرا دوباره به سبک سابق برگشتید که از نظر من جالب



■ مهدی مهدی پور ، مهرداد محمدی و امید عالیشاه ، بازیکنان استقلال و پرسپولیس پیش از شهرآورد ۱۰۳ برای خوشحال کردن کودکان سرطانی به عیادت آنها رفتند



- ۱ - پیشاپیش بهار طبیعت آن
- بر همه هموطنان عزیز و به ویژه بر خوانندگان گرانقدر کیهان ورزشی
- ۲ - خجسته باد ۲ - دختر شرق گیلانی
- سرمربی مس رفسنجان - آسمان
- ۳ - مهره‌ای قدرتمند در عرصه شطرنج
- از اسامی درهم ۴ - بی چیز و فقیر
- قورباغه درختی - کشیده و پیوسته
- ۵ - من و شما - خط کش هندسی
- شرکت ژاپنی سازنده بازیهای
- ویدئویی و نرم افزار - خوردنی حرام
- ۶ - شهر فوتبالخیز خوزستان - تاریخ
- نگار - باطل و رد کردن ۷ - شهری در
- شرق اصفهان - مایع بی رنگ، شفاف
- و فرار - مبارزه و ستیز ۸ - جانشین
- ضمیر غایب - محصول فصل زمستان
- گلزن قدیمی شاهین و استقلال ۹
- جمهوری تازه استقلال یافته - نام
- مهاجم ایرانی باشگاه رم ۱۰ - اشاره
- به دور - هنرپیشه زن سینمای کره
- جنوبی ۱۱ - پسرپچه رشتی - از
- اعمال گناهان کبیره - با "لند"
- بیاید سرزمین شادی ها می‌شود
- ۱۲ - نوعی بیماری - شخصیت بارز
- و شاخص و فقید کشتی ایران در دنیا
- که اخیرا از دنیا رفت - هواپیمای
- عجول ۱۳ - اتومبیلران فقید -
- برترین بوکسور قرن گذشته - کشور
- آفریقایی و هم مرز با دریای سرخ
- ۱۴ - گلزن باشگاه میامی آمریکا
- نماینده مردم انزلی در مجلس -
- خانه راهبه ۱۵ - نوازنده - پول کره
- اتومبیل ساخت شرکت سایپا ۱۶ -
- ضمیر سومین شخص - بزرگترین
- ضلع مثلث قائمه - آرام کردن
- ۱۷ - والیبالیست بازنشسته - معاون
- هیتلر - اسب چاپار ۱۸ - مهاجم
- اسبق هما و استقلال - صدویازده
- کشتی گیر ملی پوش، قدیمی و
- مدال آور بندرگز ۱۹ - سخن و گفت
- و گو - حرف فاصله ۲۰ - ساز محبوب
- مردم جنوب - بی خبر از پیاده - چاه
- معروف مسجدالحرام ۲۱ - تیم ملی
- شاخص فوتبال جهان - پهلوانان -
- رئیس جمهور سر و ته زده یانکی ها
- ۲۲ - به سهام خاخن نمی رسد - از
- عوامل پیشرفت! - یکی از پیامبران
- اولوالعزم ۲۳ - سنگریزه - عملی در
- کشاورزی - توپچی اسبق تیم ملی
- انگلیس ۲۴ - بیماری خطرناک ۲۵ -
- وسيله و همراه همیشگی ورزشکاران
- مربی اسپانیایی لیگ برتر انگلیس
- رفوزه ۲۶ - کشتی گیر توانمند و
- موفق کشورمان - سرمربی تیم فوتبال
- شمس آذر قزوین



لالیگا - جانشین وضو - ساقی سر و ته زده ۱۴ - چهره ای بزرگ در شاهنامه فردوسی - نام آسرای یکی از خوانندگان پاپ ایران - پارسایی - لباس بانوان ۱۵ - روستای کوچکی از توابع شهر دبا الفجیره در نوار ساحلی کرانه دریای عمان از توابع امارت فجیره - خبرنگار، یار با وفا و قدیمی کیهان ورزشی از رشت که بهمن ماه امسال به درود حیات گفت - واحد اندازه گیری سطح زمین - باشگاه ایتالیایی - تیم قدیمی دیار شعر و شاعری کشورمان ۱۶ - مهاجم گلزن پرسپولیس که به لیگ ژاپن پیوست - باشگاهی در لیگ برتر بسکتبال ایران - بسکتبالیست نام آشنای کشورمان

ایوان تور کنیف - صاحب عمل صالح - موسم سرما ۸ - تعداد جزای قرآن - روشنایی - اولی برنج فروش دومی باسواد - سرمربی پرسپولیس - خاک کوزه گری ۹ - به عدد نمی رسد - تنیس باز زن و اسبق آلمان - همنشین - مربی فقید و پرافتخار فوتبال آمریکای جنوبی - هنوز مدعی نشده ۱۰ - هماهنگ و میزان - پیش درآمد آشغال - خارج ورزشی - نوعی تئاتر - حرف دهن کجی ۱۱ - از انواع پرتاب در دوومیدانی - باشگاه و شهری در سرزمین مائادورها - دوستی ۱۲ - قوت لایموت - مربی جوان فوتبال کشورمان - ویتامین انعقاد خون - نشریه جنجالی ورزش آلمان ۱۳ - باشگاه فراری - طرفدار صدرنشین

۱ - بر شما و تمام مسلمانان دنیا مبارک باد - بوکسور ملی پوش - یک سوم زمان یک مسابقه فوتبال ۲ - لکه یا خال رنگی روی پوست حیوانات - شهر ایرانی - تیمی از شهر آبی لیگ فوتبال ایتالیا - درجه نظامی - کودتاچی ۳ - نماینده - الهه یونان باستان - قاره "ای"، "آف"، "سی" - وسیله ای در سه ورزش گلبال، هندبال و فوتبال - پیش شماره ۴ - از قرص های ضد حساسیت - یکی از دو شریک زندگی - نوعی میکروفون یقه ای - ساز شاکی ۵ - برنده - تیر پیکاندار - نام ترکی - شکم بند ۶ - پول ژاپن - بنده - جانشین ضمیر غایب ۷ - اثری از

شرکت تعاونی خدمات آموزشی کارکنان
سازمان سنجش آموزش کشور



ثبت نام آزمون های آزمایشی جامع

تشریحی

برگزاری آزمایشی شبه امتحانات نهایی
دروس عمومی و اختصاصی پایه دهم، یازدهم و دوازدهم

با ثبت نام در آزمون های جامع به صورت رایگان در آزمون تشریحی شرکت کن

sanjesheducationgroup

صدای داوطلب ۰۲۱-۴۲۹۶۶

sanjeshserv

ثبت نام گروهی دبیرستان ها ۰۲۱-۸۸۸۴۴۷۹۱-۳

www.sanjeshserv.ir

با رایحه‌هایی
از عطرهای
روز دنیا



POWER PULSE

عطرهای ۳۰ میل

پاور پالس

